اطلاعات

چهارشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۸ - ۲۵ شعبان ۱۴۴۰ - یکم مه ۲۰۱۹ - سال نودوسوم - شماره ۲۷۲۷۰ - ۱۶ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه - تک شماره ۱۰۰۰ تومان

نماینده ولی‌فقیه در خوزستان و رئیس حوزه علمیه اهواز منصوب شدند

* حضرت آیت‌الله خامنه‌ای حجت‌الاسلام سید عبدالنبی موسوی‌فرد را به نمایندگی ولی‌فقیه در خوزستان و حجت‌الاسلام والمسلمین موسوی‌جزائری را به ریاست حوزه علمیه اهواز منصوب کردند

صفحه ۲

ادعای گوایدو درباره پیوستن بخشی از ارتش ونزوئلا به مخالفان

* وزیر دفاع ونزوئلا: ارتش همچنان به مادورو وفادار است
* هواداران و مخالفان مادورو در خیابان‌های کاراکاس تجمع کردند
* سخنگوی وزارت خارجه ایران: آشوب نمی‌تواند راه حل مشکلات ونزوئلا باشد

صفحه ۱۶

رئیس‌جمهوری در آیین قدردانی از کارگران نمونه:

اجازه نمی‌دهیم مردم در فشار باشند

قدرت دولت در سایه افزایش تولید کارگران است



* هر چه تولید افزایش یابد، مردم در رفاه قرار می‌گیرند و قدرت اقتصادی بیشتری خواهیم داشت
* کارگران با تلاش در عرصه تولید و افزایش صادرات غیرنفتی در خط مقدم مقابله با تحریم‌های آمریکا هستند
* هر واحدی که ظرفیت تولید خود را توسعه دهد بیشتر از منابع صندوق توسعه بهره‌مند می‌شود
* هر جا به دنبال خودکفایی برویم، بدان معنی است که ارزش پول ملی افزایش یافته است
* اجازه نخواهیم داد تصمیم آمریکا برای رساندن صادرات نفت ایران به صفر عملی شود
* آمریکایی‌ها در ماه‌های آینده متوجه می‌شوند که صادرات نفت خود را ادامه خواهیم داد
* به وزرای صنعت، کار و کشاورزی اعلام می‌کنم بازسازی همه مراکز تولیدی، بنگاه‌ها و مراکز دامپروری و کشاورزی خسارت‌دیده در مناطق سیل‌زده اولویت دولت است
* وزارت کار باید از امروز برای مشاغل در ۱۰ سال آینده برنامه‌ریزی داشته باشد

صفحه ۴

مأموریت رئیس‌جمهوری به ۴ وزیر برای مقابله با گرانفروشی

* روحانی به وزرای صنعت، معدن و تجارت، جهاد کشاورزی و کشور دستور داد تا به منظور کنترل و نظارت بر قیمت کالاها و خدمات، اقدامات لازم و مؤثر را در توزیع، عرضه و فروش کالاها با قیمت مناسب به عمل آورند
* رئیس‌جمهوری به وزیر دادگستری دستور داد سازمان تعزیرات حکومتی با گرانفروشان برخورد کند

صفحه ۲

جهانگیری: لکه ننگ فساد باید از دامان جمهوری اسلامی برچیده شود



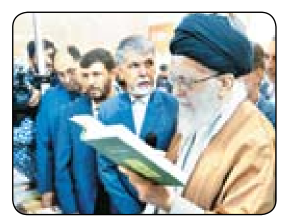
* معاون اول رئیس‌جمهوری در جلسه ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی: باید به گونه‌ای عمل شود که دیگر شاهد تکرار بابک زنجانی‌ها نباشیم
* باید کمیته‌ای تشکیل شود و متولی شناسایی و رفع نقاط ضعف و گلوگاه‌هایی باشد که به ایجاد فساد می‌انجامد
* با وجود همه حساسیت‌ها و تأکیدات، فساد در کشور توسعه یافته است
* دادستان عمومی و انقلاب تهران: متأسفانه برخی تصمیمات اشتباه در ایجاد مفاسد نقش مؤثر و جدی داشته‌اند
* رئیس سازمان اطلاعات سپاه: حجم پولی اقدامات و تلاش‌های ما در مبارزه با مفاسد اقتصادی در سال گذشته بیش از ۳ میلیارد دلار بوده است
* وزیر اقتصاد: مقررات واگذاری اموال دولتی به بخش خصوصی به زودی مورد تجدیدنظر اساسی قرار خواهد گرفت

صفحه ۴

تائید هویت رأی‌دهندگان انتخابات مجلس الکترونیکی می‌شود

* سخنگوی وزارت کشور از ثبت‌نام نامزدهای انتخابات یازدهمین دوره مجلس از ۱۰ تا ۱۶ آذرماه خبر داد
* سامانی: مجلس این اجازه را به دولت داده است که در صورت هماهنگی با شورای نگهبان و آماده‌بودن شرایط، انتخابات را به صورت الکترونیکی برگزار کند
* مدیرانی که قصد دارند برای حضور در انتخابات کاندیدا شوند، تا ۱۶ خرداد فرصت دارند از سمت خود استعفا کنند

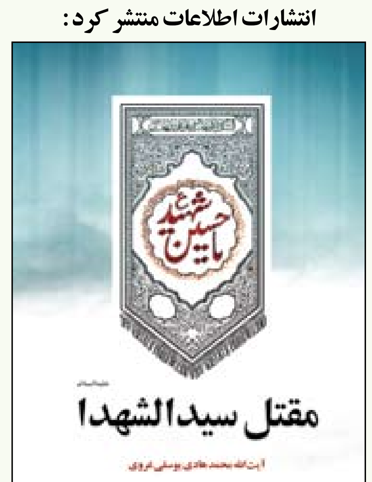
صفحه ۲











یادداشت

تماشای جولان دلالان؟!

فتح الله آملی

به این خبرها توجه کنید:

ـ در جلسه کمیته خودرو بر این نکته تأکید شد که هرگونه افزایش قیمت خودروهای تولیدی، هیچ دلیل اقتصادی ندارد زیرا تولید و تحویل خودروها بر اساس برنامه ادامه دارد و مردم به جوسازی دلالان در فضای مجازی توجه نکنند. بر اساس تصمیم این کمیته کسانی که قصد خرید محصولات ایران‌خودرو و سایپا را دارند می‌توانند با شرایط اعلام شده اقدام به خرید کنند.

ـ در حال حاضر تعهدات دو شرکت ایران‌خودرو و سایپا در سال ۹۷ و یک ماهه امسال، ۷۸۰ هزار دستگاه است.

ـ بسیاری از مشتریان اعلام می کنند که وقتی سایت فروش باز می‌شود در عرض چند دقیقه بسته شده و اعلام می‌شود که ظرفیت تکمیل شده است لذا معلوم نیست به چه شکلی باید ثبت‌نام کنیم و چرا مشتریان واقعی کمتر موفق به ثبت‌نام از این طریق می‌شوند..

بر اساس برخی گزارش‌ها قیمت برخی خودروهای داخلی در فاصله چند روز بین ۱۵ درصد تا ۲۵ درصد در بازار بالا رفته و همین عامل باعث شده است تا نقدینگی فراوانی به این سمت هدایت شود.

ـ دولت اعلام کرده است که به خودروسازان مجوز ده درصد بیشتر فروش فوری داده شده است تا بازار تنظیم شود... اینها که در بالا آمد بخشی از خبرهای فراوان و داغی است که این‌روزها درباره خودرو شنیده می‌شود. ظاهراً کنترل این بازار هم از دست همه در رفته است اما ریشه ماجرا چیست؟ چرا این تفاوت قیمت قابل توجه بین قیمت رسمی و بازار آزاد به وجود آمده و هر روز هم این بازار آشفته‌تر می‌شود؟

اگر یادمان باشد سال گذشته که شاهد رشد قیمت بودیم با وجود هشدارهای تولیدکنندگان داخلی، اجازه افزایش قیمت داده نشد و در نتیجه هزاران میلیارد تومان ارزش افزوده برای واسطه‌ها و دلالان ایجاد شد، اما از این هزاران میلیارد تومان، تولیدکننده به دلیل سرکوب قیمتی نصیبی نبرد و دچار زیان انباشته و عقب‌افتادگی در پرداخت به صنعت قطعه‌سازی و تعدیل نیرو در این بخش گردید. نتیجه این کشاکش بین دولت، ستاد تنظیم، سازمان حمایت و بالاخره نهادهای کنترل قیمت و خودروساز این شد که پس از چند ماه آسیب به زنجیره تولید، با تعدیل قیمت موافقت شد، اما کاملا معلوم بود که نوشدارو پس از مرگ سهراب است و کاهش تولید سرانجام کار دست مردم می‌دهد.

نتیجه آن شد که تولید خودرو در سال ۹۷ در مقایسه با سال قبل از آن حدود ۴۰ درصد کاهش یابد و با توجه به ممنوعیت واردات اتومبیل کاملا مشخص بود که بحران در راه است و با این وضعیت تولید داخلی نمی‌تواند نیاز بازار را برطرف کند، اما این یک بخش ماجراست. بخش دیگر ماجرا برمی‌گردد به هجوم نقدینگی به این بخش که با توجه به نقدینگی بالای موجود و شتاب قیمتی این بازار و سود بالای واسطه‌گری و دلالی در این حوزه در سایه تماشاگری و بی‌تفاوتی مقامات و دولت و ارزش افزوده بالای ایجاد شده، خودرو که می‌رفت تا به یک کالای مصرفی بدل شود به یکباره تبدیل به یک کالای سرمایه‌ای پربازده شود که مرتب تقاضا را در این بخش بالا ببرد. حال هرچه دولت بخواهد از طریق فشار به کارخانه‌ها به کنترل این آشفته‌بازار بپردازد ره به جایی نخواهد برد. چون هرچه وعده پیش‌فروش و یا امکان خرید ایجاد کند دلال و واسطه، خریدار است و این عطش قابل کنترل نیست. زیرا ظرفیت تولید امکان پاسخگویی به تقاضا را ندارد و هر اقدام غیرعلمی و غیراقتصادی مداخله‌جویانه‌ای، آتش بر این عطش خواهد افزود.

اما در پس و پشت این ماجرا که بسیار نیازمند دقت و هوشیاری و مراقبت است گرفتن ماهیهای درشت از این آب گل‌آلود توسط صحنه‌گردانان واردات خودرو است که چنان بر این التهاب بیفزایند که دولت را مجبور به عقب‌نشینی کنند تا واردات خودرو را آنهم حتی با برداشتن تعرفه وارداتی آزاد اعلام کند کاری که کاملا با توجه به روند تغییرات قیمتی و التهابات ایجاد شده و نگرانی مردم از این تورم لجام گسیخته در این بخش چندان بعید نیست، چراکه حال هم دولت جز تشکیل جلسه و صدور بخشنامه و دادن وعده و نصیحت و هشدار بی‌اثر و بی‌اقدام عملی، کار دیگری صورت نمی‌دهد و به ایفای نقش تماشاچی مشغول است.

کوته سخن آنکه اگر می‌خواهیم در این کشور تولید رونق بگیرد باید هزینه‌های تولید کم و ریسک آن پائین بیاید و هزینه‌های ورود سرمایه به بخش دلالی و رانتی و واسطه‌گیری که در حال حاضر تقریباً نه تنها بی‌خطر و بی‌هزینه بلکه بسیار پربازده و پرسود است افزایش یابد که با وضعیت موجود چندان نشانه‌های امیدوارکننده‌ای در این بین دیده نمی‌شود و تا زمانیکه اقتصاد کشور به دست دلالان و رانت‌خواران باشد تولیدکننده غریب و مهجور و نادم و بی‌انگیزه خواهد ماند. شما را به خدا برای اصلاح این اوضاع آشفته ضد تولیدی، فکری بکنید و تدبیری به خرج دهید.

به‌عنوان حسن ختام این مقال توجه به بخشی از بیانیه گام دوم انقلاب در مبحث هشدارها و توصیه‌ها خالی از لطف نیست:

راه‌حل مشکلات اقتصادی کشور سیاستهای اقتصاد مقاومتی است که باید برنامه‌های اجرایی برای همه بخشهای آن تهیه و با قدرت و نشاط‌کاری و احساس مسئولیت در دولتها پیگیری و اقدام شود. درون‌زایی اقتصاد کشور، مولدشدن و دانش‌بنیان شدن آن، مردمی‌کردن اقتصاد و تصدی‌نکردن دولت، برون‌گرایی با استفاده از ظرفیت‌ها، بخشهای مهم این راه‌حلهاست...

توضیح درباره یادداشت «محک»

در یادداشت دیروز محک نوشته فرهیخته ارجمند جناب دکتر قاسم‌زاده دو اشکال تایپی وجود داشت که اصلاح می‌شود.

در پاراگراف اول «جریان آشکار شده فساد» به اشتباه «جریان آشکار شده فشار» درج شده بود.

در پاراگراف سوم جمله «وقتی یکباره اعلام شد که ظریف با شبکه مشهور فاکس‌نیوز مصاحبه کرده است» واژه یکباره به اشتباه «یک‌بار» درج شده بود.

بدین‌وسیله از نویسنده ارجمند و خوانندگان محترم پوزش می‌خواهیم.

مأموریت رئیس جمهوری به ۴ وزیر برای مقابله با گرانفروشی

حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی به چهار وزیر کابینه دستور داد تا اقدامات لازم و موثر در زمینه توزیع کالاها و مقابله با گرانفروشی انجام شود.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دولت، رئیس جمهوری به وزرای صنعت، معدن و تجارت، جهاد کشاورزی و کشور دستور داد تا به منظور کنترل و نظارت بر قیمت کالاها و خدمات، اقدامات لازم و موثر را در توزیع، عرضه و فروش کالاها با قیمت مناسب به عمل آورند.همچنین حسن روحانی به وزیر دادگستری دستور داد تا سازمان تعزیرات حکومتی با گرانفروشان مطابق با قوانین و مقررات برخورد کند.

معاون وزیر کشور: مشکلات کارگران باید پیش از بحرانی شدن، رفع شود

معاون امنیتی انتظامی‌وزارت کشوربا تاکید بر این که مشکلات صنفی و کارگری همچنان جزواولویت‌های ماست، گفت: مشکلات کارگران پیش از آنکه صدای آنها درآید و به خیابان بیایند، باید رفع شود و باید رسیدگی کنیم تا مطالبات حقیقی کارگران تحقق یابد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی وزارت کشور، حسین ذوالفقاری در همایش معاونین سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداری‌های سراسر کشور با اشاره به تلاش آمریکا برای ناامن سازی ایران گفت: سال ۹۷ از لحاظ اقدامات یک جانبه‌ای که توسط آمریکا صورت گرفت، سال بسیار ویژه ای بود؛ آمریکایی‌ها از اردیبهشت سال گذشته در یک طراحی زمانبندی شده با اقدامات مختلف از جمله خروج از برجام، مقابله با فروش نفت ایران و تحریم سپاه پاسداران تلاش‌هایی را برای نا امن سازی ایران انجام دادند که البته از مردم و مسئولین نیز پاسخ کوبنده‌ای گرفتند.

ذوالفقاری گفت: سال گذشته ده‌ها گروه تروریستی طراحی شده بودند تا اوضاع کشور را به هم بریزند. البته اقدام تروریستی با حمله انتحاری متفاوت است. همانطور که می‌دانید اقدام انتحاری از لحاظ امنیتی کار شاقی نیست، اینکه به اتوبوس نظامیان ما انتحاری بزنند و فرار کنند از همین نوع است .وی با بیان این که مردم نسبت به امنیت حساس هستند و واکنش نشان می‌دهند گفت: در نظرسنجی هایی که انجام شد در بین شاخص‌های مختلف رضایت مردم از امنیت در بالاترین درصد در بین نظرات بوده و این دستاورد کمی‌نیست.معاون امنیتی و انتظامی‌وزارت کشور همچنین به جرائم عمومی‌و نزاع‌ها اشاره کرد و گفت: شورای تأمین استان‌ها باید نگاه ویژه ای به این جرائم به ویژه جرائم خشن و اقداماتی که موجب احساس نا امنی در جامعه می‌شود داشته باشند و موارد این چنینی را سریع پیگیری و از ظرفیت‌های محلی و فرهنگی برای کاهش این مسائل مهم استفاده کنند.ذوالفقاری با اشاره به جرائمی‌که در فضای مجازی شکل می گیرند گفت: جرم در فضای مجازی و واقعی تفاوتی ندارد و در هر دو شرایط، جرم است. شورای تامین استان‌ها باید عنایت ویژه به فضای مجازی داشته باشند و کمیته خاصی را برای رسیدگی به این نوع جرایم در نظر بگیرند.

وی افزود: جرم در فضای مجازی رو به افزایش است و درباره قتل یک روحانی در همدان که اخیرا اتفاق افتاد، اگرچه مجرم ردیابی شد اما شاهد بودیم که چه گستاخی هایی در فضای مجازی رُخ داد.ذوالفقاری به مساله دسترسی به سلاح‌های گرم غیرمجاز اشاره کرد و گفت: مبارزه با حمل، نگهداری و خرید و فروش باید به طور جدی در دستور کار قرار گیرد و نسبت به جمع آوری سلاح غیر مجاز اقدام شود. او ادامه داد: در استان‌های مرزی باید به مسائل امنیتی بیشتر توجه شود و کنترل و انسداد کامل مرزهای شرقی در سال جاری به طور جدی در دستور کار قرار داشته باشد.

با حکم رهبر معظم انقلاب

نماینده ولی‌فقیه در خوزستان و رئیس حوزه علمیه اهواز منصوب شدند

حضرت آیت الله خامنه‌ای در احکام جداگانه‌ای حجت‌الاسلام سید عبدالنبی موسوی‌فرد را به نمایندگی ولی‌فقیه در خوزستان و امامت جمعه اهواز و حجت‌الاسلام والمسلمین موسوی‌جزائری را به ریاست حوزه علمیه اهواز منصوب کردند.

متن احکام رهبر انقلاب اسلامی‌به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

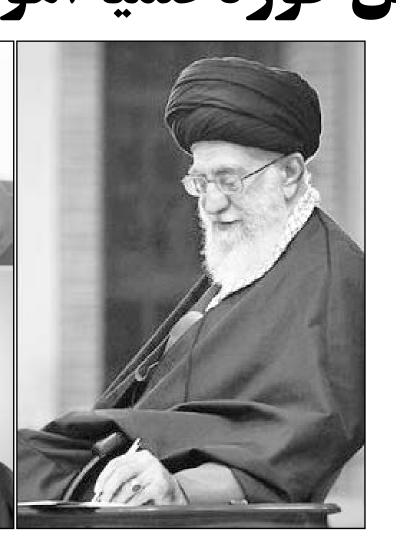
جناب حجت‌الاسلام آقای سید عبدالنبی موسوی‌فرد دامت افاضاته

اکنون که جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای جزائری پس از سالها خدمت با ارزش در سنگر امامت جمعه‌ی اهواز از این مسئولیت انصراف داده‌اند جنابعالی را که بحمدالله متّصف به علم و عمل و خصوصیات شایسته و روحیه خدمت و گرایش مردمی‌می‌باشید و آزمون نیکوئی را در عرصه‌ی امامت جمعه و جماعات گذرانیده‌اید به نمایندگی خود در خوزستان و امامت جمعه‌ی اهواز منصوب می‌کنم. شهر مقاوم اهواز و مردم وفادار و فداکار آن استان با شرافت و عزّت در همه‌ی حوادث مهم پس از انقلاب اسلامی، آزمونی درخشان را گذرانیده و عناصر فداکار و شجاعی از آن سر برآورده‌اند.

این منطقه‌ی حساس در مقابله‌ی نظامی‌با متجاوزان، و در ایستادگی بر هویت ملی، و در مواجهه با بلایای طبیعی، بطور یکسان، صلابت و قدرت نشان داده و از حوادث، سربلند بیرون آمده است.

نمازجمعه که مظهر تجمع متحد مؤمنان است همواره باید این خصوصیات برجسته را نمایندگی کند و آنها را زنده بدارد. ارتباط صمیمانه با جوانان و همفکری با علمای حوزه و دانشگاه و همکاری با مسئولان دولتی و فعالان و اثرگذاران اجتماعی توصیه‌های دیگر اینجانب است.

توفیقات شما را از خداوند متعال مسألت می‌نمایم.







سیّدعلی خامنه‌ای

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت مستطاب حجت‌الاسلام والمسلمین فقیه بزرگوار جناب آقای موسوی جزائری دامت‌برکاته

اکنون که جنابعالی پس از سالها حضور پربرکت و خدمات همه‌جانبه در سنگر امامت جمعه‌ی اهواز از ادامه‌ی این مسئولیت اعلام انصراف نموده‌اید، لازم دانسته می‌شود که برکات حضور آن‌جناب در آن شهر پر افتخار و در میان مردم عزیز و وفادار آن ادامه یابد و همانطور که جهات گوناگون علمی‌و اجتماعی و سیاسی در آن شهر و استان مقاوم و حسّاس در طول سالیان متمادی از هدایت و درایت جنابعالی بهره‌مند شده‌اند، از این پس هم همگان مشمول این نعمت خداوندی باشند. مستحضرید که اهواز و تعدادی دیگر از شهرهای آن استان در گذشته‌های دور و نزدیک اقامتگاه فقهاء برجسته بوده‌اند و مرحومان آیات‌الله حضرت آقای سیدعلی بهبهانی و حضرت آقای سید محمدجعفر جزائری مروّج و حضرات آقایان کرمی‌و برخی بزرگان دیگر نمونه‌هائی در دهه‌های اخیر می‌باشند، و هم‌اکنون نیز آن خطه بحمدالله برخوردار از محضر علمای اعلام است، از این‌رو حوزه‌ی علمیه‌ی اهواز را باید به دیده‌ی اهمیت نگریست. لذا مقتضی می‌دانم که آن‌جناب همچنان سکونت در اهواز را ادامه داده و ضمن کمک به امام جمعه‌ی محترم و دیگر مسئولان و امور اجتماعی آن مردم غیور و وفادار، ریاست حوزه‌ی علمیه را عهده‌دار گردید و رونق مضاعف به تربیت طلاب و فضلا داده و از ظرفیت علمی‌علمای محترم برای اعتلای آن حوزه استفاده نمایید.

توفیقات روزافزون جناب‌عالی را از خداوند متعال مسألت می‌نمایم.

والسلام علیکم و رحمه‌الله

سیّدعلی خامنه‌ای

دیدار رئیس بنیاد شهید با خانواده استاد مرتضی مطهری

نماینده ولی فقیه، معاون رئیس جمهوری و رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران در آستانه سالگرد شهادت استاد مرتضی مطهری و روز بزرگداشت معلم با همسر و خانواده شهید مرتضی مطهری دیدار و گفتگو کرد.

به گزارش ایسنا، حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمدعلی شهیدی در این دیدار با بیان خاطراتی از شهید استاد مرتضی مطهری گفت: شهید مطهری حق بزرگی به گردن ملت ایران دارند و جایگاه ایشان همیشه در قلب علاقه‌مندان اسلام ناب محمدی (ص) است و مردم در روز معلم یاد ایشان را گرامی می‌دارند و همیشه و در همه جا از این استاد به بزرگی یاد می‌شود و قطعاً شهید مطهری در تاریخ یکی از شخصیت‌های جاویدان است.

نماینده ولی فقیه در بنیاد شهید و امور ایثارگران با اشاره به خدمات شهید مطهری به انقلاب اسلامی خاطرنشان کرد: زمانی که در کمیته استقبال امام خمینی فعالیت داشتیم شاهد خدمات این شهید بزرگوار بودیم که با متانت و نفوذ کلام خود، تأثیر بسیار زیادی در اذهان مردم گذاشتند و انشاءالله که خداوند ایشان را با پیامبر اعظم (ص) محشور کند.وی ادامه داد: این دیدار برای عرض تبریک و تسلیت به خانواده این شهید بزرگوار و آرزوی عافیت و سرافرازی برای آنها بود و امیدواریم خداوند متعال علو درجات را به ایشان عنایت کرده و توفیق قدردانی از شهید مطهری را نیز به همه عطا کند، امیدواریم که راه ایشان ادامه‌دار باشد و از مسیر تعیین شده این شهید برای انقلاب اسلامی منحرف نشویم.

رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران با برشمردن فضائل اخلاقی شهید مطهری گفت: از نظر اخلاقی این شهید بزرگوار بسیار خودساخته و از نظر پژوهشی بسیار سرآمد بودند. شهید مطهری در حوزه و دانشگاه نقش بسیار مهمی داشتند و همه این مسائل سبب شد دشمن وی را نشانه گرفته و این درّ گران بها را از انقلاب و مردم بگیرد.

وی با اشاره به آثار باقی مانده از شهید مطهری اظهار داشت: کتاب‌های ایشان بسیار مفید و تأثیرگذار برای مردم به ویژه جوانان است و اگرچه خود میان ما نیستند ولی تفکر، فرهنگ، زبان و بیانشان در جامعه جریان دارد.

معاون رئیس جمهوری با تبریک به همسر شهید مطهری برای تربیت فرزندانی نیکو برای انقلاب و کشور تصریح کرد: این شهید بزرگوار با فضائل اخلاقی خاص، فرزندانی نمونه از خود به یادگار گذاشتند که در کنار تربیت مادر توانستند برای کشور مثمر ثمر باشند، امیدواریم خداوند شما را برای فرزندان حفظ کند زیرا شما در خانه شهید را باز نگهداشته و ستون وحدت فرزندان هستید.

همسر شهید مطهری هم با قدردانی از حجت‌الاسلام والمسلمین شهیدی برای اقدامات ارزنده در بنیاد شهید و امور ایثارگران گفت: در گفتگو با خانواده شهدا و ایثارگران همه از اقدامات شما راضی هستند و از زحماتتان تشکر می‌کنم. در پایان این دیدار، نماینده ولی فقیه، معاون رئیس جمهوری و رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران با اهدای لوح تقدیری به همسر شهید مرتضی مطهری از ایشان تجلیل کرد.

یادداشت

شوق کتاب و نمایش فرهنگ (۳)

سید مسعود رضوی

مدیران و مسئولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بر اساس مجموعه‌ای از وظایف و تعلقات و قوانین فرهنگی که در انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ متولد شد بر سر کار آمدند تا سمت و سوی فرهنگ و هنر و کتاب و رسانه‌های مکتوب را سامان دهند و به رشد فرهنگ شتاب بخشند.

وزارتخانه به اختصار ارشاد نامیده شده و می‌شود اما ارشاد زاییدهٔ رشد و در صف فرهنگ در مقام دوم و چندم است. مقدمه و مبانی تحولات فرهنگی با وعظ و اندرز و کنترل و منع و انکار و حتی ارشاد متحقق نمی‌شود. بلکه با تعلیم و تربیت و آزادی انسانی و انتخاب عقلانی و بهکرد روش‌های دانشگاهی در پیوند است و این‌ها نکاتی است تا به مسئولان و کارمندان وزارتخانه عریض و طویلی چون فرهنگ و ارشاد اسلامی گوشزد کنیم که اگر فرهنگ و کتاب و هنر و سینما و موسیقی و ارزشهای معنوی ما دارای رشد کیفی و کمّی مناسبی نباشد پس این همه هزینه برای چیست و این همه نیرو و امکانات و ادارات و سرمایه‌ها خرج چه کارهایی شده و می‌شود.

به عبارت اخری، ممیزی و منع و کنترل، آخرین کار و کوچکترین کارهای شماست و نه مرکز اهتمام و فصل امتیاز وزارت ارشاد! روزی آن هم باید با تفکر و عقلانیت و بهره‌گیری از تجربه‌ها حل شود و بدانیم که دیگر با وجود رسانه‌های نوین و فضاهای مجازی، هیچ قفلی فرهنگ و فکر و ادب و هنر و ذوق انسانی را در حصاری نگاه نخواهد داشت و آسمان خیال و زیبایی، و اقیانوس عقل و اندیشه، و کهکشان علم و فرهنگ، بی‌توجه به کوته بینی و تنگ نظریها بشریت را به سوی ابدیتی روشن خواهد برد.

به قول سهراب سپهری: آفتابی لب درگاه شماست، که اگر در بگشایید به رفتار شما می‌تابد...

دگرگونی شتابناکی که در جهان و اندیشه و علم و نهادهای دانشگاهی در سرتاسر جهان رخ داده و می‌دهد، مرز و حدود متعارفی را که ما در ذهن داریم به رسمیت نمی‌شناسد. تنها از راه می‌رسد و خود را نشان می‌دهد و در نسل‌های نوپدید نیازهای نوین ایجاد می‌کند. مثل برق و باد می‌گذرد و به سراغ موضوع تازه و مسأله‌ای متفاوت می‌رود.

اکنون دیگر نسبیت علوم و ایده‌های مورد عنایت بشر نه فقط در میان نخبگان و دانشمندان، که در میان مردم عادی و عموم انسان‌ها قطعی‌ترین و یقینی‌ترین مسئله محسوب می‌شود. به همین دلیل، کسانی که رابطه‌های بیشتر و مستحکم تری با تحولات نوین علمی و دستاوردهای تازه و دست اول بشری داشته باشند، بذرهای بهتری می‌کارند و محصول بیشتری درو خواهند کرد.

در یادداشت‌های پیشین پیشنهاد کردم زمان نمایشگاه حتما مورد بازبینی و تغییر قرار داده شود. این امر نه یک تغییر تفنّنی و یا تحولی برای دوری از ملال و یکنواختی، بلکه یک ضرورت اقتصادی و فرهنگی و نشانهٔ واقع بینی است. چند دلیل ذکر شد و ناشران و صاحبنظران می‌توانند دلایل متعددی بر آن بیفزایند. این تغییر البته تنها آغاز کار است و شک نکنید که تغییرات کمّی و کیفی دیگری را موجب خواهد شد که فعلا کسی توان و یا قدرت پیشگویی ابراز آن را در خود نمی‌بیند. ولی بالاخره چنین تحول و تغییراتی خود را تحمیل می‌کند. اجتناب ناپذیر است و از یک نقطه باید آغاز شود. حکیم نامدار چین کنفسیوس گفته بود: دورترین راهها هم با گام اول آغاز می‌شود.

مقدمه چینی‌های ابتدای یادداشت حاضر هم برای طرح موضوع مهم دیگری است که در ادامه و روزهای بعد به جزئیات بیشتر و استدلال در باب اهمیت آن خواهم پرداخت. آن موضوع، تغییر فرم و ساختار فرهنگ مکتوب است.

در حقیقت، فیزیک سنتی کتاب در حال متحول شدن است و انقلاب دیجیتال کار خودش را کرده و کتاب کاغذی را در حافظهٔ تاریخ پشت سر خواهد نهاد. این آخرین انقلاب در کمیّت فرهنگ مکتوب و تاریخ کتاب است. انقلابی چنان بزرگ و فراگیر که در ابتدا حتی فکر کردن بدان هم سخت و نفسگیر خواهد بود اما روزگارش رسیده و تاحدودی هم گذشته و بسیاری از جوامع از دستاوردهایش بهره‌مند شده و خود را با آن هماهنگ ساخته‌اند. ما نیز دیر یا زود باید با این ساختار نوین هماهنگ شویم و از مزایای پرشمارش بهره گیریم.

زمانی خط اختراع شد و کتیبه و سنگ نگاره بر در و دیوار ثبت شد یا در زیر خاک برجای ماند. سپس تومارها و پاپیروس و سرانجام رواج کاغذ که به دوام و کیفیت ثبت علم و فرهنگ مکتوب تشریک مساعی شایان کرد و همین شکل مألوف و سنتی از کتاب را خلق کرد. با صحافی و جلد و شیرازه بندی...

سپس انقلاب گوتنبرگ آن را به تولید انبوه رساند تا کتاب به کالایی در دسترس تمام مردم جهان بدل شود. از همان لحظه همه چیز زیر و رو شد و این تازه سرآغازی بر داستان ماست...

وزیر دفاع در گفتگو با «راشاتودی»: توان حفظ امنیت تنگه هرمز را داریم

وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی‌ایران، با بیان این که آمریکا در برجام زیاده‌خواهی کرد، گفت: خروج آمریکا از برجام دستاورد مهمی‌داشت و برای همه افکار عمومی‌در ایران و جهان روشن شد که برنامه هسته ای فقط بهانه‌ای برای آمریکایی‌ها بوده است.

به گزارش ایسنا، امیر سرتیپ حاتمی‌در گفتگو با شبکه خبری «راشاتودی» در پاسخ به پرسشی مبنی بر نقش ایران و روسیه در مقابله با دشمنی آمریکا، گفت: موضوع فراتر از ایران و روسیه است. در واقع امروز جهان با مساله مهمی‌روبرو است. مشکلاتی که ترامپ و تفکرات او ایجاد کرده است، درست است که ایران و روسیه به دلایل مختلف بیشتر در معرض این موضوع هستند، اما همه جهان به نوعی با این مشکل مواجه اند.

نقش مستقل ایران و روسیه در منطقه

وی با اشاره به ویژگی‌های سیاست‌های آمریکا از جمله بی‌توجهی به اصول انسانی و مقررات بین المللی و بی توجهی به تعهدات که پیامدهای وحشتناکی تا به امروز برای جهان داشته است و خواهد داشت، افزود: ایران و روسیه به دلیل نقش مستقل‌شان در منطقه و در حمایت از امنیت منطقه برای ایجاد ثبات و برای مقابله با زورگویی و قلدری آمریکا، بیشتر در معرض تحریم‌ها و مشکلاتی هستند که آمریکایی‌ها ایجاد می کنند.

وزیر دفاع همچنین با تاکید بر پیشینه طولانی ایران در مقابله با مشکلاتی از این دست، تصریح کرد: ما چهل سال است که درگیر تحریم‌های آمریکایی‌ها هستیم و تا به امروز هم توانسته ایم آنها را شکست بدهیم.

امیر حاتمی درباره علت پذیرش برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) از سوی کشورمان، با اشاره به ظلم‌هایی که آمریکا در طول تاریخ در حق مردم ایران کرده است و همچنین فضاسازی‌های گروهک‌هایی همچون منافقین در غرب، گفت: ما برای اعتمادسازی از بخشی از حقوق خودمان برای مدت مشخصی عدول کردیم و به قراردادی به اسم برجام رسیدیم. دولت قبل آمریکا (اوباما) به آن متعهد شد و در شورای امنیت به تصویب رسید، اما متاسفانه دولت جدید آمریکا با زیاده‌خواهی که اصولا هیچ ربطی به ادعاهای واهی قبلی درباره برنامه هسته ای نداشت و به موضوعاتی از قبیل قدرت دفاعی ایران و روابط آن با همسایگان مرتبط بود، از این توافق خارج شد.

وی در عین حال تاکید کرد که خروج آمریکا از برجام دستاورد مهمی‌داشت و برای همه افکار عمومی‌در ایران و جهان روشن شد که برنامه هسته‌ای فقط بهانه‌ای برای آمریکایی‌ها بوده است.

وزیر دفاع در پاسخ به سئوالی مبنی بر این که آیا ایران برای حفظ صادرات نفت خود در مقابل تمدید نشدن معافیت برای کشورهای خریدار نفت تهران وارد مذاکره با آمریکا می‌شود؟ تاکید کرد: یقینا کسی که یک بار قراردادی را زیرپا می‌گذارد دیگر قابل اعتماد نخواهد بود.

امیر حاتمی همچنین پیرامون تاثیر اقدام واشنگتن درباره سپاه پاسداران ، با تاکید بر مردمی‌و انقلابی بودن سپاه و سابقه درخشان این نهاد در مبارزه با تروریسم در ایران و در منطقه و با اشاره به جنایت‌های نیروهای آمریکایی در منطقه به ویژه هدف قرار دادن هواپیمای مسافربری ایرانی، افزود: اقدام آمریکا هیچ تاثیری در راهبرد جمهوری اسلامی‌و سپاه پاسداران در منطقه نخواهد داشت.

وی در پاسخ به این پرسش که آیا با توجه به اقدام متقابل تهران در تروریستی اعلام کردن فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا (سنتکام)، آیا شما ارتش روسیه را به دلیل ارتباط با ارتش ایالات متحده تحریم می‌کنید؟ گفت: باید منتظر باشیم. خیلی چیزها را زمان روشن می‌کند.

همکاری ایران و روسیه در بازسازی سوریه

وزیر دفاع درباره گمانه‌زنی‌ها پیرامون تنش میان تهران و مسکو درباره رقابت برای قراردادهای احتمالی در سوریه و حتی برخوردهای میان روس‌ها و گروه‌های تحت حمایت ایران در این کشور، تصریح کرد: ما با روسیه کار مشارکتی موفقیت‌آمیزی برای مقابله با تروریست‌ها در کنار دولت و مردم سوریه انجام دادیم و حتما در دوره بازسازی هم همکاری مشابهی را انجام خواهیم داد که الگویی برای جهان خواهد شد.امیر حاتمی‌پیرامون همنوایی روسیه با برخی ادعاهای رژیم صهیونیستی درباره سوریه، با اشاره به تجاوزهای این رژیم به سرزمین سوریه، گفت: روسیه کار موفقی در تقویت پدافند هوایی سوریه انجام داده است و قطعا با این تقویت، ابتکار عمل رژیم صهیونیستی کمتر خواهد شد.

وی در پاسخ به این که آیا روسیه همان قدر که به نگرانی‌های اسرائیل توجه دارد، به نگرانی‌های ایران هم اهمیت می‌دهد؟ تصریح کرد: ما با روسیه توافق‌ها و ارتباطات خوبی داریم و کاری به روابط و ارتباطات دیگر این کشور نداریم. ما یک همکاری صمیمانه و موثر با همدیگر داریم.

وزیر دفاع همچنین درباره این که آمریکایی‌ها تهدید می‌کنند که همه گزینه‌ها روی میز است، بیان کرد: ما در عین حالی که ابتکار عمل و توانایی‌های خودمان را داریم، به خوبی می‌توانیم منافع و مصالح خودمان را تشخیص دهیم و چون یک کشور کاملا مستقل هستیم به موقع تصمیم می‌گیریم و عمل می‌کنیم.

تلاش آمریکا در تحریم‌ها شکست خورده است

امیر حاتمی با اشاره به تجربه ایران از تحریم‌هایی که دولت‌های قبلی آمریکا علیه کشورمان اعمال کرده بودند، تصریح کرد: تلاش‌های آن‌ها هربار شکست خورده است و این بار هم شکست خواهد خورد و ما حتما نفتمان را صادر خواهیم کرد.

وی با تاکید بر این که رفاه و زندگی مردم جزو منافع حیاتی کشور است، اظهار داشت: ما برای تأمین منافع حیاتی از همه ابزارهای مشروع از جمله ابزار دفاعی استفاده می‌کنیم.

وزیر دفاع افزود: ایران از این مرحله هم قدرتمندانه عبور می‌کند.

امیر حاتمی به تجربه‌های ایران در بی اثر کردن تحریم‌های آمریکا اشاره و با تاکید براین که ایران از همه ابزارها برای احقاق حقوق مردم خود استفاده خواهد کرد، پیرامون تبعیت دیگر کشورها از تحریم‌های واشنگتن گفت: کشورها خودشان براساس منافع خود تصمیم می‌گیرند، اما اگر کشورها مماشات کنند و تصمیم درست و به موقع در مقابل زیاده‌خواهی آمریکا نگیرند، دچار عواقب سختی خواهند شد.

وی با اشاره به هزینه‌ای که اروپا در جنگ جهانی دوم به خاطر تعلل در برخورد با هیتلر پرداخت کرد، افزود: قطعا جهان مراقب این موضوع خواهد بود که هیتلر جدیدی دنیا را با مشکلات بزرگی مواجه نکند.

وزیر دفاع با تاکید بر اهمیت تنگه هرمز برای ایران و جهان و نقش ایران در تامین امنیت آن در طول تاریخ، ادامه داد: اما ما قدرت این را داریم که از منافع حیاتی خودمان در این تنگه محافظت کنیم و به‌موقع تصمیم‌های لازم را بگیریم.

امیر حاتمی‌در این زمینه که ایران تجهیزات دریایی چندانی برای حفظ امنیت تنگه هرمز ندارد، گفت: ما کشور ساحلی تنگه هرمز هستیم و قدرتمان به شناورها خلاصه نمی‌شود. ما قدرت‌های دیگری داریم از جمله قدرت موشکی و قدرت‌های متعدد دیگر که به موقع می‌توانیم تصمیمات لازیم را بگیریم و مقتدرانه اجرا کنیم.

ظریف: خلیج فارس رگ حیاتی ماست

وزیر امور خارجه با انتشار ویدیویی کوتاه، دهم اردیبهشت روز ملی خلیج فارس را گرامی‌داشت.

این دیپلمات عالی‌رتبه کشورمان که این ویدیو را در صفحه اینستاگرام خود منتشر کرده است، در آن در ارتباط با اهمیت حیاتی خلیج فارس و نام تاریخی آن صحبت می‌کند.او در این ویدیو تاکید می‌کند: خلیج فارس رگ حیاتی ماست.

وزیرخارجه با انتقاد از برخی از کشورها و افراد که تلاش می‌کنند نام خلیج فارس را تغییر دهند، افزود : برخی به آن می‌گویند خلیج در حالی که من تاکید می‌کنم اسمش خلیج فارس است و ما این را مدام تکرار می‌کنیم که مردم بفهمند اسمش خلیج فارس است.ظریف همچنین در بخش دیگری از صحبت‌های خود در مورد اینکه برخی خلیج فارس را خلیج عربی می‌نامند، گفت: کسانی که این کار را می‌کنند می‌خواهند تاریخ را تغییر دهند.

نماینده ایران در سازمان ملل: اصل حاکم بر سیاست خارجی آمریکا، «اول اسرائیل» است

نماینده دائم کشورمان در سازمان ملل گفت: در مسائل، مرتبط با اسرائیل، اصل حاکم بر سیاست خارجی آمریکا، به ویژه در دولت کنونی این کشور، «اول آمریکا» (شعار انتخاباتی ترامپ) نیست، بلکه «اول اسرائیل» است و آمریکا حاضر است حتی با نقض اصول بنیادین حقوق بین‌الملل و قواعد آمره نیز به آن پایبند بماند.

به گزارش ایسنا، مجید تخت روانچی،در اولین سخنرانی خود در شورای امنیت این سازمان که برای بررسی بحران فلسطین برگزار شد گفت: این بحران با اشغال یک سرزمین آغاز شده‌است و فقط با پایان اشغال آن هم خاتمه می‌یابد.

وی با یادآوری مسئولیت حقوقی شورای امنیت در زمینه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و اینکه تنها اقدام این نهاد در هفت دهه گذشته، تصویب قطعنامه‌هایی بوده که عملاً اثری در احقاق حقوق فلسطینیان نداشته است، افزود: این شورا باید رژیم اشغالگر را وادار کند تا به اشغال فلسطین پایان دهد.

نماینده کشورمان همچنین با اشاره به این که طی این مدت، هر وقت شورای امنیت قصد داشت قطعنامه‌ای را برای تحت فشار قرار دادن اسرائیل صادر کند، آمریکا آنها را وتو کرد، گفت: نتیجه این وضع ، جسورتر شدن رژیم صهیونیستی در اجرای سیاست‌های توسعه‌طلبانه و اقدامات غیرمشروع و انجام مستمر همه جنایات بین المللی شامل نسل‌کشی، جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و جنایت تجاوز بود.

روانچی در عین حال گفت: مساله به اینجا ختم نمی‌شود چون در دولت کنونی آمریکا وضع به صورت جدی تغییر کرده است و خود این کشور آشکارا قطعنامه‌های ذیربط شورای امنیت را نقض می‌کند که نمونه بارز آن، انتقال سفارت خود به بیت‌المقدس و شناسایی حاکمیت این رژیم بر جولان اشغالی سوریه است.

وی با محکومیت شدیداللحن این اقدامات آمریکا و غیرقانونی و بلااثر خواندن آنها، گفت: سیاست ۷۰ سال گذشته این کشور در مورد فلسطین ثابت می‌کند که به هیچ وجه نباید به پیشنهادهای آمریکا از جمله در ارتباط با به اصطلاح «معامله قرن» اعتماد کرد.

او اضافه کرد که حقوق مسلم هیچ ملتی را نه می‌توان با فشارهای نظامی، سیاسی و اقتصادی شدید از آن سلب کرد و نه با دلارهای نفتی خرید.

درخواست هند از آمریکا

ازسوی دیگر،وزیر امور خارجه هند در تماسی تلفنی از همتای آمریکایی خود خواست درباره تحریم‌هایی که پس از اتمام مدت معافیت‌های نفتی شامل کشورهایی خواهد شد که به واردات نفتی ایران ادامه دهند انعطاف به خرج دهد، چراکه جایگزین کردن واردات نفتی ایران برای هند از منبعی دیگر در کوتاه مدت میسر نخواهد بود .

به گزارش ایسنا، به نقل از روزنامه هندوستان تایمز، افراد آگاه به این مذاکره تلفنی اظهار داشتند :سوآراج گفت که هند باید اجازه واردات نفت خام ایران را بدون زیان دیدن از تحریم‌های ثانویه آمریکا داشته باشد. وزیر امور خارجه هند شرایط اقتصادی و سیاسی هند را به پمپئو توضیح داد و درخواست تخفیف قائل شدن برای این وضع را داشت چرا که تأمین ۲۳,۵ میلیون تن نفت یعنی مقداری که هر ساله توسط ایران تأمین می‌شد از یک منبع جایگزین امکانپذیر نیست.

اگرچه پمپئو چیزی را متعهد نشد و به سوآراج گفت که تصمیم‌گیری در این باره توسط وی انجام نمی‌شود چراکه رئیس جمهوری درباره اعمال تحریم‌ها با جدیت تصمیم‌گیری کرده است.

هس: با تحریم ایران وادار به عقب‌نشینی نمی‌شود

دراین حال،مقام اسبق وزارت خارجه آمریکا در مصاحبه‌ای گفت: واشنگتن با اعمال تحریم‌ها نمی‌تواند ایران را وادار به عقب‌نشینی کند.

«ریچارد هس» که قبلاً مدیر دفتر برنامه‌ریزی‌های سیاسی در وزارت خارجه آمریکا بوده در مصاحبه با بلومبرگ گفت: «تحریم‌ها می‌توانند برای شما برخی کارها انجام دهند ولی به ندرت راه حل هستند. آنها به ندرت می‌توانند چالش‌های بزرگ را حل کنند.»

وی اضافه کرد: «ما نمی‌توانیم کاری کنیم که ایران به طرز معنادار از کارهایی که در سوریه و یمن می‌کند عقب‌نشینی کند. ما توانایی کمتری هم برای تغییر دادن حکومت از طریق تحریم‌ها خواهیم داشت.»

او همچنین مدعی شد مساله‌ای که نباید فراموش کرد این است که ایران ممکن است به روش‌های تهاجمی‌نیز رو بیاورد. وی گفت: «چرا ما فکر می‌کنیم آنها از طرق مختلف اعم از ابزارهای سایبری یا روش‌های فیزیکی فشار اعمال نخواهند کرد؟»

ریچارد هس در ادامه خطاب به مجری بلومبرگ اضافه کرد: «آنها اگر اقتصادشان آسیب ببیند و تهدید شود، بی‌کار نخواهند نشست.»

مقام سابق وزارت خارجه آمریکا در پاسخ به سؤال مجری برنامه گفت که سیاست دولت «دونالد ترامپ»، علیه ایران تغییر نظام است.

تائید هویت رأی‌دهندگان انتخابات مجلس الکترونیکی می‌شود

سخنگوی وزارت کشور از ثبت نام نامزدهای انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی‌از دهم تا ۱۶ آذرماه خبر داد و گفت: امسال برای اولین بار تائید هویت رای دهندگان به صورت الکترونیکی انجام می‌شود.

به گزارش خبرنگار اطلاعات، سید سلمان سامانی در نخستین نشست خبری با موضوع انتخابات با اشاره به اصلاحیه قانون انتخابات، مصوب سال ۱۳۹۵ گفت: مجلس این اجازه را به دولت داده است که در صورت هماهنگی با شورای نگهبان و آماده بودن شرایط انتخابات را به صورت الکترونیکی برگزار کند و ما امسال آمادگی داریم که در بخش تائید هویت رای دهندگان این تغییر را ایجاد کنیم.

سامانی با تاکید بر این که الکترونیکی شدن تائید هویت شرکت کنندگان باعث سلامت بیشتر انتخابات می‌شود، گفت: به این ترتیب احتمال رای دادن با شناسنامه افراد متوفی یا اخذ آرای تکراری از بین می‌رود.

وی همچنین از تدابیر ویژه ستاد انتخابات برای مدیریت بلایای طبیعی در روز برگزاری انتخابات خبر داد و گفت: با توجه به سیل اخیر و با در نظرگرفتن این که انتخابات در زمستان و همزمان با افزایش بارش‌ها انجام می‌شود، کاملا آماده هستیم و پیش بینی‌های لازم را برای برگزاری هر چه بهتر انتخابات صورت داده ایم .

سامانی مهمترین رویداد امسال در حوزه سیاست داخلی را برگزاری انتخابات مجلس و انتخابات میاندوره ای مجلس خبرگان رهبری دانست و گفت: مدیرانی که قصد دارند برای حضور در انتخابات کاندیدا شوند، تا ۱۶خرداد فرصت دارند از سمت خود استعفاکنند .

وی از برگزاری نخستین جلسه ستاد انتخابات با حضور وزیر کشور خبر داد و گفت: سلامت انتخابات، مشارکت، رقابت و امنیت انتخابات اصلی ترین راهبردهایی است که در دستور کار این ستاد قرار دارد .

سخنگوی وزارت کشور با تاکید بر بی طرفی وزارت کشور در انتخابات گفت: مجریان و ناظران انتخابات برای اجرای صحیح وظایف خود در سطح استان‌ها آموزش می‌بینند تا به قوانین و مقررات اشراف کامل داشته باشند.

سامانی با پیش بینی حضور حداکثری مردم در انتخابات گفت: در انتخابات دوم اسفند امسال تعداد صندوق‌های رای و شعب اخذ رای را در سراسر کشور افزایش خواهیم داد. همچنین شوراهای تامین سراسر کشور مکلف شدند تدابیر لازم را برای ایجاد فضایی امن و با نشاط در انتخابات فراهم کنند .

به گفته سخنگوی وزارت کشور، اعتقاد و التزام عملی به نظام جمهوری اسلامی‌ایران، تابعیت کشور، التزام به قانون و اصل ولایت فقیه، داشتن مدرک کارشناسی ارشد یا معادل، نداشتن سوء شهرت در حوزه انتخابیه، سلامت جسمانی در حد بینایی، شنوایی و بویایی از شرایط نامزدهای انتخابات مجلس است و این نامزدها باید حداقل ۳۰ سال تمام و حداکثر ۷۵ سال سن داشته باشند.

سامانی از افرادی که قصد نامزدی در انتخابات مجلس را دارند، درخواست کرد مطالعه دقیقی نسبت به قوانین و مقرراتی که در این باره در سایت وزارت کشور بارگذاری می‌شود، انجام دهند.

وی افزود: مطابق قانون مدیرانی که قصد کاندیداتوری برای انتخابات مجلس شورای اسلامی‌را دارند، باید ۶ ماه قبل از روز ثبت نام استعفای خود را ارائه کرده و این استعفا مورد قبول واقع شده باشد.

محرومان از ثبت نام در انتخابات معرفی شدند

ستاد انتخابات کشور هم در اطلاعیه‌ای محرومان از ثبت نام در انتخابات را اعلام کرد.

دراین اطلاعیه آمده است :

با استناد به ماده ۲۹ قانون انتخابات مجلس اشخاص زیر به واسطه مقام و شغل خود از داوطلب شدن محرومند :

الف ـ اشخاص زیر از داوطلب شدن در حوزه‌های انتخابیه سراسر کشور محرومند مگر اینکه حداقل ۶ ماه قبل از ثبت نام از سمت خود استعفاء کرده و به هیچ وجه در آن پست شاغل نباشند:

۱- رئیس جمهوری و معاونین و مشاورین وی.

۲- دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام و معاونین وی.

۳- مشاورین معاونین رئیس جمهوری.

۴- رؤسای دفاتر سران سه قوه.

۵- وزرا و سرپرستان وزارتخانه‌ها.

۶- معاونین و مشاورین وزرا.

۷- مدیران کل و سرپرستان ادارات کل وزارتخانه‌ها و مدیران کل حوزه وزارتی و رؤسای دفاتر وزرا.

۸- اعضای شورای نگهبان و هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات.

۹- رئیس قوه قضائیه و معاونین و مشاورین وی.

۱۰- رئیس دیوان عالی کشور و معاونین و مشاورین وی.

۱۱- دادستان کل کشور و معاونین و مشاورین وی .

۱۲- رئیس دیوان عدالت اداری و معاونین و مشاورین وی.

۱۳- رئیس سازمان بازرسی کل کشور و معاونین و مشاورین وی.

۱۴- رؤسا و سرپرستان سازمانها و ادارات کل و ادارات عقیدتی سیاسی نیروهای مسلح و جانشینان و معاونین آنان در سراسر کشور.

۱۵- رئیس سازمان صدا و سیما و معاونین وی .

۱۶- رئیس جمعیت هلال احمر و معاونین وی .

۱۷- استانداران.

۱۸- معاونین و مشاورین استانداران.

۱۹- فرمانداران.

۲۰- بخشداران.

۲۱- شهرداران و رؤسای مناطق شهرداری.

۲۲- رؤسا و سرپرستان سازمانهای دولتی.

۲۳- رئیس دانشگاه آزاد اسلامی.

۲۴- اعضای هیأت مدیره و مدیران عامل بانکها.

۲۵- اعضای هیأت مدیره و مدیران عامل شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت که حیطه وظایف و اختیارات آنها به کل کشور تسرّی دارد.

۲۶- رئیس کل بانک مرکزی ایران و معاونین و مشاورین وی.

۲۷- رؤسا و سرپرستان بنیادهای مستضعفان، شهیدوایثارگران، ۱۵ خرداد، مسکن، کمیته امداد امام خمینی (ره)، نهضت سوادآموزی، سازمان تبلیغات اسلامی، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم و رئیس سازمان تعزیرات حکومتی و رؤسای اتاقهای بازرگانی و صنایع و معادن و تعاون ایران، معاونین و مشاورین آنان.

۲۸- شاغلین در نیروهای مسلح و وزارت اطلاعات .

۲۹- اعضای شورای اسلامی‌شهرها.

ب ـ اشخاص زیر از داوطلب شدن در حوزه‌های انتخابیه قلمرو مأموریت خود محرومند مگر اینکه ۶ ماه قبل از ثبت نام از سمت خود استعفا کرده و به هیچ وجه در آن پست شاغل نباشند:

۱- ائمه جمعه دائمی.

۲- قضات شاغل در امر قضاء و رؤسای دادگستری شهرستان‌ها و استان‌ها.

۳- مدیران کل و سرپرستان دفاتر و ادارات کل استان‌ها و معاونین آنان.

۴- مدیران کل و سرپرستان دفاتر و ادارات کل استانداری‌ها و معاونین آنان.

۵- رؤسا و سرپرستان ادارات و سازمان‌های دولتی و وابسته به دولت و معاونین آنان در استان و شهرستان .

۶- رؤسا و سرپرستان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی اعم از دولتی و غیردولتی و رؤسا و سرپرستان واحدها و شعب آن‌ها.

۷- اعضای هیأت مدیره و مدیران عامل شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت در استان و شهرستان.

۸- سرپرستان مناطق و رؤسای شعب بانکها در استان و شهرستان .

۹- سرپرستان دفاتر سازمان تبلیغات اسلامی‌در مرکز استان و شهرستان.

۱۰- مدیران مراکز صدا و سیمای جمهوری اسلامی‌ایران.

۱۱- اعضای شوراهای اسلامی‌روستا.

۱۲- رؤسای اتاق‌های بازرگانی و صنایع و معادن و کشاورزی و روسای اتاق‌های اصناف و تعاون در استان.

ج ـ اعضای هیأت‌های اجرائی و ناظرین شورای نگهبان در حوزه انتخابیه تحت مسئولیت خود.

برنامه زمانبندی برگزاری انتخابات مجلس

ستاد انتخابات کشور برنامه زمانبندی برگزاری انتخابات مجلس را به این شرح منتشر کرد :

۹۸/۲/۱۰: اعلام رسمی‌تاریخ ثبت نام از داوطلبان نمایندگی مجلس از طریق رسانه‌های گروهی توسط وزارت کشور

۹۸/۳/۱۰ تا ۹۸/۳/۱۶: مهلت استعفای داوطلبان مشمول ماده ۲۹ قانون انتخابات

۹۸/۹/۱۰ تا ۹۸/۹/۱۶: دستور شروع انتخابات و ثبت نام از داوطلبان

۹۸/۹/۱۰ تا ۹۸/۹/۱۵: تشکیل هیأت‌های اجرایی

۹۸/۹/۱۰ تا ۹۸/۹/۲۱: بررسی سوابق داوطلبان در مراجع چهارگانه

۹۸/۹/۱۷ تا ۹۸/۹/۲۶: بررسی صلاحیت داوطلبان در هیأت‌های اجرایی

۹۸/۹/۲۷: ابلاغ مراتب رد صلاحیت به داوطلبان توسط فرماندار مرکز حوزه انتخابی

۹۸/۹/۲۸ تا ۹۸/۱۰/۱: شکایت داوطلبان رد صلاحیت شده به هیأت نظارت استان

۹۸/۱۰/۲ تا ۹۸/۱۰/۲۱: رسیدگی به شکایات داوطلبان رد صلاحیت شده توسط هیأت نظارت استان و اظهار نظر در باره صلاحیت همه داوطلبان پس از کسب نظر هیأت مرکزی نظارت و اعلام آن به فرماندار مربوطه

۹۸/۱۰/۲۲ تا ۹۸/۱۱/۱۱: ابلاغ مراتب تائید یا رد صلاحیت داوطلبان توسط فرماندار مرکز حوزه انتخابیه و دریافت شکایت از داوطلبان رد صلاحیت شده و اظهار نظر قطعی و نهایی شورای نگهبان در باره همه داوطلبان و اعلام آن به وزارت کشور

۹۸/۱۱/۱۲ تا ۹۸/۱۱/۱۴: دریافت شکایت از داوطلبانی که در سیر مراحل قبلی تائید شده‌اند لیکن شورای نگهبان نظر به رد صلاحیت آنان دارد.

۹۸/۱۱/۱۵ تا ۹۸/۱۱/۲۱: رسیدگی به شکایات داوطلبان توسط شورای نگهبان و اعلام آن به وزارت کشور

۹۸/۱۱/۲۲: اعلام قطعی اسامی‌نامزدها به مراکز حوزه‌های انتخابیه توسط وزارت کشور

۹۸/۱۱/۲۳: انتشار آگهی اسامی‌نامزدهای تائید شده

۹۸/۱۱/۲۳: جمع‌بندی، تهیه، تنظیم و انتشار آگهی انتخابات

۹۸/۱۱/۲۳ تا ۹۸/۱۱/۳۰: تبلیغات انتخاباتی نامزدها

۹۸/۱۲/۱: ممنوعیت تبلیغات انتخاباتی

۹۸/۱۲/۲: اخذ رأی از واجدین شرایط

بازسازی و آغاز فعالیت ۱۳۰۰مدرسه سیل‌زده از مهر ۹۸

وزیرآموزش و پرورش تاکید کرد که در سیل اخیر ۱۵۰۰مدرسه آسیب دیدند و از این تعداد ۲۰۰مدرسه باید تخریب و بازسازی شوند و ۱۳۰۰مدرسه با تعمیر و بازسازی در مهر ۹۸آماده می‌شوند.

به گزارش ایسنا، سیدمحمد بطحایی در همایش خیرین مدرسه‌ساز در بازسازی مناطق سیل‌زده که در مرکز همایش‌های بین‌المللی صداوسیما برگزار شد، گفت: این از افتخارات ما است که خیرانی داریم که ساختن فضای آموزشی برایشان مهم است و به درستی اهمیت می دهند، زیرا بچه‌ها باید در مدارس زندگی کردن را یاد بگیرند. ما در مدارس به عنوان خانه دوم آن‌ها زندگی کردن و از خودگذشتگی را یاد می دهیم تا بچه‌ها یاد بگیرند دست افتاده‌ای را بگیرند. از این منظر می‌توان گفت مدرسه از مقدس‌ترین مکان‌ها است که شما خیران سهم بسیار مهمی را در این مسیر دارید.

وزیر آموزش و پرورش با اشاره به اقدامات این وزارتخانه بعد از سیل افزود: بچه‌ها از لحاظ روحی آسیب‌پذیرترین قشر جامعه هستند. بزرگترها تجربه دیده هستند ولی بچه نمی‌تواند این سختی را تحمل کند. بنابراین در گام اول مهم بود برای ترمیم روحیه بچه‌ها کارهایی را انجام دهیم و به همین خاطر بلافاصله کارهای فرهنگی را در مناطق انجام دادیم و در کوتاه‌مدت تاثیر بسزایی گذاشتیم. اتاق‌های بازی را برای کودکان راه انداختیم و تاثیر زیادی در روحیه بچه‌ها گذاشت.

وی افزود: سومین فعالیت ما حمایت از همکارانمان بود و تلاش می‌کنیم درحد توان در تامین وسایل زندگی این دوستان تا می‌توانیم کمک کنیم. برای استان‌های سیل‌زده، استان معین تعیین کردیم و در حال کمک هستند. برای کنکوری‌ها کلاس‌های فوق‌العاده و اردوهای آموزشی را برگزار کرده‌ایم یا می‌کنیم تا بچه‌ها را آماده کنیم.

مهرالله رخشانی‌مهر، رییس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور هم با اعلام آسیب‌دیدگی ۱۴۸۰مدرسه در سیل اخیر از نیاز به ۴۴۰میلیارد تومان برای بازسازی مدارس آسیب‌دیده از سیل در ۹استان کشور خبر داد. وی با اعلام اینکه مدارس مناطق سیل زده مقاوم‌ترین بناهایی بودند که در سیل اخیر تا حد زیادی سالم ماندند و حتی از آن‌ها برای اسکان مردم استفاده می‌شد، گفت: ۱۴۸۰مدرسه در سیل اخیر در ۹استان کشور آسیب دیدند که آسیب‌ها از جزیی تا کلی متفاوت بود. وی ادامه داد: ۴۴۰میلیارد تومان میزان برآورد اعتباری است که برای بازسازی مدارس سیل‌زده نیاز داریم.

رییس سازمان نوسازی مدارس افزود: امیدواریم مانند کار جهادی که در کرمانشاه انجام شد در مناطق سیل‌زده هم این اتفاق بیافتد. ۸۷مدرسه در زلزله کرمانشاه تخریب شد، اما ۱۶۰مدرسه را با کمک خیرین در این استان ساختیم، تعدادی از مدارس تحویل داده شده است و بقیه مدارس تا مهر سال جاری تحویل آموزش و پرورش داده خواهد شد.

تبادل ۴۰۴هزار دانشجو بین ایران و ۷ کشور در حال توسعه

وزیر علوم بر ضرورت تبادل دانشجو بین دانشگاه‌های کشورهای عضو D8 تاکید کرد و گفت: در حال حاضر هشت کشور عضو این گروه با اعزام ۴۰۴هزار دانشجو جزو کشورهای اصلی اعزام‌کننده‌دانشجوی خارجی به شمار می‌روند؛ بنابراین لازم است با توجه به پتانسیل‌های دانشگاه‌های داخلی این کشورها به تبادل دانشجو میان کشورهای عضو تاکید کنیم.

به گزارش خبرنگار ما، دکتر منصور غلامی در اولین نشست هیات امنای دانشگاه بین‌المللی گروه D8در وزارت علوم گفت: سازمان همکاری اقتصادی D8متشکل از هشت کشور در حال توسعه ایران، ترکیه، پاکستان، بنگلادش، اندونزی، مالزی، مصر، نیجریه با جمعیتی حدود یک میلیارد و ۶۰میلیون نفر و نیروی کار ۴۰۰میلیونی یک ظرفیت بزرگ در جهان روبه گذار، آشفته و پرچالش کنونی است.

وی در ادامه تاکید کرد: تقویت مناسبات علمی، آموزشی و پژوهشی میان این سازمان بین اسلامی گامی مهم و کلیدی و نقطه عطفی در مسیر همگرایی میان کشورهای عضو به حساب می‌آید.

وی ادامه داد: یک دهه قبل، نقشه راه ۱۰سال گروه D8بین سال‌های ۲۰۰۸تا ۲۰۱۸در دستور کار قرار گرفت و به تصویب اعضا رسید. به گونه‌ای که در وزارت علوم تأسیس یک دانشگاه بین دولی را به عنوان گام کلیدی در راه تحقق این نقشه راه پیشنهاد کردند.

غلامی گفت: ایران با تأسیس و میزبانی دانشگاه فوق گام مهمی در مسیر محقق کردن نقشه راه گروه D8برداشته است؛ گامی که البته موفقیت آن به همکاری و همیاری اعضای کشورهای عضو نیاز دارد. در واقع هدف ما از میزبانی این دانشگاه ارتقای سطح همکاری‌های علمی مابین، توسعه دانش در جهان اسلام از طریق تبادل دانشجو و همکاری دانشگاهی است.

به گفته وزیر علوم گزارش سال ۲۰۱۱سازمان توسعه و همکاری اقتصادی نشان می‌دهد هشت کشور D8با اعزام ۴۰۴هزار دانشجوی خارجی یعنی حدود ۱۰درصد کل جمعیت دانشجویان بین‌المللی جزو کشورهای اصلی اعزام کننده دانشجوی خارجی است. مسلماً این رقم در حال حاضر بیشتر شده است و ما باید به این بیندیشیم که چگونه علاقه‌مندان به تحصیل در جهان اسلام می‌توانند از ظرفیت‌های داخلی D8 استفاده کنند.

دکتر غلامی خاطرنشان کرد: تمام ظرفیت‌های آموزش عالی ایران و کشورهای عضو در دانشگاه بین‌المللی D8استفاده خواهد شد و در آینده نیز ممکن است دوره‌های مشترک با مدرک مشترک توسط کشورهای عضو در این دانشگاه تعریف شود و امیدوارم بتوانیم یک کار قوی و نمونه در همکاری‌های بین‌المللی داشته باشیم.

وی همچنین در حاشیه نشست از آغاز به کار اولین دانشگاه بین‌المللی در ایران خبر داد و گفت: بحث تأسیس دانشگاه دی هشت از هشت سال پیش وجود داشت و قرار بود این دانشگاه در ایران تأسیس شود و حدوداً چهار سال پیش دانشگاه بوعلی سینای همدان داوطلب تأسیس این دانشگاه شد و در همان زمان این موضوع در وزارت علوم به میزبانی دانشگاه بوعلی همدان تأیید شد و در دو سال گذشته نیز مقدمات تشکیل این دانشگاه شکل گرفت و با مجموعه دبیرخانه گروه D8 هماهنگی‌های لازم صورت گرفت و دو رشته قبل از شکل گیری و آماده سازی این نوع نشست‌ها تأسیس شد و نهایتاً در جلسه فعلی موضوعات تخصصی شکل گیری اساسنامه دانشگاه بررسی و در نهایت به تصویب اعضای گروه D8رسید.

وزیر علوم خاطرنشان کرد: عملاً با تصویب اساسنامه فوق کلید رسمی فعالیت دانشگاه بین‌المللی D8در ایران شروع به کار خواهد کرد و پذیرش دانشجو در این دانشگاه از همه کشورهای دنیا و به خصوص با تاکید بر کشورهای گروه D8 صورت خواهد گرفت که می‌تواند به صورت بورسیه از کشورهای دیگر یا با هزینه شخصی اتفاق بیفتد.

داتاکو جعفر کوشاری، دبیر سازمان همکاری‌های اقتصادی کشورهای در حال توسعه هم در ادامه بر ضرورت انجام پروژه‌های تحقیقاتی مشترک، تبادلات علمی و دانشجو بین کشورهای عضو D8 تاکید کرد.

وی با تاکید بر اینکه این وزارتخانه و وزارت امور خارجه برای ایجاد و تأسیس دانشگاه بین‌المللی D8بوعلی همدان همکاری خوبی انجام می‌دهند، گفت: دانشگاه بوعلی سینا همدان برای ایجاد و تأسیس این بنیاد استوار و پایدار در جهت همکاری‌های بین المللی تلاش می‌کند و من بسیار خوشحالم که عضو انجمن ارزشمند معتبری هستم که نام دانشگاه بوعلی سینای همدان را یدک می‌کشد؛ فردی که به عنوان یک چهره روشنفکر در سطح جهان شناخته شده است.



وی در ادامه اظهار کرد: بوعلی سینا به عنوان یک متفکر، دایرةالمعارف‌شناس، استاد الهیات، عالم و ستاره‌شناس شناخته می‌شود، تأسیس این دانشگاه به معنای ارتقای تحقیقات و ابداعات در رأس همه امور برای گذر طولانی از زمان بوده است .

وی گفت: دانشگاه D8به منزله حکم یک قطب دانشمندان و مخترعان جهان محسوب می‌شود و بر این باور هستیم امروزه هزاران بوعلی سینا در جهان وجود دارد که باید در حوزه‌های علمی همکاری داشته باشند.

به گفته دبیر سازمان همکاری‌های اقتصادی کشورهای در حال توسعه در حال حاضر ۲۱دانشگاه از طرف دولتهای عضو در شبکه D8حضور پیدا کردند تا ابداعات، اختراعات و تحقیقات در میان کشورها را گسترش دهند تا بتوانند به رشد اقتصادی و توسعه پایدار دست یابند.

توسعه موزه در پایتخت از سیاست‌های مدیریت شهری است



شهردار تهران، توسعه موزه‌ها در پایتخت را یکی از سیاست‌های مدیریت شهری اعلام کرد و گفت از راه اندازی موزه‌هایی که توسط مردم اداره شود حمایت خواهد کرد.

به گزارش شهرنوشت، پیروز حناچی صبح دیروز در حاشیه حضور در موزه نقشه تهران در جمع خبرنگاران، ضمن تبریک «روز خلیج فارس» گفت: در این موزه نقشه‌های قدیمی تهران به نمایش گذاشته شده است، البته نقشه‌های بسیاری که برخی از آن‌ها در خارج از کشور تهیه شده هم به مناسبت روز خلیج فارس در معرض دید عموم قرار گرفته است. تمامی این نقشه‌ها نشان می دهد که این آبراه همواره نامش «خلیج فارس» بوده است.وی بر سیاست شهرداری تهران برای گسترش موزه‌ها در پایتخت تاکید کرد و اظهار داشت: توسعه موزه‌ها حتی به شکل خصوصی یکی از سیاست‌های مدیریت شهری است و تلاش می کنیم موزه‌های مختلف در زمینه‌های متعدد راه اندازی شود. همچنین، سعی می کنیم موزه‌هایی را که توسط مردم قابلیت اداره دارند مورد حمایت قرار دهیم. دسترس پذیری موزه‌ها از دیگر نکات مورد توجه است و در این زمینه، در نوروز امسال تمامی موزه‌ها با هماهنگی شهرداران مناطق برای عموم مردم در دسترس بود.شهردار تهران در پایان گفت: موزه‌ها ارزش‌های بی بدیل شهرها هستند و به خاطر این اماکن است که گردشگران یک شهر را به عنوان مقصد سفر خود انتخاب می‌کنند. مثلاً لندن ۲۰۰ موزه دارد که وجود این فضاها، هم به اقتصاد شهر و هم به ارزش‌های آن شهر کمک می کند. تلاش ما هم این است که موزه‌های متعدد در تهران راه اندازی شود.

دکتر بلخاری: کسی مانند استاد عبادیان زیبایی شناسی هگلی را نمی‌شناخت



مراسم بزرگداشت استاد فلسفه، مرحوم دکتر محمود عبادیان، دهم اردیبهشت در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی برگزار شد.

در این مراسم حسن بلخاری، دکتر دادبه، دکتر گنابادی، دکتر اسلامی و دکتر دولت‌آبادی درباره زندگی و خدمات علمی ـ فرهنگی دکتر عبادیان، استاد دانشگاه، فیلسوف و زیبایی‌شناس سخنرانی کردند.

دکتر حسن بلخاری، استاد دانشگاه تهران و رئیس انجمن مفاخر فرهنگی با ارسال سلام و درود به روح دکتر عبادیان، درباره استاد گفت که ایشان به همراه دکتر دادبه، گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی را تأسیس کردند و برای اولین بار فلسفه هنر را وارد دروس فلسفه کرده و گرایش «فلسفه هنر» را در دوره دکتری تأسیس کردند.

بلخاری گفت: در علوم تحقیقات دکتر فلسفه غرب، به ویژه هگل، درس می‌دادند و یکی از اساتید برجسته در زمینه هگل‌شناسی و زیبایی‌شناسی از منظر هگل بودند و من آنجا، زیبایی‌شناسی شرق تدریس می‌کردم.

وی افزود: جدی‌ترین مباحث زیبایی‌شناسی، متعلق به هگل است و ما کسی را نداریم که از عبادیان بیشتر زیبایی‌شناسی هگلی را بشناسد.

درک ما از هگل و زیبایی‌شناسی‌اش دچار کج‌فهمی شده است و آن را معادل با «مرگ هنر» و «پایان هنر» می‌دانند.

وی ادامه داد: من می‌خواهم به نکته‌ای اشاره کنم و بگویم اصطلاح «مرگ هنر» را با هگل، معادل نمی‌دانم. هگل، مهمترین مسئله‌اش در کتاب «پدیدارشناسی روح» ظهور سه عنصر هنر، دین و فلسفه است.

روح مطلق، اول در هنر «تجسم» پیدا کرد بعد در دین «تصور» پیدا کرد و بعد در فلسفه «تجرد» پیدا کرد. حقیقت در جهان باستان به صورت هنر تجسم شد. روح در حرکت استکمالی خود صرفاً در قالب محسوس مادی نمی‌ماند؛ لاجرم وارد عرصه دوم می‌شود. در عرصه دوم، دین ظاهر می‌شود. دین، مثل هنر، محسوس نیست.

زبان دین، «تمثل» است. نه مجسد و نه مجرد. سپس بر بنیاد دیالکتیک، روح وارد عرصه سوم، یعنی «تجرد» می‌شود. در این مرحله روح به حقیقت خودش می‌رسد، فلسفه چون آئینه‌ای می‌شود که روح خود را در آن می‌بیند.

هگل می‌گوید در عرصه فلسفه، هنر دیگر پاسخگوی ما نیست. اما این به معنای مرگ هنر نیست. هنر و دین، در فلسفه متحد می‌شوند. گذر روح از هنر، به معنای مرگ هنر نیست. هنر در دین متجلی می‌شود و سپس در فلسفه پدیدار می‌شود.

بلخاری، تأکید کرد: خواستم اتهام «مرگ هنر» را از هگل رفع کنم و آن را هدیه می‌کنم به روح استاد گرانقدر و متواضع، مرحوم دکتر عبادیان.

دکتر دادبه، استاد بازنشسته دانشگاه علامه طباطبایی و عضو هیئت علمی انجمن مفاخر فرهنگی درباره دکتر عبادیان گفت: این بزرگ مرد، معلم عاشقی بود حتی زنگ‌های تفریح هم با دانشجویان در باغچه گفتگوی علمی می‌کرد. من و ایشان، قبل از آنکه هر مترجمی «دنیای سوفی» را ترجمه کند، ایشان این کتاب را از آلمانی ترجمه کرد و من آن را با زبان اصلی(نروژی) تطبیق می‌دادم.

وی افزود: ندیدم عبادیان حسودی کند یا از کسی بد گوید. او انسانی کم‌نظیر بود. به همین جهت است که هرچه زمان بیشتر می‌گذرد، بیشتر حس می‌کنم دوست دارم این غزل حافظ را برایش بخوانم:

یاد باد آنکه سر کوی توام منزل بود
دیده را روشنی از خاک رهت حاصل بود

وی گفت در ذیل عرایضم می‌خواهم بپرسم عبادیان‌ها محصول چه شرایطی هستند؟

ما یک فرهنگ اصیل داریم که هنوز هم در دنیا مایه سربلندی ماست ولی هر روز با آن بیگانه‌تر می‌شویم. ادعای من آن است هرجا سایه آن فرهنگ هست، آدم‌ها آدم‌ترند.

براساس تحقیقات، امروز کمتر از ۸٪ کتاب‌های درسی ما از آثار سعدی در متون خود استفاده می‌کنند.

افلاطون وقتی از تربیت حرف می‌زند، بر شعر و موسیقی تأکید دارد و می‌گوید تربیتی که با این دو آغاز شود، فرد آموزنده زشت و زیبا از در هم تشخیص می‌دهد و آماده می‌شود برای خردمندشدن چنین تربیتی است که «آدم» می‌سازد. شعر و موسیقی ما ویژگی‌های موردنظر افلاطون(وزن) را به آموزنده می‌دهد.

کسانی که تربیت آنها تحت تأثیر شعر و موسیقی است اخلاقی‌تر عمل می‌کنند. سیل شیراز، مثالی در این زمینه است محصول ادب ما و تأکید افلاطون بر شعر و موسیقی، به زندگی اخلاقی ما وزن، نظم، بازشناسی و تشخص می‌دهد و کسی که بر این مبنا تربیت شده است، تربیتی نیک دارد.

عبادیان هم همینطور تربیت شد. وی افزود: ۲ چیز عبادیان‌ساز است: یکی آموزش ادب، ادبی که با سعدی شروع شود و دیگری، لوس بار نیاوردن کودک و تحمیل رنجی که نتیجه فقر نباشد بلکه نتیجه تربیت درست خانواده‌ها باشد.

دکتر پاینده، استاد دانشگاه علامه، مترجم و منتقد ادبی، در وصف عبادیان گفت: من فکر می‌کنم برگزاری این مراسم در این مکان کار درستی بود زیرا مکان در اینجا بسیار چشم‌نواز است و عناصر زیبایی‌شناختی که گذشته ما را به یاد می‌آورد، در اینجا بسیار برجسته است. در چنین تالاری باید درباره امثال عبادیان صحبت کرد. چون چشم‌نواز است و عبادیان استاد زیبایی‌شناسی بود.

وی ادامه داد: آنچه می‌گویم تجربه مستقیم خودم از حضور در کلاس‌های عبادیان است به اعتقاد من، نقطه قوت کار عبادیان، رویکرد میان‌رشته‌ای او بود. تحصیلات او هم در زمینه فلسفه بود هم ادبیات و هم زبان‌های باستانی. او در ۱۹۶۶ فارغ‌التحصیل شد، یعنی دوره‌ای که در آن نقد ادبی، دچار چرخش شد و رویکردش به سمت میان رشته‌ای بودن رفت. او شاهد رویدادهای تاریخی بزرگ بود. او از یک دوره پرتلاطم عبور کرد و تحت تأثیر اندیشه‌های مختلف قرار گرفت.

عناوین کتاب‌های او نشان‌دهنده تنوع در طرز فکر او هستند.

پاینده گفت: عبادیان یک کلاس آزاد داشت که با بقیه کلاس‌ها متفاوت بود. ایشان در آن کلاس نمونه‌هایی از ادبیات معاصر کار می‌کردند، کاری که در آن زمان مذموم تلقی می‌شد. این کلاس اختیاری، برای ما بسیار مفرح بود و اولین بذرهای علاقه به نقد ادبی، از همان کلاس‌ها در من کاشته شد.

او افزود: یک کتاب بنام «درآمدی بر سبک و سبک‌شناسی در ادبیات» ازجمله آثار عبادیان است که مغفول مانده و اتفاقاً از آثار مهم اوست.

پاینده در پایان گفت: عبادیان در زمان حیات، بسیار مورد بی‌احترامی قرار گرفت. نوآوری‌های ایشان مورد تمسخر خیلی‌ها قرار گرفت و ایشان بسیار مظلوم واقع شدند.

علی مطهری: بزرگداشت شهید مطهری زنده نگه‌داشتن یک اندیشه است



سیزدهمین همایش حکمت مطهر به منظور بزرگداشت استاد شهید مرتضی مطهری در دانشگاه صداوسیما برگزار شد.

به گزارش خبرگزاری فارس، علی مطهری نایب رئیس مجلس شورای اسلامی اظهار داشت: باید به ضرورت بزرگداشت و پرداختن به شهید مطهری توجهی دوباره داشته باشیم که چرا این بزرگداشت ضروری است و باید تکرار شود که علت آن است پرداختن به شهید مطهری و آثار وی، به منظور زنده نگه داشتن راه، فکر و اندیشه این عالم است و صرفا برای گرامیداشت و یاد یک شخص نیست.

وی با بیان اینکه علت توصیه‌های مکرر امام خمینی(ره) نیز پیرامون شهید مطهری همین مسئله است، گفت: اینکه در زمان شهادت ایشان امام آن پیام خاص را صادر کردند و دو روز در مدرسه فیضیه به سوگ نشستند و در دو سال پیاپی در سالروز شهادت ایشان نیز مجدداً پیام دادند و در سومین سال نیز به سخنرانی پرداختند، صرفا در روابط عاطفی میان آنها خلاصه نمی‌شود بلکه امام(ره) بنا داشتند فکر و راه شهید مطهری زنده بماند و توصیه‌های مقام معظم رهبری نیز در این خصوص برای باقی ماندن این راه است. مطهری اضافه کرد: دلیل شهادت این عالم فرزانه، حفظ خلوص اندیشه اسلامی بود و علت اینکه ایشان به عنوان اولین نفر هدف دشمن برای ترور قرار گرفت، این نکته بود که شهید مطهری هدف را انقلاب نمی‌دانست و به دنبال احیای اسلام بود. نایب رئیس مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: در ابتدای انقلاب برخی معتقد بودند که هدف انقلاب است و راه رسیدن به آن مطرح نیست، اما شهید مطهری اعلام می‌کرد که هدف اسلام است و هر جا انحرافی مشاهده می‌کرد که تلاش‌های مردم در حال مصادره شدن است و یا افکار مارکسیسمی در حال ورود است، وارد صحنه می‌شد و فعالیت‌های فکری و ایدئولوژیکی خود را ادامه می‌داد.

مطهری در پایان سخنان خود خاطرنشان کرد: تمدن اسلامی که باید دوباره پیشرفت کند، موضوع بسیار مهمی است که باید مورد توجه همگان قرار گیرد.

حجت‌الاسلام قمی رئیس سازمان تبلیغات اسلامی طی سخنانی با بیان این‌که یکی از مضامین و معانی پیرامون حکمت باطن‌بینی و ژرف‌نگری است، اظهار داشت: مقام معظم رهبری فرمودند؛ مدت‌ها با امام خمینی(ره) مأنوس بودم، اما در اواخر متوجه شدم ایشان حکیم هستند و به روایتی اشاره کردند که حکیم به باطن نظر می‌کند و برای درک آن نیز این مثال را فرمودند که در عالم فردی که به آب‌های روی زمین اشراف دارد، یک گونه نقشه کشاورزی می‌ریزد که قطعا متفاوت با فردی است که به آب‌های زیر زمین نیز واقف است و بر اساس آنها طراحی نقشه می‌کند.

وی با بیان این‌که یکی از نشانه‌های به‌روز بودن اندیشه شهید مطهری متناسب با زمان و مکان حرکت کردن ایشان است، گفت: شهید مطهری باورهای بنیادی دین را متناسب با شرایط روز بازخوانی کرد. ایشان توحید، نبوت، امامت را متناسب با ارتقای سطح فهم، احوال، هویت و درد روز جامعه معنی کرد، زیرا هر کدام از این باورها متناسب با شرایط روز و سطح فهم متفاوت است.قمی تصریح کرد: مقام معظم رهبری فرمودند در برهه‌ای از زمان بنا بود به همراه شهید مطهری و شهید بهشتی برنامه‌ای مشترک در زمینه اندیشه دینی ارائه کنیم، اما بنا بود محوریت اصلی با شهید مطهری باشد و بنده و شهید بهشتی یادداشت‌های خود را به ایشان می‌دادیم که بسیاری از این یادداشت‌های بنده در کتاب‌های شهید مطهری نمایان است. این قرابت و هماهنگی و هم‌افزایی اندیشه این دو بزرگوار منبعث از قرآن است که در آثار متعدد هر دو قابل دنبال کردن است.

حجت‌الاسلام صادقی معاون فرهنگی و اجتماعی قوه قضائیه در ادامه این همایش اظهار داشت: شهید مطهری در کتاب انسان کامل، می‌فرمایند؛ انسان کامل فردی است که در تمام ابعاد وجودی رشد کند و جامعه کامل نیز همین‌گونه است که ایشان مثال این مهم را امیرالمومنین(ع) و پیامبر(ص) می‌نامد. وی با بیان این‌که شهید مطهری از تمام یک‌سونگری‌ها تبری می‌جوید، افزود: ایشان ایمان را تنها راه مطرح می‌کند و با ایراد گرفتن از فلاسفه می‌گوید؛ ایمان مقوله‌های جمع‌شده اندیشه‌ای است.

صادقی اضافه کرد: شهید مطهری عمر خود را در فلسفه صرف کرد اما شیفته آن نشد تا عیوب را ببیند و در تمام منازعات در این عرصه میانه‌رو و بدون تعصب بود و این ارزش‌هایی است که باید در وجود ایشان تقلید کنیم. ارزش‌هایی مانند آزادگی و درد دین داشتن در وجود شهید مطهری را باید پاس بداریم و در مسیر آن حرکت کنیم. معاون فرهنگی و اجتماعی قوه قضائیه با بیان این‌که برای یافتن جایگزین شهید مطهری باید به مقام معظم رهبری مراجعه کنیم، افزود: اندیشه‌های رهبری در همان مسیر امام خمینی(ره) و شهید مطهری قرار دارد.

حجت‌الاسلام رستمی رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها در این همایش اظهار داشت: امیرالمومنین علی(ع) در نهج‌البلاغه در توصیف پیامبر(ص) می‌فرمایند؛ ایشان طبیبی بود که نایستاد تا بیماران به او مراجعه کنند بلکه به دنبال بیماری‌ها بود و جراحی‌ها و داروهای بی‌نظیر ایشان شفابخش بود و دلهای کور، زبان‌های لال و گوش‌های ناشنوا را علاج می‌کرد و به سمت حقایق بازمی‌گرداند.وی با بیان این‌که اگر بخواهیم انسانی عالم و مؤمن در این تراز را در وجه غیرمعصومانه‌اش معرفی کنیم، می‌توانیم به شهید مطهری اشاره کنیم، افزود: ایشان به دنبال بیماری بود و درمان‌ها و علاج‌هایش شفابخش بود. شهید مطهری عالم مجاهدی است که چشم بر پیرامون خود نبست، بلکه حرکت و مجاهدت علمی کرد.

ماهنامه رود منتشر شد



دوماهنامه فرهنگی هنری ویژه معرفی کتاب با عنوان رود در ۱۴۴ صفحه و با مدیرمسئولی مهری بهفر منتشر شد.

این نشریه در نظر دارد در بخشهای مختلف کتابهایی در حوزه‌های فرهنگی، هنری، تاریخی، سیاسی و اجتماعی را به مخاطبان معرفی کند. سردبیر در سخن نخست این نشریه نوشته است: نشریه‌ای سراسر ویژه معرفی کتاب و نه هیچ چیز دیگر؛ نه مصاحبه و میزگرد نه مقاله و یادداشت و گفتار و جستار، نه داستان کوتاه و شعر، نامه‌های کوتاه و بلند به سردبیر و نه حتی نقد و بررسی، یا تحلیل و واکاوی و کالبد شکافی متن؛ هیچ کدام، نشریه ای مختص معرفی کتاب می خواستم. بیست سال پیپش در پی اش بودم، نشد. برآمد برین روزگاری دراز. ذهن من در این سالها مثل گل قهر و آشتی از نقش این خواستن پر و خالی می شد و چنین بود تا شمع گردان سپهر، دگرگونه تر شد به آیین و چهر و رود سر گرفت، جاری شد و پیش رفت تا بدین جا رسید.

نشریه حاضر در بخشهای مختلف عناوینی دارد که تمامی مشتق از واژه رود است که می توان به رودک، رودآورد، رودسنگ، دورود، رودبار، رودخانه، رودخوان اشاره کرد. از کتابهایی که در این مجله معرفی شدند نیز می توان به برخی مانند سنجش منابع تاریخی شاهنامه، کانون دین زرتشتی، پیرورش ذوق عامه در عصر پهلوی، خدا و شر، خاقان صاحب قران و علمای زمان، بر کرانه کنعان، بی سرنوشتی، جمعیت نسوان وطن خواه ایران اشاره کرد.

تشریح برنامه‌های مشترک آموزشی ۳ وزارتخانه

معاون آموزشی وزیر علوم از تدوین برنامه مشترک آموزشی بین سه وزارتخانه متولی اصلی آموزش یعنی علوم، بهداشت و آموزش و پرورش در کشور خبر داد.

دکتر مجتبی شریعتی نیاسر در گفت‌وگو با ایسنا، ضمن بیان این مطلب به تشریح جزئیات تفاهمنامه سه وزارتخانه علوم، بهداشت و آموزش و پرورش در حوزه آموزش اشاره و اظهار کرد: ما برای اینکه معتقد هستیم مسئله آموزش در همه ارکان جامعه مفهوم دارد و دستگاه‌های اجرایی کارخانه‌ها، ادارات، سازمان‌ها و ...به موضوع آموزش به صورت ناخواسته توجه دارند و بخشی با عنوان آموزش را ثبت کرده‌اند، اما از طرف دیگر متولی دوره‌های رسمی آموزش سه وزارتخانه فوق هستند و این تفاهمنامه به منظور دستیابی به وحدت رویه و هم‌افزایی در حوزه آموزش تدوین شده است.

وی در ادامه تصریح کرد: خوشبختانه تفاهمنامه فوق به امضای سه وزیر علوم، بهداشت و آموزش و پرورش رسیده است.

معاون آموزشی وزیر علوم خاطرنشان کرد: بر اساس تفاهمنامه فوق ما از سال آینده با یک تعامل و همبستگی فکری بین سه وزارتخانه علوم، بهداشت و آموزش و پرورش که متولی دوره‌های آموزشی در سطوح پیش از دانشگاه و پس از دانشگاه هستند، فعالیت‌ها و برنامه‌های آموزشی را تعریف خواهیم کرد. ضمن اینکه تمامی دستگاه‌های اجرایی نیز در پرتو چنین سیاست‌هایی باید در این راستا برنامه خود را تعریف کنند.

همچنین تعیین "دهه سرآمدی آموزش" در تاریخ نظام آموزشی نیز می‌تواند به این موضوع کمک کند و تأثیرگذار باشد که از سوم تا دوازدهم اردیبهشت ماه هر سال به عنوان این دهه تمامی دستگاه‌های اجرایی به تبیین مسائل آموزشی بپردازند و سیاست‌ها و راهکارهای ارتقای آموزش را تشویق کنند تا دست اندرکاران ذیربط متوجه اهمیت این آموزش شوند.

کوتاه آموزشی

نسبت هیات علمی به دانشجو در دانشگاه تهران یک به ۱۸ است

معاون آموزشی دانشگاه تهران گفت: این دانشگاه توانسته است با افزایش جذب اعضای هیات علمی و کاهش پذیرش دانشجو، نسبت اعضای هیات علمی به دانشجو را به عدد یک به ۱۸ برساند. به گزارش ایرنا، سید حسین حسینی در ششمین جشنواره آموزش دانشگاه تهران اظهار کرد: امروز از میان ۲هزار و ۲۰۰ عضو هیات علمی دانشگاه، حدود ۴۷ استاد با توجه به شاخص‌های مشخص شده در آیین نامه از جمله کیفیت تدریس و مشاوره‌های دانشجویی تقدیر می شوند. وی افزود: در حال حاضر بیشتر اعضای هیات علمی واجد شاخص‌های مشخص شده در آیین نامه هستند. براین اساس انتخاب ۴۷ نفر از پیشکسوتان به صورت نمادین انجام می شود. وی در ادامه مسئولیت پذیری اجتماعی، کارآفرینی و ارتقاء سطح بین المللی را از مهم ترین اهداف برنامه سوم دانشگاه دانست. معاون آموزشی دانشگاه تهران به ایجاد رشته‌های دو وجهی در مقطع کارشناسی اشاره کرد و یادآور شد: دانشگاه تهران به عنوان دانشگاه جامع آموزش را به گونه ای بازنگری کرده است که دانشجویان به منظور افزایش مهارت‌های کاری علاوه بر مواد درسی رشته اصلی، یک رشته فرعی را نیز آموزش ببینند.

اخذ ID کارت شرط استمرار فعالیت مدیران مدارس

مشاور و جانشین وزیر در ستاد راهبردی مدرسه محوری اخذ IDکارت را شرط استمرار فعالیت مدیران مدارس در سال تحصیلی ۹۹-۹۸ اعلام کرد. به گزارش ایسنا، فریبرز حمیدی، آموزش نیروی انسانی پیشران مدرسه به‌ویژه مدیران را باعث حفظ تداوم و بقای سازمان برشمرد و اظهار کرد: نگاه گذشته محوری که آموزش را متعلق به دوران کودکی، نوجوانی و جوانی می‌داند منسوخ‌شده و امروزه تنها به‌وسیله یادگیری پیوسته و پایدار می‌توان با پیشرفت‌ها و دگرگونی‌های روز جامعه سازگار و همراه شد. حمیدی تصریح کرد: مدیران و معلمان مدارس برای انجام این مأموریت نیازمند کسب و توسعه شایستگی‌های تخصصی و حرفه‌ای هستند بنابراین در چارچوب نظام مدرسه محوری ده عنوان دوره آموزشی و کاربردی در سال جاری در سامانه جامع مدیریت یادگیری و آموزش فرهنگیان(LTMS) برای مدیران مدارس ارائه می‌شود.

سرنوشت نامعلوم ۹۳درصد کاغذ وارداتی با ارز دولتی

جدول واردات پنج نوع کاغذ از ابتدای سال ۹۷ تاکنون در اطلاعیه‌ای از سوی دبیرخانه کارگروه ساماندهی کاغذ منتشر شد. طبق این اعلان رسمی، حدود ۹۳درصد از کاغذ وارداتی با ارز دولتی (۴۲۰۰ تومانی) نامعلوم است.

به گزارش ایسنا، مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام کرده که بر اساس این جدول، کاغذهای وارداتی به منظور چاپ کتاب درسی که برای وزارت آموزش و پرورش وارد می‌شود، در این جدول لحاظ نشده است.براساس این گزارش که با تأخیری چند ماهه منتشر می‌شود، از مجموع ۲۶۲ هزار تن واردات کاغذ که با ارز دولتی صورت گرفته است، فقط ۲۳ هزار تن با تأیید معاونت‌های فرهنگی و مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی توزیع و باقی آن به تفکیک واردکننده به سازمان تعزیرات حکومتی ارجاع شده تا اقدامات قانونی صورت گیرد .

این اطلاعیه می‌افزاید: به واردکنندگان کاغذ اعلام شده است چنانچه مصرف‌کنندگان و میزان مصرف را به تأیید معاونت‌های ذیربط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یا کارگروه ساماندهی کاغذ برسانند، مراتب به سازمان تعزیرات حکومتی اعلام می‌شود تا مشکلی برای آنان به وجود نیاید. این اطلاعیه یادآور می‌شود که کارگروه ساماندهی کاغذ متشکل از کلیه دستگاه‌های مسئول در امر واردات و توزیع پنج گونه کاغذ (روزنامه‌ای، تحریر، تحریر رول، بالکی و LWC) براساس مصوبه ۱۳۹۷/۵/۱۶ستاد تنظیم بازار تشکیل شده است.بر این اساس جدیدترین جدول واردات کاغذ که از ابتدای سال ۹۷ تا به امروز را در بر می‌گیرد، در سایت معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی قابل دسترس است.

برگزاری نمایشگاه نقاشی «قصیده نرگس»

آثار نقاشی حبیب اله صادقی، در نمایشگاه نقاشی "قصیده نرگس" در نگارخانه ساربان به نمایش درخواهد آمد. در این نمایشگاه ۲۵ اثر نقاشی با موضوع طبیعت مینوی به علاقمندان عرضه خواهد شد. این نمایشگاه در تاریخ ۱۳ اردیبهشت، ساعت ۵ بعد از ظهر افتتاح خواهد شد و به مدت ۱۰ روز پذیرای علاقمندان به این هنر خواهد بود.

مجتبایی: چینش آثار در غرفه‌های نمایشگاه کتاب مهم است

فتح‌الله مجتبایی در بازدید از نمایشگاه کتاب گفت: مشکل بزرگی که برگزاری نمایشگاه در مصلی دارد، تنگی جا و کمبود فضاست؛ کمبود فضا باعث شده، کتاب‌ها در غرفه‌ها به صورت منظم چیده نشود و مخاطب با منظره چندان دلنشینی مواجه نشود.

فتح‌الله مجتبایی به ایبنا گفت: برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران یک رویداد مهم فرهنگی است که حرکتی فرهنگی را ایجاد می‌کند و افرادی که علاقه‌مند به پژوهش و کتاب هستند، مولفان و مترجمانی که عمر خودشان را وقف این کار کردند، در این رویداد فرهنگی این امکان را می‌یابند که گرد هم بیایند و پژوهش‌ها و تالیفات خود را با یکدیگر در میان بگذارند و تالیفات جدید را ببینند و درباره آنها صحبت کنند. در واقع نمایشگاه فرصتی برای گفت‌وگوی فرهنگی است. وی افزود: مشکل بزرگی که برگزاری نمایشگاه در مصلی دارد، تنگی جا و کمبود فضاست؛ کمبود فضایی که باعث شده، غرفه‌ها کتاب‌هایشان به صورت منظم چیده نشده باشد و مخاطب با منظره چندان دلنشینی مواجه نشود. در حالی که ما ناشران بسیاری داریم و باید فضای بیشتری برای آنها فراهم شود تا کتاب‌هایشان را به مخاطبان عرضه کنند.

عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی ادامه داد: در کنار نمایشگاه، رویدادهای مرتبط با کتاب در نظر گرفته شود و همچنین جلسات بیشتری برای معرفی و نقد کتاب تشکیل شود. ناشران در پی آن باشند که آثار جدید خود را به شیوه‌های جدید به مخاطبان عرضه کنند.مجتبایی در پایان سخنانش گفت: برگزاری نمایشگاه فرصتی برای برقرار کردن ارتباط با سایر کشورهاست و همچنین آشنایی با آثار آنها. ضمن اینکه کتاب می‌تواند بهانه خوبی برای شکل گرفتن گفت‌وگو میان دیگر فرهنگ‌ها و تبادل فرهنگی باشد.

تحلیل شعر امروز روسیه در شهر کتاب

ادبیات روسی برای ما ایرانیان بیشتر با آثار برجسته‌ی نثر روسی شناخته و شاهکارهای ادبیات داستانی روسیه به فارسی بارها ترجمه و منتشر شده است. اما شعر روسی مانند ادبیات داستانی روسیه چندان شناخته شده نیست و میزان شناخت و آشنایی دوستداران ادبیات در ایران با شعر روسی به ویژه شعر معاصر روسیه، در حد و اندازه‌ای شایسته این‌گونه مهم ادبی در روسیه نیست .

نشست ویژه شهر کتاب در روز چهارشنبه یازدهم اردیبهشت ساعت ۱۱صبح به تحلیل و بررسی شعر امروز روسیه اختصاص دارد که با حضور ویچسلاو کوپریانوف (شاعر معاصر روسیه)، احمد پوری، زهرا محمدی و سیدحسین طباطبایی در مرکز فرهنگی شهر کتاب واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، نبش کوچه سوم برگزار می‌شود .

امیر ارجینی: ترانه هنری بینارشته ای است

"سه کتاب قبلی من مجموعه ترانه‌هایم هستند. کتاب «رفیق خوب روزها» سال ۸۹- «الفبای دنیا» سال ۹۰ و «یک چمدان دلتنگی»در سال ۹۲ «عشق باید زنی جوان باشد» برای من یک اتفاق ویژه است به خاطر اینکه من قبل از اینکه ترانه بنویسم غزل می نوشتم و یک اتفاق باعث شد من به نوشتن ترانه روی بیاورم و چون ترانه‌ها با اقبال عمومی مواجه شد، در این سالها تمرکزم روی نوشتن ترانه بود و امسال این کتاب را منتشر کردم و بابت این موضوع خیلی خوشحالم چون خیلی غزل دوست دارم."

امیر ارجینی،شاعر و ترانه سرا، با بیان مطلب فوق به خبرنگار ما، افزود: "نمی شود ترانه و غزل را باهم مقایسه کرد زیرا غزل در شعر فارسی یک قالب ادبی است ولی ترانه قالب ادبی نیست، ترانه یک پکیج است شامل آهنگساز، تنظیم کننده، خواننده و شاعر. یعنی حتی وقتی خواننده یک غزل از حافظ را هم می خواند مردم می گویند ما یک ترانه گوش کردیم. دوستان هم در جلسات شعر به اشتباه احساس می کنند هر چیزی که به زبان محاوره نوشته می شود، ترانه است؛ ولی در واقع نه صرفا هر چیزی که محاوره نوشته شود ترانه است و نه هر چیزی که با زبان معیار نوشته شود، شعر است."

وی در ادامه گفت: "غزل‌هایی که ما تا به امروز در ادبیات ایران خوانده ایم، زبان محاوره ای نداشتند به همین علت شاید برخی شعر «بوف کور» من را غزل ندانند.غزل قالبی است متشکل از هفت تا دوازده بیت و قافیه در مصرع اول، مصرع دوم و مصرع‌های دوم ابیات دیگر تکرار می شود. این همان چیزی است که در «بوف کور» هم رعایت شده است. اما بحث مفصل زبان است. ما در ایران دو گونه زبان داریم: نوشتاری و گفتاری. غزل «بوف کور» زبان گفتاری است. زبان نوشتاری، زبان معیار است. اینکه مردم وکسانی که تازه وارد ادبیات شده اند فکر می کنند هر چیزی به زبان معیار باشد، شعر و هر چیزی که زبان محاوره ای دارد ترانه است، اشتباهی است که باید حل شود و یک مقدار هم حل شده است. مثلا شاملو چندین شعر به زبان محاوره دارد، مثل «یک شب مهتاب»، «مردی که لب نداشت»، «قصه پریا» که اصلا این اشعار را برای اجرای موسیقی ننوشته بود. آنها به زبان محاوره‌ای نوشته شده اند و خود شاملو هم در یک مصاحبه ای گفت زبان محاوره‌ای زبانی است که به خاطر تازگی‌اش و به خاطر آنکه در ادبیات ازآن کم استفاده شده است، می توان از آن خیلی بهره‌برداری کرد."



ارجینی با اشاره به غم نهفته در اشعارش گفت: "این موضوع دو تا جنبه دارد. یکی زندگی شخصی خودم و یکی زندگی اجتماعی ما. از جنبه زندگی شخصی، من برادرم نوزده ساله ام را از دست دادم به اضافه مسائل و کشمکش‌های عاطفی که همه در جوانی با آنها درگیر هستیم و خیلی اتفاق‌های دیگر که باعث شده اند این غم در اشعارم متبلور شوند. جامعه هم در این غم دخیل بود. تا هشت سالگی من کشور در جنگ بود و بعد از آن مسائل اقتصادی و اجتماعی دیگری بوجود آمد. جنگ در هر کشوری روی دهد، یک فضای خاکستری را بعد از خود بر جای می گذارد و زدودن این غبار غم کار ساده ای نیست. مسائل اجتماعی امروز هم نیازی به گفتن ندارد. اوضاع معیشت مردم و اتفاق‌هایی که هنوز بعد از سال‌ها با آنها دست و پنجه نرم می کنیم، در روند نوشتن هنرمند تاثیر می گذارد."

وی تاکید کرد: "آن هنرمندانی که شادی خلق می کنند، خلاف آن چیزی که در وجودشان هست عمل نمی کنند. شادی در وجود آنها هست. آنها اگر بخواهند خلاف وجودشان عمل کنند، مطمئنا به تصنع می رسند و کارشان مصنوعی جلوه می کند. برخی دوستان صرفا در کار طنز هستند، هم روحیه طنز و مطایبه دارند و هم خودشان را در فضاهای شاد قرار می دهند. من هم خیلی وقت‌ها که غم به سراغم می آید، عمدا سعی می کنم این حالت را طولانی تر کنم و مدتی در این غم بمانم تا با توجه شعری که در ذهنم دارم، بتوانم از این فضا بهره‌برداری کنم ."

این ترانه سرا با اشاره به تعمیم‌پذیر بودن احساسات شخصی گفت: همه ما در زندگی تجربه‌های تلخ داریم. نگاه من در شعر، نگاه شخصی نیست. من فکر می کنم اتفاقی که به صورت شخصی برای من افتاده است، در نود و پنج درصد موارد باید قابل تعمیم باشد و یک شکل عمومی پیدا کند. من ترانه‌ای داشتم با نام «پرنده» که آقای چاوشی اجرا کرده بودند. این ترانه را بعد از فوت برادرم نوشتم ولی سعی نکردم کار را به شکل شخصی منتشر کنم چون فکر می کردم این کار باید طوری باشد که هر کسی که عزیزی از دست داده با این آهنگ بتواند همذات پنداری کند. الان خیلی‌ها برای من عکس می فرستند و می بینم این شعر را روی سنگ مزار عزیزانشان نوشته اند."

رئیس‌جمهوری: اجازه نمی‌دهیم مردم در فشار باشند

رئیس جمهوری با اشاره به اینکه توان و قدرت دولت در سایه بازوان پرتوان و انگشتان ماهر شما در تولید است، تأکید کرد: هر چه تولید افزایش یابد، مردم در رفاه قرار می‌گیرند و قدرت اقتصادی بیشتری خواهیم داشت.

این مطلب را حجت الاسلام و المسلمین دکتر حسن روحانی در مراسم سی امین جشنواره ملی قدردانی از کارگران نمونه که با حضور هزاران نفر از کارگران واحدهای تولیدی در مناطق شهری، روستایی و عشایری در مجموعه ورزشی شهید معتمدی برگزار شد، اعلام کرد.

بنابراین گزارش، در این مراسم از ۲۹ نفر از کارگران و مدیران واحدهای نمونه تولیدی و صنعتی کشور از سوی رئیس جمهوری مورد تقدیر قرار گرفتند. وی گفت: هدف از تحریم ظالمانه و غیر قانونی آمریکا را فشار به مردم، کارگران و اقشار ضعیف جامعه دانست و با تاکید بر اینکه کارگران با تلاش در عرصه تولید و افزایش صادرات غیرنفتی در خط مقدم مقابله با تحریم های آمریکا هستند، اظهارداشت: هر واحدی که ظرفیت تولید را توسعه دهد بیشتر از منابع صندوق توسعه بهره‌مند می شود.

رئیس جمهوری قدرت دولت را نتیجه پشتیبانی مردم و تلاش کارگران خواند و با اشاره به صادرات غیرنفتی ۴۰ میلیارد دلاری کشور تاکید کرد: هدف آمریکا از قطع صادرات نفت کاهش درآمد ارزی ماست و راه مقابله با آن تولید و صادرات غیرنفتی است.

وی با بیان اینکه بسیار خوشحالم در آستانه ماه مبارک رمضان؛ ماه میهمانی خداوند، در جمع کارگران عزیز در هفته کارگر هستم، گفت: در حال حاضر در برابر تحریم ظالمانه و غیرقانونی آمریکا هستیم که فشار این تحریم به طور مستقیم بر مردم عزیز کشور و بویژه کارگران، اقشار متوسط و پایین جامعه است.

دکتر روحانی با تأکید بر اینکه دولت، کارفرمایان، کارگران، کارآفرینان و بخش‌های مختلف تولیدی جامعه امروز بار سنگین‌تری بر دوش دارند، ادامه داد: آمریکا از طریق اعمال تحریم‌های ظالمانه به دنبال کاهش درآمد ارزی کشور است و منبع بزرگ درآمد ارزی همواره فروش نفت، میعانات و برخی صنایع وابسته به تولید نفت و گاز بوده است.

وی بر ضرورت حفظ ارزش پول ملی تأکید کرد و گفت: این بدان معنی است که ارزش ریال در برابر ارزهای خارجی کاهش نیابد و این در صورتی است که میزان ارز را افزایش دهیم و برای رسیدن به این مهم یا باید عرضه افزایش یابد یا تقاضا کم شود تا نیاز مردم به ارز خارجی کاهش یابد.

رئیس جمهوری همچنین به چهارمین سال خودکفایی و بی‌نیازی کشور در محصول گندم اشاره و تأکید کرد: این همان بی‌نیازی از ارز است که در سال اول دولت در حدود ۶ میلیون تن گندم وارد می‌کردیم اما در طول ۴ سال گذشته نیازی به تولید گندم نداشتیم و در این زمینه نیاز به ارز کاسته شده است.

وی با تأکید بر اینکه هر جا به سمت خودکفایی حرکت کردیم، نیاز به ارز کاسته شد، اظهار داشت: اگر امروز ۹۵ درصد دارو در داخل تولید می‌شود و بتوانیم ۵ درصد مابقی مواد اولیه دارو را در کشور تولید کنیم، نیاز ارزی کاهش می یابد.

رئیس دولت تدبیر و امید با بیان اینکه برای حفظ ارزش پول یا باید قیمت ارز خارجی کاهش یابد یا ارز بیشتری به دست آوریم، گفت: در زمینه کم شدن نیاز به ارز کارگران، کارفرمایان و تولیدکنندگان کار بزرگی انجام می‌دهند و بخشی از نیازهای جامعه توسط شما قشر عزیز برطرف می‌شود و امروز در برخی از بخش‌ها تبدیل به صادرکننده شده‌ایم و البته در کشاورزی هم صادرات و واردات انجام می‌شود.

وی با اشاره به اینکه در ابتدای دولت، میزان واردات ما ۸ میلیارد دلار بیشتر از صادرات بود اما این رقم اکنون به ۳ میلیارد رسیده که بیانگر حرکت ما به سمت خودکفایی است، تأکید کرد: وقتی اعلام می‌کنیم در محصول گندم برای ۴ سال خودکفا شدیم، بدان معنی است که کشاورزان عزیز کشور را خودکفا کردند و در سایر محصولات هم کارگران ما را به مرحله خودکفایی رسانده‌اند و همچنین اگر در رفع نیازمندی تسلیحاتی بیش از ۹۰ درصد روی پای خود ایستاده‌ایم بدان معنی است که کارگر، مهندس و طراح ایرانی ما را به چنین مرحله‌ای از خودکفایی رسانده است.

دکتر روحانی افزود: هر جا به دنبال خودکفایی برویم بدان معنی است که ارزش پول ملی افزایش یافته و نیاز به ارز خارجی کمتر شده است و همچنین هر چه صادرات افزایش یابد، درآمد ارزی برای کشور بیشتر خواهد شد.

وی تصریح کرد: امروز رقم صادرات غیرنفتی بسیار قابل توجه و به ۴۰ میلیارد دلار رسیده که با تلاش بیشتر بهبود کیفیت، کاهش مصرف داخلی و افزایش صادرات در محصولات غیرنفتی می‌توانیم بازارهای منطقه و جهان را تصاحب کنیم که در نتیجه درآمد ارزی کشور افزایش می‌یابد و یکی از قدم‌های مهم برای مبارزه با آمریکا همین موضوع است.

رئیس جمهوری با بیان اینکه آمریکا به دنبال این است که از طریق فشار به صادرات نفتی، درآمد ارزی کاهش یابد تا نیازمندی‌های داخلی برای تولید کالاهای اساسی و واردات برخی محصولات مورد نیاز دچار مشکل شود، تصریح کرد: پس یکی از راه‌های مقابله با آمریکا و خط مقدم این مبارزه شما کارگران عزیز هستید که بتوانید با کار بیشتر محصولات بیشتری تولید کنید و ظرفیت خالی کارخانجات پرشود.

وی با اشاره به یکی از مصوبات مهم هیأت امنای صندوق توسعه ملی مبنی بر اینکه اگر کارخانه‌ای ظرفیت تولید خود را افزایش دهد یا تأسیس شود، ظرفیت تولید برای دریافت پول از صندوق توسعه ملی در اولویت خواهد بود، گفت: این به معنای آن نیست که سالن و تجهیزات اضافه شود، بلکه باید با افزایش شیفت‌های کاری، تا چند برابر، ظرفیت را افزایش دهیم و کیفیت کالاها هم به همین نسبت ارتقاء یابد.



رئیس جمهوری از ۲۹ نفر از کارگران و مدیران واحدهای نمونه تولیدی و صنعتی کشور قدردانی کرد

دکتر روحانی گفت: وقتی در کشورهای همسایه مشاهده می‌کنیم کالاهای ساخت کارگران ایرانی در مغازه‌های این کشورها به فروش می‌رسد، انسان به خود می‌بالد که کالای ما جای کالاهای کشورهای غربی یا شرقی را پر می‌کند و این مهم به دست شما انجام شده است.

وی با طرح این موضوع که شاید شما به دولت خطاب کنید که چرا قیمت ارز کاهش نمی‌آید، تأکید کرد: هر چقدر تولید افزایش یابد و به سمت خودکفایی حرکت کنیم، قیمت ارز کاهش می‌یابد.

رئیس قوه مجریه با اشاره به اینکه آمریکا فشار می‌آورد تا نفت خام را صادر نکنیم و البته باید به صادرات نفت خام ادامه دهیم، تصریح کرد: همه مسئولان اتفاق نظر دارند که تصمیم آمریکا برای رساندن صادرات نفت ایران به صفر تصمیمی غلط و نادرست است که اجازه نخواهیم داد اجرایی و عملیاتی شود.

وی با بیان اینکه آمریکایی‌ها در ماه‌های آینده متوجه می‌شوند که صادرات نفت خود را ادامه خواهیم داد، تصریح کرد: ممکن است از یک راه درها را بر روی ما ببندند، اما یک باب وجود ندارد که آمریکا فشار می‌آورد تا بسته شود، بلکه هنوز ۶ درب وجود دارد و ما با قدرت به صادرات نفت ادامه خواهیم داد.

رئیس جمهوری با بیان اینکه برخی کشورها در برابر فشار آمریکا عقب‌نشینی کردند که همین امر باعث شده فشار آمریکا بیشتر شود، تصریح کرد: اما ملت ایران در طول انقلاب اسلامی روبروی آمریکا ایستادگی کرد و به پیروزی رسید. در حادثه طبس هم که البته لطف پروردگار از مقاومت ملت بیشتر بود، روبروی آمریکا ایستادیم.

وی با تأکید بر اینکه در دوران دفاع مقدس هم ملت ایران در برابر آمریکا و همه قدرت‌هایی که به صدام کمک می‌کردند، ایستادند و امروز هم ایستادگی می‌کنیم، تصریح کرد: نباید اجازه دهیم که جامعه در فشار باشد و رسیدن به این مهم، اتحاد دولت و ملت را می‌طلبد و اگر ملت در هر جا پشتیبان دولت نباشد، دولت ناموفق خواهد بود.

دکتر روحانی با اشاره به مشکلات بوجود آمده در بسیاری از استان‌های کشور بخاطر جاری شدن سیل، گفت: در فروردین امسال با معضل سیل در کشور مواجه شدیم که در یکصد سال اخیر سابقه نداشته است. هر چند که همزمان بارش رحمت خداوند، نعمت‌های فراوانی را برای کشور به همراه داشت و امروز سدها، تالاب‌ها و قنوات کشور پرآب شده و نعمت خدا برای ملت بوجود آمده اما در عین حال این سیلاب‌ها مشکلاتی را برای مردم بوجود آوردند.

وی با اشاره به اینکه هیچ زمانی در ایران به طور همزمان حدود ۲۸ استان با معضل سیل مواجه نبوده است ، افزود: اداره کردن و ساماندهی امور در همه این استان‌ها بویژه در برخی استان‌هایی که مشکلات و خرابی‌های زیادی داشتند، کار آسانی نبود. رئیس جمهوری ادامه داد: به وزرای صنعت، معدن و تجارت، کار، تعاون و رفاه اجتماعی و جهاد کشاورزی اعلام می‌کنم که بازسازی همه مراکز تولیدی، بنگاه‌ها و کارگاه‌های اقتصادی، مراکز دامپروری و کشاورزی که در مناطق سیل‌زده دچار خسارت شده‌اند، اولویت دولت است و همه باید تلاش کنیم تا شرایط کار و تولید در این مناطق به سرعت به شرایط گذشته و حتی بهتر از آن، بازگردانده شود.

وی با بیان اینکه در جلسه هماهنگی مدیریت بحران استان خوزستان براساس گزارش مسئول جهاد کشاورزی این استان ۱۵۰ هزار هکتار گندم در این منطقه براثر سیل به زیر آب رفته، خاطر نشان کرد: بر مبنای برآوردها در سال جاری می‌بایست گندم زیادی برای صادرات در کشور تولید می‌شد، اما علیرغم همه مشکلات و با وجود این خسارت‌ها، امسال هم در گندم خودکفا خواهیم بود.

دکتر روحانی تأکید کرد: مقابله با تحریم و توطئه آمریکا و رسیدگی به مناطق سیل‌زده از وظایف اصلی همه مسئولان است و باید همه در این راستا دست به دست یکدیگر بدهیم.

وی با اشاره به اینکه در شرایط کنونی و با توجه به تغییر و تحولات جامعه جهانی، شیوه‌ها، نوع و شکل کار در کشور در حال تغییر بوده و بسیاری از شغل‌های جدید بویژه در فضای مجازی ایجاد شده است، گفت: وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی باید از امروز برای مشاغل در ۱۰ سال آینده برنامه‌ریزی داشته باشد.

رئیس جمهوری با بیان اینکه امروز فرصت‌های بسیار خوبی در بخش گردشگری برای اشتغال‌زایی مهیاست، اظهار داشت: افزایش اشتغال و صادرات و تغییر در شیوه‌های ایجاد شغل با توجه به شرایط باید مدنظر قرار گیرد تا بتوانیم از مشکلات عبور کنیم. وی آمار ارایه شده از سوی وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی در زمینه مسایل مربوط به کارگران را امیدوارکننده دانست و با اشاره به ضرورت تلاش در راستای ارایه خدمات بهتر به کارگران، گفت: کارگران باید نسبت به آینده زندگی خود امیدوار باشند چرا که هر چه کار با نشاط و با روحیه انجام شود، محصول بهتری خواهد داشت.

دکتر روحانی افزود: کارگری که بداند پس از چند سال تلاش می‌تواند صاحب خانه شود و دغدغه‌های مربوط به تهیه مسکن را ندارد، با روحیه بهتری می‌تواند در مسیر تولید محصول باکیفیت تلاش کند و در این راستا تلاش مسئولان در وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی باید بیشتر از گذشته شود.

وی برنامه‌ریزی برای سهیم کردن کارگران در تولیدات بیشتر و صادرات محصولات را مورد تأکید قرار داد و افزود: کارگر باید بداند که اگر کیفیت محصولی که تولید می‌کند، ارتقاء یابد، این جنس صادر شده و می‌تواند در سود حاصل از آن سهمی داشته باشد، در این صورت با انگیزه بهتر و بیشتری تلاش خواهد کرد.

رئیس جمهوری با بیان اینکه در جلسه‌های مختلف اقتصادی از هر پیشنهادی از سوی وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی در راستای حمایت از کارگران و کاهش مشکلات آنها حمایت می‌شود، گفت: حمایت از کارگر تنها به معنای افزایش حقوق آنان نیست بلکه باید در بسیاری موارد به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنیم که کارگران در سود حاصل از تولید و صادرات محصولات سهیم و شریک شوند.

وی افزایش چندین برابری امکانات و مسایل رفاهی برای کارگران در دولت تدبیر و امید براساس گزارش ارایه شده از سوی وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی را مایه مباهات دولت دانست و گفت: اینکه تشکل‌های کارگری در این دولت ۱/۶درصد افزایش داشته، موجب افتخار دولت است؛ چرا که معتقدیم کارگران از طریق تشکل‌های صنفی باید به دنبال منافع خود باشند و تشکل‌های کارگری باید از منافع کارگران در بخش‌های مختلف دفاع کنند.

دکتر روحانی تأکید کرد: دولت با همه توان و امکانات خود در کنار کارگران است و هیچ‌کس تردید ندارد که رشد تولید و قدرت کشور و مبارزه در برابر دشمنان تنها با کار و تولید امکان‌پذیر است؛ بنابراین وظیفه دولت است تا در راستای افزایش تولید و اشتغال تلاش کند.

وی با اشاره به ضرورت بهره‌گیری از توان وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی در مسیر توسعه اشتغال روستایی اظهار داشت: براساس گزارشی از سوی کمیته امداد امام خمینی(ره) در یکسال گذشته با حمایت بانک‌ها ۱۳۶ هزار شغل جدید از جمله در زمینه اشتغال روستایی ایجاد شده است که این بسیار امیدوارکننده است.

رئیس جمهوری با تأکید بر اینکه بانک‌ها باید در مسیر توسعه اشتغال به صحنه بیایند، گفت: تولید و افزایش اشتغال بدون حضور بانک‌ها و حمایت آنها امکان ندارد، در عین حال باید مراکز آموزش فنی و حرفه ای هم به روز شده و به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنیم که دانش‌آموزان و دانشجویان ما پس از دوران تحصیل خود صاحب مهارت باشند و این از وظایف وزارتخانه‌های کار، تعاون و رفاه اجتماعی، آموزش و پرورش و علوم، تحقیقات و فناوری است.

وی با بیان اینکه باید سطح اطلاعات کارگران، قبل و حین انجام کار افزایش یابد، خاطر نشان کرد: اگر همه در کنار هم تلاش کنیم خداوند هم نصرت و یاری خود را نصیب ما خواهد کرد و می‌توانیم دشمنان را به زانو در بیاوریم.

دکتر روحانی تأکید کرد: کارگران غیور کشور، زنان، مردان و جوانان نخواهند گذاشت که آمریکا پیروز شود و ما قطعاً آمریکا را به زانو در می‌آوریم.

نفت ، طلا ، سکه و ارز

▽ بازار جهانی

هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تگزاس)	۶۴/۷۲ دلار
هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۷۳/۲۳ دلار
متوسط سبد نفت کشورهای اوپک	۷۱/۰۷ دلار
هر اونس (۳۱/۱ گرم) طلا	۱۲۸۲ دلار

▽ بازار داخلی

سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۴۷۵۱۰۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۴۹۴۰۰۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶گرم)	۲۷۵۳۰۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۱۷۸۳۰۰۰ تومان
سکه یک گرمی	۹۸۰۰۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت)	۴۴۲۶۰۰ تومان
دلار آمریکا(نرخ سیستم بانکی برای کالاهای اساسی)	۴۲۰۰ تومان
دلار آمریکا(سامانه سنا - میانگین بازار ثانویه و بازار آزاد)	۱۴۱۸۱/۷ تومان
دلار آمریکا(نرخ صرافی)	۱۴۰۵۳ تومان
یورو(نرخ سیستم بانکی برای کالاهای اساسی)	۴۶۹۹/۶ تومان
یورو(سامانه سنا - میانگین بازار ثانویه و بازار آزاد)	۱۵۹۱۱ تومان
یورو(نرخ صرافی)	۱۵۹۰۶ تومان
پوند انگلستان(نرخ سیستم بانکی برای کالاهای اساسی)	۵۴۳۵/۶ تومان
پوند انگلستان(سامانه سنا - میانگین بازار ثانویه و بازار آزاد)	۱۷۸۵۳/۶ تومان
پوند انگلستان(نرخ صرافی)	۱۸۵۵۰ تومان
درهم امارات (نرخ سیستم بانکی برای کالاهای اساسی)	۱۱۴۳/۷ تومان
درهم امارات (سامانه سنا - میانگین بازار ثانویه و بازار آزاد)	۳۸۳۹/۱ تومان
درهم امارات (نرخ صرافی)	۳۸۷۸ تومان

اخبار کوتاه

اشتغال امروز کارگران اضافه کار محسوب می‌شود

تمام کارگران و کارکنان مشمول قانون کار امروز به مناسبت روز کارگر تعطیل هستند و در صورت اشتغال در این روز باید مشمول اضافه کار روز تعطیل شوند. بر اساس ماده ۶۳ قانون کار، علاوه بر تعطیلات رسمی کشور، روز یازده اردیبهشت روز کارگر هم برای کارگران جز تعطیلات رسمی محسوب می‌شود. بنابراین کارکنانی که امروز در محل کار خود حاضر باشند مشمول اضافه کار روز تعطیل خواهند شد و کارفرمایان نباید از این ماده قانونی تخطی کنند.بر اساس این گزارش، اشتغال کارکنان تحت پوشش قانون کار در روز چهارشنبه ۱۱ اردیبهشت، همچون تعطیلات رسمی مشمول ۴۰ درصد اضافه بر مزد روزهای عادی خواهد شد.

موافقت با افزایش زمان بازپرداخت وام سیل‌زدگان

شورای پول و اعتبار با افزایش حداکثر زمان بازپرداخت تسهیلات قرض الحسنه بانکی به منظور جبران خسارت های ناشی از سیل فروردین امسال در استان های آسیب دیده موافقت کرد. به گزارش فارس به نقل از بانک مرکزی، در جلسه شورای پول و اعتبار مقرر شد به منظور جبران خسارت‌های ناشی از سیل فروردین سال ۱۳۹۸ در تمام استان‌های آسیب دیده، حداکثر زمان بازپرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه بانکی (با نرخ کارمزد ۴ درصد) به مدت ۷ سال برای بخش کشاورزی و ۱۵ سال (با احتساب دوره تنفس حداکثر به مدت ۳ سال) برای بخش مسکن افزایش یابد.

جهانگیری: لکه ننگ فساد باید از دامان جمهوری اسلامی برچیده شود

معاون اول رئیس جمهوری با تاکید بر اینکه دولت با تمام توان برای مبارزه با فساد اقتصادی تلاش می کند،گفت: امروز وقت آن است که جدی تر و موثرتر از هر زمان دیگری از شکل گیری مفاسد اقتصادی جلوگیری کرده و با آن مقابله شود

این مطلب را دکتراسحاق جهانگیری در چهل و سومین جلسه ستاد هماهنگی مبارزه با مفاسد اقتصادی اعلام کرد.

وی در این جلسه گزارش ارائه شده از اقدامات دستگاه های نظارتی و قضائی در موضوع مبارزه با مفاسد اقتصادی را مثبت توصیف کرد و گفت: ستاد هماهنگی مبارزه با مفاسد اقتصادی در جلسات خود مسائل کلان را مطرح و مورد بررسی قرار می دهد و به عنوان یک نهاد هماهنگ کننده مسائل به دستگاه مربوطه ارجاع می شود تا مورد رسیدگی نهایی قرار گیرند.

معاون اول رئیس جمهوری افزود: تلاش این ستاد این است که با ایجاد هماهنگی های لازم بین دستگاه های مختلف کمک کند تا لکه ننگ فساد از دامان جمهوری اسلامی ایران پاک شود و همه باید برای رسیدن به این هدف تلاش کنیم.

وی افزود: مجوزی که اخیراً قوه قضائیه در زمینه تسهیل رسیدگی به مفاسد اقتصادی از مقام معظم رهبری دریافت کرد، منشا حرکت خوبی در این عرصه شد و اکنون لازم است از مجموعه اطلاعات پرونده های تشکیل شده برای اصلاح نقاط ضعفی که فسادخیز هستند، بهره گرفت. برای نظام مهم‌تر از برخورد با یک فساد، چه بزرگ و چه کوچک این است که چگونه از تکرار موارد مشابه آنها از همان گلوگاه های فسادزا در آینده جلوگیری شود.

دکتر جهانگیری با اشاره به اینکه از سال ها قبل شاهد بوده و هستیم که فسادهای بزرگ رخ داده در هر دوره ای با ابعاد بزرگ تر در دوره های بعد تکرار شده است، اظهار داشت: باید به گونه ای عمل شود که دیگر شاهد تکرار بابک زنجانی ها نباشیم.

وی تاکید کرد: باید کمیته ای متشکل از نمایندگان قوای سه گانه و دستگاه های مسئول تشکیل شود و متولی شناسایی و رفع نقاط ضعف و گلوگاه هایی باشد که به ایجاد فساد می انجامند.

معاون اول رئیس جمهوری با اشاره به مسائل مطرح شده در این جلسه درباره فسادهای مترتب بر صدور کارت های بازرگانی، مسائل مربوط به خصوصی سازی و واگذاری اموال دولت به بخش خصوصی، معوقات بانکی و دیگر گلوگاه های فساد خیز بسیار مهم و حساس از دبیر ستاد هماهنگی مبارزه با مفاسد اقتصادی خواست تا موارد مطروحه در دستور جلسات آینده ستاد قرار گیرد.

وی در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به اینکه در آستانه سالروز صدور پیام مهم هشت ماده‌ای مقام معظم رهبری برای مبارزه با مفاسد اقتصادی هستیم، تصریح کرد: از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی مسئولان در برخی مسائل ثابت قدم ایستاده اند که یکی از این مصادیق، موضوع مبارزه با مفاسد اقتصادی است که در راس همه مسئولان، مقام معظم رهبری همواره در تمام سال های سپری شده از استقرار نظام جمهوری اسلامی، پرچم مبارزه با فساد را هیچگاه زمین نگذاشته‌اند.دکتر جهانگیری با اظهار اینکه متاسفانه باید اعتراف کنیم که وقتی به دوره های مختلف گذشته نگاه می کنیم، می بینیم که با وجود همه حساسیت ها و تاکیدات، فساد در کشور توسعه یافته است، اظهار داشت: در حال حاضر دو مساله مردم را خیلی آزار می دهد. اول فشارهای سنگین ناشی از تحریم‌های گسترده آمریکاست که زندگی مردم را از هر جهت با مضیقه مواجه کرده است و مساله دوم و مهم تر این است که مردم ببینند عده ای از این شرایط برای کسب منافع خود سوءاستفاده می‌کنند. امید آمریکایی‌ها این است که فشارهای اقتصادی روی مردم اثر بگذارد و آنها را به ابراز نارضایتی عمومی بکشاند، در این شرایط همه ما باید تلاش کنیم تا فشارها از روی دوش مردم برداشته شود و شرایط زندگی آنها تسهیل شود. وی با اشاره به برگزاری یکی از جلسات ستاد در سال ۹۷ برای بررسی چگونگی مواجهه با بازگشت تحریم‌ها و جلوگیری از وقوع فساد در شرایط تحریمی کنونی تصریح کرد: در آن جلسه مسائل مختلفی مطرح شد. از جمله اینکه همه متفق القول بودند اگرچه که تلاش برای دور زدن تحریم ها با توزیع رانت و شکل گیری فساد همراه است، اما با علم به این که در دوره تحریم امکان شکل گیری فساد بیشتر است، مهم این است که همه تلاش کنیم تا از بروز مفاسد اقتصادی جلوگیری شود و برای مقابله با فساد عزم و اراده جدی داشته باشیم. معاون اول رئیس جمهوری ادامه داد: آمریکایی ها در یکسال گذشته از تمام ابزارهایشان برای کاهش فروش نفت ایران استفاده کردند و الان هم تلاش می کنند تا خریداران نفت ما را منصرف کنند.

وی خاطرنشان کرد:آمریکایی‌ها با اعلام تصمیم جدیدشان برای لغو معافیت های خریداران نفت ایران، عزم شان را برای به صفر رساندن فروش نفت ایران اعلام و اقدامات عملی در این راستا را هم آغاز کرده‌اند. بنابراین همه باید تلاش کنیم تا به میزان مورد نیاز نفت کشور را صادر کنیم و اجازه ندهیم آمریکا در پیشبرد برنامه هایش موفق شود.

دکتر جهانگیری افزود: به هر حال در دوره تحریم زندگی مردم بیش از گذشته در سختی قرار می گیرد و دولت ناگزیر است که راه های کم ضررتر را برای اداره کشور در پیش بگیرد و در وهله اول تلاش دولت باید این باشد که سختی کمتری به زندگی مردم که همین حالا هم به شدت تحت فشار هستند، وارد شود.

وی اظهار داشت: از یک سو مردم از اینکه برخی ها از این شرایط به نفع خودشان سوءاستفاده می کنند، ناراحتند و از سوی دیگر مدیران کشور از اینکه در این شرایط به جهت تصمیمی که می گیرند مفاسدی بر آن مترتب شود، نگران هستند. به هر حال در وضعیت فعلی گاهی لازم است مدیران با پذیرش ریسک های احتمالی و به جهت عبور از شرایط تصمیمی بگیرند و مجوزی بدهند که ممکن است رانتی ایجاد کند اما همیشه و در همه حال مراقبت برای جلوگیری از فساد ضروری است.

معاون اول رئیس جمهوری تصریح کرد: باید برای آن دسته از تصمیمات مدیریتی که برای عبور از تنگناها گرفته می شود، یک چتر حمایتی وجود داشته باشد اما در عین حال چنانچه مدیری اساساً تصمیمی برای سوء استفاده و فساد گرفته باشد حتماً باید با او برخورد شود. این موضوع باید در ستاد هماهنگی مبارزه با مفاسد اقتصادی بررسی و مورد تصمیم گیری قرار گیرد.

وی ادامه داد: اگر به این موضوع نپردازیم و فضای امنی برای مدیران ایجاد نکنیم تا تصمیمات جسورانه برای عبور از وضعیت فعلی اتخاذ نکنند، زیانی که از ناحیه عدم تصمیم گیری مدیران نصیب کشور می شود، ممکن است از زیان ناشی از تصمیمات اشتباه بیشتر باشد.

دکتر جهانگیری تاکید کرد: ایران کشوری ثروتمند و برخوردار از ظرفیت ها و پتانسیل های بسیار بالا و خوبی است. اگر همه در صحنه بمانیم و با جان و دل کار کنیم، از وضعیت سخت فعلی با موفقیت عبور خواهیم کرد. مقطع فعلی، مقطع سرنوشت سازی است. منتها این مهم در گرو این است که همه در میدان حضور داشته باشند و احساس مسئولیت کنند.

وی با گلایه از اینکه گاهی مسائل خیلی ساده تر از آنچه که هست، دیده می شود، گفت: این ساده انگاری باعث می شود که دولت متهم به کم کاری و بی عملی شود. در حالی که واقعیت اینگونه نیست و گاهی مسائل آنقدر پیچیده و بزرگ هستند و حاشیه دارند که واقعا تصمیم گیری درباره آنها به راحتی ممکن نیست. البته در مقابل، قبول و حتی تاکید دارم که باید با مدیرانی که برای راحتی و آسایش خودشان از تصمیم گیری استنکاف می‌ورزند، برخورد شود.

معاون اول رئیس جمهوری اضافه کرد: البته در حال حاضر هر تصمیمی بگیریم، چون خارج از روال عادی است، به هر حال و به احتمال خیلی زیاد تبعاتی به دنبال دارد، اما اگر هر سه قوه و نهادهای دیگر نظام کنار هم باشیم، می توانیم از وضعیت دشوار کنونی عبور کنیم. آمریکایی ها هم وقتی با وحدت و ایستادگی ما مواجه شوند بالاخره مجبور به عقب نشینی خواهند شد.

در این جلسه که وزرای اقتصاد و امور دارایی و دادگستری، رئیس کل بانک مرکزی، رئیس سازمان بازرسی کل کشور، رئیس سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دادستان عمومی و انقلاب تهران و نمایندگان مجلس شورای اسلامی عضو ستاد حضور داشتند، حجت الاسلام والمسلمین محسنی اژه ای معاون اول قوه قضاییه گفت: در سال ۹۷ تجارب موفقی در عرصه مبارزه با مفاسد اقتصادی داشتیم که این تجارب موفق می تواند به همه عرصه های دیگر تسری یابد.

وی در این جلسه ضمن اعلام اقدامات به عمل آمده از سوی این قوه در رسیدگی به پرونده های مفاسد اقتصادی در سال ۹۷ و پس از اخذ مجوز از مقام معظم رهبری برای رسیدگی سریع تر به این پرونده ها گفت: در بررسی این پرونده ها یکسری گلوگاه ها شناسایی شد که در شکل گیری این مفاسد خیلی موثر بودند، از جمله نقاط ضعف و کاستی هایی که باعث شکل گیری مشکل صندوق ها و موسسات اعتباری شدند.

جعفری دولت آبادی دادستان عمومی و انقلاب تهران هم با اشاره به اینکه پولشویی، ارز، راه اندازی شرکت های صوری، واگذاری‌ها به بخش خصوصی و عرصه‌های فعالیت بانکی از زمینه های اصلی بروز فساد بوده اند که قوه قضائیه در سال ۹۷ با آنها برخورد کرده است، افزود: متاسفانه برخی تصمیمات اشتباه در ایجاد مفاسد نقش موثر و جدی داشته اند، لذا لازم است که با اصلاح روندهای تصمیم گیری و اتخاذ تصمیمات دقیق و کارشناسی گلوگاه های بروز فساد بسته شود.

وی اظهار داشت: باید با اصلاح مقررات و روش ها جلوی بروز فساد در زمینه هایی نظیر زمین خواری را گرفت. قوه قضائیه در سال ۹۷ با وجود همه مشکلات و محدودیت ها فقط در استان تهران از ۳۵ میلیون متر مربع زمین رفع تصرف کرده و آنها را به دولت بازگرداند.حجت الاسلام والمسلمین حسین طائب رئیس سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هم در این جلسه با بیان اینکه این نهاد در زمینه مبارزه با مفاسد اقتصادی تلاش گسترده‌ای داشته است، تصریح کرد: در سال گذشته حجم پولی اقدامات و تلاش های ما در مبارزه با مفاسد اقتصادی بیش از ۳ میلیارد دلار بوده است.

وی ادامه داد: باید با بررسی و بازخوانی اقداماتی که در زمینه شناسایی و مبارزه با مفاسد اقتصادی شده است، گلوگاه های فساد مسدود شود و الا دوباره همان مفاسد با حجم بزرگتر اتفاق خواهد افتاد. دبیرخانه شورایعالی امنیت ملی سال گذشته بررسی دقیقی در این زمینه انجام داد که می شود نتایج آن را مورد استفاده قرار داد.

فرهاد دژپسند وزیر امور اقتصادی و دارایی هم در این جلسه با ارائه توضیحاتی از بررسی و آسیب شناسی روند واگذاری اموال دولتی به بخش خصوصی خبر داد و گفت: که به زودی مقررات واگذاری اموال دولتی به بخش خصوصی مورد تجدید نظر اساسی قرار خواهد گرفت.

در این جلسه همچنین مقرر شد کمیته ای با عضویت نمایندگان قوه قضاییه، وزارت اطلاعات، وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان برنامه و بودجه، بانک مرکزی، سازمان بازرسی کل کشور، سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، یک نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی عضو ستاد و دبیرخانه ستاد تشکیل شود تا ضمن بررسی نتایج پرونده های رسیدگی شده به مفاسد اقتصادی، نقاط ضعف و کاستی های موجود در قوانین و روندهای اداری را شناسایی کنند و با ارائه راهکارهای عملی برای رفع و اصلاح روندها و رویه های موجود و همچنین شناسایی گلوگاه های فسادخیز نسبت به آسیب شناسی اقدامات صورت گرفته اقدام و نتیجه را برای اخذ تصمیمات لازم به ستاد ارائه کنند.

وزیر اقتصاد: قیمت بنزین در آستانه نهایی شدن است

قطعاً به دنبال رفاه جامعه، کاهش فساد و افزایش شفافیت و رشد و سرمایه‌گذاری از طریق اصلاح یارانه سوخت هستیم و در این خصوص موضوع نرخ بنزین در حال بررسی بوده و قیمت آن در آستانه نهایی شدن است.

به گزارش فارس، فرهاد دژپسند وزیر اقتصاد در جریان دومین نشست هم‌اندیشی مجمع کارآفرینان ایران ضمن اعلام این مطلب با بیان این که در جنگ اقتصادی قرار داریم، گفت: به دنبال رشد، سرمایه‌گذاری و تولید، رفاه و اشتغال هستیم و اگر تلاش ما به نتیجه نمی‌رسد، باید درنگ کنیم تا رفع موانع صورت بگیرد. ما حرفه‌ای هستیم و افراد دور این میز اکثرا در جنگ حضور داشتند، اگر معبری بسته بود معبر دیگری باز می‌شد.

الان نقطه هدف ما رونق تولید است. یعنی رشد اقتصادی، اشتغال، افزایش سرمایه‌گذاری و رفاه صورت بگیرد.

به گفته وی، در حال حاضر از یک طرف با محدودیت تأمین سرمایه در گردش روبه‌رو هستیم و از طرفی مشکل نقدینگی وجود دارد. نسبت تسهیلات به سپرده برخی بانک‌ها از ۱۰۰ درصد عبور کرده و برخی بانک‌ها پایین‌تر است. مشکل اصلی اینجا است..

وزیر اقتصاد خطاب به تولیدکنندگان با اشاره به اینکه باید از خودتان بپرسید چرا در بانکی سپرده‌گذاری می‌کنید که نسبت تسهیلات به سپرده‌اش ۲۰ درصد است، پیشنهاد کرد برای تأمین مالی تولیدکنندگان از ظرفیت بورس استفاده شود و گفت: بانک‌ها متاسفانه درگیر دارایی‌های منجمد و معوقات هستند.

وی افزود: یکی از راهکارها سرمایه‌گذاری خارجی شرکت‌های داخلی است. شرکت‌های صاحب برند در شهرهای بزرگ عراق و دیگر کشورهای همسایه باید فروشگاه‌های زنجیره‌ای پوشاک و مواد غذایی تأسیس کنند تا مشکلات عدیده این بخش حل شود .در این زمینه شرکت سرمایه‌گذاری و سازمان سرمایه‌گذاری آمادگی دارد و حتی با وزیر اقتصاد عراق هم در این باره صحبت کرده‌ام.

دژپسند افزود: مثلاً اگر پالایشگاهی در کرواسی در حال تعطیلی است، شرکت‌های داخلی آن را بخرند و زنجیره تولید خودمان را دنبال کنند. خوشبختانه شرکت سرمایه‌گذاری خارجی وزارت اقتصاد می‌تواند عامل صندوق توسعه ملی ما در خارج از کشور باشد و مجوز این موضوع را دریافت کرده‌ایم.

وی خطاب به تولیدکنندگان تأکید کرد: چرا از ۴۰ میلیارد دلار صادرات غیر نفتی ۱۰ میلیارد دلار آن به کشور بازگشته است. معتقدم ارز ۴۲۰۰ تومانی را نمی‌توان مدیریت کرد، اما سقوط ارزش ریال تا کجا؟ باید روی آن تعصب داشته باشیم. چه اتفاقی افتاده که ارزش پول ما اینقدر سقوط کرده است. شما تولیدکنندگان باید کمی خود را جای ما بگذارید. معتقدم صادرکننده نباید از جیب خرج کند، اما اگر نصف ارز صادراتی به بازار می‌آمد، چه می‌شد. تقاضا برای آن هست . اندکی قیمت‌ها را تعدیل کنید.

وزیر اقتصاد افزود: تصمیمات جدید برای صادرات را پیشنهاد داده ایم که با موافقت رئیس جمهوری همراه شده است.

وی همچنین در جمع خبرنگاران در پاسخ به سؤالی مبنی براینکه لایحه عایدی سرمایه مسکن که قول آن را تا اردیبهشت امسال داده بودید، چه شد، گفت: کارهای مقدماتی انجام شده و از خرداد در وزارت اقتصاد شروع می‌شود و پس از آن به دولت می‌رود.

دژپسند درپاسخ به‌اینکه یکی ازدغدغه‌های مقام معظم رهبری مربوط به اصلاح نظام بانکی و لایحه آن بود، تصریح کرد: اصلاح نظام بانکی لزوماً مبتنی بر لایحه نیست و بخشی از آن در اختیار دولت و اختیارات بانک مرکزی، وزارت اقتصاد، شورای هماهنگی اقتصادی سران قوا است که کارهای مربوط به آن انجام می‌شود. بخشی از آن هم نیاز به مصوبه مجلس دارد و در حال حاضر هم وزارت اقتصاد برای موضوع سهام و دارایی‌های بانک‌های دولتی پیشنهاداتی داده و ساختار و قواعد آن را تهیه کرده است، چون تاکنون وجود نداشت.

وی گفت: امیدواریم هفته آینده بازار متشکل ارزی اجرایی شود.

وزیر اقتصاد خواستار تشکیل اتحادیه تجاری بین کشورهای اسلامی شد

خبر دیگری حاکی است وزیر امور اقتصادی و دارایی کشورمان خواستار تشکیل یک اتحادیه تجاری بین کشورهای اسلامی به منظور پر کردن فاصله موجود میان کشورهای جهان اسلام و غرب در موضوع حجم مبادلات تجاری شد.

به گزارش شبکه اخبار اقتصادی و دارایی ایران (شادا)، دکتر فرهاد دژپسند طی سخنانی در همایش بین المللی آینده جهان اسلام در افق ۱۴۱۴ شمسی که در محل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران برگزار شد، با اشاره به اینکه در حال حاضر کشورهای اسلامی به لحاظ اقتصادی و اجتماعی بعضا در شرایط نامساعدی هستند، اظهار داشت: برای درک دلایل این شرایط باید به چند سوال مهم پاسخ داد، ابتدا اینکه چرا کشور های اسلامی با بهره مندی از منابع سرشار طبیعی و خدادادی باید شاهد چنین وضعیت نابسامانی به لحاظ اقتصادی باشند.وزیر اقتصاد یکی دیگر از سوالاتی که پاسخ آن کمک زیادی به روشن شدن نقشه راه و مسیر حرکت آینده جهان اسلام خواهد کرد، این است که چرا سهم ما از تولید ناخالص جهان با وجودی که ۲۲ درصد جمعیت جهان را به خود اختصاص داده ایم، باید فقط ۱۵/۳ درصد باشد.

وی افزود: همچنین باید روشن شود که چرا با وجود آن که کشورهای جهان اسلام ۲۵ درصد وسعت جهان را به خود اختصاص داده اند، از ۱۴۰۰ میلیارد دلار "سرمایه گذاری مستقیم خارجی جدید" فقط ۱۰۷ میلیارد دلار یعنی حدود ۷ درصد این رقم در این گروه انجام شده است.

این عضو کابینه دولت یادآور شد: همه این مسایل ناشی از این است که نتوانسته‌ایم پیوند راستین و درستی را بین جوامع اسلامی برقرار کنیم تا از هم افزایی میان خود به درستی بهره بگیریم و آنچه که خداوند به ما داده است را در مسیر تحقق اهداف مان به کار بگیریم.

دژپسند تعیین پول واحد، تشکیل اتحادیه‌ها در حوزه های مختلف تجاری و اقتصادی، انعقاد قراردادهای مالی و پولی، راه اندازی نظام تامین مالی و شبکه بانکی پیوسته و توسعه متقابل و متشکل تجارت بین کشورهای اسلامی را از جمله راه های تسهیل در توسعه این کشورها بیان کرد و تصریح کرد: آیا کشورهای اسلامی به این مرز رسیده اند که کالاهای تولیدی در کشورهای اسلامی را به محصولات مشابه دیگر کشورها ترجیح دهند؟

وی با بیان اینکه آینده اقتصاد جهان با نقش آفرینی آسیا و با محوریت چین است، از کشورهای اسلامی خواست با الگو برداری از ایده دولت چین در راه اندازی پروژه "یک پهنه، یک راه"، نقش خود را در جهانِ قرن بیست و یکم ایفا کنند.

دژپسند تصریح کرد: اگر این مسیر را برویم می توانیم ادعا کنیم در مسیر تحقق جامعه آرمانی قرارگرفته ایم و در صدد دستیابی به جایگاه مان در اقتصاد جهانی هستیم. با این تفاسیر وقتی به ۲۵ درصد از سهم اقتصاد جهان رسیدیم می توانیم بگوییم در این رابطه به افق‌های درخشان دست خواهیم یافت.

۱۳۱ هزار عمل جراحی سال گذشته در بیمارستان میلاد انجام شد

قائم مقام مدیر عامل بیمارستان میلاد با بیان این که سال گذشته یک‌میلیون و ۹۲۱ هزار و ۳۱۸ نفر به این بیمارستان مراجعه کرده اند، گفت: تعداد کل بیماران بستری در این مدت ۸۱ هزار و ۳۱۶ نفر و تعداد کل بیماران سرپائی نیز یک میلیون و ۸۴۰ هزار و دو نفر بوده است.

هیاتی از مسئولان بهداشتی قزاقستان از بیمارستان میلاد بازدید کرده و در جلسه ای با حضور دکتر همایون نصابیان قائم مقام مدیر عامل بیمارستان با روند جریان امور در این مرکز درمانی آشنا شدند.

به گزارش مدیر روابط عمومی و امور بین الملل بیمارستان تخصصی و فوق تخصصی میلاد، دکتر نصابیان با خوشامدگویی به هیات قزاقستانی گفت: بیمارستان میلاد در سال ۱۳۸۰ افتتاح شده و مالکیت آن متعلق به سازمان تامین اجتماعی است.

وی با بیان این که بیمارستان میلاد به‌صورت خودگردان و هیات مدیره‌ای اداره می‌شود، اظهار داشت: هزینه ها از محل عملکرد بیمارستان تامین می‌شود.

وی خاطر نشان کرد: همچنین سال گذشته ۱۳۱ هزار و ۸۰۵ عمل جراحی در بیمارستان میلاد انجام شده است.

او تعداد مراجعات به آزمایشگاه بیمارستان میلاد را نیز در سال گذشته ۷۹۴ هزار و ۷۳۹ نفر اعلام کرد و گفت: حدود یک میلیون و ۳۹۱ هزار نفر نیز به داروخانه بیمارستان مراجعه داشته اند.

در ادامه جلسه دکتر نصابیان قائم مقام مدیر عامل بیمارستان میلاد و دکتر محمود پیری مشاور مدیر عامل و مدیر بیمارستان میلاد به سؤالات هیات بهداشتی قزاقستان پاسخ دادند.

تکذیب تجمع پرسنل شرکت بهره برداری متروی تهران و حومه

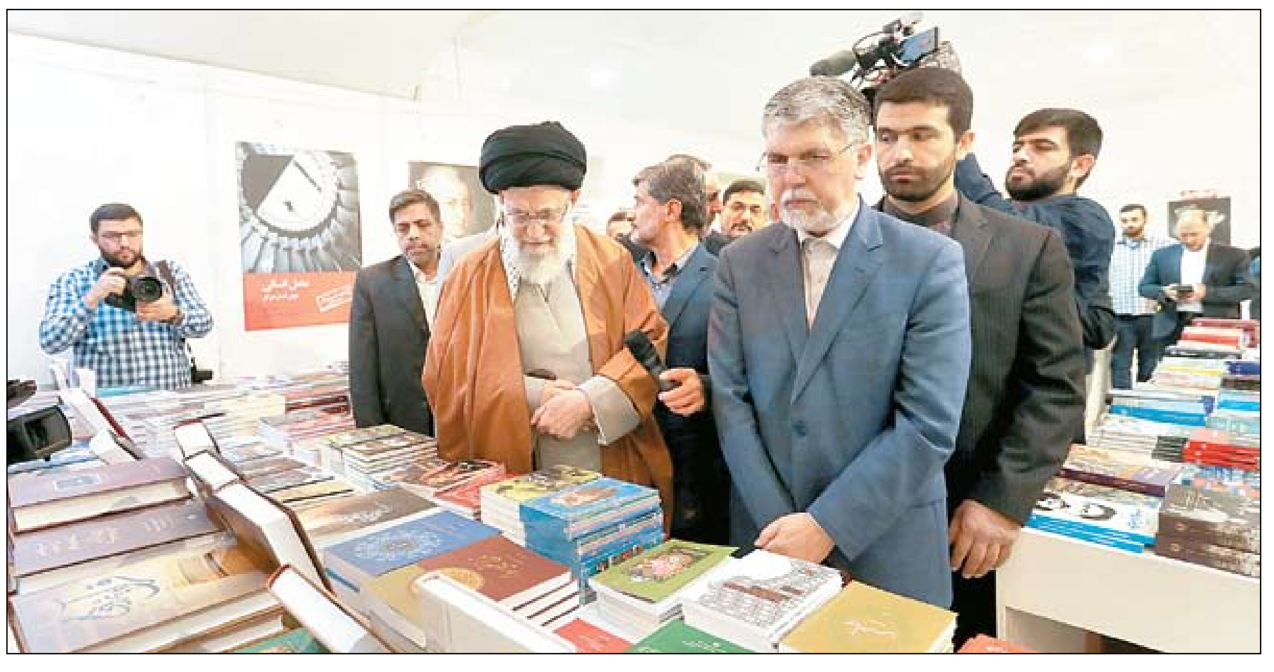
مدیریت ارتباطات و امور بین‌الملل شرکت بهره‌برداری متروی تهران و حومه طی اطلاعیه خبرتجمع پرسنل این شرکت را تکذیب کرد.

به گزارش مدیریت ارتباطات و امور بین‌الملل شرکت بهره‌برداری راه‌آهن شهری تهران و حومه در پی انتشار خبری در سایت‌های خبری و شبکه‌های اجتماعی مبنی بر اعتصاب کارکنان شرکت بهره‌برداری متروی تهران در ایستگاه شهر ری ضمن تکذیب این مطلب به اطلاع می رساند هیچ کدام از پرسنل شرکت بهره برداری متروی تهران و حومه روز دوشنبه ۹ اردیبهشت ماه ۹۸ به دلیل عدم دریافت حقوق و عیدی اعتصاب نداشته و این تجمع به دلیل بی‌تدبیری یکی از پیمانکاران زیر مجموعه این شرکت بوده که بلافاصله با پیگیری های شرکت بهره برداری متروی تهران و حومه پس از بررسی موضوع، مطالبات کارگران این پیمانکار به صورت مستقیم به حساب افراد واریز شد.

لازم به توضیح است شرکت بهره برداری متروی تهران و حومه به‌عنوان هسته مرکزی کلیه فعالیت‌های بهره‌برداری، با تعداد زیادی از پیمانکاران در حوزه‌های مختلف شامل تعمیر و نگهداری، تجهیزات ثابت، برق‌رسانی، خطوط ریلی، تجهیزات و تعمیرگاه‌ها، تاسیسات و ... به‌صورت منظم در حال فعالیت است.

۵ روایت از بازدید رهبر معظم انقلاب از نمایشگاه کتاب

از «آق‌قلا» تا «مصلی»



بازدید پریروز رهبر معظم انقلاب از نمایشگاه کتاب تهران با حاشیه‌های جالب توجهی همراه بود. خبرگزاری مهر از حاشیه‌ها و متن این بازدید چنین گزارش داد.

***

انگار زمان جنگ است. من که یادم نمی‌آید. اما تعریف می‌کنند که آن ۸ سال هم همین‌طور بوده است. وقت عملیات که می‌شده؛ بچه مسجدی‌ها، بچه هیاتی‌ها، بچه بامرام‌ها و... یکی یکی شهر را خالی می‌کردند. انگار بو می‌کشیدند و می‌فهمیدند عملیاتی در پیش است و خانه و زندگی را رها می‌کردند و می‌رفتند. حالا هم انگار همین است. این بار اما عملیات دیگر نیاز به بو کشیدن ندارد. اخبار اعلام می‌کند و سه روز پیش دوباره اعلام کرد که سیل بندهای آق قلا شکسته شده است و بچه‌ها دوباره روانه به قول خودشان «منطقه» شدند.

این را، دوست ناشرم که سال پیش حسابی از خجالتم درآمده بود به یادم آورد. شنیده بود ممکن است رهبری به نمایشگاه بیایند و با حسرتی عمیق و قابل درک از پشت تلفن خبر داد دوباره برگشته است آق‌قلا. از عید گلستان بود و بعد لرستان و بعد هم خوزستان و تازه چند روزی برای کارهای نمایشگاه برگشته بود و حالا دوباره چند روزی بود که رفته بود گلستان. به او گفتم نمی‌دانم چه روزی رهبر می‌آید و نمی‌دانم می‌توانم او را ببینم یا نه... خودش بهتر از من می‌دانست که اینجا جای پیام دادن به رهبر نیست اما دوباره اصرار کرد که اگر توانستی رهبر را ببینی حتماً این حرف را به او بگو. می‌شود بگوییم؟

***

به زور خنده‌ای کردم و نشانش کردم تا به وقتش. بالاخره نوبت خبرنگارها هم می‌رسد. رهبر هنوز نیامده است و مشغول گشت زدن در غرفه‌ها و مصاحبه با صاحبان انتشارات مختلفم. از یکی از غرفه‌ها که رد می‌شوم یک مرد میانسال جاافتاده دم غرفه ایستاده است. می‌روم و خودم را معرفی می‌کنم و از او می‌خواهم بگوید چه کتابی را برای هدیه به رهبر در نظر گرفته است؟ نگاه مشکوکی به من می‌اندازد؛ کمی روی میز را جستجو می‌کند و قطورترین کتاب روی میز را انتخاب می‌کند و دستش می‌گیرد. سرم پایین است که مشخصات کتاب را بگوید و بنویسم که پقی می‌زند زیر خنده و می‌گوید: "آقا حسابی کتابخوان است این به دردش می‌خورد!" سرم را بالا می‌گیرم و می‌فهمم محافظ است و دستم انداخته است. یک خسته نباشید زورکی می گویم و غرفه را رها می‌کنم و به سراغ بقیه ناشران می‌روم تا کارش بالاخره یک جا گیر ما خبرنگارها بیفتد.

حرفه‌ای‌ها فهمیده‌اند

غرفه‌ها در جنب و جوشند. حرفه‌ای‌ها همان اول صبح فهمیده‌اند. رفت و آمد آدم‌های کت‌وشلواری زیاد شده بود و تجربه سال‌های پیش نشان می‌داد که یا امروز یا فردا باید خبری شود. ناشرهایی که در مسیر بازدید قرار گرفته بودند مثل همیشه کمی هول شده بودند. از کنارشان که رد می‌شدم دیالوگ‌هایشان مثل سریال‌های تلویزیونی بود. تمرین می‌کردند که چه بگویند و چه کتابی را رو بگذارند و چه کتابی را هدیه بدهند و... از کنار یکی از غرفه‌ها که رد می‌شدم دیالوگ جالبی به گوشم رسید و کمی سرعتم را کند کرد. خانم میانسالی به دخترک جوان داخل غرفه می‌گفت: "یادت نرود وقتی آمد هول نمی‌شوی حرفت را هم کامل و درست می‌زنی" و مرد کهنسالی که حدس می‌زنم پدر خانواده است و با تجربه تر می‌خندد و می‌گوید: "آقا به چیزی جز کتاب توجه نمی‌کند. زیاد زحمت نکشید!" هر سه می‌خندند. این بار گویا مسیر طوری انتخاب شده است که آنهایی که در سال‌های اخیر از بازدید سهمی نداشته‌اند در مسیر باشند. این را نقشه مسیر بازدید رهبر نمی‌گوید بلکه رنگ پریده صورت آدم‌ها می‌گوید که حتماً بار اولشان است. باتجربه‌ها که این فضا را قبلاً تجربه کرده‌اند بیرون غرفه‌ها ایستاده‌اند و به سر و وضع غرفه‌شان می‌رسند.

دو نفر از محافظ‌ها دارند غرفه‌ای که ناشرش هنوز نرسیده است را مرتب می‌کنند. حتماً بیاید و ببیند خوشحال می‌شود و حتماً حالا دارد حرص می‌خورد که چرا دیر آمده است. یکی از آنها اما آن قدر مشغول کتابی شده است که دست از مرتب کردن کشیده است. رفیقش صدایش می‌کند. غرق در کتاب است و جوابی نمی‌دهد که همهمه سالن افزایش پیدا می‌کند و کسی اعلام می‌کند که ناشران به غرفه‌هایشان بروند چون رهبر آمده است. سروصدا و شلوغی بالا می‌گیرد، رهبر وارد می‌شود و سالن غرق سکوت می‌شود. لبخند صبحگاهی آقا نشاط برانگیز است. وزیر و مدیران فرهنگی کنار رهبر قرار می‌گیرند و بازدید رهبر انقلاب از نمایشگاه کتاب تهران در اولین دقایق شروع نمایشگاه آغاز می‌شود.

***

اولین غرفه انتشارات مروارید است که عواملش حتماً به خیال هر روز و بی مشتری بودن ساعت اول نمایشگاه نیامده‌اند! وزیر، انتشارات را معرفی می‌کند و رهبر چند کتاب را ورق می‌زند. دومین کتاب از احمد شاملوست و رهبر می‌خواند و سری تکان می‌دهد. یاد روزآمدی و تسلط رهبر بر ادبیات می افتم و این که به همه شاعران و نویسندگان اهمیت می‌دهد و چه قدر به روز است و دنیای ادبیات ایرانی و خارجی را خوب می‌شناسد.

کمی جلوتر به وزیر کتاب نویسنده زنی را نشان می‌دهد و می‌گوید نویسنده هَای خانم زیاد شده اند و اظهار خشنودی می‌کند از این اتفاق. کتابی از خالد حسینی نویسنده افغانستانی چشمش را می‌گیرد و به وزیر می‌گوید این همان نویسنده افغانستانی است که گفتیم. وزیر می‌گوید: " بله «بادبادک باز» " که رهبر می‌گوید: " چندین کتاب دیگر هم نوشته است. "

از کنار قفسه‌ای از کتاب‌ها هم رد می‌شود و اشاره کوچکی به کتاب حسابی پرفروش «ملت عشق» می‌کند. حتماً اشاره‌ای به گفتگوی قبلی است که درباره این کتاب با وزیر داشته‌اند.

– انتشارات «مسیر دانشگاه»؛ حتماً کتاب‌های دانشگاهی هم چاپ می‌کند. "

رهبر از زن و مرد ایستاده جلو غرفه می‌پرسد و در کمال تعجب پاسخ منفی می‌شنود. خانم غرفه دار کتابی را معرفی می‌کند که در آن برای اولین بار شعرهای مثنوی مولوی اعراب گذاری شده است و رهبر تمجید می‌کند از این کار.

این همان جان کری است؟

انتشارات مسجد مقدس جمکران حسابی آقا را معطل می‌کند. کتاب‌ها زیاد است و وقتی چشم رهبر به کتاب می‌افتاد انگار زمان و مکان فراموشش می‌شود؛ کسی از کنار می‌آید و می‌گوید که وقت کم است و غرفه‌های زیادی مانده اند. در میان نویسنده‌هایی که مسئول غرفه مسجد مقدس جمکران معرفی می‌کند رهبر روی نام یک نویسنده مکث می‌کند: «صادق کرمیار» و می‌گوید: "ایشان یک رمان خیلی خوب دارد" وزیر می‌گوید: «نامیرا»؟ و رهبر به شوق می‌آید و تشویقش می‌کند.

در حال بیرون رفتن از غرفه انتشارات رهبر نگاهش به کتابی می‌افتد که نویسنده اش دکتر جان کری است. لبخندی می‌زند و به اطرافیان می‌گوید: "این همان جان کری که نیست؟ "

***

–"برویم داخل؟ "

غرفه انتشارات سروش تودرتو است و رهبر از همراهان می‌پرسد: چگونه باید بازدید کرد؟ مسئول غرفه خوش زبان است و سریع جلو می‌آید و می‌گوید: "بفرمائید! متعلق به خودتان است"

بعداً همین مسئول غرفه از کمرنگ شدن فعالیت‌های سروش در این چند سال می‌گوید و از عزم مدیران جدید برای رونق فعالیت‌های این انتشارات. کتاب «قانون» بوعلی سینا را در سروش به رهبر معرفی می‌کنند و بسیار متعجب می‌شود از رسیدن کتاب به چاپ بیستم و دوباره می‌پرسد: واقعا پرفروش است؟ مسئول انتشارات می‌گوید: مردم به طب سنتی علاقه پیدا کرده‌اند و وزیر می‌گوید: در خیلی از دانشگاه‌ها کتاب مرجع است.

پرفروش‌ترین کتاب سروش ظاهراً «دختران آفتاب» است که به چاپ بیست و نهم رسیده است و رهبر سری به نشانه توجه تکان می‌دهد و از غرفه گیج کننده سروش بیرون می‌آید.

انتشارات «علمی و فرهنگی» را با «حافظ‌نامه» بهاءالدین خرمشاهی شروع می‌کند. رهبر نگاهی به تعداد چاپ بالایش می‌اندازد و می‌گوید: "حتماً خیلی پرفروش است" و از وزیر می‌پرسد: "این تشکیلات برای کجاست؟ " و وقتی می‌شنود که برای وزارت رفاه، کار و تعاون است تعجب می‌کند! و می‌گوید: " به چه مناسبت؟ " وزیر می‌گوید: "برای وزارت علوم بود و نتوانست اداره اش کند و واگذار کرد". رهبر عجبی می گوید و از کنار مجموعه‌های تاریخ فلسفه مشهور کاپلستون می‌گذرد. مسئول غرفه می‌خواهد آنها را معرفی کند که رهبر می‌گوید: " داریم آقا این مجموعه را! "

کمی جلوتر رهبر درباره بی‌معنی بودن کتابی زیر لب مشغول حرف زدن است. نگاه می‌کنم و می‌بینم که جلویش کتابی از مارسل پروست است. یاد نمایشگاه پارسال می‌افتم که رهبری تعریضی به کتاب خاطرات از دست رفته پروست داشت. گویا پروست هر سال سهمی دارد و این هم سهم امسالش.

بالاخره عشق را معنا کردند پس!

– چه دارید آقای هرمس؟

آقایان و خانم‌های هرمسی می آیند جلو و شروع می‌کنند به معرفی کتاب‌هایشان. یکی‌شان کمی هول شده است و با استرس صحبت می‌کند؛ کتابی به نام «معنای عشق» را به رهبر معرفی می‌کند و رهبری می‌گوید: "پس بالاخره ایشان عشق را معنا کرده‌اند. " پسرک مضطرب به خنده می‌افتد و یَخَش باز می‌شود و تند تند کتاب‌ها را معرفی می‌کند.

قفسه کتاب‌های فلسفیِ هرمس پر است از عناوین پرطمطراق و دهان پرکن. رهبر نگاهی می‌اندازد و نام یک مترجم را می‌برد و می‌گوید: "اینها مسائل بسیار مهمی است. از پسش برمی‌آیند این دوستان؟ "

و بعد دوباره آرزوی سال پیشش را تکرار می‌کند: " خدا عمر و حوصله‌ای بدهد که بتوانیم این همه کتاب جدید را بخوانیم. "

نوبت معرفی کتاب «اخلاق خسروانی»، رهبر تاکید می‌کند که خیلی خوب است که روی شاهنامه کار شود.

غرفه دار دیگر هرمس دنیای سوفی را معرفی می‌کند و می‌گوید تاریخ فلسفه برای بچه‌هاست که رهبر مکثی می‌کند و می‌گوید چه خوب است که این کتاب‌ها خوانده شود.

دختر غرفه‌دار کتاب دیگری معرفی می‌کند که به «طوفان کاترینا» مربوط است و رهبر که می پرسد همین طوفان دو سه سال پیش؟ یاد مقایسه طوفان کاترینا و سیل این چند وقت می‌افتم که در یکی از رسانه‌ها خوانده بودم، بعد از دو سال هنوز مناطقی که این طوفان آمده است برق ندارد و بعد سریع یاد رفیق ناشرم می‌افتم که از آق‌قلا پیام آورم کرده بود و هر چه در گوشش خوانده بودم قبول نمی‌کرد و می‌گفت این پیام همه بچه‌هایی است که زندگیشان را رها کرده‌اند و رفته‌اند کمک مردم و حالا وسط این شلوغی‌ها دوباره یادم افتاده است. اما چه کنم؟

در آخر آقای هرمس سه کتاب به رهبر هدیه می‌کند: «دیوان ملک‌الشعرای بهار»، «حضور خلوت انس» و «نخستین رویارویی‌های اسلام و سکولاریسم».

رهبر از حسن انتخابش خوشش می‌آید و می‌گوید: " خوب دغدغه‌های ما را هم جدا کردید. "

بعد از مرگ آبرویش را بردند

«افق» حسابی به امیرخانی‌اش می‌نازد. رهبر پا که به درون غرفه می‌گذارد مسئول غرفه شروع می‌کند: " گل سرسبد ما و پرفروش‌ترین آثار ما متعلق به رضا امیرخانی است" و کتاب‌هایش را یک به یک نشان رهبر می‌دهد. رهبر می‌پرسد: "می‌خرند حسابی؟ " جواب مثبت می‌دهد و مجموعه آثار کلاسیک ادبیات افق را هم معرفی می‌کند که رهبر درباره «همینگوی» به وزیر نکته‌ای می‌گوید: "آبروی این آقا را بعد از مرگش بردند. "

رمان پدرخوانده را که معرفی می‌کند رهبر می‌گوید: بله فیلم‌هایش را دیده‌ام و سینمایی‌های جمع کیف می‌کنند.

«بَلانسبت» یا «بلانسبت»

کلیدر محمودِ دولت‌آبادی اولین چیزی است که در غرفه فرهنگ معاصر مورد توجه قرار می‌گیرد. آقا از فروشش می‌پرسد و غرفه دار ابراز رضایت می‌کند.

رهبر کتاب «فرهنگ آوایی فارسی» را برمی‌دارد و گویی توجهش به یک نکته جلب می‌شود، بعد از چند ثانیه رو به وزیر می‌کند و می‌گوید: "مگر «بَلانسبت» درست نیست؟ اینجا «بلانسبت» نوشته است! " و بعد رو می‌کند به غرفه دار و می‌گوید: "اشتباه کتابتان را هم گرفتیم. شانس‌تان خوب نبود. "

متصدیان غرفه «نشر پارسه» به یکباره با سئوال غافلگیرکننده رهبر انقلاب مواجه می‌شوند؛ کتابی تحت عنوان درباره یک سفر معنوی را بلند می‌کند و می‌گوید: " مگر پائوکوئیلو اهل معنویات است؟ کارهایش که چنین چیزی را نشان نمی‌دهد. " مسئولین غرفه جواب مشخصی ندارند. کتاب «بازجویی از صدام» را نشان رهبر می‌دهد و رهبر می‌گوید: " خوانده‌ام. در مجموع تصویر مثبتی از صدام ارائه می‌کند با این که در ظاهر بدگویی‌اش را می‌خواهد بکند. "

درست بر سر غرفه «انتشارات جامعه مدرسین» رهبر با روحانی پابه سن گذاشته‌ای وارد بحث طلبگی می‌شود. بحثی درباره فاصله میان علم رجال و تاریخ که روحانی آشنای رهبر ادعا دارد در کتابی این فاصله کم شده است و رهبر می‌گوید اگر چنین باشد خیلی خوب است. چند دقیقه‌ای گپ می‌زنند و رهبر زیرچشمی نگاهش هم به کتاب‌ها ست.

گشت ارشاد در آمریکا!

«دفتر نشر معارف» کتابی با عنوان عجیب «گشت ارشاد در آمریکا» نشان رهبر می‌دهد. رهبر تعجب می‌کند و از نویسنده اش می‌پرسد که پاسخ می‌دهند یک ایرانی مقیم آمریکا بوده است و همه منابعش آمریکایی است. یک جوان حزب‌اللهی جلو می‌آید و می‌گوید: آقا ۲۷ کتابفروشی در ۲۷ استان راه انداخته‌ایم و هر کدام یک پاتوق کتاب شده است برای ما و هر کدام یک جبهه است. رهبری سری به تمجید تکان می‌دهد. جوانکی دیگر هم می‌آید و طلب انگشتری می‌کند و رهبر به نرمی می گوید اینجا که جایش نیست و بعد که می‌بیند جوان کمی قرمز شده است می‌گوید: "من به شما یک انگشتر حتماً می‌دهم. یادتان باشد. "

امسال اما نوبت شرکت «نشر البرز» است که بحث مورد علاقه رهبری یعنی «تبارشناسی خاندان‌های ایرانی» در آنجا شکل بگیرد. نام پسر جوان صاحب غرفه «علمی» است و کمی بعد دو خاندان علمی در تهرانَ و مشهد کشف می‌شوند و نسب هر کدام معلوم می‌شود و پرونده خاندان علمی بازوبسته می‌شود. در حین رفتن، علمی جوان کتابی به رهبر تقدیم می‌کند و می‌گوید: "فکر کنم شَما بیشتر اهل شعر باشید". رهبر تبسم می‌کند و بدون معطلی می گوید: "ما اهل کتابیم. "

تبارشناسی ملکه انگلستان

در «نشر تندیس» اما بحث تبارشناسی به ملکه انگلستان هم می‌رسد. کتابی منتشر کرده‌اند که در دوران کرامول و یکی از ملکه‌های سالخورده انگلستان سپری می‌شود و رهبر کتاب «خائن بی گناه» را هم به آنها معرفی می‌کند و اتفاقاً آن را هم همین تندیسی‌ها چاپ کرده‌اند و بعد که رهبر متوجه می‌شود تخصصی تمرکز کرده‌اند روی این دوره، شروع به تبارشناسی خاندان‌های سلطنتی انگلستان می‌کنند و دهان همه باز مانده است.

در «نشر آگه» کتاب‌های استاد شفیعی کدکنی را به رهبر معرفی می‌کنند و رهبر سراغ کتاب دیروز از چاپخانه در آمده کدکنی؛ «تصحیح تذکره‌الاولیاء» را می گیرد و معلوم می‌شود انتشارات سخن آن را چاپ کرده است.

وارد «نشر آسیم» که می‌شوند، رهبر اول از همه معنای اسم انتشارات را می‌پرسد که متصدیان غرفه هم نمی‌دانند! و رهبر می‌گوید: " یک کتاب لغت برسانید" و همه می‌خندند.

در «انتشارات اطلاعات» یادی از مؤسس این انتشارات مرحوم حاج حسن آقا نیری معروف به تهرانی می‌شود و رهبر تاکید می‌کنند که اینکاره بود و کاربلد کتاب و انتشارات بود.

اما غرفه «آموت» انگار از قبل ماجرا را دقیق طراحی کرده است. بازدیدهای دو سه دقیقه‌ای رهبر را به بازدید پنج شش دقیقه‌ای از غرفه‌شان تبدیل می‌کند. رهبر تا وارد می‌شود معنای اسم آموت را می‌پرسد و حسین علیخانی صاحب این انتشارات به سخن می‌آید. گرم و نرم سخن می گوید: " آموت به معنای آموخته است و متضاد ناموت. " و بعد که رهبر می‌فهمد علیخانی در الموت بوده است شروع می‌کند به تعریف کردن از دیارش که تا سوم ابتدایی را آنجا بوده است و رهبر هم پابه پایش می آمد و علیخانی سرذوق آمده است و آخر ماجرا وقتی رهبر از فروش کتاب‌هایشان می‌پرسد یک بازارگرمی بزرگ هم برای خودش می‌کند؛ متصدیان غرفه‌اش را نشان می‌دهد و می گوید: " آقا این خانم‌ها را می‌بینید در غرفه ما. هر کتابی را بردارید و به هر کدام بدهید می بینید که چگونه برایتان توضیح می‌دهند. کتاب توزیع کننده خوب داشته باشد می‌فروشد. " رهبر لبخندی می‌زند و رد می‌شود.

شهید زرتشتی عاشق امام رضا

بازدید از «انتشارات روایت فتح» با صدای بغض کرده مسئول جوان انتشارات آغاز می‌شود. می گوید: " ۲۰ سال است منتظر شماییم آقا! " کتاب‌های مشهور و پرطرفدار یادگاران و نیمه پنهان ماه را معرفی می‌کند و از شهید زردتشتی‌ای می‌گوید که برایش کتاب چاپ کرده‌اند و خودش و مادرش عاشق امام رضایند. پسر شهید صیاد شیرازی هم مهمان غرفه است که جلو می‌آید و رهبر حسابی تحویلش می‌گیرد. «شهرستان ادبی» ها رهبر را که از دور می‌بینند ذوق زده می‌شوند و دست تکان می‌دهند. یکی از آنها جلو رهبر می‌گوید و از خروجی کارگاه‌های رمان و شعرشان برای جوان‌ها و بانوان می‌گوید و آخرین کتاب منتشرشده «یوسفعلی میرشکاک» را به دست رهبر می‌دَهد و رهبر عمیقاً در کتاب فرو می‌رود. مجموعه قصاید «امیری اسفندقه» نیز آخرین کتابی است که دختر جوان شهرستان ادب معرفی‌اش می‌کند. هدیه شهرستان ادب به رهبر کتاب «قاف» است. زندگی پیامبر از سه مجموعه کهن به قلم یاسین حجازی.

***

کارد به استخوان کاغذ رسیده است

ترجیع بند تکرارشونده و نگرانی رهبر در هر غرفه سئوال از فروش کتاب‌هاست. چند جا کتاب‌های قطوری را بلند می‌کند و قیمت می‌گیرد و وقتی رقم ۷۰ - ۸۰ تومانی‌شان را می‌شنود دوباره با تاکید بیشتر می‌پرسد که اینها هم فروش می‌روند؟ ناشران اغلب از وضع فروش راضی‌اند؛ البته گلایه‌هایی درباره کاغذ دارند که رهبر سر تکان می‌دهد. حدس می‌زنم به معنای می‌دانم است. در هر صورت ناشران در چند جا به صورت‌های مختلف به رهبر اعلام می‌کنند که از فروش کتاب‌ها و بازار نشر راضی هستند و رهبر وقتی کتاب‌های گرانقمیتی که به چاپ‌های چندم رسیده است را می‌بیند در دو نوبت به وزیر می گوید معلوم است که بازار خوبی دارند که به چاپ بعدی هم می‌رسند. اما معلوم است که نگران است و میثم نیلی مدیرعامل مجمع ناشران انقلاب اسلامی که بی تعارف‌تر است با رهبر و یک اجازه پنج دقیقه‌ای هم پیدا کرده است. حرف ناشران را صریح‌تر منتقل می‌کند: "معضل کاغذ؛ کارد را به استخوانمان رسانده است" و رهبر دوباره و دوباره سر بر می گرداند و تاکید می کند که این معضل کاغذ باید حل شود آقایان!

نیلی اما دو خبر امیدوارکننده هم به آقا می‌دهد که خستگی رهبر را کمی کم می‌کند: " برای برگزاری یک جایزه ادبی به نام فلسطین با همکاری کشورهای اسلامی در حوزه ادبیات و شعر مقاومت و برگزاری یک جایزه به نام «شهید اندرزگو» برای نمایش دادن چهره واقعی پهلوی‌ها. "

غرفه آخر مربوط به «انتشارات انقلاب اسلامی» است که مسئول غرفه از ترجمه کتاب «خون دلی که لعل شد» خاطرات رهبر از دوران مبارزه به زبان انگلیسی و اسپانیولی خبر می‌دهد که رهبر مکث می‌کند و حرفش را نگه می‌دارد: چه مترجمی؟ این مهم است که مترجم خودش اهل آن زبان باشد و متصدی غرفه خیال رهبر را راحت می‌کند که همین است.

***

مرا به اسم دعا کنید

حالا کم‌کم متصدیان غرفه‌ها که استرس معرفی کتاب و حرف زدن داشتند رویشان باز شده است و یکی یکی سر می‌رسند: آقا یادمان رفت چفیه بگیریم. آقا یادمان رفت کتاب‌هایمان را هدیه بدهیم. رهبر لبخند می‌زند و درخواست‌هایشان را اجابت می‌کند و من به آق‌قلا فکر می‌کنم و تمجید هربار رهبر در سه سخنرانی بعد از سیلش از حضور جوانان و مردم برای پشتیبانی از سیل‌زده‌ها. رهبر در حال خروج از نمایشگاه است و چند دختر و پسر زرنگ در یک غرفه ایستاده‌اند و رهبر را با سروصدای بلند صدا می‌زنند. آقا مکث می‌کند و به سمتشان می‌رود. یکی کتاب «زندگینامه عماد مغنیه» را آورده است که رهبر امضا کند و می‌گوید برای سید حسن نصرالله هم فرستاده‌ایم و فقط امضای شما مانده است.

دختری هم سرش را به زیر انداخته است و می‌گوید آقا می‌شود مرا به اسم دعا کنید. رهبر دست از امضا کردن برمی دارد و اسم دختر را می‌پرسد: «سیده فاطمه» است؛ دختری نوجوان که چادرش را سفت دور خودش گرفته است.

آق قلا یا خوزستان؟

رهبر از سالن خارج می‌شود. تند تند مشغول دویدن و بیرون آمدن هستم که یک پسرک کم سن و سال که دیده است یادداشت برمی‌دارم به سراغم می‌آید. عجله دارم و باید به خبرگزاری برسم فکر می‌کنم نامه‌ای دارد یا درخواستی به کس دیگری حواله‌اش می‌دهم و چَشم چَشم کنان رد می‌شوم که متوجه می‌شوم حرفی دارد.

گوشم را در آن شلوغی کنار دهانش می‌گیرم. می گوید آقا کجا رفت؟ می‌خندم و می‌گویم خانه شان، حرفی نمی‌زند سرم را بالا می‌آورم و براندازش می‌کنم لباس پلنگی بسیجی پوشیده است و به ناشرین یا غرفه‌دارها نمی‌خورد. می‌گویم چه کار آقا داشتی؟ مِن و مِن می‌کند و تا بیرون سالن با من می‌آید و آخر سر می‌گوید یک گروه جهادی هستیم فردا می‌خواهیم برویم خوزستان و به بچه‌ها قول داده‌ایم که یک چفیه از آقا برایشان ببریم برای رفع همه این خستگی‌های این چند مدت. رفیق ناشرم در آق‌قلا یا دوستان خوزستانی پسرک بسیجی؟ حالا مساله ام این است و این که به کدامشان فکر کنم؟ پسرک را بغل می‌گیرم.

جدول ۲۳۶۶۲

طراح: غلامحسین باغبان

افقی:

۱- از ورزش‌های تاریخی
۲- درمانده و عاجز - مکتب کلامی که به‌وسیله ابوالحسن اشعری در آغاز سده چهارم هجری پدید آمد
۳- مروارید درشت - ماسک - [illegible] - فرورفتگی در بدنه
۴- خلاف میل - بعدی - تعجب [illegible] - مجلس اعیان
۵- شش یک ملک - زاد سفر - دور کردن
۶- ارزن - بازم کوهی - تکنولوژی پیشرفته - قرض
۷- جمع مولود - گرمی - قوم بزرگ از آریاییان
۸- یکی از دو جنس - عروس هزار داماد - زشت و ناپسند - [illegible]
۹- [illegible] - از نژاد هند و اروپایی
۱۰- [illegible] - تشکر فرانسوی - غذای ظهر
۱۱- شهر عبا - درنگ - از سازهای بادی
۱۲- بهت - سرچشمه زندگی - [illegible] - سگ انگلیسی
۱۳- [illegible] - تالاب
۱۴- افتخار کردن - سم کشنده
۱۵- حسن یوسف، دم عیسی، ید بیضا داری، آنچه خوبان همه دارند

عمودی:

۱- پذیرفتن، قبول کردن - یخ بستن
۲- لقب ابوبکر - دوران تحول اروپا، نوزایی
۳- بزه - ستاره‌شناس - سنگ آسیاب - آغوش
۴- آن خودمانی - آبی رنگ - پرورش گل در مقیاس زیاد - نطع
۵- منتقد - گلزن تیم ملی پرتغال - ناشی
۶- فرومایگی - پنجره - پارچه‌ای - واحد ارابه‌ای
۷- نام عمومی گیاهان زینتی مناطق گرمسیری - امر رفتن
۸- بدنیا آوردن - از سبزی‌های خوردنی - مهتر نوستالژی - الفبای موسیقی
۹- بخش اولیه هر چیز - نفس خسته - اشرف
۱۰- پایتخت جمهوری آذربایجان - هوو - مترسک
۱۱- عیدها - شهر در شهرستان شهرکرد - کرم کدو
۱۲- شهر کهن - مجموعه اشعار خیام نیشابوری - عدل و انصاف
۱۳- ماه کارگری - ساییده - قوم حضرت موسی (ع) - پیشوند نفی
۱۴- از شهرهای افغانستان - نور تاب
۱۵- اضطراب - خودکشی به سبک ژاپنی

حل جدول ۲۳۶۶۱

آشنایی با ایران‌شناسان

دارمستتر

عسکر بهرامی



ژام دارمِستِتِر، ایران‌شناس نامی فرانسوی و از پیشگامان مطالعات اوستایی و فارسی، ۲۸ مارس ۱۸۴۹ در شرق فرانسه به دنیا آمد. پدرش صحاف یهودی فقیری از اهالی دارمشتات آلمان بود که در ۱۸۵۲ برای آیندهٔ تحصیلات دو پسرش، آرسن و ژام، به پاریس مهاجرت کرد.

ژام پس از تحصیل در مدرسه‌ای یهودی، با زبان عبری و تلمود آشنایی یافت و از این رو به مطالعه در این زمینه‌ها علاقه‌مند شد. سپس در دوره تحصیلاتش تا ۱۸۶۷، به آموختن متون کهن و علوم و زبان‌های جدید پرداخت. او نخست یک دوره حقوق (تقریبا معادل لیسانس) را گذراند و مدتی هم به نگارش داستان و نمایشنامه روی آورد، سپس به تشویق برادرش که خود بعدها زبان شناسی بزرگ و متخصص زبان فرانسه دوره میانه شد، در ۱۸۷۲ به مدرسه مطالعات عالی پاریس رفت و در آنجا دستور تطبیقی و سنسکریت آموخت و در همان دوران تحصیل، به توصیهٔ استادش میشل برئال[1] مطالعه دین زردشتی را پی گرفت و در مطالعات اوستایی و دین و ادبیات ایران باستان، جانشین شایسته‌ای برای اوژان بورنوف[2] (متوفی ۱۸۵۲) شد. به سبب همین درخشش علمی دارمستتر بود که در ۱۸۷۴، در حالی که تنها ۲۵ سال داشت، به عضویت انجمن آسیایی پاریس پذیرفته شد.

در ۱۸۷۷ با نگارش رساله «اورمزد و اهریمن: خاستگاه و پیشینه آنها» موفق به دریافت درجه دکتری شد. او در همین زمان در مدرسه مطالعات عالی به تدریس اوستا پرداخت و به تشویق برئال تهیه برگردانی تازه از این کتاب را آغاز کرد. در ۱۸۸۰ به مدیریت مدرسه مطالعات عالی رسید و دو سال بعد نیز دبیر افتخاری انجمن آسیایی شد که تا پایان عمر در این مقام باقی ماند. او در ۱۸۸۵ استاد کرسی زبان و ادبیات فارسی کولژ دوفرانس شد. استادی دارمستتر در زبان و در شیوه زبان‌شناختی، وی را در زمره پژوهشگران نامی زبان فارسی قرار داد، به طوری که پیش از مرگش در ۱۴ اکتبر ۱۸۹۴ در ۴۵ سالگی، بزرگ‌ترین صاحب‌نظر در موضوع تخصصش در سطح جهان شناخته شده بود.

آثار علمی

نخستین نوشته دارمستتر در باب مطالعات ایرانی مقاله‌ای با عنوان «یادداشت‌هایی درباره واژه‌شناسی ایرانی» بود که در ۱۸۷۴ در نشریه یادمان‌های انجمن زبان‌شناسی پاریس به چاپ رسید. یک سال بعد، او کتاب «هئوروتات و امرتات (خرداد و امرداد): جستاری در باب اساطیر اوستایی» و پس از آن کتاب «اورمزد و اهریمن» را در ۱۸۷۷ منتشر ساخت. ماکس مولر[3] پژوهشگر معاصر دارمستتر که از دانش او در زمینه زبان‌شناسی تطبیقی و اسطوره‌شناسی تطبیقی آگاه شد، هنگام تهیه برگردانی از متون مقدس شرق، دارمستتر جوان را برای برگردان اوستا به همکاری دعوت کرد.

وی تا ۱۸۸۲ چند مقاله و کتاب دیگر درباره تاریخ و فرهنگ ایران چاپ کرد و یک سال بعد اثر دوران‌سازش با عنوان «مطالعات ایرانی» در دو جلد منتشر شد. جلد نخست با عنوان «مطالعاتی درباره دستور تاریخی زبان فارسی» بود و جلد دوم «نکات گوناگون در باب تاریخ و ادبیات ایرانی» نام داشت.

در ۱۸۸۳، مجموعه‌ای از مقالات او با عنوان «مطالعات شرقی» منتشر شد. یکی از مقالات این مجموعه را جلال ستاری با عنوان «وجوه مشترک میان مهابهارات و شاهنامه» به فارسی برگردانده و در مجله هنر و مردم (ش ۱۵۳ و ۱۵۴، تیر و مرداد ۱۳۵۴) منتشر کرده است.

به دنبال قیام مهدی سودانی که مدعی مهدویت بود، دارمستتر به تحقیق درباره ریشه‌های مهدویت در اسلام و مهدی در دوره‌های مختلف و جهان اسلام پرداخت که برگردان انگلیسی این تحقیقات در ۱۸۸۵ در نیویورک انتشار یافت. این کتاب را محسن جهانسوز، با عنوان «مهدی: از صدر اسلام تا قرن سیزدهم هجری» در ۱۳۱۷ش به فارسی ترجمه کرده است. کم‌اطلاعی مؤلف از اصالت مهدویت در اسلام و به‌ویژه اعتقاد به وجود امام دوازدهم در شیعه، منشأ خطاهای آشکار در کتاب او شد که در آثار نویسندگان معاصر به آن پرداخته شده است.

در سالهای ۱۸۸۶ـ۱۸۸۷ وی در جستجوی قطعات دیگر اوستا و همچنین برای مطالعه دین زردشتی در میان پیروان این دین و در خاستگاه آن به هند و ایران سفر کرد. حاصل سفر او، آثاری درباره زبان پشتو و نیز مجموعه‌ای درباره جامعه هند بود. پس از این سفر، او تهیه برگردان فرانسوی اوستا را آغاز کرد. این اثر که در سالهای ۱۸۹۲ـ۱۸۹۳ به عنوان مجلدات ۲۱، ۲۲، ۲۴ «سالنامه موزه گیمه» پاریس به چاپ رسید، جز برگردان متون اصلی اوستایی (یسنا و ویسپرد، در جلد یکم؛ وندیداد و سیروزه، یشتها و گزیده‌ای از خرده اوستا در جلد دوم)، در بردارندهٔ انبوهی مطالب افزوده نیز بود که وی بخش عمده آنها را از دیدار با پارسیان هند و آشنایی نزدیک با این جامعه زردشتی و باورها و آداب دینی آنها به دست آورده بود.

در ۱۸۸۷ کتاب دیگر از دارمستتر با عنوان «بنیاد شعر فارسی» در پاریس منتشر شد که در سیزده فصل به این موضوعات پرداخته است: خاستگاه افسانه‌ای شعر فارسی، حیات دوباره شعر ملی در ایران؛ شعر در دورهٔ طاهریان، شکوفایی شعر فارسی در دوره سامانیان؛ رودکی و معاصرانش؛ شهید بلخی؛ دقیقی و شاهنامه؛ کسایی و شعر دینی؛ شعر فارسی در پایان دوره سامانیان و غزنویان؛ شعر غیر دینی و شعر عرفانی؛ ابن‌سینا و شعر غیر دینی؛ و ابوسعید و شعر عرفانی. ترجمه فارسی این کتاب را عبدالحسین زرین کوب در مجموعه «دفتر ایام» (تهران ۱۳٦۵ش) به چاپ رسانده است.

دارمستتر نخستین کسی بود که درباره «نامه تنسر»، از مهمترین منابع موجود برای تثبیت دین زردشتی به منزله دین رسمی در حکومت ساسانی، پژوهش کرد. او ابتدا در دیباچه جلد سوم برگردان فرانسوی اوستا فصلی از نامه تنسر را به چاپ رساند و در ۱۸۹۴ نسخه‌ای ویراسته از کل این متن را به همراه برگردان فرانسوی آن، همراه با یادداشت‌هایی، در «نشریه آسیایی» منتشر کرد. مقدمه این نوشته را مجتبی کمره‌ای به فارسی برگردانده که در ناموارهٔ دکتر محمود افشار (ج ۵، ۱۳٦۸ش) چاپ شده است. از دارمستتر چندین مقاله نیز در نشریات و مجموعه‌های مختلف به چاپ رسیده است.

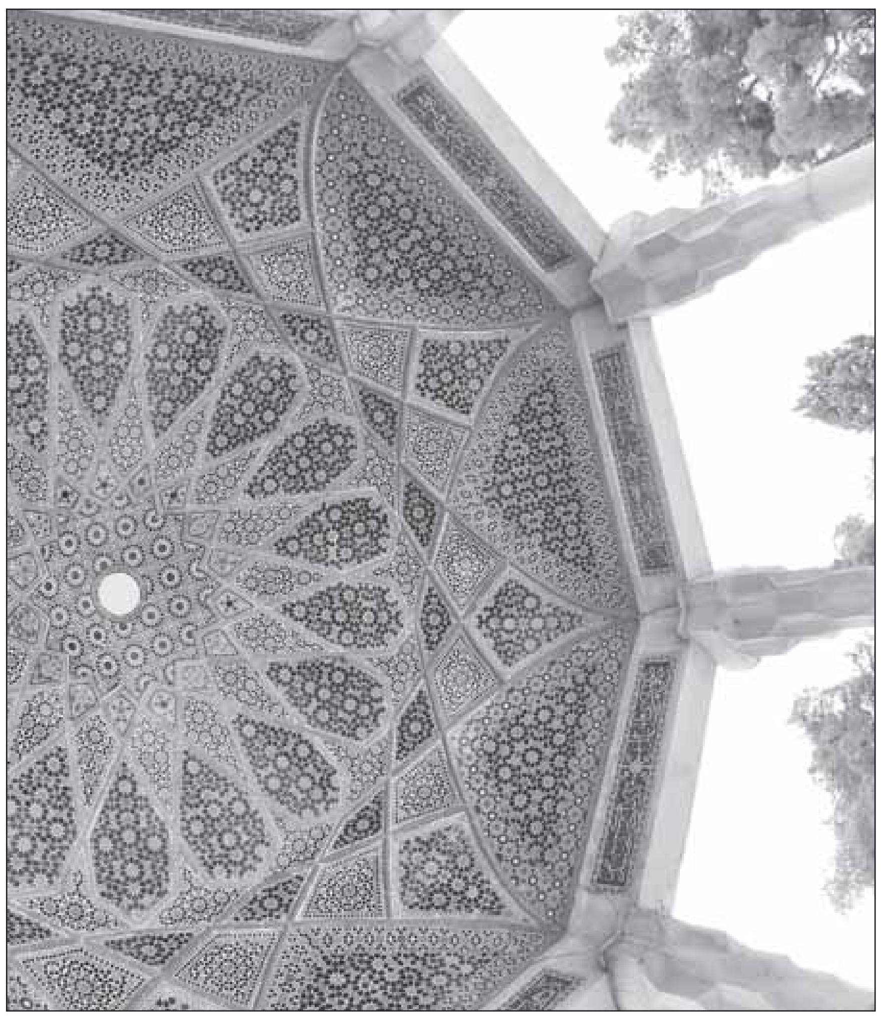
پی‌نوشت‌ها:

1-Michel Breal 2.Eugene Burnof 3.F.Max Muller

*دانشنامه جهان اسلام (با حذف منابع)

حافظ و معماری

مهندس امیررضا پوررضایی



در طول تاریخ کشورمان یورش‌های زیادی به خاک ما صورت گرفته و در این یورش‌ها، بسیاری از آثار معماری از بین رفته است. ادبیات و شعر به دلیل عدم دسترسی دشمنان به آن در حافظهٔ ملت ما، تا حدی از این تاراج مصون مانده است. به طور کلی از هرچه درگذشته کشورمان بخواهیم بیشتر بدانیم، باید آن را در ادبیات جستجو کنیم، که معماری نیز مشمول آن است. با این مقدمه این نگاه دوسویه به موضوع، چند بیت از حافظ را که اصطلاحات و اشارات روشنی از معماری دارد، می‌آوریم تا از یک سو نگاه او به معماری و بهره‌برداری او از مفاهیم معماری برای بیان مقصودش، روشن‌تر شود و از سوی دیگر نشانی باشد برای درک جایگاه معماری در عصر حافظ.

۱

طرب‌سرای محب کنون شود معمور
که طاق ابروی یار منش مهندس شد



این بیت نشان می‌دهد که حافظ معماری خوب را می‌شناخته و به زیبایی اصطلاحات «سرا»، «معمور» (=آباد)، «طاق» و «مهندس» را در این بیت درج کرده است. می‌توان منظور شاعر را این‌طور دریافت که «احساس خوش بودن در محیط محبت‌آمیز آن زمانی دست می‌دهد که یار من نیز به من عشق و محبت داشته باشد.» از سوی دیگر حافظ در این بیت نشان داده است که هر ساخته‌شده‌ای را ساختمان نمی‌دانسته و اشارهٔ روشنی دارد که یک ساختمان، به صرف ساخته شدن، دارای معماری خوب و به تبع آن ایجاد حس خوب نیست و برای اینکه دارای معماری خوب باشد و به انسانی که در آن زندگی می‌کند و آن را می‌بیند حس خوب دهد، لازم است مهندس و مهندسی آن ویژگی‌هایی داشته باشد. شاعر شکل را بدون توجه به ظرایف کلی و جزئی مهم ندانسته و آنچه از نظر او مهم بوده، توجه به جزئیات و ظرایف است.

اهمیت معماری نیز دقیقاً در همین ظرایفی است که حافظ نشان می‌دهد. به بیان دیگر اگر «طرب‌سرای محبت» را معادل ساختمانی که هنرمندانه طراحی و ساخته شده است در نظر بگیریم، حافظ شرط ساخته شدن چنین بنایی را دیدن، شناختن و مبنا قراردادن زیبایی دانسته است.

۲

سرای مدرسه و بحث علم و طاق و رواق
چه سود چون دل دانا و چشم بینا نیست

در مصرع اول سه عنصر در کنار هم با نگاهی که نشان از هم‌ارزی دارد، آمده است. سه عنصر «سرای مدرسه»، «بحث علم» و «طاق و رواق». «طاق» به معنای سقف محدب، یا آسمانه است و «رواق» فضای سرپوشیده نیمه‌باز راهرومانند و ممتدی است که برای ایجاد ارتباط بین فضاها کاربرد دارد و بیشتر در اطراف حیاط‌ها، در یک، دو، سه، چهار جبهه، یا اطراف یک فضای ساخته‌شدهٔ برونگرا ساخته می‌شود.

در برخی از ساختمان‌ها مانند مسجد جامع یزد، مدرسهٔ سپهسالار (شهیدمطهری)، مدرسه معیرالممالک تهران، فضای ورودی توسط یکی از دهانه‌های رواق با حیاط ارتباط دارد. جایگاه بلند «بحث علم» در جهان‌بینی حافظ روشن است و به این وسیله می‌توان ارزش دو عنصر دیگر را که با آن هم‌ارز گرفته شده، دریافت.

ایوان کانونی است برای تزئینات مختلف بنا و از مهمترین فضاهای معماری ایرانی است و بیشتر در خانه‌های سنتی به چشم می‌خورد و به لحاظ فرم و جایگاه و ابعاد، متنوع است و عملکردهای زیادی دارد. به نمونهٔ بدون سقف آن، «بهارخواب» و در برخی شهرها، «مهتابی» می‌گویند

۳

خاک وجود ما را از آب دیده گل کن
ویران‌سرای دل را گاه عمارت آمد

در این بیت نیز حافظ از یک‌سو برای بیان مقصود از عناصر معماری بهره برده و از سوی دیگر با زیبایی حافظانه توضیح داده است زمانی که وقت «عمارت» و ساختن «ویران‌سرای دل» برسد، این امر با ساختن «گل» از «خاک» توسط «آب دیده» انجام می‌شود. حافظ به‌خوبی در کنار بهره‌بردن از عناصر معماری برای بیان مقصودی که داشته، در این بیت نیز نشان داده که می‌دانسته معماری یک ساختمان یا همان «عمارت» گرچه با گل و خاک اجرا می‌شود، اما برای آنکه نتیجه دلنشین باشد، عشق و شور و شیدایی لازم است که در اینجا از آن به «آب دیده» و آمیختن آن با «خاک وجود» تعبیر کرده است.

٤

طاق و رواق مدرسه و قال و قیل علم
در راه جام و ساقی مهر و نهاده‌ایم

در این بیت نیز دو عنصر معماری «طاق و رواق مدرسه» با «قال و قیل علم» هم‌ارز گرفته شده‌اند و مجموعه آنها به عنوان ارزش‌های بالای زندگی در راه «جام و ساقی مهرو» فدا شده‌اند.

۵

فتنه می‌بارد از این سقف مقرنس برخیز
تا به میخانه پناه از همه آفات بریم

در این بیت حافظ با استفاده از عنصر معماری «سقف مقرنس» و تشبیه آسمان این دنیا که بالای سر ماست، فضایی را نشان می‌دهد که امتیازات و امکانات بسیاری دارد. «مقرنس» «آهوپا» یا «پای آهو»، یکی از عناصر تزئینی معماری اسلامی و ایرانی است که گونه‌ای پیش‌کردگی یا طاقچه‌بندی آذینی در زیر گنبدها یا نیم‌گنبدهای روی ایوان‌ها و درگاه‌ها، با آجر یا گچ و کاشی است که در آن هر رده از طاقچه‌ها از ردهٔ زیرین خود پیش می‌نشیند تا درگاه به هم آید. در طاقچه‌ها، برجستگی‌ها و تورفتگی‌هایی همراه با نگاره‌های گوناگون درآورده می‌شود. سقفی که مقرنس و تزئین شده باشد، در اینجا عنصری از معماری است که در ساختمان‌های شکوهمند و مجلل می‌توان دید. فضایی که چندان مطلوب و پرامتیاز است که در شرایطی که آفات بسیاری وجود دارد و فتنه می‌بارد نیز هنوز ترک نشده و جاذبه‌های آن چنان زیاد است که لازم است در شرایطی این چنین نامطلوب و خطرناک برای ترک آن هشدار داد و اعلام خطر جدی کرد. برای دادن مشخصات چنین فضای مجللی، حافظ تنها استفاده از یک علامت را کافی دانسته و آن هم سقف مقرنس است و البته اعلام خطر که فتنه از آسمان می‌بارد.

٦

از این رباط دودر چون ضرورتست رحیل
رواق و طاق معیشت چه سربلند و چه پست

در این بیت در کنار عنصر معماری «رباط» یا همان کاروانسرا، که جایی است برای توقف‌های کوتاه و معمولاً یک‌روزه یا یک‌شبه، از عناصری معماری «طاق» و «رواق» استفاده کرده که در بناهای فاخر وجود دارد و پیداست که با صرف وقت و هزینهٔ بسیار ساخته می‌شوند و برای اقامت‌های بلندمدت توجیه دارد. مراد این است که چه غنی باشی، چه فقیر، از دنیا که چون کاروانسرای دودر است، درخواهی گذشت.

۷

به صدر مصطبه بنشین و ساغر می نوش
که این‌قدر ز جهان کسب مال و جاهت بس

«مصطبه» از اصطلاحات معماری است: سکو، تخت، یا مکانی که اندکی از سطح زمین یا کف اتاق بلندتر باشد. این سکو بیشتر جای غریبان و حتی جایگاه گدایان بوده است. به‌ویژه در میخانه‌ها که گدایان و افراد کم‌اهمیت بر آن می‌نشستند و باده می‌نوشیدند؛ ولی الزاماً فقط جلو میخانه‌ها نبوده و خانه‌ها و مغازه‌ها برای دادن خدمات به افرادی که نمی‌خواستند آنها را به داخل ببرند، یا برای نشستن رهگذران و استراحت آنان، چنین سکویی بیرون در ورودی و در محل درگاه داشته‌اند.

۸

مهندس فلکی راه دیر شش‌جهتی
چنان ببست که ره نیست زیر دیر مغاک

مراد از مهندس فلکی، طبق کاربرد قدما خداوند است و انسان‌ها از قفس این محدودهٔ شش‌جهتی راه به در ندارند. «دیر» در اینجا نه صومعه است و نه خانقاه، بلکه مطلق بناست و با صف شش‌جهتی (راست، چپ، پیش، پس، بالا، پایین) استعاره از جهان است. دیر مغاک کم و بیش همان است که در جای دیگر «دامگه حادثه» نامیده است.

۹

فریب دختر رز طُرفه می‌زند ره عقل
مباد تا به قیامت خراب طارم تاک

«طارم» که معرّب «تارم» است، به معنای سراپرده است. طارم تاک یعنی تاکی که زیر آن ابزار چوبی/ تخته‌ای نهاده‌اند که بلندآویز باشد:

پیش از این کاین سقف سبز و طاق مینا برکشند
منظر چشم مرا، ابروی جانان طاق بود

مراد از «سقف سبز» [آبی] و طاق مینا، آسمان است. «منظر» نیز به معنای نظرگاه است. در معماری به معنای فضای خارجی که از جایی در ساختمان دیده می‌شود. در خصوص «طاق» نیز پیشتر گفته شد و در اینجا با ایهام به کار رفته: یکی طاق به عنوان اصطلاح معماری و دیگری به معنای تک و بی‌نظیر.

۱۰

از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر
یادگاری که در این گنبد دوّار بماند

در این بیت با اصطلاح معماری «گنبد» برخورد می‌کنیم. گنبد (به پهلوی: گومبت) سازه‌ای است معمارانه شبیه نیمکره‌ای توخالی. تاریخ ساخت گنبد با مواد گوناگون به پیش از تاریخ می‌رسد. گنبد را می‌توان به شکل یک کمان که با چرخش حول محور عمودی مرکزی آن به وجود می‌آید، تصور کرد. گنبدهای قوسی‌شکل، اگر درست طراحی شوند، دارای استحکام زیادی هستند و می‌توانند فضای زیادی را بدون ستون محافظ پوشش دهند. گنبدهای پیش‌رونده با پیشروی افقی در هر طبقه از دیوار به وجود می‌آیند، به‌طوری‌که هر طبقه نسبت به طبقهٔ پایینی بیشتر به داخل متمایل می‌شود و در پایان کل محوطه در یک نقطه به هم می‌رسد. گاهی به این نوع گنبد، گنبدنما گفته می‌شود.

گنبد واقعی، گنبدی است که به طور فزاینده‌ای به سمت داخل زاویه‌دار شده و در نهایت نسبت به پایه گنبد زاویه ۹۰ درجه پیدا می‌کند. بشر از پیش از تاریخ تا دوران معاصر بناهای گنبدی‌شکل با استفاده از مصالح موجود در محل ساخته است. اگرچه معلوم نیست که اولین گنبد چه زمانی ساخته شده، نمونه‌های پراکنده از سازه‌های گنبدی‌شکل اولیه کشف شده است. اکتشافات اخیر در محوطهٔ باستانی تپه «چغامیش» (٦۸۰۰ تا ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد)، واقع در دشت دزفول، استفاده از گل اُخری و سازه‌های خشتی در ساخت گنبد را نشان می‌دهد. معماری پارسی ساسانی به احتمال زیاد معماری گنبدسازی میانرودان را به ارث برده است. خرابه‌های «کاخ اردشیر بابکان» و «قلعه دختر» فیروزآباد در استان فارس، که به دستور اردشیر اول (حکومت: ۲۲٤ـ ۲٤۰م) ساخته شده است، استفاده از گنبد در عصر امپراتوری ساسانی را نشان می‌دهد.

۱۱

به نیم‌جو نخرم طاق خانقاه و رباط
مرا که مصطبه، ایوان و پای خم، طَنَبی است

اصطلاح معماری دیگری که در این بیت به کار رفته، «طنبی» است به معنی چادر و در قاموس معماری، اتاق بزرگی است که در وسط ساختمان قرار دارد و اطرافش دیگر فضاها قرار می‌گیرند. به اتاق دراز نیز می‌گویند.

اصطلاح دیگر، «مصطبه» به معنی سکو، تخت و محل نشستن که توضیح داده شد.

«ایوان» نیز به نشستنگاهی بلندتر از اطراف خود گفته می‌شود که معمولاً در بخش بیرونی بناها ساخته می‌شود. ایوان در معماری ایرانی از زمان اشکانیان مورد استفاده قرار گرفته و تاکنون به شیوه‌های گوناگون ساخته شده است. ایوان‌ها معمولاً از یک طاق تشکیل می‌شوند و از سه طرف بسته هستند و به طرف میانسرا باز می‌شوند. ایوان‌ها به صورت فضاهای ورودی و خروجی ساخته می‌شوند و در حالی که برای جریان یافتن هوا باز هستند، از تابش آفتاب جلوگیری می‌کنند و به عنوان یکی از اجزای تشکیل‌دهندهٔ ساختمان/ سرا اهمیت فوق‌العاده‌ای دارند و به بنا، برجستگی و شکوه می‌بخشند.

ایوان کانونی است برای تزئینات مختلف بنا، مانند ایجاد مقرنس‌ها با شیوهٔ آجرکاری، گچبری و کاشیکاری. ایوان از مهمترین فضاهای معماری ایرانی است و بیشتر در خانه‌های سنتی به چشم می‌خورد و به لحاظ فرم و جایگاه و ابعاد، متنوع است و عملکردهای زیادی دارد. به نمونهٔ بدون سقف آن، «بهارخواب» و در برخی شهرها، «مهتابی» می‌گویند.

«طاق» اصطلاح معماری دیگری است که دربارهٔ آن صحبت شد.

«خانقاه» مکان مشایخ و درویشان و معرّب «خانگاه» است. این واژه مرکب از «خانه» و «گاه» است؛ نظیر «منزلگاه» و «مجلس‌گاه» و خانه‌ای است که درویشان و مشایخ در آن به سر برده و عبادت می‌کنند.

«رباط» نیز که پیش از این گفته شد، جایی است در کنار جاده، جهت استراحت مسافران.

حافظ در این بیت می‌گوید: برای من که مصطبه (سکوی میخانه) همچون ایوان و در جنب و جوار خم نشستن، همچون نشستن در سراپرده است، طاق خانقاه درویشان و رباط دنیا، ارزشی ندارد.

۱۲

ز در درآ و شبستان ما منور کن
هوای مجلس روحانیان معطر کن

«شبستان» قسمتی است از مسجدهای بزرگ که دارای سقف است. شبستان‌ها فضاهای سرپوشیده و دارای ستون‌های یک‌شکل و موازی‌اند که از یک طرف به صحن مسجد راه دارند. همچنین شبستان مکانی بود در خانه پادشاهان قدیم که خلوت‌خانه و حرمسرا و خوابگاه آنان به شمار می‌آمد. در دورهٔ قاجار در ایران شبستان را «اندرون»، «اندرونی» و «زنانه» می‌گفتند.

۱۳

ستارهٔ شب هجران نمی‌فشاند نور
به بام قصر برآ و چراغ مه برکن

در این بیت اصطلاح معماری «بام» به مار رفته که به معنی تمام پوشش بیرونی سقف خانه یا پشت‌بام می‌باشد و «قصر» که به معنی کاخ، کوشک و خانه‌های استوار و بلند است. در پایان می‌توان گفت اگر حافظ که در عصر خود شناخته شده و مشهور بوده، به زبان اصطلاحات معماری و کنایاتی که لازمه درک آنها، داشتن درک و اطلاعات معماری است، سخن گفته، پس مخاطب او، یعنی انسان ایرانی فرهیخته عصر حافظ، این مفاهیم و ارزش‌های معماری را درک می‌کرده و درکار تولید و مصرف آن بوده است.

اکتشافات محوطهٔ باستانی تپه «چغامیش» دزفول، استفاده از گنبد را نشان می‌دهد. معماری ساسانی به احتمال زیاد معماری گنبدسازی میان‌رودان را به ارث برده است. خرابه‌های «کاخ اردشیر بابکان» و «قلعه دختر» فیروزآباد در استان فارس، استفاده از گنبد در عصر ساسانی را نشان می‌دهد

منابع:

ـ دیوان حافظ، تصحیح بهاءالدین خرمشاهی. تهران، دوستان، ۱۳۸۵؛

ـ لغتنامه دهخدا، فرهنگ فارسی، محمدمعین، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۱؛

ـ آشنایی با معماری اسلامی ایران، تدوین غلامحسین معماریان، تهران، دانشگاه علم‌وصنعت، ۱۳۷۱؛

ـ بررسی اقلیمی ابنیهٔ سنتی ایران، وحید قبادیان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۹.

* دانشنامه حافظ و حافظ‌پژوهی

بهشت دوستان

مرا اگر بر در بهشت بیارند، اول درنگرم که او در آنجا هست؟ اگر نباشد، گویم: «او کو؟»

ـ نی!

ـ: مرا می‌باید که معیّن ببینمش، همچنین برابر. اگر نبود، رفتم به دوزخ!

مقالات شمس تبریزی

سیر آبسکون



ملک‌الشعرای بهار

خوش است اکنون اگر جویی به آبسکون گذار اندر
سوی مازندران آیی و برگیری قرار اندر
گهی بر ساحل دریا به خوید و مرغزار اندر
گهی بر طرف بابل‌رود، با بوس و کنار اندر
گهی غلتیده در گردونه‌های برق‌سار اندر
گهی بنشسته بر تازی کمیت راهوار اندر
خوشا مازندران! ویژه پاییز و بهار اندر
به خاصه طرْف آبسکون، بدان دریاکنار اندر
زمینش سال و مه، سبز و گل اندر وی به بار اندر
همیشه بلبلانش مست در لیل و نهار اندر
دَمَد انجیربُن‌ها بر چنار و بر منار اندر
درختی بر درختی روید و آید به بار اندر
تَذروْ جفت گم کرده خروشان بر چنار اندر
کشیده هر طرف گردن، پی دیدار یار اندر
هرازِ بانگ‌زن پوید بدان خرّم دیار اندر
به کردار طراز سیمبر نیلی شعار اندر
خروشش گوش کر سازد به بانگ رعدسار اندر
بغلتاند تن پیل ژیان را بر گدار اندر



کودکان ایران

ما همه کودکان ایرانیم
مادر خویش را نگهبانیم
مُلک ایران یکی گلستان است
ما گل سرخ این گلستانیم
کار ما ورزش است و خواندن درس
همه از تنبلی گریزانیم
چون نیاکان باستانی خویش
راستگوی و درست پیمانیم
مستی و کارهای بی‌معنی
کار ما نیست، زانکه انسانیم
همه در فکر ملت و وطنیم
همه در بند دین و ایمانیم
همه از یک‌نژاد و یک خاکیم
گر ز تهران، گر از خراسانیم
اول اندر میان مدرسه‌ایم
بعد از آن در میان میدانیم
می‌نمائیم مشق سربازی
روز میدان، مطیع فرمانیم
پس از آن در کمال آزادی
پی تحصیل ثروت و نانیم
همه پاکیم و راستگوی و شریف
بی‌خبر از دروغ و بهتانیم
گر دروغی کسی به ما گوید
ما از او روی خود بگردانیم
همگی اهل صنعت و هنریم
همگی اهل خیر و احسانیم
از کسی حرف زور نپذیریم
وز کسی مال مفت نستانیم
در تجارت، شریک تجّاریم
در زراعت، رفیق دهقانیم
کار ما صنعت است و علم و عمل
کارهای دگر نمی‌دانیم
حالیا بهر افتخار وطن
ما شب و روز درس می‌خوانیم

زبان و ادبیات فارسی در چین

هوانگ شی جیان و ابراهیم فنگ جین یوان



کهن‌ترین نوشته به زبان‌های ایرانی در چین، به زبان پهلوی است. بر سنگ مزار بانویی به نام ما (پهلوی: مانوش)، همسر سردار سوـ لیانگ[1] (پهلوی: فرخزاد)، متعلق به تاریخ ۸۷٤/۲٦۰م، که در شیان، مرکز استان شنسی، یافته شده است.

در دوره سلسله یوان (٦۵۸ـ۷٦۹/۱۲٦۰ـ۱۳٦۸م) فارسی زبانِ نخستین بیشتر سرزمین‌های آسیایی مرکزی بود که بسیاری از ساکنان آن به چین مهاجرت کرده بودند. گذشته از این، سلسله یوان مناسبات نزدیکی با ایلخانان ایران داشتند و جوامع مسلمان چینی دربردارنده گروه‌های بزرگی از ایرانیان و فارس زبانان غرب آسیا بودند؛ بنابراین سه زبان رسمی در دیوان و نظام آموزشی سلسله یوان، چینی و مغولی و فارسی بود.

نوشته‌های برخی «پائی‌زی»[2] (برچسب‌های تجاری) و وزنه‌های مسی نیز که در دوره مغولان رایج شده بود، به چهار زبان بود: فارسی، چینی،

از پیامدهای تاریخ طولانی تماس فرهنگی چینیان و ایرانیان، رواج واژگان زبان‌های ایرانی در زبان چینی است؛ اما درباره ریشه و پیشینه بخش عمده‌ای از این لغات تاکنون پژوهش درخوری صورت نگرفته است

اویغوری ـ مغولی و چینی با الفبای تبتی انطباق یافته با نظام آوایی چینی. در میان سنگ قبرهایی از همان دوره که در کوانگ‌جو، هانگ جو و یانگ جو یافته شده و کتیبه‌های آنها به عربی است، نسبت بسیاری از دفن‌شدگان ایرانی است.

در ۱۲۸۹/٦۸۸م قوبیلای قاآن، حاکم مغول، مدرسه‌ای در دادو (پکن فعلی)، برای پسران صاحب منصبان و ثروتمندان مسلمان، تأسیس کرد که مُدرّسی از مدرسهٔ هان‌لین، احتمالا به نام افتخارالدین، مسئول تدریس در آن گردید. شاگردان این مرکز، پس از یادگیری فارسی، به دیوان‌های حکومتی می‌پیوستند تا به عنوان مترجم حضور به کار بپردازند.

رجمه متون فارسی به چینی نیز، به احتمال بسیار، در دوره یوان خواهان یافته بود. در همین زمان کتابی با عنوان «نسخه‌های دارویی مسلمانان»، مشتمل بر نام گیاهان، برخی به خط فارسی، برخی به صورت حروف‌نگاری به خط چینی و برخی ترجمه شده به چینی، تألیف شد که چهار جلد آن هم اکنون در کتابخانه دانشگاه پکن نگهداری می‌شود.

در دوره سلسله مینگ، دیوان چهار ملت[3] برای تربیت مترجمان و تهیه ترجمه‌های رسمی تأسیس شد و ظاهراً فارسی جزو زبان‌هایی بود که برای ترجمه کتاب‌های اسناد سیاسی، گاهی به آن نیاز می‌شد. اولین فرمانروای سلسله مینگ، تای‌جو (حکومت ۷٦۹ـ۷۹۹/۱۳٦۸ـ۱۳۹۷م)، دستور داد تا گروهی به ریاست ماشاییِ هی (احتمالا «مشایخ»)، چند کتاب فارسی، از جمله کتابی در نجوم را به چینی ترجمه کند.

در ۸۱۵/۱٤۰۷م، مینگ چنگ‌جو فرمانی به چینی و مغولی و فارسی، در حمایت از اقلیت‌های مسلمان، صادر کرد. همچنین در دورهٔ مینگ برخی علمای مسلمان چینی، مانند چانگ‌جی‌می (۱۰۱۹ـ۱۰۸۱/۱٦۱۰ـ۱٦۷۰م) و لیوجی (حکومت: ۱۰۷۰ـ۱۱٤۳/۱٦٦۰ـ ۱۷۳۰م)، آثاری را از فارسی به چینی برگرداندند یا از متون فارسی برای تألیفات خود موادی استخراج کردند. با این همه، از اواسط این دوره تماس با کشورهای مسلمان رو به کاهش نهاد و شمار کسانی که در سی‌یی گوان فارسی می‌دانستند، بسیار اندک گردید.

برخی مدرّسان مسلمان، آثار اسلامی را در خانه‌های خود به فارسی تدریس می‌کردند؛ اما با گذشت زمان، در آموزش «دینی»، عربی جانشین فارسی شد، هرچند که در برخی مساجد آموزش به هر دو زبان انجام می‌شد. تکلم به زبان فارسی و خواندن متون به این زبان در سراسر این دوره همچنان در میان مسلمانان رواج داشت و البته به‌تدریج چینی زبان نخست گفتاری آنان شده بود.

از سدهٔ نهم هجری/ پانزدهم میلادی دو کتیبه فارسی، یکی در مسجد خیابان نیو و دیگری در مسجدی در سان‌لی‌هه، هر دو در پکن باقی است که آسیب بسیار دیده است و نوشته‌های آنها به سختی خوانده می‌شود.

پس از ظهور سلسله چینگ (۱۰۵٤ـ۱۳۲۹هـ/۱٦٤٤ـ۱۹۱۱م)، و به‌ویژه با منسوخ شدن تقویم مسلمانان در ۱۰۸۰/۱٦٦۹م، دیگر کسی در دربار به‌خوبی فارسی نمی‌دانست. در مدرسه‌ها چهارده اثر کلاسیک خوانده می‌شد که جلد اول آن مشتمل بر مطالبی درباره صرف عربی به زبان فارسی، و از دیگر مجلدات آن، «گلستان» سعدی، «مرصاد العباد» ابوبکر عبدالله‌بن محمد رازی، و «اشعه اللمعات» عبدالرحمان جامی بود. برخی مسلمانان پکن هنوز نسخه‌هایی از آثار کهن زبان فارسی، نظیر «گلچین مصباح» و نیز نسخ خطی قرآن را در اختیار دارند که در شماری از آنها عناوین سوره‌ها و تفاسیر در حاشیه و بین سطور به فارسی است. موزهٔ ملی پکن نیز چهارلوح چوبی با حکاکی‌هایی به فارسی دارد که ممکن است کار هنرمندان چینی یا بخشی از هدایای دربار ایران به دربار چین باشد.

دوره معاصر

در دوره جمهوری چین ملی، ها دِچن (متوفی ۱۳۲۲/۱۹٤۳م) و وانگ جینگ جای (متوفی ۱۳۲۷/۱۹٤۸) از شاخص‌ترین مترجمان چینی از فارسی بودند. وانگ گلستان را ترجمه کرد که همراه با ترجمه دیگری از همین اثر به قلم شوئی جین‌فو براساس ترجمه انگلیسی، سبب شهرت گلستان در این کشور گردید، به طوری که اغلب قطعات آن از رادیو و تلویزیون چین پخش شده است.

در مهر ۱۳٦۱/اکتبر ۱۹۸۲، انجمن اسلامی پکن راهنمای عبادات مسلمانان را با عنوان «دعوات‌العادات و فوائدها» تجدید چاپ کرد که هر بخش آن به چینی و فارسی یا عربی بود. مسلمانان پکن، علاوه بر لغات فارسی بسیار در عبادات و آیین‌های روزانه خود، خطبه‌ها را به فارسی می‌شنوند و در نماز مغرب در ماه رمضان، خواندن اشعاری در حمد خدا به فارسی معمول است.

از پیامدهای تاریخ طولانی تماس فرهنگی چینیان و ایرانیان، رواج واژگان زبان‌های ایرانی در زبان چینی است؛ اما درباره ریشه و پیشینه بخش عمده‌ای از این لغات تاکنون پژوهش درخوری صورت نگرفته است. اولین واژگان ایرانی گزارش شده در چینی، در سفرنامه جانگ‌چیان[4] آمده است. لغت چینی برای po-si,Persian (برگرفته از پارسی، فارسی) است که نخست در «کتاب سلسله وی شمالی» تألیف سال ۵۵۱ـ۵۵٤، به کار رفته است. براساس نوشته‌های کتیبه آرامگاهی نستوری، در سدهٔ دوم/ هشتم نامهای ایرانی برای روزهای هفته در جوامع مسیحی چین رواج داشته است. برخی آثار نجومی چینی، که قدیم‌ترین آنها تقریبا متعلق به همین زمان است، دربردارنده لغات سغدی برای روزها و سیارات است.

با بنیان یافتن جوامع مسلمان در چین، لغات فارسی در متون چینی، اعم از تواریخ، یادداشت‌های سفر، واژه‌نامه‌ها، دایره‌المعارف‌ها، کتاب‌های دینی و کتیبه‌ها، بیشتر شد. به جز در موارد اندک، لغات فارسی به الفبای چینی نوشته می‌شوند و مشتملند بر نام کشورها، سلسله‌ها، ملت‌ها، اشخاص نامی، کوهها، رودها، گیاهان اصطلاحات دینی و علمی و فنی و تولیدات از قبیل منسوجات، جواهرات، فلزات.

در دوره یوان، با نزدیک‌تر شدن مناسبات ایران و چین، بسیاری از غذاهای ایرانی به چینیان معرفی شد که نام برخی از آنها در کتاب‌های چینی، مانند کتاب «لوازم خوردن و آشامیدن» آمده است.

در دوره مینگ، زایچه نجومی، از بی‌لین، در بر دارنده نامهای فارسی ماهها و روزهای هفته به الفبای چینی است. بسیاری از اصطلاحات دینی مسلمانان چینی نیز از فارسی گرفته شده است، مانند mu-su-er-man (مسلمان)، pi-an-ba-er (پیغمبر)، da-shi-man (دانشمند، معلم)، na-ma-si (نماز) و do-zi-hal (دوزخ)، که هنوز در میان مسلمانان رایج است. در کتیبه‌ها نیز القاب و عناوین فارسی ذکر شده است، از قبیل اسفهسالار، ناوخدا، و خواجه. برخی اصطلاحات دینی عربی نیز از فارسی به چینی راه یافته است، مانند ha-zhi (حاجی) و so-na سُنّه.

* دانشنامه جهان اسلام

پی‌نوشت‌ها:

1-su-Iiang 2- pai-zi
3-si-yi-guan 4- zhang Qian

برگی از دفتر کهن

حکایت دنیا

نصرالله منشی

مرد از پیش اشتر مست بگریخت و در چاهی آویخت و دست در دو شاخ زد که بر بالای آن روییده بود و پایهاش بر جایی قرار گرفت. در این میان بهتر بنگریست، هر دو پای بر سر چهار مار بود که سر از سوراخ بیرون گذاشته بودند. نظر به قعر چاه افکند، اژدهایی سهمناک دید دهان گشاده و افتادن او را انتظار می‌کرد. به سر چاه التفات نمود، موشان سیاه و سفید بیخ آن شاخها دایم می‌بریدند.

در اثنای این محنت، پیش خویش زنبورخانه‌ای و قدری شهد یافت، در حلاوت آن مشغول گشت؛ از کار خود غافل ماند و نه‌اندیشید که پای او بر سر چهار مار است و نتوان دانست که کدام وقت در حرکت آیند، و موشان در بریدن شاخها جد بلیغ می‌نمایند. چندان‌که شاخ بگسست، در کام اژدها افتاد و آن لذت حقیر بدو چنین غفلتی راه داد.

من دنیا را بدان چاه مانند کردم؛ و موشان سپید و سیاه و مداومت ایشان بر بریدن شاخها، بر شب و روز که تعاقب ایشان بر فانی گردانیدن و تقریب آجال مقصور است؛ و آن چهار مار را به طبایع که عماد خلقت آدمی است و هرگاه که یکی از آن در حرکت آرد، زهر قاتل و مرگ حاضر باشد؛ و چشیدن شهد و شیرینی آن را به لذات این‌جهانی؛ و اژدها را برجعی که به هیچ تاویل از آن چاه نتواند بود.

کلیله و دمنه



اقتصاد دیجیتال؛ ابعاد و ویژگی ها

نگاهی به تحولات دیجیتالی اقتصاد

آنچه در پی آمده است نگاهی دارد به موضوع اقتصاد دیجیتالی و همچنین ابعاد و ویژگی های آن که بخش سوم آن را دیروز ملاحظه کردید و اینک بخش چهارم و پایانی را می خوانید:

***

تحول دیجیتال در دولت و بخش عمومی: نقش و ساختار دولت های ملی و محلی،نهادهای دولتی، سازمان های حمایت شده توسط بخش دولتی و مؤسسات بخش عمومی، از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. با وجود این، صرف نظر از روش های سازماندهی حوزه هایی که دولت در آنها دخالت دارد، مانند خدمات درمانی همگانی، حمل ونقل،زیرساخت عمومی، حفظ نظم و آرامش و امنیت ملی، خدمات شهروند یا تنظیم مقررات، اشتراکات زیادی در چالش ها و اولویت ها وجود دارد.

در حالی که از لحاظ تجربه شهروند، نقش تحول دیجیتال در حوزه هایی مانند دولت الکترونیک و برنامه های شناسایی دیجیتال آشکار می شود، در بسیاری از حوزه های دیگر و در دیجیتالی کردن فرایندهاو مدیریت پروژه، شفافیت، بهره وری و هماهنگی بسیار مهم هستند.

تحقیقات نشان می دهد که اکثریت متخصصان بخش عمومی، اثر مخرب فناوری های دیجیتال رابر دولت تأیید می کنند:

* اولین محرک تحول دیجیتال در دولت و بخش عمومی، صرفه جویی در هزینه ها در جهانی است که در آن جوامع در حال پیر شدن هستند و ترکیبی از تغییرات محلی، ملی و وابسته به جغرافیای سیاسی، انتخاب ها و تغییرات را ضروری می کنند و به موجب آن، شفافیت بیشتر در هزینه ها و کاهش هزینه ها بسیار مهم هستند.

* دومین محرک تحول دیجیتال در دولت، تحقق تقاضاهای یک شهروند دیجیتال و بهبود تجربه شهروند است. تقاضاهای شهروندان در حال تغییر است، زیرا تقاضاهای افراد در حوزه توانایی های آنهابه عنوان کارکنان، مشتریان یا شهروندان در حال تکامل یافتن هستند.

بهبود تجربه شهروندی یک شهروند درجه یک، که یک زندگی دیجیتالی و پویا دارد و سبک زندگی دیجیتالی او با جهان واقعی (که معمولاً پُر از کاغذبازی های خسته کننده غالب بر سیستم هاست)همخوانی ندارد، یک اولویت محسوب می شود.

تحول‌دیجیتال‌درصنایع‌همگانی:شرکت‌های صنایع همگانی با چالش های عظیمی مواجه می شوند. با وجود این، آنها در صنعتی فعالندکه در آن تحول دیجیتال می تواند به صرفه جویی عظیم در هزینه ها، پیشنهادهای جدید، مدل های قیمت گذاری جایگزین، بهینه سازی تجربه مشتری و حتی شیوه های جدید ریشه ای "انجام کسب وکار" که با مشتریان و مدل کسب وکار واقعی آنها سروکار دارند، منجر شود.

از نقطه نظر تکنولوژیکی، اینترنت اشیا، کلان داده ها و تمام فناوری های مرتبط باهوشمندسازی، نقشی کلیدی ایفا می کنند. علاوه بر این، سرمایه گذاری ها و نوآوری ها در مطلع ساختن مشتریان از میزان مصرف خود و فراهم کردن امکان کنترل آن به شیوه هایی غیرمشهود برای آنها به بسیاری از امکانات درحوزه هایی مانند بوم شناسی/ محیط زیست و زنجیره های تأمین در حال تغییر اضافه می شود.

تحول دیجیتال در صنعت بیمه: صنعت بیمه برای به کارگیری فناوری ها به شیوه هایی تحول گرا فرصت های فراوانی دارد. "تلماتیک"،اینترنت اشیا، کاربرد تجزیه و تحلیل پیش گویانه (ریسک) و مدل های کسب وکار جدید و رویکردهای بیمه ای پرداخت به اندازه مصرف، در زمره حوزه های متداولی هستند که اغلب مورد اشاره قرار می گیرند.

برای مثال چنانچه داشتن یک حسگر متصل به خودرو یا خانه خود به کاهش هزینه حق بیمه منجر شود، اکثریت مشتریان مایل خواهند بود که این حسگر را داشته باشند. با وجود این، دقیقاً به همان میزان که فناوری ها فرصت های عظیمی ارائه می دهند که به طور فزاینده ای در حال پذیرفته شدن توسط بیمه کنندگان هستند، چالش هایی هم وجود دارد.

در اینجا، انتظارات تغییریافته بیمه گذاران ومصرف کنندگان جوانتر نقش قابل توجهی را ایفا می کنند. علاوه بر این، در فرایند کسب وکار اصلی وظایف بسیاری مانند مدیریت مطالبات بیمه ای، خدمات دهی به مشتری و رسیدگی به مقررات در حال تغییر وجود دارد. به علاوه، افزایش فناوری بیمه ای (Insure Tech) را داریم و این حقیقت وجود داردکه مصرف کنندگان بیمه ها را از ارائه کنندگان غیرسنتی مانند خرده فروشان می خرند.

تحول دیجیتال در خدمات درمانی: در میان موارد ذکر شده، تحول دیجیتال در خدمات درمانی، با چالش جامعه در حال پیر شدن و درحال رشد، افزایش بیماری های مزمن، هزینه های در حال افزایش و انتظارات و رفتار تغییریافته افراد به پیش میرود. بدیهی است که این انتظارات تغییریافته و الگوهای رفتاری هم بر ما به عنوان بیماران تأثیر می گذارند.

این امر یکی از دلایل فراوان برای چرایی افزایش توجه به بیمارمحوری است. با وجود این،نباید کارکنان خدمات درمانی را که از خود تغییر رفتار نشان می دهند و از پلتفرم های دیجیتال و پویااستفاده می کنند، فراموش کرد. این اقدام، به یک خدمات درمانی اطلاعات محورتر منجر می شود.

پویایی، سیمای خدمات درمانی را کاملاً تغییر داده است که به موجب آن، بازدهی رو به افزایش و رضایت کارمند به چالش دیگری تبدیل شده است.

پزشکان، متخصصان و پرستاران در بحبوحه کاهش های بودجه ای اغلب باید در شرایط دشوارتری کار کنند.این امر، توجه ما را به سمت نیاز به بهره وری و دسترسی سریع به اطلاعات خدمات درمانی برایتمام منافع مشهود آن، جلب می کند.

چالش دیگر به تأمین بودجه خدمات درمانی و در نتیجه به کارگیری فناوری های دیجیتال به منظور صرفه جویی در هزینه ها و افزایش درآمدها مربوط است. برای مثال، دربرخی کشورها، گردشگری خدمات درمانی حتی یک اولویت ملی است، به طوری که آنها به سمت یک اقتصاد خدمت گراتر تکامل خواهند یافت.

هنگامی که به سمت یک خدمات درمانی یکپارچه تر پیش می رویم، اینترنت اشیا به یک عامل تحول آفرین کلیدی برای مهار بسیاری از چالش ها و تجدید ساختارمدل های خدمات درمانی تبدیل می شود.

اقتصاد دیجیتالی در کشورهای در حال توسعه

اقتصاد دیجیتال در کنار تمام فرصت هایی که به ارمغان آورده، چالش ها و قواعدی را هم به بازارهای جهانی تحمیل کرده است. جایگاه کشورها در نظم نوین اقتصاد جهانی به شدت به توانایی آن کشور درتطبیق یافتن با شرایط جدید وابسته است.

یکی از انبوه مزایای اقتصاد دیجیتال امکان کاهش فاصله میان کشورهای فقیر و غنی است. کشورهای در حال توسعه، فرصت تغییر فضای اقتصادی خود و همچنین نقش آفرینی در توسعه اقتصاد دیجیتال را یافته اند. اگرچه این اقتصادها با ارزش افزوده بالای خود شناخته و تعریف می شوند، اما به دلیل وجود موانع متعدد، بسیاری از این کشورها، توانایی ارائه پاسخ مناسب به تقاضاهای اقتصاد دیجیتال را ندارند.

دسترسی ناکافی به آخرین فناوری ها، زیرساخت های مخابراتی پیچیده، سواد رایانه ای اندک در کنار پارامترهای متعدد فرهنگی و اقتصادی اجتماعی، تنهابرخی از چالش هایی است که کشورهای در حال توسعه با آنها مواجهند. از طرف دیگر، با سیاستگذاری شفاف و برنامه ریزی دقیق و هدفمند، امکان برداشتن گام هایی در راستای پاسخگویی مؤثر به نیازهای بازار جهانی فراهم می شود.

سیاستگذاران اقتصادی، همواره با پرسش بسیار مهمی روبه رو هستند: اینکه" آیا فرصت های جدیدی که به واسطه استفاده از اقتصاد دیجیتال فراهم می شود، به بهبود شرایط اقتصادی کشورهای در حال توسعه می انجامند یا فاصله موجود بین کشورهای فقیر و غنی را تشدید می کند".

براساس مطالعات گوناگون جهانی سازی و تمام پیامدهای آن از جمله فناوری های ارتباطاتی و اطلاعاتی، امکان کاهش فاصله میان ملت های فقیر و غنی را فراهم می کند. این فناوری ها، گستره عظیمی از انتخاب ها را جهت تغییر مسیر اقتصادی کشورهای در حال توسعه به سمت اقتصاد مبتنی بر اطلاعات با ارزش افزوده بالافراهم می کند.

این چرخش به کشورهای در حال توسعه امکان رقابت با کشورهای توسعه یافته را درسطح جهانی ارائه می کند. برخی کشورهای در حال توسعه با هدف شتاب بخشی به رشد اقتصادی شان به صورت فزایندهای در حال ورود به بخش فناوری اطلاعات هستند. با این حال این استراتژی توسط تمام کشورها قابل استفاده نیست. چراکه این سکه روی دیگری هم دارد: به دلیل مواجه شدن با موانع متعدد،بسیاری از کشورها نمی توانند به نیازهای اقتصاد دیجیتال پاسخ مناسبی دهند.

یکی‌ازمهمترین‌موانع‌توسعه‌فناوری‌های اطلاعاتی در کشورهای در حال توسعه، میزان استفاده عمومی از کامپیوترهاست. تعداد استفاده کنندگان از اینترنت یکی از شاخص ها در این خصوص است. درحالیکه جمعیت دنیا به بیش از ۸ میلیارد نفر رسیده، تنها یک سوم آنها از اینترنت استفاده می کنند.

ازمنظر کشورهای در حال توسعه، این آمار نگران کننده تر است.

در سال ۲۰۱۳ معادل ۷ / ۳۰ درصد از جمعیت کشورهای در حال توسعه از اینترنت استفاده می کردند. (با توجه به اینکه در عصر انقلاب اینترنتی به سر می بریم، این آمار به شدت نگران کننده است). با این حال، بخش خوب ماجرا این است که نرخ رشد تعداداستفاده کنندگان از اینترنت در کشورهای در حال توسعه بسیار بیشتر از کشورهای توسعه یافته است.

این نرخ در کشورهای در حال توسعه ۱۴۵ درصد در برابر ۵۰ درصد کشورهای توسعه یافته است. بنابراین در آینده ای نه چندان دور می توان انتظار جهش کشورهای در حال توسعه را در این شاخص داشت.

صحبت از اقتصاد دیجیتال بدون طرح پرسش هایی در خصوص پهنای اینترنت ممکن نیست. اهمیت این شاخص در این است که اینترنت امکان انتقال سریع داده را که پایه اصلی توسعه فناوری اطلاعات نوین محسوب می شود، فراهم می کند. همانند شاخص پیشین، در این شاخص هم فاصله زیادی میان کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته وجود دارد.

این در حالی است که در این شاخص، سرعت رشدهم ناکافی به نظر میرسد. به همین دلیل، رشد کم سرعت پهنای باند، به عنوان یکی از چالش های اقتصاداطلاعاتی در کشورهای در حال توسعه است.

استفاده از wi-fiراه حل ارزانتر، سریعتر و امن تر دسترسی به اینترنت است که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه پارامتر بسیار مهمی برای توسعه محسوب می شود. با توجه به اهمیت این فناوری در دسترسی هرچه سریع تر به زیرساخت های توسعه در زمینه شبکه های اطلاعاتی و ارتباطی، مشوق های مالیاتی گوناگونی برای ترغیب سرمایه گذاران داخلی و خارجی وضع شده اند.

همکاری های در حال رشد بین بخش های خصوصی و دولتی، در کنار افزایش سرمایه گذاری در تحقیقات و توسعه اینبخش از جمله اقداماتی است که به منظور توسعه این فناوری قابل انجام است.

ارتباطات مخابراتی درکشورهای در حال توسعه از منظر استانداردهای کنونی بین المللی بسیار ضعیف است.در سال ۲۰۱۳ تعداد اشتراک های مربوط به تلفن همراه تقریباً با تعداد ساکنان کره زمین برابر بود (با در نظر داشتن این موضوع که هر فرد می تواند همزمان مشترک چند اپراتور و خدمات دهنده مخابراتی مختلف باشد).

جالب آنکه در کشورهای توسعه یافته تعداد شماره های موبایل از جمعیت این کشورهابیشتر بود(۱۲۸ درصد جمعیت)، در حالی که برای کشورهای درحال توسعه، این نسبت به طور میانگین در حدود ۸۹ درصد جمعیت این کشورها بود.

علاوه بر دسترسی ناکافی به آخرین فناوری ها، سیستم های پیچیده مخابراتی و زیرساخت ها، عوامل انسانی هم در کشورهای در حال توسعه یک محدودیت محسوب می شوند. به طور دقیق تر، سواد رایانه ای اندک در کناردرصد بسیار پایین افرادی که با کسب وکارهای الکترونیک سروکار دارند، یکی از بزرگترین چالش های این کشورهاست. برخی از راهکارهایی که برای حل این گونه معضلات پیشنهاد می شوند، عبارتند از:

*کاهش هزینه های مرتبط با تجهیزات کامپیوتر و دسترسی به اینترنت،

* برگزاری دوره های آموزشی رایگان کار با کامپیوتر برای تمام مردم،

* احداث کلاس های درسی مجهز به رایانه در مدارس،

* آموزش دائمی و به روز کردن پرسنل آموزشی فعال در زمینه فناوری اطلاعات،

* معرفی و برگزاری دوره های تخصصی و پیشرفته در زمینه انفورماتیک در سطح دانشگاهی،

* حفاظت از مصرف کنندگان و تأمین امنیت سایبری ایشان در هنگام استفاده از اینترنت یا سایر خدمات مرتبط با کسب وکارهای الکترونیک.

باید توجه داشت که این پیشنهادها در صورتی نتیجه بخش خواهند بود که با تمرکز بر کودکان و نوجوانان انجام پذیرند. این گروه در واقع گروهی هستند که ساده تر از هر مجموعه دیگری پذیرای تغییرند و همچنین در خصوص استفاده از کامپیوتر دانش ضمنی مناسبی دارند.

امروزه اهمیت تحصیلات تکمیلی و یادگیری و همچنین سرمایه گذاری در دانش مرتبط با حوزه های فناوری اطلاعات و ارتباطات بیش از پیش به اثبات رسیده است. در کنار تمام مشکلات ذکر شده، تأثیرات فرهنگی و سیاسی استفاده از اقتصاد دیجیتالی را نمی توان نادیده گرفت.

در واقع، در حالی که در جوامع دمکراتیک، فناوری اطلاعات و ارتباطات تضمین کننده شفافیت در امور اقتصادی، دسترسی برابر به اطلاعات و رقابت است، در جوامع با آزادی سیاسی کمتر، وضعیت به گونه دیگری است و این خود چالشی جدی و عمیق را در راه کاربست اقتصاد دیجیتال در چنین جوامعی ایجاد می کند.

جمع بندی و پیشنهادها

یکی از مهمترین روندهایی که بر فعالیت های اقتصادی در سطح ملی و بنگاهی آثار بسیاری بر جای گذاشته و انتظار می رود با توجه به ارزش آفرینی بسیار و سهم آن در ارتقای خلق ثروت بنگاهی و ملی توجه سیاستگذاران را بیش از پیش به خود معطوف کند، اقتصاد دیجیتال و حوزه های فناورانه ای است که پیشران توسعه اقتصاد دیجیتال در صنایع مختلف شده است.

به نظر آنچه باید بیش از پیش در مورد اقتصاد دیجیتال مورد توجه قرار گیرد، توجه همزمان به الزامات زیرساختی فناورانه و الزامات قانونی و نهادی در این حوزه است. تجربه کشورهای مختلف هم مؤید این است که بنگاه ها به خودی خود به حرکت به سمت اقتصاد دیجیتال و بهره گیری از پتانسیل های آن تمایل دارند و وظیفه دولت بیشتر معطوف به فراهم ساختن بسترها و مساعد سازی فضای کسب وکار برای فعالیت در این حوزه است.

اگر قید مبتنی بر اقتصاد دیجیتال بودن کسب وکارها را برداریم، با توجه به رتبه کشور در شاخص جهانی سهولت کسب وکار (رتبه ۱۲۴ در سال ۲۰۱۸) که از سوی بانک جهانی منتشر می شود، مشاهده می کنیم که محیط دربرگیرنده کسب وکارها در کشور، چندان محیط توانمند سازی نیست و این امر برای کسب وکارهای جدید یا بازیگران جدید در کسب وکارهای سنتی قاعدتاً بیشتر به چشم خواهد آمد.

باید پذیرفت همانگونه که اقتصاد دیجیتال و تحولات فناورانه، حوزه های مختلف کسب وکار مانند حمل ونقل، خرده فروشی و سلامت را مورد تغییراتی اساسی قرار می دهد و فعالان سنتی کسب وکار بایدبرای مواجهه و تطابق با این تغییرات تمهیداتی را بیاندیشند، سیاستگذاران و نهاد های فعال در توسعه زیرساخت های مورد نیاز (زیرساخت های سخت و نرم) هم باید تفاوت های ماهیتی اقتصاد سنتی و اقتصاددیجیتال را مورد توجه قرار دهند.

تجربه اخیر فعالیت کسب و کار های جدید و همچنین ورود بازیگران جدید مبتنی بر فناوری در کشور هم به خوبی نشان داد که روند توسعه فناوری ها، حوزه های مختلف کسب وکار را تحت تأثیر خود قرار می دهد و بدون اندیشیدن تمهیدات لازم و مناسب ساختن محیط دربرگیرنده کسب وکارها و صنایع مختلف باید انتظار داشت این کسب وکارها با مشکلات جدی مواجه شده و چالش های جدی را متوجه فعالان این کسب وکارها خواهد ساخت.

***منابع و مآخذ در سایت مرکز پژوهش های مجلس موجود است**
تهیه و تدوین کنندگان: ابوالفضل باقری،
محمد موسی زاده موسوی، محمد ادبی فیروزجایی
این مطلب تلخیص شده گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس است

بورس کالا گذرگاه توسعه بخش خصوصی

عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی تهران گفت: در فضایی که در اقتصاد کشور شاهد بزرگ‌تر شدن بخش خصوصی باشیم به طور حتم آسیب‌پذیری در حوزه‌های مختلف کمتر خواهد شد.

به گزارش پایگاه خبری بازارسرمایه (سنا)، عباس آرگون با بیان اینکه بورس کالا یک بستر مناسب برای معرفی و حمایت از کالای ایرانی است، افزود: می‌توان با ارائه بیشتر محصولات در بورس کالا این امکان را به وجود آورد که از تولیدکننده کالای باکیفیت ایرانی، حمایت بیشتر و بهتری صورت گیرد.

عضو هیات نمایندگان اتاق تهران گفت: توسعه کسب‌وکار در هر کشور نیازمند برقراری ارتباط میان تولیدکننده و مصرف‌کننده آن محصول است، یکی از بسترهای اصلی که می‌تواند زمینه ساز برقراری ارتباط فروشنده و خریدار به شکل سالم و با شفافیت و به دور از فساد باشد، بورس کالا است.

آرگون با تاکید بر اینکه بورس کالا به عنوان یکی از ارکان بازار سرمایه می تواند با ایجاد شفافیت و رقابت نقشی مهم در رفع دغدغه‌های فعالان اقتصادی ایفا کند، گفت: با عرضه حداکثری محصولات با کیفیت داخلی در بورس کالا در وهله اول یک ساماندهی و نظم در مبادلات داخلی رقم می خورد؛ همچنین به دلیل شفافیت حاکم در معاملات، امکان نوسانات قیمت کاذب و ایجاد شایعات و اخبار غیر رسمی به وجود نمی آید؛ علاوه بر این، دولت و مسئولان تصمیم گیر نیز می توانند بدون دخالت در روند معاملات به طور مستمر سیگنال های معاملاتی را دریافت کرده و بهترین اقدام را به منظور تنظیم بازار اتخاذ کنند.وی افزود: عرضه محصولات در بورس کالا و کشف واقعی قیمت ها در وهله بعد، امکان رقابت کالاهای ایرانی با محصولات خارجی را مهیا می کند.به گفته عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی تهران، علاوه بر موارد فوق، بورس کالا از جمله بسترهایی است که در تأمین مالی بنگاه ها در حوزه‌هایی مانند محصولات صنعتی، پتروشیمی و کشاورزی مؤثر بوده است و با بهره گیری از ابزارهای مختلف، می توان در شرایط تحریم، به تولیدکنندگان در جذب نقدینگی کمک کند.

وی با تاکید بر اینکه عمده اقتصاد ایران، دولتی است و بخش خصوصی نقشی پررنگ ندارد، افزود: اگر عزم جزم کرده‌ایم که مسیر توسعه را طی کنیم و از مزایای توسعه یافتگی بهره‌مند شویم، چاره‌ای نداریم جز آنکه ضمن حمایت از بخش خصوصی، نقش و وزن آن را در اقتصاد کشور افزایش داده و به سکاندار حوزه اقتصاد تبدیل کنیم.آرگون گفت: همین‌جاست که اهمیت بورس کالا به‌عنوان گذرگاهی مناسب برای تحقق توسعه اقتصادی و عرصه جذب و رقابت آزاد و شفاف فعالان بخش خصوصی آشکار می‌شود.

بازار در یک نگاه



آمار معاملات آخرین روز معاملاتی (سه شنبه ۹۸/۲/۱۰)

مجموع حجم معاملات	۵/۳۱۸ میلیون سهم
مجموع ارزش معاملات	۱۵/۶۹۶/۱۴۱ میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	۳۷۳/۶۷۳ معامله
ارزش بازار	۸/۳۴۴/۶۶۹ میلیارد ریال

ورود ابزار فروش استقراضی به بازار سرمایه

مدیر نظارت بر بورس های سازمان بورس و اوراق بهادار، با تاکید بر اینکه بازار سرمایه باید برای همه شرایط بازار ابزار کارآمد داشته باشد تا سرمایه گذاران از آن منتفع شوند، گفت: به زودی ابزار (Short selling) یا فروش استقراضی در این بازار راه اندازی می شود.

محسن خدابخش به پایگاه خبری بازار سرمایه (سنا) گفت: البته هنوز نام این ابزار در بازار سرمایه کشور نهایی نشده اما هم اکنون به نام فروش استقراضی مصطلح است و می توان نام دیگری بر آن گذاشت البته به طور اجمالی هدف از معرفی آن کسب سود در شرایط رکود و اُفت شاخص‌های بازار است.

وی با بیان اینکه فروش استقراضی خلاف جهت بازار حرکت می‌کند و نیازمند زمان‌بندی دقیق است، افزود: برای به کارگیری از این ابزار باید بتوان کاهش ارزش سهام در آینده را با تقریب بالا پیش بینی کرد یعنی باید اطمینان داشته باشید قیمت سهامی که امروز قصد فروش استقراضی آن را دارید، در آینده اُفت خواهد کرد.

مدیر نظارت بر بورس های سازمان بورس و اوراق بهادار توضیح داد: با فروش استقراضی ، افرادی که پیش بینی بهتر و دقیق تری از آینده بازار دارند، به کمک بازار می آیند و آن را از رکود خارج می کنند به بیان دیگر، فروشنده برای باز شدن یک موقعیت، فروش انجام می‌دهد و منتظر است در آینده آن را به قیمت پایین‌تری خریداری کند و مابه‌التفاوت را به عنوان سود به دست آورد.

خدابخش در ادامه این گفتگو، سهم بازار سرمایه را در تحقق شعار امسال با عنوان "رونق تولید" مهم ارزیابی و تاکید کرد: در شرایط فعلی، یگانه جایی که می تواند حقیقتا اقتصاد را به سمت "مولدمحوری" پیش ببرد و وجوه مازاد را جذب کند، بازار سرمایه است؛ چرا که آنچه در این بازار عرضه می شود، همان سهام شرکت های تولید کننده یک کالا یا خدمت است به بیان دیگر، اقتصاد "مولد محور" بدون بازار سرمایه شکل نمی گیرد.

وی در پایان با تاکید بر اینکه در بازار سرمایه همه چیز به صورت شفاف و در دسترس منتشر می شود، گفت: باید جهت کلی سیاست ها به این سمت باشد که از هرآنچه در جهت شفافیت است، حمایت کنیم تا منابع به سمتی غیر از تولید منحرف نشود.



تاسیس شرکت‌های سهامی عام و صندوق‌های سرمایه گذاری

معاون توسعه و فناوری تامین سرمایه تمدن در باره روش‌های نوین تامین مالی در بازار سرمایه تصریح کرد: در حال حاضر بازار سرمایه دارای ابزارهایی مناسب از ایجاد اوراق بدهی گرفته تا ایجاد شرکت‌های سهامی عام در ابعاد مختلف و ورود آنها در بازار است؛ در این راه، توجه به شبکه توزیع این ابزارها با استفاده از راهکارهای نوین و آنلاین می‌تواند سمت تقاضا و ارتباط مردم با این ابزار را تقویت کند.

امیر سیدی در گفتگو با پایگاه خبری بازار سرمایه ایران (سنا)، گفت: مهمترین اصل مورد نیاز، حمایت از ایجاد نهادهای تخصصی جدید و نهادهای فعلی در استفاده از ابزارهای موجود است؛ همچنین جهت دسترسی به بازار، رویکردی باز در توسعه‌دهندگان فناوری‌های نوین انتظار می‌رود.معاون توسعه و فناوری تامین سرمایه تمدن ادامه داد: باید کاری کنیم تا بخش خصوصی واقعی هم بتواند از تامین مالی در بورس استفاده کند؛ همچنین مدت‌هاست از ظرفیت ایجاد شرکت‌های سهامی عام به روش پذیره‌نویسی استفاده نشده است که خود می‌تواند کمک زیادی به انجام خصوصی‌سازی و هدایت نقدینگی از طریق بازارسرمایه باشد.

کارشناس بازارسرمایه رسیدن دولت به اهداف خصوصی‌سازی را با خروج نهادهایی مانند بانک‌ها و تامین اجتماعی از بنگاه‌داری ممکن دانست و افزود: برای این کار به تاسیس شرکت‌های سهامی عام و صندوق‌های سرمایه‌گذاری تخصصی نیاز داریم.

وی در پاسخ به این پرسش که برای افزایش سوددهی چه راه‌هایی وجود دارد، گفت: باید دید افزایش سوددهی از دید چه کسی مورد نظر است به نظر من از دید سرمایه‌گذار، افزایش سوددهی باید به سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی که در شرایط حاضر با مشکلات کمتری در فروش خود مواجهند توجه داشته باشند.

سیدی اضافه کرد: بر این اساس، باید شرکت‌هایی مورد بررسی قرار بگیرند که مصارف آنها ترجیحا ریالی بوده و مواد اولیه آنها در داخل کشور وجود داشته باشد.

همچنین فروش آنها به طور خرد بوده و با توده مردم سر و کار داشته باشند واحدهایی که به کالای آنها نیاز اساسی وجود داشته باشد و عموم مردم به آن کالا نیازمند باشند (به طوریکه در شرایط رکود به راحتی قابل حذف نباشد) شامل این دسته از شرکت‌ها هستند.

وی تصریح کرد: با توجه به توضیحات بالا، صنایعی که شرکت‌های تولیدکننده شان به ایجاد محصولات تابع قیمت جهانی می‌پردازند با میزان سوددهی بیشتری مواجهند و برای سرمایه‌گذاری مناسبتر هستند.

کارشناس اقتصادی در باره وضع تولید در سال جدید و با توجه به شرایط تحریم بیان کرد: با توجه به نبود واردات به نظر من دو نوع اتفاق در بخش تولید رخ می‌دهد؛ با در نظر گرفتن جهش کنونی ارز، تولیدکنندگانی وجود دارند که دو نوع فروش (داخلی و خارجی) دارند. بر این اساس، شرکت‌هایی که محصولات آنها تحریم است با تخفیف و قیمت پایین، بازار به دنبال محصولات آنها آمده و به این طریق صادراتشان انجام می‌شود. صنایعی مانند محصولات پتروشیمی و فلزات اساسی از این دسته هستند.

معاون توسعه و فناوری تامین سرمایه تمدن در ادامه گفت: اما کسانی که تولیدکننده هستند، در کالاهایی که با قیمت جهانی تغییر می کنند و تعیین قیمت آن محصولات در بازار داخلی بر پایه دلار آزاد است، یعنی کالاهایی که به آنها وابستگی داشته و تولید آنها بر پایه مواد اولیه داخلی است با عملکرد خوبی در سال جاری مواجه خواهند شد؛ زیرا حاشیه سود و جریان وجوه نقد این شرکت‌ها بسیار تقویت می‌شود.

سیدی در ارزیابی از روند بازار سرمایه تصریح کرد: با توجه به کاهش ارزش پولی که داشتیم واردات هم با کاهش مواجه شد این موضوع سبب شد تا فروش محصولات داخلی شرکت‌ها با قیمت بالاتری انجام شود به اعتقاد من در سال جاری بورس چشم‌انداز خوبی خواهد داشت؛ البته در نظر داشته باشید که افزایش نرخ برابری دلار در مقابل ریال نقش مهمی در این روند ایفا می کند، چراکه شرکت های صادرات محور در این شرایط درآمدهای خوبی دارند و متناسب با تورم پیش می روند.

وی در باره ریسک‌های سیاسی بازار سال ۹۸ توضیح داد: به طور قطع، ریسک‌های سیاسی بازار ما با ریسک‌های سیستماتیک کشورمان همراه است؛ به این معنی که چنین ریسک‌هایی همه مسایل از جمله بازارسرمایه را تحت تاثیر قرار می‌دهند.

آخرین تغییرات قیمت سهام دربورس تهران

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
سرمایه‌گذاری‌البرز(هلدینگ)	۱۰۷۸	۳۶۶
سیمان‌سفیدنی‌ریز	۱۹۳۱۳	۱۷۵۵
کشت‌وصنعت‌چین‌چین	۱۸۶۹۶	۱۷۳۷
فنرسازی‌زر	۶۲۴	۵۶
درخشان‌تهران	۲۷۶۰۹	۱۳۱۴
لامیران	۱۷۹۰۴	۸۵۲
صنایع‌کاشی‌وسرامیک‌سینا	۵۴۸۶	۲۶۱
آبسال	۱۴۰۶۳	۶۶۹
لنت‌ترمزایران	۱۵۶۸۴	۷۴۶
کارخانجات‌داروپخش	۱۰۷۷۰	۵۱۲
لوله‌وماشین‌سازی‌ایران	۷۳۶۸	۳۵۰
پشم‌شیشه‌ایران	۸۵۸۰	۴۰۸
سرمایه‌گذاری‌سپه	۲۶۴۲	۱۲۵
سالمین	۱۰۷۰۶	۵۰۹
بانک‌اقتصادنوین	۳۱۵۳	۱۵۰
تولیدمحورخودرو	۴۲۴۹	۲۰۲
پتروشیمی فجر	۱۰۲۵۴	۴۸۸
ایران‌مرینوس	۱۵۴۶۱	۷۳۶
سیمان‌سپاهان	۱۹۰۵	۹۰
مارگارین	۵۲۱۱	۲۴۸
سیمان‌قائن	۱۴۸۱۲	۷۰۵
قندنیشابور	۸۳۴۹	۳۹۷
شیرپاستوریزه‌پگاه‌خراسان	۹۲۷۰	۳۰۱
صنایع‌کاغذسازی‌کاوه	۳۹۷۲	۱۸۹
بانک سینا	۱۳۰۴	۶۲
آسان پرداخت پرشین	۱۳۶۵۱	۶۵۰
گسترش‌صنایع‌وخدمات‌کشاورزی	۷۶۹۰	۳۶۶
کارخانجات تولیدی شهیدقندی	۶۹۳۴	۳۳۰
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌ملی	۱۹۴۶	۹۲
صنایع‌جوشکاب‌یزد	۱۴۳۰۰	-۳۷۰
س.صنایع‌شیمیایی‌ایران	۷۰۱۵	۳۳۴
سیمان‌شرق	۱۷۰۶	۸۱
فرآوری‌موادمعدنی‌ایران	۴۰۲۸۵	۱۹۱۶
سیمان‌دورود	۲۱۵۸	۱۰۲
رینگ‌سازی‌مشهد	۲۶۹۰	۱۲۸
لبنیات‌کالبر	۳۰۸۴	۱۴۶
آلومینیوم‌ایران	۵۶۲۸	۲۶۸
فرآورده‌های‌غذایی‌وقندپیرانشهر	۲۳۰۰۱	۱۰۹۵
کاشی‌وسرامیک‌حافظ	۷۵۵۰	۲۳۰
زامیاد	۱۲۶۲	۶۰
گروه‌بهمن	۱۵۳۹	۷۳
سیمان‌ایلام	۷۷۲۱	۳۶۷
ایران‌یاساتایرورابر	۵۹۳۴	۲۸۲
تجارت الکترونیک پارسیان	۳۰۶۰	۱۴۵
پارس‌سرام	۲۶۳۹۰	۱۲۵۶
پتروشیمی جم	۱۳۸۳۴	۶۵۸
پمپ‌سازی‌ایران	۴۶۵۴	۲۲۱
پارس‌الکتریک	۸۷۸۲	۴۱۸
آلومراد	۸۷۱۹	۴۱۵
حفاری شمال	۳۷۱۹	۱۷۷
پرداخت الکترونیک سامان کیش	۱۰۸۴۱	۵۱۶
سیمان‌شمال	۲۱۳۲	۱۰۱
ملی‌سرب‌وروی‌ایران	۹۴۰۰	۳۲۶
گروه مپنا(سهامی عام)	۶۴۰۶	۳۰۵
صنایع‌خاک‌چینی‌ایران	۱۸۶۵۴	۸۸۸
سایپا	۱۳۶۶	۶۵
نیرومحرکه	۲۷۰۷	۱۲۸
بانک‌پارسیان	۱۷۴۸	۷۳
سرمایه‌گذاری‌سپه	۲۶۴۲	۱۲۵
سیمان کردستان	۱۸۷۸	۸۹
پارس‌دارو	۱۰۰۳۸	۳۵۰
معدنی‌دماوند	۴۷۰۰۰	۱۶۹۶
سرمایه‌گذاری‌سایپا	۱۰۵۵	۵۰
سیمان‌هگمتان	۴۶۶۰	۲۲۱
مهندسی‌نصیرماشین	۳۲۲۲	۱۵۳
سیمان‌صوفیان	۲۴۴۸	۱۱۶
لامپ‌پارس‌شهاب	۱۱۸۸۳	۴۴۶
تولیدی چدن سازان	۶۳۰۱	۱۲۹
فرآورده‌های‌نسوز آذر	۴۲۰۰	۸۳
گروه‌صنعتی‌بوتان	۱۲۶۷۵	۶۰۳
موتورسازان‌تراکتورسازی‌ایران	۴۷۲۱	۲۲۴
گروه دارویی برکت	۲۰۲۰	۷۳
کابل‌البرز	۴۰۹۱	۱۹۴
لعابیران	۴۰۸۰	۹۸
کمک‌فنرایندامین	۱۹۰۳	۴۱
صنعتی‌بهشهر	۴۸۹۰	۵۰
پارس‌مینو	۳۹۱۱	۱۸۶
سرمایه‌گذاری‌غدیر(هلدینگ)	۲۱۳۰	۳۸
سرمایه گذاری ساختمان ایران	۴۹۴۱	۲۳۵
رادیاتورایران	۳۷۵۰	۱۲۴
پارس‌خزر	۲۴۹۰۰	۱۱۸
بیمه دانا	۲۷۵۰	۸۷
سرامیک‌های‌صنعتی‌اردکان	۶۹۰۳	۳۲۸
لیزینگ ایرانیان	۱۷۴۰	۲۱
ایران‌دارو	۲۹۵۲	۱۳۹
تامین سرمایه لوتوس پارسیان	۲۱۳۸	۶۸
لیزینگ رایان‌سایپا	۱۳۶۸	۳۷
سیمان‌سفیدنی‌ریز	۲۱۷۵۰	۲۰۲
کاشی‌الوند	۵۸۲۱	۲۷۷
کارت اعتباری ایران کیش	۳۱۱۵	۱۴۸
سرمایه‌گذاری‌بوعلی	۱۹۵۷	۲۴
تراکتورسازی‌ایران	۵۶۵۰	۲۰۰
صنایع آذرآب	۳۲۷۰	۷۷
حمل ونقل بین المللی خلیج فارس	۲۲۵۰	۷۱
صنایع‌ریخته‌گری‌ایران	۱۱۷۶	۴۰
سیمان‌داراب	۲۲۸۰	۸
تامین‌ماسه‌ریخته‌گری	۹۳۳۱	۲۲
حمل ونقل پتروشیمی(سهامی عام)	۴۱۲۳	۱۳۵
سپنتا	۵۱۹۰۵	۲۴۷۱
معادن‌منگنزایران	۱۰۳۰۰	۴۵
شیرپاستوریزه‌پگاه‌اصفهان	۱۸۱۳۱	۸۶۳
گسترش‌سرمایه‌گذاری‌ایران‌خودرو	۳۹۹۷	۶۲
سیمان‌شاهرود	۲۳۲۵	۳۲
ایران‌خودرو	۴۵۳۳	۱۴۴
بورس کالای ایران	۱۴۵۵۰	-۳۲۷
لیزینگ‌ایران	۱۱۴۹	-۱۰
فولادخراسان	۱۰۸۴۲	۵۱۶
فولادآلیاژی ایران	۳۷۳۲	۱۷۷
قطعات‌اتومبیل‌ایران	۱۸۶۰	۵۴
سرمایه‌گذاری صنعت‌نفت	۴۹۸۰	۸۳
سیمان‌هرمزگان	۹۴۴۰	۸۷
آهنگری‌تراکتورسازی‌ایران	۴۸۸۰	۱۵۹

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
نوردآلومینیوم	۳۷۵۶	۴۸
خدمات‌انفورماتیک	۱۳۷۹۰	۲۸۳
سرمایه‌گذاری‌صنعت‌بیمه	۴۵۲۰	۲۴
سرمایه گذاری صدرتامین	۲۳۱۰	۱۱۰
صنایع پتروشیمی کرمانشاه	۷۹۳۰	۱۵۰
گروه دارویی سبحان	۳۹۴۵	۱۷
سرمایه گذاری توسعه صنایع سیمان	۱۹۵۰	-۳
تامین سرمایه نوین	۲۷۰۰	۲۹
سازه‌پویش	۲۵۳۰۰	۱۱۰۸
نوردوقطعات‌فولادی	۱۰۷۴۶	۵۱۱
کارت اعتباری ایران کیش	۱۸۰۰	۸۲
گروه‌صنعتی‌بارز	۵۶۰۰	۳۰
نیروکلر	۱۰۵۶۰	۱۰۸
فولادمبارکه اصفهان	۴۳۲۹	۵۰
معدنی‌املاح‌ایران	۳۸۹۶۰	۱۵۳۴
مس‌شهیدباهنر	۸۳۵۱	۱۶
سرمایه گذاری گروه توسعه ملی	۳۷۷۰	۱۴۱
فولادامیرکبیرکاشان	۱۲۳۲۹	۵۸۴
گسترش‌سرمایه‌گذاری‌ایران‌خودرو	۲۷۲۳	-۲۴
کارتن‌ایران	۱۶۱۰۰	-۱۳۶
پتروشیمی‌خارک	۴۷۶۹۰	۶۰۵
سرمایه گذاری دارویی تامین	۸۶۶۰	-۷۶
ذغال‌سنگ‌نگین‌طبس	۱۰۳۶۰	۴۴۵
شهد	۱۴۵۹۹	-۳۰۳
لیزینگ‌صنعت‌ومعدن	۱۵۲۸	-۲۸
سرمایه‌گذاری‌صنعت‌ومعدن	۱۷۲۰	۴۳
قنداصفهان	۲۰۳۹۸	-۱۶۴
دارویی‌لقمان	۲۹۳۲	-۲۵
سیمان آرتااردبیل	۱۱۹۰۰	۴۶۳
پتروشیمی پارس	۴۰۷۰۰	۴۸۴
سرمایه گذاری صندوق بازنشستگی	۲۷۷۱	۳۲
ملی‌صنایع‌مس‌ایران	۴۱۸۰	۱۳
سیمان‌خزر	۳۷۸۹	۴۵
افست	۶۱۹۱	۱۱۲
البرزدارو	۶۶۶۰	-۵۵
ماشین‌سازی‌نیرومحرکه	۲۹۸۰	۶۷
بین‌المللی‌محصولات‌پارس	۵۵۱۱	۱۷
کشت‌وصنعت‌پیاذر	۶۷۰۰	-۱۱۱
فولادخوزستان	۹۴۹۹	۱۲۶
لبنیات‌پاک	۲۱۹۰	۵۵
گروه پتروشیمی س.ایرانیان	۱۹۴۵	-۴
صنایع پتروشیمی خلیج فارس	۵۰۰۹	-۳۱
پارس‌خودرو	۱۱۰۹	-۱
قندثابت‌خراسان	۶۲۹۵	۳۶
سیمان‌اصفهان	۱۱۹۹۶	۵۵
توسعه‌صنایع‌بهشهر(هلدینگ)	۲۸۱۹	۱۷
سرمایه گذاری اعتبارایران	۳۶۹۰	۱۷۵
پست بانک ایران	۲۱۳۰	-۲۲
سرماآفرین	۳۹۰۰	-۹۹
تامین سرمایه نوین	۲۶۹۰	۱۹
پتروشیمی مبین	۹۶۶۴	-۲۳
ایران‌تایر	۹۲۶۰	-۲۰۴
گروه مدیریت سرمایه گذاری امید	۵۲۳۰	۱۲
مهرکام‌پارس	۱۲۴۶	-۲۰
شیشه‌همدان	۴۶۹۰	۳۸
داروپخش(هلدینگ)	۱۸۹۳۰	-۸۶
س.نفت وگازوپتروشیمی تأمین	۲۵۵۰	-۲۰
سرمایه گذاری پارس‌توشه	۴۴۵۵	-۱۷۲
تایدواترخاورمیانه	۴۴۶۸	۶
سایپاآذین	۲۳۵۰	۲۰
فولادکاوه جنوب کیش	۴۳۸۶	-۵
سرمایه‌گذاری‌رنا(هلدینگ)	۱۰۴۸	۱۹
سرمایه گذاری نورکوثرایرانیان	۱۲۵۶	-۱۰
داروسازی‌روزدارو	۴۰۶۰	۴۱
معدنی‌وصنعتی‌چادرملو	۵۲۷۰	۳۷
پالایش نفت تهران	۷۶۵۳	-۸۱
داروسازی‌اکسیر	۱۳۲۰۰	۱۸۴
کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران	۵۵۴۹	۱۱۷
پاکسان	۹۰۰۰	-۷۷
ایرکاپارت صنعت	۲۰۰۷	۸
پالایش نفت تبریز	۲۰۹۳۱	-۵۲۲
بانک تجارت	۴۰۹	۰
بانک‌کارآفرین	۱۸۵۱	۱۰
سیمان فارس نو	۶۵۰۰	-۵۷
پتروشیمی خراسان	۱۵۸۱۰	-۱۰۸
توسعه‌شهری‌توس‌گستر	۱۹۲۲	-۳۲
همکاران سیستم	۵۴۴۵	۵۰
داروسازی‌فارابی	۱۰۸۴۰	-۹۰
بیسکویت‌گرجی	۷۱۴۰	-۲۸
توسعه‌شهری‌توس‌گستر	۶۶۶	-۱۰
توسعه‌معادن‌وفلزات	۲۷۶۶	-۲۱
شرکت ارتباطات سیارایران	۲۰۷۰۰	۲۱۶
تامین سرمایه امید	۱۶۰۹	۳
پتروشیمی شازند	۶۸۹۲	-۷
معدنی وصنعتی گلگهر	۵۲۱۴	۳۵
الکتریک‌خودروشرق	۲۳۵۰	۱۳
کارخانجات‌تولیدی‌شیشه‌رازی	۴۱۲۰	-۵۶
گروه‌صنعتی‌ملی(هلدینگ)	۱۶۴۲۲	۷۸۲
کارگزاران بورس کالای ایران	۱۵۶۲۰	۷۴۳
بانک صادرات ایران	۴۵۲	-۱
سیمان‌فارس	۱۲۲۹۱	۵۸۵
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌آذربایجان	۶۱۴۵	۱۴۴
تولیدکنندگان بورس کالای ایران	۱۴۱۳۴	-۷۴۳
بیمه ما	۲۱۹۲	-۳۱
سیمان‌خزر	۲۱۶۰	۷
سرمایه‌گذاری‌بهمن	۱۵۶۶	۳۵
سرمایه‌گذاری‌ملی‌ایران	۳۲۵۰	۱۱
گلوکوزان	۱۹۰۰۰	-۳۴۶
صنایع سیمان دشتستان	۲۸۱۹	۲۰
گروه‌صنایع‌بهشهرایران	۱۸۴۶	۳
بانک خاورمیانه	۳۶۷۶	-۸
داروسازی‌اسوه	۷۸۰۰	-۱۴۸
داروسازی‌ابوریحان	۱۰۴۲۰	-۲۷۹
داروسازی‌سینا	۱۳۶۰۰	-۲۱۴
سیمان‌ارومیه	۴۲۵۰	-۳۵
گروه صنعتی پاکشو	۳۴۰۰۰	-۹۶۳
تولیدی‌مهرام	۲۲۸۹۳	۳۲۸
سیمان‌تهران	۸۵۳۱	-۴۴۹
سرمایه‌گذاری آتیه‌دماوند	۲۴۴۰	-۵۵
داده گسترعصرنوین-هایوب	۶۰۲۰	-۷۹
بانک پاسارگاد	۱۳۸۹	-۲۵
به پرداخت ملت	۱۴۶۰۰	-۳۶۱

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
معدنی‌وصنعتی‌چادرملو	۳۲۳۶	-۷
مخابرات ایران	۲۶۲۱	-۵
کالسیمین	۱۰۲۲۱	-۱۷
پتروشیمی‌شیراز	۸۳۰۰	-۱۲۱
سرمایه‌گذاری‌شاهد	۱۲۶۲	-۱۵
محورسازان‌ایران‌خودرو	۱۷۸۰	-۵۴
معدنی وصنعتی گلگهر	۷۳۶۱	-۱۰۵
بیمه البرز	۱۳۴۲	-۳۰
پتروشیمی پردیس	۱۶۸۱۳	-۹۱
نیروترانس	۷۸۴۰	۲۹۹
صنعتی‌آما	۴۶۵۰	-۷۸
سیمان‌خاش	۱۴۳۰۱	-۳۲۹
فروشگاه های زنجیره ای افق کوروش	۳۴۲۹۹	-۷۲۴
توسعه‌معادن‌وفلزات	۴۲۶۸	-۱۰۹
سرمایه‌گذاری‌توکافولاد(هلدینگ)	۲۳۲۲	-۲۷
پتروشیمی فناوران	۵۷۰۰۰	۲۸۴
ریخته‌گری‌تراکتورسازی‌ایران	۶۱۴۹	-۱۶۵
ایران‌ارقام	۴۰۰۰	-۸۷
توسعه‌معادن‌روی‌ایران	۵۵۰۰	-۱
بیمه پارسیان	۱۸۲۰	۲۵
داروسازی‌امین	۴۵۰۹	-۲۹
داروسازی‌زهراوی	۳۱۸۶	-۴۳
کارخانجات‌قندقزوین	۱۱۴۴۵	-۸۵
داروسازی‌سینا	۱۱۰۰۱	-۳
سیمان‌بجنورد	۸۰۵۰	-۲۵۶
بانک ملت	۳۲۷۰	-۷۳
سرمایه گذاری خوارزمی	۱۱۱۸	-۲۲
فروسیلیس‌ایران	۸۸۲۹	-۲۳۹
سرمایه گذاری پردیس	۱۳۹۳	-۱۹
فیبرایران	۱۷۶۹	-۱۵
پالایش نفت اصفهان	۱۱۰۹۰	-۲۳۶
سیمان‌غرب	۴۷۷۳	-۷۹
فنرسازی‌خاور	۹۷۰۰	۸
پاما	۱۲۸۱۰	-۳۰۲
فرآورده‌های‌تزریقی‌ایران	۱۰۴۱۵	-۵۴۸
تکنوتار	۳۲۰۰	-۶۷
فنرسازی‌زر	۱۴۴۰	-۷
موتوژن	۱۲۷۶۰	-۶۶۵
گسترش نفت وگازپارسیان	۴۷۹۵	-۶۱
نوسازی‌وساختمان‌تهران	۱۰۲۸	-۲۳
سرمایه‌گذاری‌البرز(هلدینگ)	۲۴۸۰	-۶
گلتاش	۸۳۶۰	-۲۲۶
جام‌دارو	۸۶۹۰	-۳۱
فراورده‌های‌نسوزایران	۱۴۹۴۸	-۱۰۲
مدیریت صنعت شوینده ت.ص.بهشهر	۸۹۰۰	-۸۵
پتروشیمی‌آبادان	۱۳۷۰	-۴۳
چرخشگر	۱۹۴۸	-۴۰
بیمه ملت	۳۱۹۷	-۸۰
سرمایه‌گذاری‌نیرو	۱۳۰۵	-۳۹
سیمان‌کرمان	۳۹۱۰	-۱۶۵
شیمی‌داروئی‌داروپخش	۵۲۹۵	-۹۷
شکرشاهرود	۵۰۹۰	۲۰۲
بهنوش‌ایران	۸۱۰۰	۱۸
داروسازی زاگرس فارمدپارس	۲۸۸۰	-۳۹
داروسازی‌جابرابن‌حیان	۵۳۱۱	-۱۴۴
دوده‌صنعتی‌پارس	۵۲۴۰	-۱۸۰
سبحان دارو	۵۵۱۴	-۱۸۸
پگاه‌آذربایجان‌غربی	۳۳۰۱	-۱۴۷
معادن‌بافق	۳۶۹۸۹	-۶۲۵
پلاسکوکار	۱۴۲۳	-۷۴
بیمه آسیا	۲۰۰۰	-۶۱
لیزینگ‌خودروغدیر	۱۵۶۹	-۳۷
کنترل‌خوردگی‌تکین‌کو	۹۴۳۱	-۱۴۳
ماشین‌سازی‌اراک	۱۵۸۰	-۷۲
پالایش نفت بندرعباس	۱۵۸۰۰	-۴۹۱
بین‌المللی‌توسعه‌ساختمان	۱۳۰۰	-۱۷
سیمان‌مازندران	۲۶۹۳	-۳۵
لابراتوارداروسازی‌دکترعبیدی	۳۳۹۰۰	-۱۶۸۴
سیمان‌بهبهان	۳۹۶۵۶	-۱۷۵۵
سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی	۳۰۰۰	-۱۱۶
داده‌پردازی‌ایران	۳۸۷۰	-۶۴
شهدایران	۷۵۸۴	-۱۹۴
واسپاری ملت	۱۴۲۳	-۴۵
سیمان‌غرب	۳۰۱۲	-۵۷
صنایع‌شیمیایی‌فارس	۳۹۱۰	-۱۷۳
سیمان خوزستان	۷۰۰۱	-۳۲۷
عمران‌وتوسعه‌فارس	۲۱۸۰	-۱۱۴
حمل‌ونقل‌توکا	۲۹۹۰	-۵۶
پارس‌سویچ	۸۴۱۳	-۴۴۲
سایپاشیشه	۲۷۵۲	-۱۱۷
صنایع‌لاستیکی‌سهند	۵۰۷۸	-۱۷۱
قندلرستان	۶۶۲۰	-۳۴۸
سرمایه گذاری شفادارو	۵۸۰۰	-۱۴۶
تولیدمواداولیه‌داروپخش	۷۲۵۱	-۲۴۰
دارویی‌رازک	۱۲۹۸۷	-۴۳۰
کشاورزی‌ودامپروری‌مگسال	۵۴۰۰	-۲۲۹
توسعه معدنی وصنعتی صبانور	۶۴۷۹	-۱۳۰
صنایع‌شیمیایی‌سینا	۲۵۴۶۵	-۱۰۶۰
ملی کشت وصنعت ودامپروری پارس	۱۰۲۰۰	-۳۶۳
گروه توسعه صنعتی ایران	۲۱۸۰	-۱۱۱
کیمیدارو	۵۳۱۳	-۲۶۱
سیمان فارس نو	۹۱۷۱	-۴۳۳
قندهگمتان	۱۸۱۰۰	-۸۲۳
ایران‌ترانسفو	۶۵۳۹	-۲۸۱
گروه‌صنعتی‌سپاهان	۸۹۶۸	-۴۷۲
کویرتایر	۶۳۳۵	-۳۳۳
توریستی ورفاهی آبادگران ایران	۲۶۶۰	-۱۲۹
کنترل‌خوردگی‌تکین‌کو	۶۳۸۰	-۲۷۰
کربن‌ایران	۱۹۰۰۰	-۹۸۵
تولیدی‌کاشی‌تکسرام	۳۸۷۵	-۱۸۵
سرمایه گذاری مسکن شمال شرق	۱۲۷۰	-۶۶
سرمایه‌گذاری‌مسکن	۱۳۱۱	-۶۹
کمباین‌سازی‌ایران	۱۳۹۲	-۷۳
خوراک‌دام‌پارس	۲۴۸۶۹	-۱۳۰۸
شیشه‌وگاز	۵۹۳۴	-۳۱۲
قندمرودشت	۸۸۱۱	-۴۶۲
داروسازی‌کوثر	۳۲۱۶	-۱۶۹
فرآورده‌های‌نسوزپارس	۷۹۹۴	-۴۲۰
کاشی‌سعدی	۵۸۱۹	-۳۰۶
دشت‌مرغاب	۴۸۳۶۸	-۲۵۴۵
سرمایه‌گذاری‌شاهد	۳۱۹	-۲۷

رئیس جدید دادگستری بافق منصوب شد

بافق ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس جدید دادگستری و دادستان بافق در آیینی با حضور مسئولان قضایی استان و مدیران محلی معرفی شدند.

رئیس کل دادگستری استان یزد دراین آیین، بافق را شهرستان معدنی دانست که درسطح کشور مطرح است.

وی با تبریک فرا رسیدن روز کارگر افزود: قشر زحمتکش کارگر بداند تلاش آنها در سال رونق تولید بر هیچکس پوشیده نیست و دستگاه قضا خواسته‌های قانونی آنها را پیگیری خواهدکرد. محمدرضا حبیبی با بیان اینکه مشکل خاص و امنیتی در بافق و استان یزد نداریم افزود: البته به ندرت برخی مفاسد مالی رخ می‌دهد که با قاطعیت برخوردمی شود.

وی همچنین بیان کرد: دشمن به دنبال نا امنی کشور است تا بیشتر بتواند در این فضای نا امن به غارت و چپاول بپردازد.

رئیس کل دادگستری استان یزد با بیان اینکه امروز مردم مقوله امنیت را از دستگاه‌های اجرایی، قضایی و انتظامی انتظار دارند افزود: توسعه علمی، فکری، اقتصادی، هنری و اجتماعی جامعه نیازمند تامین امنیت است.

وی اضافه کرد: در جنگ اقتصادی، کارگر، کارآفرینان و تولیدکنندگان هستند که درنوک پیکان تلاش قرار دارند و رو سیاهی را برای دشمنان بر جا می گذراند.

او اضافه کرد: دشمن هم دقیقا به این موضوع متمرکز است و قصد دارد نظم و امنیت کشور را بر هم زند تا بیشتر ثروت کشورهای جهان سوم را چپاول کند.

حبیبی با اشاره به اینکه بافق درکنار معدنی و صنعتی و تلاش خود ضربه سنگینی برپیکر بدخواهان نظام وارد می کند خاطر نشان کرد: این شهر مهد مشاهیر ارزشمندی همچون شیخ محمد تقی بافقی است که از خصوصیات بارز این مرد بزرگ اصرار براجرای فریضه امربه معروف و نهی از منکر است.

فرماندار بافق هم در این آیین با بیان اینکه نزدیک ۱۵ هزار کارگر در ۲۵۰ معدن و کارگاه مشغول به کار هستند افزود: بیش از ۵۰ درصد معادن فلات مرکزی ایران در شهرستان بافق واقع شده است.

محمدزاده رحمانی گفت: ایجاد صنایع تک و جلوگیری از مهاجرت از جمله برنامه‌های آتی شهرستان بافق است.

وی اضافه کرد: یک سری معادن در بافق وجود دارد که فقط دردسر آن برای این شهرستان است و حتی از حقوق اولیه کارگر خودداری می کنند که لازم است دستگاه قضا در این بحث ورود کند.

فرماندار بافق همچنین شمار زندانیان بافقی در شهرهای مختلف کشور را ۵۷ نفر برشمرد و با بیان اینکه انجمن حمایت از زندانیان را رونق می‌دهیم افزود: اگر یک زندان در زمینی که به همین منظور اختصاص یافته ساخته شود این زندانیان می‌توانند در زندان، باز هم نان‌آور خانواده‌های خود باشند.

زاده رحمانی با اشاره به اینکه پلیس راه تخصصی آماده افتتاح است گفت: آمادگی کمک به پزشکی قانونی و افزودن یک نیروی خانم را به این مرکز داریم. در پایان این آیین با قرائت حکم رئیس قوه قضائیه ضمن قدردانی از دادستان و رئیس پیشین دادگستری بافق، محمد سجاد اعتباری و چمران بهارلویی به ترتیب به سمت رئیس جدید دادگستری و دادستان این شهرستان منصوب و مشغول به کار شدند.

انتصاب سرپرست اداره کل آموزش و پرورش سیستان و بلوچستان

زاهدان ـ خبرنگار اطلاعات : غلامرضا باقری با حکم وزیر آموزش و پرورش به عنوان سرپرست اداره کل آموزش و پرورش سیستان و بلوچستان منصوب شد.

سید محمد بطحایی وزیر آموزش و پرورش در حکمی غلامرضا باقری رئیس حراست اداره کل آموزش و پرورش سیستان و بلوچستان را با حفظ سمت به عنوان سرپرست این اداره کل منصوب کرد.

در حکم وزیر آموزش و پرورش خطاب به باقری آمده است: نظر به مراتب تعهد، شایستگی و تجربیات جناب عالی، بدین وسیله با حفظ سمت به عنوان «سرپرست اداره کل آموزش و پرورش استان سیستان و بلوچستان» منصوب می‌شوید.

امید است با توکل به خداوند متعال و پیروی از منویات رهبر معظم انقلاب به ویژه تلاش برای تسریع در اجرای بیانیه گام دوم انقلاب و رهنمودهای رئیس‌جمهوری و همچنین برنامه‌های ارائه شده اینجانب به مجلس شورای اسلامی و با مشارکت و همفکری همکاران و نخبگان، اهداف عالی نظام جمهوری اسلامی و برنامه‌های دولت تدبیر و امید محقق شود.

ضرورت شکل گیری مرکز سنجش، پایش و رصد داده‌های مدیریتی منابع آب در استان‌ها

ساری ـ خبرنگار اطلاعات: مرکز سنجش، پایش و رصد داده‌های مدیریتی منابع آب در استان‌ها باید شکل بگیرد.

مدیرکل دفتر فناوری اطلاعات و توسعه مدیریت منابع آب کشور در جمع مدیران آب منطقه‌ای مازندران با اعلام این خبر افزود: باید با بهره گیری از زیرساخت‌های مناسب فناوری بتوانیم اطلاعات و داده‌هایمان را مستند و به موقع ارائه دهیم.

مهدوی فر بهره گیری از دانش GIS را در ثبت ارائه داده‌ها ضروری برشمرد و گفت: امروز نمی‌توان بدون برخورداری از اطلاعات مکان محور تحلیل مناسبی از رویدادها و اتفاقات مهم بخش آب کشور ارائه داد.

وی با بیان اینکه در مقوله سیل مجموعه آب کشور تلاش مضاعفی انجام داده و صنعت آب آن را بخشی از مأموریت‌های ذاتی خود می‌داند تاکید کرد: باید داده‌هایمان را با دقت بیان بکنیم و از بیان واقعیت نگران نباشیم.

مدیرکل دفتر فناوری اطلاعات، توسعه مدیریت و تحول اداری آب کشور با تاکید بر اهمیت نیروی انسانی در سازمان‌های خدمات رسان گفت: چیزی که برای ما مهم است سهیم کردن تک تک کارکنان در مأموریت‌های محوله در بخش آب است که نقش هر یک باید مشخص و معین شود.



مهدوی فر گفت: در تجارب ۲۱ ساله خود که در بخش‌های مختلف کار کردم هیچ مدیری را موفق ندیدم مگر اینکه حوزه برنامه ریزی آن قوی باشد، بخش نظارتی آن خوب عمل کرده باشد و از دو ابزار مناسب یعنی فناوری اطلاعات و بخش آگاهی بخشی و اطلاع رسانی مناسب استفاده کرده باشد. لذا انتظار داریم شرکت‌ها به این بخش توجه جدی داشته باشند.

وی در پایان با تشریح نظام مدیریتی کشور در دهه‌های مختلف انقلاب گفت: در بخش آب حتما باید از نظام حرفه‌ای مدیران که از طریق ارزیابی نظام مدیریتی مدیران انتخاب، به کارگیری و عملکرد آن‌ها ارزیابی می‌شود بهره بگیریم و مدیران ما نیز باید مستند سازی و ارتقای فرهنگ سازمانی را که بخشی از تکالیف مدیریتی خود دانسته وآنرا توسعه و ارتقا بخشند.

در این جلسه مدیران آب منطقه‌ای ضمن ارائه گزارشی از اقدامات خود در حوزه فناوری و توسعه مدیریت و همچنین اقدامات انجام شده در حوزه مدیریت سیلاب پیشنهادهایی را ارائه دادند.

ورزشکاران همدان ۷۸ مدال در مسابقات بین‌المللی کسب کردند

همدان ـ خبرنگاراطلاعات: مدیرکل ورزش و جوانان استان همدان گفت: ۱۰۱ تیم از همدان در لیگ‌های حرفه‌ای حضور دارند.

محسن جهانشیر در گردهمایی دبیران سازمان‌های مردم‌نهاد جوانان و هیأت‌های ورزشی با وزیر ورزش و جوانان اظهار کرد: سرانه ورزشی هر شهروند همدانی قبل از انقلاب ۶/۸۱ سانتیمتر بود که پس از پیروزی انقلاب این شاخص به ۷۲سانتیمتر رسیده است و تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام ورزشی تا پایان دولت دوازدهم در دستور کار قرار دارد.

وی افزود: همکاری همه دستگاه‌ها و دست‌اندرکاران برای تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام ورزشی برای استفاده جوانان لازم است و راه برون‌رفت کشور از شرایط سخت امروز، توجه بیشتر به جوانان و برون‌سپاری امور دولتی به سمن‌هاست.

مدیرکل ورزش و جوانان استان همدان تأکید کرد: در حال حاضر ۱۰۷ سازمان مردم نهاد مجوزدار در استان همدان فعالیت می‌کنند.

وی ادامه داد: توجه ویژه‌ای به حوزه کارآفرینی و اشتغالزایی شده و سال گذشته ۲۳ فقره تسهیلات اشتغالزایی به مبلغ ۲۱ میلیارد ریال پرداخت شده است.

جهانشیر از برگزاری ۱۲۳ کارگاه آموزش مهارت‌های زندگی قبل و بعد از ازدواج خبر داد و افزود: ورزش بانوان در همدان از ظرفیت بسیار بالایی برخوردار است و نمونه آن کسب ۱۲ مدال ارزشمند در بازی‌های آسیایی و پاراآسیایی جاکارتا توسط بانوان همدانی است.

وی اعلام کرد: ورزشکاران همدانی موفق شدند سال گذشته در مسابقات بین‌المللی ۷۸ مدال کسب کنند و ۱۲۶ نفر نیز به عضویت تیم‌های ملی ورزشی درآمدند.

مدیرکل ورزش و جوانان استان همدان با بیان اینکه ۸۶ هزار و ۲۵۰ نفر از ورزشکاران در استان همدان بیمه شده اند، ادامه داد: در حال حاضر ۴۷ هیأت ورزشی استانی و ۳۲۹ هیأت ورزشی شهرستانی در استان همدان مشغول فعالیت‌هستند.

زمینه‌سازی برای جذب سرمایه گذاران در آذربایجان غربی

ارومیه ـ خبرنگار اطلاعات: استاندار آذربایجان غربی در جلسه شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی استان گفت: زمینه‌سازی برای جذب سرمایه‌گذاری از مهم‌ترین برنامه‌های اقتصادی استان است.

محمدمهدی شهریاری افزود: دستگاه‌های اجرایی باید زمینه را برای حضور و فعالیت سرمایه‌گذاران و فعالین اقتصادی در استان فراهم کنند. وی افزود: سرمایه‌گذاران فعال در این استان که نیاز به کارت بازرگانی دارند باید حمایت شوند.

او همچنین از بانک‌های عامل خواست از اصناف و واحدهای صنفی با پرداخت تسهیلات در راستای رونق تولید حمایت کنند. ضرورت ساماندهی و انتقال صنوف آلاینده به خارج از شهرها بویژه در ارومیه از دیگر موارد مورد تاکید استاندار آذربایجان غربی در این جلسه بود.

استاندار آذربایجان غربی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به نقش موثر بخش خصوصی در بازسازی مناطق سیل‌زده اعلام کرد: براساس آمارها بین ۳۵ تا ۴۰ هزار میلیارد تومان به مناطق سیل‌زده کشور خسارت وارد شده که بازسازی این مناطق و عادی شدن شرایط زندگی سیل‌زدگان، علاوه بر اقدامات دولت، نیازمند مشارکت مردم و بخش خصوصی است.

شهریاری اظهار داشت: آذربایجان غربی جزو استان‌های پیشتاز در کمک رسانی به سیل زدگان بوده و تاکنون ۱۶۰ کامیون حامل کمک‌های امدادی از این استان به مناطق سیل زده اعزام شده است.

وی اضافه کرد: ۷۰۰ میلیون تومان کمک نقدی هم با حمایت آموزش و پرورش استان جمع آوری شده که در اختیار مناطق سیل‌زده قرار خواهد گرفت.

شهریاری گفت: ادارات دولتی نیز در استان اقدام به جمع‌آوری کمک برای مناطق سیل‌زده می‌کنند که لازم است این کمک‌ها تجمیع و صرف تامین نیازهای اصلی سیل‌زدگان شود.

رئیس اتاق بازرگانی ارومیه نیز در این جلسه گفت: یکی از مهمترین مسائلی که در استان باید پیگیری شود برطرف شدن ممنوعیت صادرات سیمان از آذربایجان غربی به کشور عراق است. حسن انتظار ادامه داد: باتوجه به اینکه آذربایجان غربی بیشترین صادرات سیمان را به عراق داشته حل و فصل این مشکل ضروری است.

وی درادامه عدم توانایی ثبت‌سفارش توسط دارندگان کارت بازرگانی در آذربایجان غربی را از دیگر مشکلات این استان اعلام کرد و اظهار داشت: صادرکنندگان محصول خود را صادر می‌کنند ولی قادر به ثبت سفارش نیستند و حل این مشکل نیز توجه جدی مسئولان را می‌طلبد.

در نخستین جلسه شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی استان آذربایجان غربی، ضرورت اجرایی شدن تبصره ۷ ماده ۷۲ قانون نظام صنفی نیز مطرح و با دستور استاندار آذربایجان غربی مقرر شد اجرای این تبصره قانونی توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان پیگیری شود.

تأکید استاندار آذربایجان شرقی بر تعیین تکلیف سریع کالاهای انبار شده قاچاق

تبریز ـ خبرنگاراطلاعات: استاندار آذربایجان شرقی پدیده قاچاق را معضلی کشوری عنوان کرد و گفت: کالاهای قاچاق کشف و دپو شده استان ۲/۵برابر کالای فروش رفته است و باید هر چه سریعتر نسبت به تعیین تکلیف این کالاها اقدام شود.

محمدرضا پورمحمدی در جلسه برنامه ریزی و هماهنگی مبارزه با قاچاق کالای استان گفت: با توجه به اینکه کالاهای باارزش و برخی فاسد شدنی جزو کالاهای دپو شده است، باید تدبیری برای آنها اندیشیده شود.

وی با بیان اینکه در کنار فروش کالاهای ضبط شده باید قاچاق کالا هم گرفته شود، اظهار داشت: اگر کالای قاچاق به موقع تعیین تکلیف می‌شد، این قدر مشکل نگهداری آن‌ها را نداشتیم.

استاندار آذربایجان شرقی تاکید کرد: برخی کالاها از جمله پوشک بچه و کالاهای زود فاسد شدنی باید با نظارت اداره کل استاندارد در مدت یک ماه تعیین تکلیف شود تا هم در انبارها دپو نشود و هم نیازهای مردم را برطرف کند. وی در مورد افزایش انبارها با بیان اینکه ساخت انبارهای جدید زمان بر و هزینه بر است، گفت: ابتدا تدبیری برای کم کردن کالای قاچاق اندیشیده شود و بعد با منطقه آزاد برای استفاده از انبارهای منطقه تفاهمنامه‌ای به امضاء برسد.

وی با بیان اینکه بخشی از مقوله کالای قاچاق به کمبود آن در بازار و تقاضای زیاد برای خرید بازمی گردد، اظهار داشت: اگر جلو ورود قانونی کالا گرفته شود، پدیده قاچاق به وجود می‌آید که لازم است منطقه آزاد مجوز ورود کالای همراه مسافر را صادر کند تا کمبود بازار نیز رفع شود.

مدیر اموال تملیکی آذربایجان شرقی نیز کل فروش اموال تملیکی در سال گذشته را ۹۳ میلیارد و ۶۴۰ میلیون ریال اعلام کرد و گفت: فروش اموال مکشوفه استان در ۲سال قبل ۴۰ میلیارد و ۴۵۷ میلیون ریال بود.

حسن استوارآذر کل فروش اموال منقول در سال گذشته را ۷۰ میلیارد و ۸۷۷ میلیون ریال اعلام کرد و اظهار داشت: این میزان در سال ۱۳۹۶ سی میلیارد و ۸۵۷ میلیون ریال بود.

وی با بیان اینکه بزودی مزایده‌ای برای فروش اموال برگزار خواهیم کرد، افزود: اسفند ماه سال گذشته ۴۵ خودرو به فروش رفت و امسال نیز ۱۴ خودرو به فروش می‌رسد.

استوار آذر از انهدام ۶ مرحله کالاهای فاسد و مغایر با موازین بهداشتی و استاندارد در سال گذشته خبر داد و گفت: یک هزار و ۲۹۴ ردیف کالا به ارزش ۲۲۸ میلیارد ریال منهدم شد.

تجلیل از ۱۱۰ ورزشکار برتر و جوان منتخب استان گیلان

رشت ـ خبرنگار اطلاعات: سومین جشنواره نشاط و امید و تجلیل از ورزشکاران برتر و جوانان منتخب در سالن جهان پهلوان محمود نامجو مجموعه ورزشی یادگار امام رشت برگزار و از ۱۱۰ ورزشکار برتر و همچنین جوانان منتخب استان گیلان تجلیل شد.

مدیرکل ورزش و جوانان استان گیلان در این مراسم گفت: جوانان و ورزشکاران گیلانی در میادین مختلف توانسته‌اند افتخارات زیادی را در سطوح ملی و بین‌المللی کسب کنند که افتخار بزرگی برای جامعه ما محسوب می‌شود.

مریم بخشی افزود: به همین دلیل در سومین جشنواره نشاط و امید، از تعدادی از ورزشکاران مدال آور و همچنین جوانان نخبه دستگاه‌های اجرایی تجلیل خواهد شد که بر این اساس، ۸۶ ورزشکار مدال آور و ۲۴ جوان نخبه دستگاه‌های اجرایی تجلیل می‌شوند. این جوانان و ورزشکاران در شرایط بسیار سخت و همچنین با ممارست و تمرین‌های مستمر توانستند برای کشور و استان افتخارآفرینی کنند و پرچم ایران را در میادین بین‌المللی به اهتزاز درآورند.

اوبه نظرسنجی قهرمان قهرمانان و چهره برتر فوتبال گیلان نیز اشاره کرد و گفت: برای اولین بار برای انتخاب ورزشکار چهره فوتبالی برتر گیلان از طرح نظرسنجی توسط مردم استفاده کرده‌ایم تا در پایان این نظرسنجی، ورزشکار برتر و همچنین چهره برتر فوتبال استان گیلان به‌وسیله آرای مردمی انتخاب شوند.

بخشی به وقوع سیل در تعدادی از استان‌های کشور نیز اشاره کرد و افزود: متاسفانه در روزهای اول سال با حادثه سیل در چند استان کشور مواجه بودیم که در این مراسم نیز شاهد گلریزان جامعه ورزش و سازمان‌های مردم نهاد گیلان برای کمک به سیل زدگان هستیم.

اختصاص ۲۴ میلیارد تومان به توسعه راه‌های دشتی

کاکی ـ خبرنگار اطلاعات: فرماندار دشتی گفت: امسال ۲۴ میلیارد تومان برای تکمیل و توسعه راه‌های این شهرستان اختصاص یافته است.

عبدالله نادری در نشست بررسی روند توسعه راه‌های شهرستان دشتی گفت: ۱۴ میلیارد تومان از این اعتبار برای توسعه و اصلاح قطعه سوم بزرگراه ارتباطی دولت‌آباد به زیارت ساحلی به طول ۱۰ کیلومتر هزینه خواهد شد.

این بزرگراه ارتباط بخش کاکی به منطقه ساحلی دشتی و بندر لاور ساحلی را برقرار می‌کند و تکمیل آن باعث برطرف شدن یکی از نقاط حادثه‌خیز، توسعه بندر لاور ساحلی، حل مشکل تردد ۱۵ روستای دهستان کبگان و اتصال بزرگراه سیراف به بزرگراه بوشهر به دیر خواهد شد. ۱۰ میلیارد تومان از این اعتبار نیز برای تکمیل ۸ کیلومتر قطعه اول محور خورموج به لاور شرقی، کارخانه سیمان و دشت پلنگ اختصاص یافته است.

نادری تاکید کرد: این پروژه ۵۵ درصد پیشرفت فیزیکی دارد و سعی خواهد شد این قطعه که راه دسترسی به پارک جنگلی چاه چاهو و منطقه گردشگری دشتی است هر چه زودتر تکمیل و آماده بهره برداری شود.

فرماندار دشتی افزود: با پرداخت مطالبات پیمانکار بزودی عملیات اجرایی قطعه دوم محور خورموج به لاور شرقی شروع خواهد شد.

پرداخت ۳۵ میلیارد تومان تسهیلات اشتغالزایی در دشتی

* فرماندار شهرستان دشتی گفت: سال گذشته ۳۵ میلیارد تومان تسهیلات اشتغالزایی در شهرستان دشتی پرداخت شد.عبدالله نادری در نشست بررسی روند اشتغالزایی دردشتی بیان کرد: این شهرستان با جذب اعتبارات یاد شده رتبه نخست پرداخت تسهیلات اشتغال زایی در استان بوشهر را کسب کرده و بیشتر این اعتبارات برای توسعه گلخانه‌های کشاورزی، دامداری، صنایع دستی، گردشگری روستایی و اشتغال خانگی هزینه شده است.

نادری تاکید کرد: امروز مهمترین وظیفه و رسالت همه مدیران دستگاه‌های اجرایی تحقق شعار سال و رونق تولید و اشتغال جوانان است و باید سعی کنند همه موانع برای توسعه اشتغال و رونق تولید را برطرف کنند.

پلمب ۱۱۷ وسیله بازی غیر استاندارد در استان گلستان

گرگان ـ خبرنگار اطلاعات: مدیر کل استاندارد استان گلستان از پلمب ۱۱۷ دستگاه تجهیزات غیراستاندارد شهربازی طی سال ۹۷ در سطح استان خبر داد.

محمود فرمانی گفت: این اقدام به منظور حفظ سلامت و ایمنی استفاده‌کنندگان از تجهیزات شهر بازی‌ها و تشدید نظارت بر آن‌ها توسط کارشناسان اداره کل استاندارد گلستان صورت گرفته است.

وی با ارایه آمار پُلمب تجهیزات بازی شهربازی‌ها به تفکیک شهرستان‌های استان گفت: سال گذشته در گرگان ۲۵، گنبد ۳۴، بندر ترکمن ۲۹، علی‌آباد کتول ۱۴، گالیکش ۷، آق قلا و آزادشهر هر کدام ۳ و کلاله و مراوه تپه هر کدام یک دستگاه تجهیزات بازی غیر استاندارد پلمب شد.

دبیر شورای استاندارد با بیان اینکه بهره‌برداران و مالکین باید تصویری از گواهینامه صادر شده را برای ایجاد اطمینان خاطر استفاده‌کنندگان در کنار تمامی تجهیزات تفریحی نصب کنند، گفت: از همشهریان درخواست می‌شود هنگام استفاده از این تجهیزات، از استاندارد بودن آن‌ها اطمینان حاصل کنند.

معرفی شهردار جدید ایوان غرب

ایوان‌غرب ـ خبرنگار اطلاعات: در جلسه شورای اداری شهرستان ایوان که با حضور مهندس سبزی فرماندار، مهندس نظر ی مدیرکل امور شهری استانداری ایلام، مسئولان ادارات شهرستان، اعضای شورای اسلامی شهر و اصحاب رسانه بر گزار شد، از خدمات مهندس علی‌رضا رحمانی سرپرست شهرداری ایوان قدردانی به عمل آمد و مهندس کامران حسنی به عنوان شهردار ایوان معرفی شد.

در این جلسه فرماندار گفت: ایوان از نظر عمران شهری مشکلات فراوانی دارد که حل آن‌ها نیازمند تلاش و هماهنگی شهردار و شورای شهر است.محمد کریمی، رئیس شورای اسلامی شهر ایوان هم گفت: مشکل اصلی ایوان معابر عمومی، عمران شهری و کمبود اعتبارات شهرداری است، کل اعتبارات شهرداری ایوان در سال گذشته ۶ میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان بوده که نزدیک به ۵ میلیارد تومان بابت حقوق و مطالبات کارکنان شهرداری هزینه شده است.

اطلاعات — مشخصات و شماره تلفن‌های نمایندگی‌های اطلاعات در آذربایجان شرقی

ردیف	نام و نام خانوادگی	کد	شماره تلفن نمایندگی	شماره تلفن همراه	شهرستان
۱	کمال‌الدین نیکرفتار خیابانی	۰۴۱	۳۵۵۵۲۵۹۰ فاکس ۳۵۵۶۳۱۴۱	۰۹۱۴۵۹۱۶۶۶۵	تبریز
۲	محمدحسین صفرعلیزاده	۰۴۱	۳۴۲۲۰۸۳۷	۰۹۱۴۱۱۹۷۲۱۰	آذرشهر
۳	ابوالفضل عمراهی	۰۴۱	۴۴۲۲۶۰۰۰	۰۹۱۴۱۲۸۹۸۸۳	اهر
۴	حسین مقدم	۰۴۱	۳۳۲۲۳۹۹۱	۰۹۱۴۴۱۲۱۰۵۵	اسکو
۵	فریدویرانی	۰۴۱	۳۳۴۱۲۸۸۴	۰۹۱۴۳۱۷۱۹۸۸	ایلخچی
۶	مجیددوشابچی	۰۴۱	۳۶۳۴۳۳۶۰	۰۹۱۴۹۱۴۱۱۹۲	باسمنج
۷	بهرام بهبودی	۰۴۱	۴۳۳۳۴۴۹۹	۰۹۱۴۴۳۱۰۹۱۰	بستان آباد
۸	جاوید بنابیان	۰۴۱	۳۷۷۳۵۵۵۲	۰۹۱۴۹۲۱۰۵۳۴	بناب
۹	علیرضا خوش‌نیت	۰۴۱	۴۲۵۷۲۵۱۵	۰۹۱۴۱۷۰۰۸۰۲	تسوج
۱۰	محسن نجاری	۰۴۱	ـــــ	۰۹۱۴۴۳۱۵۶۵۱	تیکمه‌داش
۱۱	ابوالفضل یونسی	۰۴۱	۴۲۰۲۶۸۴۰	۰۹۱۴۸۹۵۲۵۴۴	جلفا
۱۲	ایاتعلی شیخی	۰۴۱	۵۲۷۲۲۶۸۳	۰۹۱۴۳۲۴۰۲۴۳	چاراویماق
۱۳	عباس جیران‌پور	۰۴۱	۴۲۴۶۲۲۷۰	۰۹۱۴۴۷۱۰۴۷۴	خامنه
۱۴	میراسداله حسینی	۰۴۱	۳۲۴۴۴۴۰۰	۰۹۱۴۱۰۱۷۳۴۷	خسروشاه
۱۵	صابر حیدرپور	۰۴۱	۴۳۲۲۳۱۶۳	۰۹۱۴۳۳۱۴۳۸۳	سراب
۱۶	بهروز کرباسی	۰۴۱	۳۴۲۰۱۱۰۰	۰۹۱۴۹۱۵۱۱۲۵	سردرود
۱۷	احمد بادامچی	۰۴۱	۴۲۴۲۷۲۴۴	۰۹۱۴۹۷۱۳۰۰۹	شبستر
۱۸	جعفر صوفی‌زاده	۰۴۱	۴۲۵۲۰۶۷۲	۰۹۱۴۳۰۱۳۸۷۸	صوفیان
۱۹	عنایت‌اله قاضی	۰۴۱	۳۷۶۲۲۲۳۰	۰۹۱۴۴۲۰۲۵۶۷	عجب‌شیر
۲۰	موسی‌الرضا موسوی	۰۴۱	۴۲۱۴۰۵۹۰	۰۹۳۶۹۶۲۲۰۴۲	کشکسرای
۲۱	سهیل رستم‌زاده	۰۴۱	۴۴۴۴۲۶۶۰	۰۹۱۴۳۲۶۱۱۳۵	کلیبر
۲۲	بهروز نجفقلی‌دوست	۰۴۱	۳۳۲۵۳۱۰۲	۰۹۱۴۱۲۱۲۶۰۲	مراغه
۲۳	محسن اسماعیل‌پور	۰۴۱	۴۲۲۳۴۹۱۷	۰۹۱۴۳۹۱۲۵۵۰	مرند
۲۴	داریوش عینالو	۰۴۱	۳۷۸۲۷۶۲۹	۰۹۱۴۸۷۶۵۷۴۰	ملکان
۲۵	سیفعلی بابارحیمی	۰۴۱	۳۴۳۲۳۷۵۷	۰۹۱۹۵۶۴۸۱۰۰	ممقان
۲۶	قاسم وفادار	۰۴۱	ـــــ	۰۹۱۴۳۱۹۴۸۰۶	مهربان
۲۷	دارا فاتحی	۰۴۱	۵۲۲۲۳۴۳۰	۰۹۱۴۴۲۳۵۴۷۵	میانه
۲۸	حسینقلی مسعودزاده	۰۴۱	۴۲۴۷۳۰۲۸	۰۹۱۴۹۷۱۳۷۹۸	وایقان
۲۹	وحید اقدامی	۰۴۱	۴۲۰۴۰۸۹۵	۰۹۱۴۴۹۲۴۲۶۵	هادیشهر
۳۰	مهدی دعاگوئی	۰۴۱	۴۳۴۳۵۵۵۵	۰۹۱۴۴۳۲۱۶۵۵	هریس
۳۱	مرتضی محمدی	۰۴۱	۵۲۶۲۲۸۳۶	۰۹۱۴۴۰۳۸۶۸۰	هشترود

تحویل ۴۰ دستگاه آمبولانس به اورژانس هرمزگان

بندرعباس ـ خبرنگار اطلاعات: به مناسبت هفته سلامت ۴۰ دستگاه آمبولانس به پایگاه‌های شهری و جاده‌ای هرمزگان افزوده شد.

استاندار هرمزگان در مراسم تحویل این آمبولانس‌ها گفت: با تجهیز و تکمیل ناوگان اورژانس ۱۱۵ و پایگاه‌های اورژانس، خدمات پیش‌بیمارستانی مطلوبی به هم استانی‌ها ارائه می‌شود.

فریدون همتی افزود: ارتقای تجهیزات پزشکی باید در استان در اولویت باشد. وی گفت: ارتقای تخت‌های بیمارستانی هم در دستور کار قرار دارد و تحول بزرگی در مراکز درمانی این استان ایجاد می‌کند.

سرپرست دانشگاه علوم پزشکی استان هرمزگان نیز در این مراسم گفت: آمبولانس‌های جدید به دستگاه سی سی یو مجهز هستند و اعتبار هر آمبولانس یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان است. حسین فرشیدی افزود: پارسال نیز ۲۰ دستگاه آمبولانس به ناوگان اورژانس دانشگاه علوم پزشکی این استان اضافه شد. این آمبولانس‌ها از اواخر سال گذشته به گمرک استان هرمزگان اضافه شد و ۱۲۰ دستگاه از آن‌ها مجوزهای قانونی و ترخیص از گمرک را اخذ کردند. بر اساس اعلام مدیرکل گمرک شهید باهنر، ۲۸۰ دستگاه آمبولانس دیگر در بندر شهید باهنر بندرعباس وجود دارد که وزارت بهداشت در صورت اخذ مجوزهای خروج، می‌تواند این تعداد آمبولانس را از گمرک ترخیص کند. آمبولانس‌ها جدید ۱۵ سانتی‌متر نسبت به آمبولانس‌های فعلی در ایران بلندتر است و برای عبور از مناطق سخت‌گذر کاربرد دارد.

ستاد اجرایی فرمان حضرت امام(ره) ۹۰۰۰ راس دام سبک به دامداران خسارت دیده اهدا می کند

گرگان ـ خبرنگار اطلاعات: سید مصطفی سیدهاشمی، معاون هماهنگی و امور اقتصادی ستاد اجرایی فرمان حضرت امام خمینی(ره) گفت: برای جبران خسارات تلف شدن دام روستائیان و عشایر بر اثر سیل در استان گلستان ۴۰۰۰ راس دام سبک به خسارت دیدگان تحویل داده می‌شود. وی گفت: به هر دامدار خسارت دیده حداکثر ۱۵ راس دام سبک به ارزش ۳۰ میلیون تومان از طرف ستاد اجرایی فرمان حضرت امام(ره) تعلق می‌گیرد. محمد حیدری، معاون هماهنگی امور اقتصادی استانداری گلستان نیز از تلف شدن ۶۸۵۰ راس دام سبک در سیل اخیر استان گلستان خبر داد و افزود: بخشی از خسارت به وسیله ستاد اجرایی فرمان حضرت امام(ره) به صورت بلاعوض و بخشی هم از طریق کمک‌های دولت به ازای هر راس دام سبک ۵۰۰ هزار تومان و دام سنگین ۳ میلیون تومان جبران می‌شود.

نصب پایه‌های برق‌رسانی چدنی در چهارمحال و بختیاری

شهرکرد ـ خبرنگار اطلاعات: با تلاش دفتر مهندسی و نظارت و دفتر تحقیقات شرکت برق استان چهارمحال‌وبختیاری، تعویض پایه‌های چوبی برق رسانی در محدوده سد زاینده رود شهرستان بن، با پایه‌های چدنی مقاوم در دستور کار این شرکت قرار گرفته است و این طرح با صرف اعتبار ۱۰۰ میلیون تومان برای اولین بار در استان اجرا می‌شود.

برخی از پایه‌های برق‌رسانی چوبی فیدر شماره ۴ منطقه حفاظت شده سد زاینده رود توسط برخی حیوانات از قبیل دارکوب و گراز آسیب جدی دیده و نیاز به تعویض و اصلاح آن است و باتوجه به کوهستانی و صعب‌العبور بودن منطقه و غیرقابل دسترسی بودن جاده، امکان حمل پایه‌های بتونی و تردد جرثقیل نیست، لذا نصب پایه‌های چدنی در دستور کار این شرکت قرار گرفت. حمل و نصب نسبتا آسان، مقاومت و طول عمر بسیار بالا از جمله مزایای استفاده از این نوع پایه‌ها است.

تولید شیر خشک نوزادان با کیفیت بالا در چهارمحال و بختیاری

* مدیرعامل شرکت شیرخشک نوزاد پگاه در دیدار با معاون سازمان غذا و دارو دانشگاه علوم پزشکی استان چهارمحال و بختیاری اعلام کرد که مجموعه تحت مدیریت وی آمادگی کامل دارد تا با همکاری‌های لازم در سال پیش رو، با توجه به نامگذاری سال به عنوان "رونق تولید"، محصولاتی را که در کشور تولید نشده است و از خارج وارد می‌شود، با بهترین کیفیت تولید کند. در این دیدار دکتر لهراسب شاهقلیان، مدیرعامل شرکت شیرخشک نوزاد پگاه با ابراز امیدواری در خصوص تشکیل جلسه صدور مجوز خط بسته بندی مکمل ورزشی توسط کارشناسان مربوطه در این استان و تهران خواستار همکاری و همیاری‌های بیشتر سازمان غذا و دارو استان دراین خصوص شد.

نخستین جشنواره ملی اقوام و عشایر ایران در ایلام

ایلام ـ خبرنگار اطلاعات: نخستین جشنواره ملی اقوام و عشایر ایران (ایلبانگ) پس از ۴ نوبت اجرای موسیقی، بازی‌های بومی و محلی و شعرخوانی توسط هنرمندان حوزه فرهنگ و هنر اقوام ایران، به پایان رسید.

این جشنواره با هدف ایجاد اتحاد و همدلی اقوام گوناگون ایرانی و ایجاد شور و نشاط در جامعه با حضور گروه‌های موسیقی، بازی‌های بومی و محلی، صنایع دستی و غذاهای محلی از استان‌های ایلام، کردستان، کرمانشاه، آذربایجان شرقی، لرستان، چهارمحال و بختیاری، خوزستان و فارس به مدت ۲ روز برگزار شد.

در ابتدای مراسم عمران خودآموز، مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان ایلام گفت: باید از تمامی هنرمندان و چهره‌های فرهنگی حاضر در این جشنواره تشکر کنم که در روزهای جشنواره فضایی سرشار از شور و نشاط و امید را برای مخاطبان فراهم ساختند و با آثار خود، تصاویر زیبایی را ثبت و ماندگار کردند.

وی با بیان این که در این روزها شاهد بودیم که گروه‌های متعدد از استان‌های کشور با تنوع قومیت‌ها در جشنواره حضور پیدا کردند، افزود: باید از حمایت‌های بی دریغ وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکر کنیم که از اجرای گروه‌های هنری حاضر در این جشنواره حمایت کردند تا برنامه‌هایشان را در مناطق سیل زده استان ایلام اجرا کنند.



خودآموز تاکید کرد: خوشحالیم که هنرمندان شرکت کننده در نخستین جشنواره فرهنگی هنری اقوام و عشایر ایران (ایلبانگ)، با تنوع فرهنگی و قومی از چهارگوشه ایران اسلامی، برای اجرای برنامه به مناطق سیل‌زده بخش ماژین درەشهر استان ایلام سفر کردند و به اجرای برنامه پرداختند.

شادمهر کاظم‌زاده، نماینده مردم استان ایلام در مجلس شورای اسلامی نیز با اشاره به اینکه در زمانی قرار داریم که هجمه تفکرات و فرهنگ‌های ناصالح دشمنان مردم ایران بیش از پیش است، تاکید کرد: برگزاری جشنواره‌های ملی و مذهبی و پرداختن به هنرهای آیینی همچون جشنواره ایلبانگ خاکریز ما در مقابل تهاجم فرهنگی است.

وی افزود: اگر به جای برگزاری این جشنواره میلیاردها تومان برای پروژه دیگری هزینه می‌شد، باز هم اثرگذاری و اهمیت حفظ آداب و رسوم و سنن، عشایر و اقوام ایرانی دوچندان است.

پایان‌بخش مراسم اختتامیه نخستین جشنواره ملی اقوام و عشایر ایران تجلیل و تقدیر از چهره‌های شاخص فرهنگی و شرکت کنندگان حاضر در جشنواره بود.

نخستین جشنواره ملی اقوام و عشایر ایران (ایلبانگ) در شهرستان بدره و در روزهای چهارم و پنجم اردیبهشت ماه از سوی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان ایلام با معرفی برگزیدگان، به پایان رسید.

بررسی طرح پیشنهادی قزوین برای پرداخت استانی یارانه‌ها در دولت

قزوین ـ خبرنگار اطلاعات: پیشنهاد طرح استانی کردن یارانه‌ها با هدف برقراری نظام‌های تامین اجتماعی برای اجرا به طور پایلوت در استان قزوین به دولت ارائه شد.

استاندار قزوین در جلسه شورای برنامه ریزی استان با اشاره به آماده سازی طرح پیشنهادی پرداخت استانی یارانه‌ها افزود: یکی از سیاست‌های دولت در ۳ سال گذشته توزیع مناسب منابع حاصل از هدفمند کردن یارانه‌ها بین قشرهای کم درآمد است.

عبدالمحمد زاهدی تاکید کرد: طرح استانی کردن پرداخت یارانه‌ها از سال ۹۳ و با همکاری کارشناسان و متخصصان این حوزه در دستور کار استان قرار گرفت و از این رو طرح پیشنهادی پرداخت استانی یارانه‌ها به صورت پایلوت در استان قزوین به دولت ارائه می‌شود.

وی ادامه داد: در مورد یارانه‌های پنهان باید نظام، دولت و مجلس شورای اسلامی تصمیم‌گیری کنند اما آنچه در این مدل پیشنهادی مطرح می‌شود پرداخت نقدی یارانه‌ها برای دهک‌های پایین جامعه آماری استان شامل دهک‌های ۶ به بالا است.

او با اعلام موافقت با کلیات طرح پیشنهادی گفت: در این باره نیاز است یک سیستم هوشمند برای شناسایی وضع درآمدی دهک‌های مختلف جمعیتی استان طراحی شود که در همین باره وضع درآمدی بیش از ۷۰ درصد از جامعه آماری استان قزوین شناسایی شده است.

زاهدی با تاکید بر این که همه تبعات طرح پیشنهادی باید در استان دیده شود، افزود: دولت‌ها برای اینکه بتوانند فاصله طبقاتی سطوح مختلف جامعه را کم کنند بحث یارانه‌ها را مطرح می‌کنند و در شرایط فعلی باید از تجارب سایر کشورها استفاده کنیم.

رئیس سازمان مدیریت برنامه‌ریزی استانداری قزوین هم در این جلسه گفت: دولت پارسال در لایحه‌ای اجازه حذف ۳ دهک بالایی جامعه برای دریافت یارانه‌ها با هدف توزیع عادلانه را اعلام کرد.

ابوالفضل یاری با تاکید بر اینکه با همکاری دانشگاه آزاد اسلامی قزوین طرحی با عنوان طرح استانی توزیع هدفمندی یارانه‌ها را آماده و نهایی کرده ایم، ابراز امیدواری کرد که مجوز اجرای این طرح در قزوین به عنوان یک استان پیشرو و پایلوت مورد تائید مسئولان ذیربط قرار گیرد.

وی گفت: در فاز نخست، طرح پیشنهادی ما برای یارانه‌های حاصل از توزیع نقدی خواهد بود و در فازهای بعدی یارانه‌های پنهان هم مورد نظر است که در قالب صندوق پیشنهادی با عنوان صندوق توزیع استان باز توزیع مجدد می‌شود.

توجه به ترانزیت و تجارت سبب توسعه سیستان و بلوچستان می‌شود

زاهدان ـ خبرنگار اطلاعات: استاندار سیستان و بلوچستان با تاکید بر ضرورت توجه بیشتر به پروژه‌های اثرگذار در سال «رونق تولید» گفت: یکی از مهمترین پروژه‌هایی که سبب توسعه این استان پهناور می‌شود توجه بیش از پیش به امر ترانزیت و تجارت است. احمد علی موهبتی در نشست ستاد راهبری و مدیریت اقتصاد مقاومتی سیستان و بلوچستان افزود: ورود و توجه به گمرکات، بازارچه‌های مرزی و پروژه‌های مشابه از جمله موارد مهم در حوزه اقتصاد مقاومتی است.

وی تاکید کرد: توجه به طرح‌های اقتصاد مقاومتی راهی مهم برای تحقق تولید و اشتغالزایی در سیستان و بلوچستان است.

استاندار سیستان و بلوچستان با تاکید بر این که پیوند کارهای جاری با طرح‌های اقتصاد مقاومتی امری ضروری و مهم است که توجه به این امر سبب رونق استان خواهد شد، افزود: معدن، گردشگری، دام، کشاورزی، طرح‌های آبیاری و آبخیزداری از دیگر مواردی است که در حوزه رونق تولید و توسعه اقتصاد مقاومتی بسیار مهم و تاثیرگذار است.

موهبتی افزود: مصوبات و پیشنهادهای خوبی در این حوزه‌ها مطرح شده است که با عملیاتی شدن این طرح‌ها شاهد رونق سیستان و بلوچستان خواهیم بود.

وی ادامه داد: فعالیت‌های بسیاری در حوزه عملیاتی طرح‌های اقتصاد مقاومتی در این استان انجام گرفته است که رسانه‌ها با زیر پوشش قرار دادن این فعالیت‌ها نقش مهمی در شناخت و نشان دادن این فعالیت‌ها در میان مردم دارند.

وی اظهار داشت: بحث آموزش و مطالعه برنامه سایر استان‌ها و قیاس می‌تواند نقش مهمی در پیشبرد طرح‌ها و برنامه‌های اقتصاد مقاومتی در این استان داشته باشد.

رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی سیستان و بلوچستان هم در این نشست به برنامه‌های این سازمان در سال جاری اشاره کرد و گفت: احصاء حداکثر ۳۰ پروژه برجسته و اولویت دار در استان و تصویب در ستاد اقتصاد مقاومتی، ثبت طرح‌ها در سامانه «نیپا» و ارسال به ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی کشور، گزارش گیری و اخذ عملکرد بررسی پروژه‌های پیشنهادی اقتصاد مقاومتی توسط دبیرخانه و ارسال طرح در ستاد برای تصویب از جمله برنامه‌های این نهاد است.

غلامرضا مالکی افزود: سامانه «نیپا» یکی از سامانه‌های مهم در حوزه پایش و رصد پروژه‌هایی که مصوب شده و تعیین سطح شاخص‌هاست که در سه سطح دبیرخانه، دستگاه اجرایی متولی و مجری متولی انجام می‌شود.

وی به برنامه‌های سال گذشته در حوزه اقتصاد مقاومتی اشاره کرد و اظهار داشت: ۱۶ محور سال گذشته مورد هدف بوده که توسعه منابع طبیعی، گردشگری، راه آهن، گاز، اشتغال، کشتیرانی، صیادی، توسعه تجاری چابهار و بافت‌های فرسوده مکران و غیره از جمله این طرح‌ها بوده است. او اعتبار اختصاص یافته به این پروژه‌ها را ۹۵ میلیارد تومان اعلام کرد که نسبت به سال ۹۶ رشد ۱۸/۵ درصدی داشته است.

بندر خشک پیشگامان، ظرفیت خوب بخش بازرگانی استان یزد

یزد ـ خبرنگار اطلاعات: استاندار یزد وجود بندرخشک پیشگامان را ظرفیت خوب بازرگانی استان در شهرستان مهریز دانست.

محمدعلی طالبی در نشست شورای اداری شهرستان مهریز به ظرفیت‌های بسیار خوب شهرستان مهریز در حوزه‌های مختلف ازجمله در بخش صنعت، بازرگانی و گردشگری اشاره کرد و گفت: «معدن مهدی آباد» پروژه بزرگی در سطح ملی و در بخش صنعت و معدن و «بندرخشک پیشگامان» ظرفیت بسیار خوب استانی در بخش بازرگانی است که در شهرستان مهریز وجود دارد و اگر به این ظرفیت‌ها در کنار پتانسیل‌های بسیار خوب مهریز در حوزه گردشگری توجه شود دیگر مشکلی به نام اشتغال در این شهرستان نخواهیم داشت. مدیر عامل بندرخشک پیشگامان نیز از بارگیری بیش از ۸ هزار تن انواع بار در یک ماه گذشته به صورت آزمایشی از این بندر به مقصد داخل و خارج کشور خبر داد.

محمدرضا شهسواری با بیان اینکه ارسال بار از طریق حمل ترکیبی اعم از ریلی و زمینی از بندرخشک پیشگامان در سال گذشته به دلیل کاهش هزینه‌ها با استقبال خوبی از سوی تجار و بازرگانان همراه بوده است ابراز امیدواری کرد در سال جاری با تسهیل فعالیت‌های گمرکی در این بندر تعاونی افزایش صادرات و به تبع آن رونق تولید داخلی را شاهد باشیم.

وی قرار گرفتن در مرکز کشور به عنوان بارانداز اصلی کالا را از مزایای استفاده از خدمات بندرخشک پیشگامان در یزد بیان کرد و افزود: به دلیل شرایط مساعد جوی در مقایسه با بنادر دریایی و همچنین حمل آسان‌تر از راه ریلی و تعرفه خدماتی مناسب‌تر علاقه بازرگانان به واردات و صادرات کالای خود از این بندر رو به افزایش است و این اتفاق خوب سبب افزایش تولید داخلی و رونق بیش از پیش آن خواهد شد. شهسواری از اعلام آمادگی این بندر برای تسهیل خدمات خود جهت رونق بیش‌تر فعالیت تولیدکنندگان داخلی نیز خبر داد.

افزایش ۲۱ درصدی قیمت خرید تضمینی کرم ابریشم در کشور

رشت ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس مرکز نوغانداری کشور با اشاره به اعلام قیمت تخم نوغان در کشور گفت: بر اساس اعلام شورای اقتصاد و با انجام کارهای دقیق کارشناسی امسال قیمت تضمینی تخم نوغان ۲۱ هزار و ۹۰۰ تومان تعیین شده است که افزایش ۲۱ درصدی دارد.

عدیل سروی رئیس مرکز توسعه نوغانداری کشور با یادآوری اینکه توزیع تخم نوغان از هفتم اردیبهشت آغاز شده است گفت: مقرر شد توزیع تخم نوغان در ۱۸ نقطه جغرافیایی و در ۱۰ شهرستان مهم و ۸ شهرستانی که میزان توزیع نوغان کم بوده است از هفتم اردیبهشت ماه آغاز شود.

انتخاب مدیر نمونه جنوب استان تهران و ری

شهرری ـ خبرنگار اطلاعات: از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مدیر عامل سازمان بهشت زهرا(س) و شهردار حرم مطهر حضرت امام خمینی(ره) برای دومین بار به عنوان مدیر نمونه جنوب استان تهران و شهرستان ری معرفی شد.

سعید خال مدیر عامل سازمان بهشت زهرا(س) و شهردار حرم مطهر حضرت امام خمینی(ره) در مراسمی از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی برای دومین سال پیاپی به عنوان مدیر نمونه جنوب استان تهران و شهرستان ری انتخاب شد.

در این مراسم که به مناسبت هفته کارگر با حضور پروانه مافی نماینده مجلس شورای اسلامی، علیرضا محجوب دبیر کل خانه کارگر، جمالی پور معاون استاندار تهران و فرماندار ویژه شهرستان ری، مدیران ارشد وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و نمایندگان تشکل‌های کارگری کشور در شهرک صنعتی شمس‌آباد برگزار شد، از مدیر نمونه جنوب استان تهران و شهرستان ری در سال ۱۳۹۷ تجلیل به عمل آمد.



میزان رضایت مندی حداکثری شهروندان از خدمات سازمان بهشت زهرا(س) در سال ۱۳۹۷، پاسخگویی و شهروند مداری، برگزاری جشن بزرگ ۲۰۰۰ نفری پرسنل و تکریم کارگران بهشت زهرا(س) و تعهد به انجام وظیفه و خدمات رسانی مطلوب به شهروندان از جمله ملاک‌های ارزیابی برای انتخاب مدیر عامل سازمان بهشت زهرا(س) به عنوان مدیر نمونه بوده است.

سازمان بهشت زهرا(س) یکی از سازمان‌های خاص و منحصر به فرد و بدون تعطیلی شهرداری تهران است که روزانه امور ۱۵۰ تا ۲۰۰ نفر از اموات مسلمین را رتق و فتق می‌کند، این سازمان در روزهای سخت و بحران نیز همواره در کنار خانواده‌های داغدار تهرانی و سایر هموطنانمان بوده است و تعطیلی در این سازمان معنا ندارد و برخی کار این سازمان را با عقربه‌های ساعت مقایسه می‌کنند.

سینما به مردم فشافویه سلام کرد

شهرری ـ خبرنگار اطلاعات: طرح «سینما سلام» برای اولین بار در بخش حسن آباد فشافویه از توابع شهرستان ری کار خود را آغاز می‌کند.

در این طرح همزمان با سراسر کشور، در نقاط فاقد سینما فیلم‌های روی پرده و روز کشور با کیفیت دیجیتال با قیمت مناسب و یا رایگان اکران می‌شود.

طرح «سینما سلام» با همکاری انجمن سینمای جوانان ایران، اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان ری، شورای اسلامی و شهرداری حسن‌آباد برگزار می‌شود.

قرار است این طرح برای شهرهای کوچک فاقد سینما در شهرستان ری اجرا شود.

کتاب امثال و حکم دشتیاتی رونمایی شد

کاکی ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی دشتی در آیین رونمایی از کتاب امثال و حکم دشتیاتی گفت: باورها، ضرب المثل‌ها و اصطلاحات جزو ادبیات عامه و شفاهی هر قوم و ملت محسوب می‌شود که از زمان‌های بسیار دور شفاهی و سینه به سینه از نسلی به نسل بعد منتقل شده است و بخشی مهم از ادبیات و فرهنگ مکتوب ما را تشکیل می‌دهد.

حمید زارعی اضافه کرد: تلاش و زحمات بانو جمالی حاجیانی که با گردآوری ضرب‌المثل‌های دشتی منبع عظیم و ارزشمندی در اختیار مردم این سامان گذاشته، قابل اعتنا و تقدیر است و امیدوارم رنجی که در این زمینه متحمل شده‌اند مقبول اهل هنر و پژوهشگران و زبان‌شناسان قرار گیرد.

زینب جمالی حاجیانی نویسنده کتاب امثال و حکم دشتیاتی هم گفت: دشتی مانند دیگر مناطق ایران دارای سابقه فرهنگی و ادبیات شفاهی و قومی بسیار غنی است.


عکس: ایرنا

به مناسبت سالگرد آغاز عملیات بیت المقدس

نبردی برای فتح خرمشهر و شکست اراده دشمن

۳۷ سال قبل، در اولین ساعات بامداد ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۱ عملیات بیت‌المقدس آغاز شد؛ عملیاتی با رمز «یا علی ابن ابیطالب(ع)» که فرماندهی ستاد نیروهای مسلح، یگان‌های سپاه، بسیج و ارتش در آن مشارکت داشتند و در نهایت کمتر از یک ماه بعد، به آزادسازی شهر خرمشهر منجر شد.

عملیات بیت‌المقدس ضربه‌ای اساسی بر پیکر دشمن بعثی وارد کرد و تمامی ذهنیت‌هایی را که درباره توانایی و قابلیت‌های نظامی ایران وجود داشت، تغییر داد. هدف عملیات انهدام نیروهای بعثی، آزاد سازی حدود ۵۴۰۰ کیلومتر مربع از خاک ایران از جمله شهرهای خرمشهر، هویزه و پادگان حمید، خارج کردن شهرهای اهواز، حمیدیه و سوسنگرد از برد توپخانه دشمن، تامین مرز بین‌المللی (حدفاصل پاسگاه طلائیه تا شلمچه)، آزادسازی جاده اصلی اهواز به خرمشهر و خارج شدن جاده اهواز به آبادان از برد توپخانه دشمن بود.

منطقه عمومی عملیات بیت‌المقدس در میان چهار مانع طبیعی محصور بود، که از شمال به رودخانه کرخه کور، از جنوب به رودخانه اروند، از شرق به رودخانه کارون و از غرب به هور الهویزه منتهی می‌شد. این منطقه، به جز جاده نسبتا مرتفع اهواز به خرمشهر، فاقد هر گونه عارضه مهمی برای پدافند (تدافع مقابل حملات دشمن) بود و همین باعث شد تا زمین منطقه به دلیل مسطح بودن برای مانور زرهی مناسب و برای حرکت نیروهای پیاده به دلیل در دید و تیر قرار داشتن نامناسب باشد. نقاط حساس و راهبردی منطقه هم شامل بندر و شهر خرمشهر، پادگان حمید، جفیر، جاده آسفالته اهواز به خرمشهر، شهر هویزه و رودخانه‌های کارون، کرخه کور و اروند می‌شد.

دشمن در غرب رودخانه کارون که در قلب خرمشهر جاری است، استحکامات و موانع پیشرفته را احداث و ۳۶ هزار نفر از نیروهای خود را در خطوط پدافندی پیچیده‌ای متمرکز و مستقر کرده بود. گذر از چنین خط مرگباری به یک معجزه شبیه بود؛ معجزه‌ای که با رشادت و فداکاری رزمندگان کشورمان به حقیقت پیوست آنچنان که امام خمینی (ره) فرمودند: «خرمشهر را خدا آزاد کرد» .

تحمیل اراده جنگی ایران بر عراق

عراقی‌ها تصور می‌کردند با اشغال خرمشهر آخرین و مهمترین برگ برنده‌شان را برای کشاندن ایران به پای مذاکرات صلح رو کرده‌اند اما با شروع عملیات بیت‌المقدس و آزادسازی خرمشهر، نقشه دشمن نقش بر آب شد و ایران توانست اراده سیاسی خود را بر بعثی های متجاوز تحمیل کند و برتری نظامی‌اش را به رخ بکشد.

با توجه به این که منطقه عمومی غرب کارون آخرین منطقه مهمی بود که همچنان در اشغال عراق قرار داشت، از یک سو فرماندهان نظامی کشورمان برای انجام عملیات در این منطقه اشتراک نظر داشتند و از سوی دیگر عراق که طراحی عملیات آزادسازی خرمشهر را پس از عملیات فتح المبین (سال ۱۳۶۰) قطعی و مسجل می‌پنداشت، با در نظر گرفتن اهمیت این شهر و جایگاه آن در دفاع از بصره به ضرورت حفظ این منطقه معتقد بود .به همین دلیل بلافاصله بعد از پایان عملیات فتح المبین، در حالی که قوای ارتش عراق در منطقه عمومی خرمشهر تقویت می‌شد، به تمامی یگان‌های تحت امر قرارگاه مرکزی کربلا دستور داده شد تا ضمن بازسازی و تجدید قوا، به شناسایی و طراحی عملیات بپردازند.

دستاوردهای عملیات بیت المقدس

در عملیات بیت المقدس، ۵۰۳۸ کیلومتر مربع از مناطق اشغال شده کشورمان از جمله شهرهای خرمشهر و هویزه و پادگان حمید و جاده اهواز–خرمشهر آزاد شد. علاوه بر این شهرهای اهواز، حمیدیه و سوسنگرد هم از تیررس توپخانه دشمن خارج شدند و امنیت ۱۸۰ کیلومتر از خط مرزی تامین شد.

به جز این، خسارت زیادی هم به دشمن بعثی تحمیل شد؛به گونه ای که ۶۱فروند هواپیمای جنگی، یک فروند بالگرد، ۱۵۰ دستگاه تانک و نفربر، ۳۰ قبضه توپ، ۲۰۰ دستگاه خودروی زرهی سبک و سنگین در این عملیات منهدم شدند و ۱۵۰ تانک، ۳۰ قبضه توپ و ۳۰۰ دستگاه خودروی زرهی سبک و سنگین به غنیمت گرفته شد.در این عملیات حدود ۱۹ هزار نفر از نیروی دشمن به اسارت رزمندگان در آمده و ۱۶ هزار نفر هم کشته و زخمی شدند.

۴ قدم تا پیروزی

به طور کلی عملیات بیت‌المقدس را می‌توان به چهار دوره زمانی تقسیم کرد.

• مرحله اول: آزادسازی جاده اهواز–خرمشهر

در محور قرارگاه قدس (شمال کرخه کور) به دلیل هوشیاری دشمن و وجود استحکامات متعدد، پیشروی نیروها به سختی امکانپذیر بود و در این میان فقط تیپ‌های ۴۳ بیت‌المقدس و ۴۱ ثارالله موفق شدند از مواضع دشمن عبور و منطقه‌ای در جنوب رودخانه کرخه کور را به عنوان سرپل تصرف کنند. در محور قرارگاه نصر هم به دلیل تاخیر در حرکت و وجود باتلاق در کنار جاده رزمندگان نتوانستند به اهداف مورد نظر دست یابند. با الحاق کامل قرارگاه نصر با قرارگاه فتح تا حدودی اهداف مورد نظر محقق شد، ولی برخی رخنه‌ها همچنان باقی بود تا این که سرانجام پس از ۵ روز، جاده اهواز – خرمشهر از کیلومتر ۶۸ تا کیلومتر ۱۰۳ تثبیت و همه رخنه‌ها ترمیم شد.

• مرحله دوم: آزادی جفیر و هویزه

در دومین مرحله از عملیات بیت‌المقدس، آزادسازی خرمشهر از دستور کار خارج و تصمیم گرفته شد که قرارگاه‌های فتح و نصر از جاده اهواز – خرمشهر به سمت مرز پیشروی کنند و قرارگاه قدس ماموریت یافت به صورت محدود برای تصرف سرپل در جنوب کرخه کور اقدام کند و بعد آن را گسترش دهد .

عملیات در ساعت ۲۲:۳۰ روز ۱۶ اردیبهشت آغاز شد و دشمن با مشاهده برای پیشروی نیروهای ایران به طرف مرز، لشکرهای ۵ و ۶ خود را به عقب کشاند تا هم از محاصره و انهدام این لشکرها جلوگیری و هم خطوط پدافندی بصره و خرمشهر را تقویت کند. در پی این عقب نشینی که از ساعات اولیه روز ۱۸ اردیبهشت آغاز شده بود، نیروهای قرارگاه قدس با تعقیب نیروهای دشمن، تعدادی از آنها را به اسارت گرفتند و در نتیجه جاده اهواز – خرمشهر و مناطقی همچون جفیر، پادگان حمید و هویزه آزاد شدند.

• مرحله سوم: خیز به سمت آزادی خرمشهر

این مرحله ازعملیات در آخرین ساعات روز ۱۹ اردیبهشت آغاز شد و قرارگاه نصر ماموریت یافت حرکت خود را به سمت خرمشهر آغاز کند. نیروهای عمل کننده که متشکل از چهار تیپ مستقل سپاه پاسداران و دو تیپ ارتش بودند، به دلیل هوشیاری دشمن و تمرکز نیرو در خطوط پدافندی‌اش، موفق نشدند ماموریت را به پایان برسانند. تکرار این عملیات در روز بعد هم به شکست انجامید. به همین خاطر تصمیم گرفته شد برای انجام عملیات نهایی فرصت بیشتری به یگان‌ها داده شود. همچنین مقرر شد ازدو تیپ المهدی (عج) و امام سجاد (ع) از قرارگاه فجر هم در حرکت بعدی استفاده شود.

• مرحله چهارم: خرمشهر آزاد شد

آخرین مرحله عملیات از یکم خرداد آغاز شد و هدف آن آزادسازی خرمشهر بود. در برابر تک سریع و غافلگیرانه نیروهای ایرانی، عراقی‌ها دچار وحشت و سرگردانی شدید شدند و نتوانستند واکنش مهمی نشان دهند. ارتباط یگان‌های دشمن با یکدیگر قطع شد و افسران و درجه داران و سربازان عراقی از منطقه فرار کردند. در روز دوم خرداد قرارگاه کربلا به هدف خود که احاطه کامل خرمشهر بود، رسید. تعداد اسرای عراقی در این روز از ۲۸۳۰ نفر تجاوز کرد و بسیاری از یگان‌های دشمن که در منطقه بین نهر عرایض و شلمچه مستقر بودند، منهدم شدند.

با وجود حضور گسترده هواپیماهای عراقی در آسمان منطقه، نیروی هوایی ارتش به بمباران پل شناور عراقی‌ها بر روی اروند رود و مناطق تجمع آنها در آن سوی رودخانه پرداختند و قرارگاه کربلا با ورود به شهر، خرمشهر را از وجود نیروهای عراقی پاک کرد و در بامداد سوم خرداد واحدهایی از رزمندگان ایران به آن سوی رودخانه وارد شدند .

نیروهای عراقی از بامداد تا ظهر روز سوم خرداد از سمت شلمچه ۳ بار اقدام به پاتک کردند و قصد داشتند از طریق جاده شلمچه – خرمشهر حلقه محاصره خرمشهر را بشکنند، اما هر بار با پایداری و مقاومت رزمندگان ایرانی مواجه و با تحمل خساراتی عقب نشینی کردند.

سرانجام در ساعت ۲ بعد از ظهر سوم خرداد، خرمشهر به طور کامل آزاد شد و پرچم پر افتخار جمهوری اسلامی ایران برفراز «مسجد جامع» و پل تخریب شده خرمشهر به اهتزاز درآمد.به این ترتیب این شهر مقاوم که بعد از ۳۵ روز پایداری و مقاومت در ۴ آبان ۱۳۵۹ به اشغال دشمن درآمده بود، پس از ۵۷۸ روز (۱۹ ماه) اسارت، بار دیگر آزاد شد و به آغوش میهن بازگشت.

پایان بخش اول جنگ

رزمندگان کشورمان به محض بازپس گیری خرمشهر، در مسجد جامع این شهر نماز شکر اقامه کردند و خبر این پیروزی به سرعت در همه جا منتشر شد و ملت ایران را که مدت‌ها در آرزوی شنیدن چنین خبری بودند، غرق در شادی و سرور کرد.

مردم به خیابان‌ها ریختند و با پخش شیرینی به جشن و شادی پرداختند. در پایان آن روز امت شهید پرور ایران با حضور در مساجد، نماز شکر به جای آورده و با فرا رسیدن شب به یمن پیروزی حق بر باطل بر پشت بام‌ها ندای الله اکبر سردادند.

فتح خرمشهر به عنوان یک حادثه تاریخی و سرنوشت‌ساز، پایان‌بخش دوره اول جنگی بود که با تجاوز عراق به ایران در تاریخ ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹ آغاز شد و با آزادسازی مناطق اشغالی به پایان رسید.در این عملیات سردار انی چون محمد جهان آرا فرمانده سپاه خرمشهر و سردار حاج حسین قجه‌ای از لشکر سید الشهدا به شهادت رسیدند .

عملیاتی که رسانه‌های دنیا را شگفت زده کرد

شروع سریع و منسجم عملیات بیت‌المقدس، کارشناسان نظامی و تحلیلگران رسانه‌های خارجی را شگفت‌زده کرد. به ویژه وقتی این عملیات با فتح خرمشهر به پایان رسید، رسانه‌های دنیا از قدرت نظامی و عملیاتی ایران غافلگیر شدند. نگاهی به اخبار و گزارش‌های منعکس شده از رسانه‌های بین‌المللی درباره عملیات بیت‌المقدس در سال ۱۳۶۱ نشان می‌دهد با وجود نگاه جانبدارانه در ارسال اخبار این عملیات، همه این رسانه‌ها زبان اعتراف گشوده و با بهت و حیرت به شکست نیروهای عراقی اذعان کرده‌اند.

رادیوی دولتی انگلیس که در شامگاه نهم اردیبهشت ۱۳۶۱ اعلام کرده بود «اگر ایرانی‌ها درصدد بازپس گرفتن خرمشهر باشند، سخت‌ترین گردو را برای شکستن برگزیده اند»، در روز پنجم خرداد ماه سال ۶۱ یعنی دو روز پس از آزادسازی خرمشهر حیرت زده اعلام کرد: از زمانی که خبرنگاران غربی از نیروهای عراقی در خرمشهر دیدن کرده و از روحیه خوب آنها گزارش داده‌اند، بیش از ۴-۳ روز نمی‌گذرد که ناگهان همه شهر از دست عراقی‌ها بیرون کشیده شده است .فردای روز آزادسازی خرمشهر خبرگزاری‌های بین‌المللی، در گزارش‌هایی که با عنوان «بسیار مهم» از بغداد به سراسر جهان مخابره کردند برای نخستین بار ضمن استناد به بیانیه نظامی بغداد اعلام کردند که عراق تلویحا به شکست خود اعتراف کرده است.

خبرگزاری رسمی دولت بعث عراق (آی.ان.ا) با انتشار یک اطلاعیه کوتاه از خرمشهر با عنوان بندر خرمشهر نام برد و به نقل از سخنگوی ارتش اعلام کرد: ارتش عراق بندر خرمشهر را ترک کرده و تا مرزهای بین‌المللی عقب نشینی کرده‌اند.به نوشته این خبرگزاری، عقب نشینی نیروهای عراقی، از روز یکشنبه اول خرداد ۱۳۶۱ آغاز شده بود.

این شکست مفتضحانه و عقب نشینی نیروهای بعث، عصر روز چهارم خرداد ۱۳۶۱ به صورت دیگری از سوی رادیو صوت الجماهیر بغداد به اطلاع افکار عمومی عراق رسانده شد.در این خبر آمده بود. یک سخنگوی ارتش عراق اعلام کرد که نیروهای پیروزمند قادسیه صدام پس از آن که تمامی حمله‌های قوای ایران را در مناطق سوسنگرد و اهواز با اقتدار کامل دفع کردند، صبح روز سوم خرداد ۶۱ در یک جا به جایی تحسین برانگیز، عقب نشینی تاکتیکی خود را از جبهه معمره (خرمشهر) با موفقیت کامل انجام داده اند!

این ادعا در شرایطی از رادیوی دولتی بغداد پخش می‌شد که خبرگزاری آمریکایی یونایتدپرس در ساعت ۲۴ همان روز، در گزارش ارسالی خود از بیروت، سربازان عراقی را در حال فرار توصیف کرد و نوشت: سربازان در حال فرار عراق، سرگرم گریختن از خرمشهر و مناطق اشغالی هستند.

پس از پخش گزارش‌های مستند و خبری و تصاویر تهیه شده از جبهه خرمشهر توسط رسانه‌های ایران و خارجی که در آنها شکست نیروهای عراقی در قالب صفوف هزاران نفره اسرا و انبوه ادوات و تجهیزات منهدم شده یا به غنیمت در آمده دشمن، به گویاترین وجهی به نمایش در آمد، دیگر حتی کشورهای جنوب خلیج فارس نیز که همواره از صدام حمایت می‌کردند، به واهی بودن ادعاهای حکام بغداد اذعان داشتند.

از طرف دیگر رژیم عراق برای فریب افکار عمومی و سرپوش گذاشتن بر شکست‌های بیت المقدس، به تعدادی از فرماندهان خود مدال شجاعت، نشان لیاقت و نشان رافدین اهدا کرد!

رادیو دولتی صدای آمریکا پس از پنج شبانه روز سکوت و امتناع از انعکاس خبری فتح خرمشهر، سرانجام در گزارش ویژه هشتم خرداد ۱۳۶۱ در ادعایی اعلام کرد: با وجود مشکلات تدارکاتی، ناآرامی‌های ناشی از انقلاب و کاهش تدریجی قدرت عملیات نیروهای هوایی ایران، ماشین نظامی ایران به گونه‌ای اعجاب آور عمل کرد.

روزنامه گاردین چاپ انگلستان درباره سقوط فتح خرمشهر نوشت: سقوط خرمشهر یعنی سقوط آخرین و مهم‌ترین افتخار جنگی عراق که ایرانی‌ها با بازپس گرفتن آن، این برگ برنده را که به وسیله آن، عراق می‌کوشید ایران را به پای میز مذاکره بکشاند، از دست بغداد ربودند.

همچنین وزیر وقت امور خارجه آمریکا (الکساندر هیگ) رسما در شورای امور خاورمیانه وزارت خارجه شان گفته بود: پیروزی‌های اخیر ایران در جنگ با عراق برای آمریکا نگران کننده است و منافع غرب خصوصا آمریکا را در منطقه به خطر انداخته است.

خاطرات یک رزمنده

رفتار سبعانه بعثی‌ها با اسرا و شهیدان

سید ناصر حسینی‌پور، وقتی به جنگ رفت ۱۴ سال داشت. در ۱۶ سالگی و در آخرین روزهای جنگ، در حالی که دیده‌بان بود و در واحد اطلاعات فعالیت می‌کرد، در جزیره مجنون به اسارت عراقی‌ها درآمد. وقتی اسیر شد یک پایش به شدت آسیب دید و در اسارت عفونت کرد تا بعثی ها مجبور به قطع آن شوند. حسینی در زمان اسارت با زحمت و به طور پنهانی خاطراتش را نوشت و در عصایش نگهداری کرد و پس از آزادی در شهریور ۱۳۶۹ موفق شد این خاطرات را با خود به ایران بیاورد. خاطراتی که بعدها کتاب «پایی که جا ماند» را بر اساس آنها نوشت.

زمانی که عراقی‌ها سیدناصر حسینی‌پور را در جاده خندق به اسارت گرفتند، او شاهد وحشی‌گری‌های بسیاری از سوی بعثی‌ها بود و به چشم دید که عراقی‌ها چه بر سر پیکر شهدا می‌آوردند. حسینی پور بخشی از مشاهداتش را در کتاب پایی که جا ماند اینطور روایت می‌کند:

«هیچ صحنه‌ای به اندازه نصب پرچم عراق روی شکم شهید زجرم نمی‌داد. در زندگی‌ام یاد ندارم جماعتی را این‌طور با سوز درون نفرین کرده باشم. از ته قلبم گفتم: خدایا! به مظلومیت این شهدا قسم خودت انتقام این کار عراقی‌ها رو از شون بگیر!

سعی کردم صبورتر باشم و جلوی گریه‌ام را بگیرم. فکرهای پراکنده‌ای در مغزم دور می‌زد. به یادم آوردم چند روز قبل در همین جاده سوار موتور تریل به خندق می‌رفتم. جاده دست بچه‌های ما بود. کنار همین جاده آبتنی کردم، ماهی گرفتم و با نی‌های خشک آتش درست کردم، با پیران مستوفی‌زاده ماهی خوردیم. به یاد می‌آوردم توی همین جاده پایم سالم بود. بعضی از شهدایی را که حالا روی جاده افتاده بودند در حال عبور از همین جاده می‌دیدم، اکنون ورق برگشته بود و جاده زیر چکمه نظامیان بعثی بود.

هر کس از جاده رد می‌شد، به جنازه شهیدی که پرچم روی شکمش نصب شده بود، خیره می‌شد. بعضی‌هاشان با دیدن این صحنه می‌خندیدند. دلم می‌خواست می‌توانستم پرچم عراق را بیرون بکشم. در دل می‌گفتم: کاش بچه‌ها می‌توانستند جنازه شهدا را به پشت خط منتقل کنند.

به دستور یک افسر برای لحظاتی دست‌هایم را باز کردند. دلم می‌خواست کاری کرده باشم. دلم نمی‌خواست به جنازه شهید جمشید کرم‌زاده و سید محمدعلی غلامی که در سه، چهار متری‌ام افتاده بودند، بی‌حرمتی شود. خدا خدا می‌کردم روی بدن‌شان پرچم نکوبند. یکی از بعثی ها سمت عکسی که روی دکمه جیب لباس نظامی‌مان نصب شده بود رفت. پرس پلاستیکی عکس را پاره کرد، به طرفم آمد، عکس امام را نشان می‌داد و درحالی که به امام و ایرانی‌ها بد و بیراه می‌گفت، پاره‌های عکس امام را به سر و صورتم پاشید و رفت.

نمی‌دانم چه شد که تصمیم گرفتم روی سر و صورت شهیدان غلامی و کرم‌زاده خاک بریزم. با وجود ضعف شدیدی که داشتم، چند متری خودم را روی زمین کشیدم تا نزدیک جنازه کرم‌زاده شدم. ترکش به سرش اصابت کرده بود. سر و صورتش خونی بود و معصومیت خاصی داشت. هم‌سن و سالم بود و در عملیات کربلای چهار، انگشتری را بهم یادگاری داده بود. انگشترم را به طرف نظامی عراقی گرفتم و بهش گفتم: بیا این انگشتر برای خودت!

خواستم دلش را به دست آورم. تعجب کرد. مردد بود که انگشتر را بگیرد یا نه. فکر می‌کنم عاطفه‌اش تحریک شد و دلش به حالم سوخت. به طرفم آمد و گفت: لا!

حرف‌هایم را درست نمی‌فهمید؛ اما منظورم را متوجه شد. به او گفتم: برای خودت، تو نگیری جای دیگه ازم می‌گیرن!

با اکراه انگشتر را گرفت. به جنازه شهیدی که روی شکمش پرچم عراق نصب بود، اشاره کردم و از او خواستم پرچم عراق را از شکمش درآورد. می‌ترسید. با ایما و اشاره از او خواستم اجازه دهد، خودم را تا کنار جنازه‌اش بکشانم و پرچم را درآورم، اما او چند بار تکرار کرد: لا! لا!

وضعیتم به گونه‌ای نبود که بتوانم ده، پانزده متر خودم را روی زمین بکشم تا به او برسم. به طرف جنازه کرم‌زاده و غلامی اشاره کردم و از او خواستم اجازه دهد روی سرشان خاک بریزم. هر چه سعی کردم منظورم را حالی‌اش کنم، متوجه نمی‌شد و مرتب تکرار می‌کرد: ما ادری انت شی گول. (نمی‌دونم تو چه می‌گی).

جنازه کرم زاده در گودال کنار جاده افتاده بود؛ اما جنازه غلامی از قسمت بالا تنه‌اش بیرون کانال توی جاده بود. چند نظامی وقتی از کنار جنازه غلامی رد شدند، با پوتین به سرش کوبیدند. دیدن این صحنه عذابم می‌داد. احساس کردم جنازه برادرم در گوشه جاده به زمین افتاده. می‌دانستم با آن بدن مجروح خونریزی زیاد و ضعف شدیدی که داشتم نمی‌توام کار خاصی انجام دهم. خواستم برای اینکه بعثی‌ها به سر و صورت غلامی و کرم‌زاده شلیک نکنند، به شکمش‌شان پرچم عراق را نکوبند و به آن‌ها جلوی چشمان من بی‌حرمتی نکنند، روی سر و صورت و حتی بدن‌شان خاک بریزم.

دلم نمی‌خواست جنازه‌هایشان را درون آب‌های جزیره بیندازند. کشان‌کشان خودم را کنار جنازه کرم‌زاده رساندم، وقتی خودم را به عقب روی زمین می‌کشیدم کاری به کارم نداشتند. کنار جنازه غلامی که رسیدم پیراهنش را از قسمت کتف گرفتم و کشیدم توی کانال. چون بدنش داخل کانال بود کشاندن بالا تنه‌اش توی کانال راحت بود. شروع کردم با دست روی او خاک ریختن. نظامی مراقبم خیره‌ام شده بود. کنارم حاضر شد و یقلوی (ظرفی فلزی که در جبهه در آن آب می جوشاندند و غذا درست می‌کردند) را به طرفم گرفت. فهمیدم می‌گوید: با این ظرف رویش خاک بریز!»

سفر هیات سعودی به عراق

ریاض به دنبال گسترش حوزه نفوذ منطقه‌ای

کارشناسان مسائل خاورمیانه با اشاره به سفر اخیر هیات عربستانی به بغداد، معتقدند سعودی‌ها در شرایط جدید عراق به دنبال گسترش رابطه و نفوذ در این کشور هستند و این امر می تواند بر قدرت منطقه ای ریاض تاثیرگذار باشد.

به گزارش گروه تحلیل،تفسیر و پژوهش‌های خبری ایرنا، رسانه‌های خبری از سفر یک هیأت اقتصادی بلند پایه سعودی به عراق جهت انجام توافق‌های اقتصادی و تجاری با این کشور خبر دادند.روزنامه سعودی «عُکاظ» نوشت که این هیأت بلند پایه متشکل از هفت وزیر، ده‌ها نماینده از وزارت‌خانه‌ها و نهادهای دولتی و شرکت‌های خصوصی برای سفر رسمی دو روزه به بغداد، پایتخت عراق رفت. روزنامه عکاظ هیأتی مذکور را «بزرگترین و مهمترین هیأت سعودی» خواند که طی سال‌های گذشته به عراق سفر می‌کند.با توجه به اهمیت سفر هیات عربستانی به بغداد که پیش از سفر عادل عبدالمهدی، نخست وزیر عراق به تهران صورت گرفت، پژوهشگر ایرنا با «اردشیر پشنگ» کارشناس مسائل خاورمیانه و عراق به گفت و گو نشست.

عراق؛ پلی بین ایران و عربستان

پشنگ در ابتدای این گفت و گو بیان داشت: سعودی‌ها پس از یک دهه انکار نظام عراق، تحولات ۲۰۰۳را به ضرر خود می دیدند زیرا گروه‌های شیعه که متحدان ایران هستند قدرت را در ساختار دموکراتیک عراق در دست گرفته‌اند. سعودی‌ها به مدت یک دهه سفارت خود در عراق را باز نکردند و یکی از متهمان ناامنی جدی در این کشور جنگ زده بودند. این کارشناس منطقه اظهار داشت: سعودی‌ها در شرایط جدید عراق به دنبال گسترش رابطه با این کشور می باشند. در طی دو سال اخیر گسترش علاقه عربستان و طرف عراقی باعث شده است تا حجم ارتباطات سیاسی دو کشور به مرحله جدیدی برسد.

وی افزود: عربستان در این ارتباط خواهان نفوذ بیشتر در عراق و مهار کردن حوزه نفوذ جمهوری اسلامی در این کشور است و کردها، عرب‌های اهل تسنن، و جریانی از شیعه خواهان گسترش همکاری‌ها با دولت ریاض هستند.این کارشناس مسائل عراق همچنین بیان داشت: عراقی‌ها می کوشند تا بعد از سه دهه غیبت در عرصه منطقه‌ای خاورمیانه کم کم سر بلند کنند و در حوزه منطقه‌ای با توجه به ظرفیت‌های خوب سیاسی و اقتصادی که دارند بار دیگر تبدیل به یکی از بازیگران موثر در منطقه خاورمیانه شوند و این موضوع برای عراقی‌ها هم از حیث اعتماد به نفس و هم پرستیژ دارای اهمیت است.

به گفته پشنگ، به نظر می رسد دولتمردان عراقی یک استراتژی مخفی را جهت تعادل‌سازی در منطقه دنبال می کنند زیرا عراق به شدت تحت نفوذ یک کشور منطقه‌ای و فرا منطقه ای می باشد.وی اظهار داشت: از یک سو ایالات متحده بیشترین تاثیر در تحولات عراق را دارد و از سوی دیگر جمهوری اسلامی تاثیرات بخصوصی را در تحولات عراق دارد.به همین دلیل دولتمردان عراق به دنبال این هستند که نوعی موازنه مثبت یعنی دادن امتیازات مشترک یا متعادل کننده به دیگر بازیگران عرصه منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای از جمله روسیه، ترکیه و اخیرا عربستان دهند.

پشنگ افزود: حضور عربستان سعودی در عراق باعث شده است که این کشور نقش میانجی و ایفای نقش پل میان تهران و ریاض و کاستن تنش میان طرفین را ایفا کند. اگر عراقی‌ها موفق به حل این موضوع شوند طبیعتا نوعی پرستیژ و وزن منطقه‌ای را برای خود خریداری می کنند و خیلی سریعتر به تحولات و رقابت‌های منطقه‌ای باز خواهند گشت. این کارشناس مسائل عراق می گوید: در سفر هیات سعودی به عراق و بلافاصله سفر «عادل عبدالمهدی» به ایران که نوعی پاسخ بازدید سفر «حسن روحانی» به عراق در کمتر از یک ماه می باشد، بغداد با چراغ سبز ایران و عربستان به دنبال تنش زدایی و کاستن تنش بین طرفین در حرکت است.

اهرم‌های گسترش نفوذ عربستان در عراق

پشنگ در این مورد بیان داشت: به طور سنتی اعراب اهل تسنن رابطه نزدیک و حسنه با عربستان سعودی دارند، شیعیان سکولار که در ائتلاف العراقیه هستند و العراقیه را نماد وحدت می دانند رابطه نزدیکی با سعودی‌ها دارند. وی گفت: موضوع دیگر قبایل عشایری و سنتی در عراق است که عربستان نفوذ قابل توجه ای در این مناطق سنی نشین دارد و مناطق نینوا و الانبار از حوزه‌های نفوذ عربستان محسوب می‌شوند. در میان کردها، حزب کردهای دموکرات به رهبری مسعود بارزانی روابط نسبتا خوبی با عربستان دارند. پشنگ همچنین به شیعیان عراق اشاره کرد و گفت: در بین شیعیان هم در طی دو سال اخیر اگر دقت کنیم «مقتدا صدر» که اکنون ائتلاف اول در تشکیل دولت عراق هست خواهان گسترش رابطه با عربستان می‌باشد این اراده، علاقه سیاسی و روابط یکی از حوزه‌های نفوذ عربستان در عراق، جدید است.این کارشناس منطقه بیان داشت: یکی از ابزارهای قدرت سعودی‌ها در عراق سرمایه‌گذاری قابل توجه مالی است و این امری است که عراقی‌ها به شدت به آن نیازمند هستند چه در امر بازسازی و چه در امر خدمات رفاهی به مردم آن کشور که یکی از مهم ترین مشکلات و معضلات دولت عراق در سال‌های اخیر محسوب می شود و این عوامل دست به دست هم داده است که عربستانی‌ها از این ابزارها استفاده کنند و حضور بیشتری داشته باشند. وی همچنین گفت: در این میان نیز تحریم ایران توسط ایالات متحده و افزایش فشارهای اقتصادی منطقه‌ای بر ایران این فرصت را برای سعودی‌ها بیشتر می کند و این تبدیل به فرصتی شده است تا عربستان در عراق حضور بیشتری پیدا کند.

عراق و تعادل سازی در رابطه با ایران، عربستان و آمریکا

اردشیر پشنگ در این زمینه اظهار داشت: عراق در حال حاضر ضلع سوم مثلثی که ایران همیشه یکی از اضلاع می باشد و ضلع دیگر عربستان و آمریکا هستند. روابط پرتنش و پر فشار ایران و آمریکا که عراقی‌ها در این بین قرار گرفته‌اند، عراق از یک سو می کوشد که بین رابطه با ایران و آمریکا تعادل برقرار کند و رابطه با ایران را نیاز دارد و خواهان این است که این رابطه را مدیریت کند و قطع این رابطه برای عراق امکان پذیر نیست. وی به فشار آمریکا بر دولت عراق اشاره کرد و افزود: دولت عراق تحت فشار آمریکاست که رابطه اقتصادی خود را با ایران قطع کند یا در سطح ساختاری کاهش دهد و از طرفی هم رقابت سنگین را بین ریاض و تهران می بیند هر چند نشانه‌هایی از علاقه طرفین برای کاهش تنش وجود دارد اما در حال حاضر امر واقع افزایش تنش بین طرفین و حضور عربستان در ائتلاف منطقه‌ای به رهبری آمریکا هست که فشارها را بر ایران ایجاد کند.این کارشناس منطقه اظهار داشت: در این مقطع کار سیاستمداران با تجربه و پرنفوذ هست و باید دید که عادل عبدالمهدی و مجموعه سیاستمداران فعلی عراق که در قدرت هستند این پتانسیل و توان را دارند که نوعی موازنه در روابط تهران –واشنگتن و تهران –ریاض ایجاد کنند که در این وضعیت نه تهدیدی جانب عراق را بگیرد و منافع ملی عراق تحت الشعاع قرار گیرد بلکه بتوانند از قبل آن منافع بیشتری را بدست آورند. پشنگ افزود: عراقی‌ها از تحت فشار قرار گرفتن ایران به عنوان فرصتی برای افزایش توان و نفوذ منطقه ای خود استفاده می کنند و در عین حال نمی توان نادیده گرفت که این کشور می تواند نقش مثبتی را در روابط اقتصادی با ایران در سطح منطقه ای داشته باشد.به هر حال تعادل سازی یک امر جدی هست و باید دید آیا آقای عبدالمهدی این پتانسیل را دارد که نوعی تعادل سازی در روابط را بوجود آورد یا نه؟

عربستان جایگزین ایران در تامین برق و گاز عراق

پشنگ در این خصوص می گوید: ظرفیت عربستان سعودی، بالا هست، چون محدودیتی در جذب متخصصین و واردات صنایع سنگین و زیربنایی ندارد. به هر حال در بلند مدت عربستان این پتانسیل را داردکه تامین کننده برق و بخشی از انرژی عراقی‌ها باشد اما در کوتاه مدت به نظر می رسد که ظرفیت‌های ایران یک امر جدی و نیاز جدی برای عراق خواهد بود ولی در میان مدت ایران رقابت خیلی شدید و جدی با سعودی‌ها در بازار عراق در پیش خواهد داشت و البته فراموش نشود که کشورهای منطقه‌ای در سطح پایین تر نظیر ترکیه و اردن می توانند رقیب‌های ایران در بازار عراق شوند. این کارشناس مسائل خاورمیانه اظهار داشت: سعودی‌ها که به دنبال رقابت با ایران هستند، عراق را در جامعه اتحادیه عرب می‌بینند و سعی می کنند هویت مذهبی شیعی که بخشی از عراق است را در حاشیه قرار دهند، خود عراقی‌ها و افرادی همانند مقتدا صدر نیز سعی می کنند که از منظر هویت ملی عراقی – عربی وارد مساله شوند و سعودی‌ها به دنبال این سیاست هستند که نفوذ بیشتری در عراق به دست آورندکه این امر می تواند بر قدرت منطقه ای این کشور تاثیرگذار باشد.

بغداد در میدان رقابت سعودی‌ها با ایران چگونه بازی می کند؟

سفر نخست وزیر عراق به ایران جدا از مسائل مربوط به روابط دوجانبه، تحلیل و گمانه زنی‌هایی را در زمینه امکان میانجیگری بغداد بین تهران و ریاض و الزامات آن به دنبال داشت.«عادل عبدالمهدی» نخست وزیر عراق به تهران رفت و در مجموعه فرهنگی- تاریخی سعدآباد مورد استقبال رسمی رئیس‌جمهوری قرار گرفت. ایران به عنوان نخستین مقصد عبدالمهدی در سفر منطقه‌ای وی انتخاب شد و قرار است او در آینده نزدیک به عربستان و ترکیه نیز سفر کند. سفر نخست وزیر عراق به تهران در حالی انجام شد که کمتر از یک ماه پیش «حسن روحانی» در صدر هیاتی بلندپایه به عراق سفر کرده بود. طی ماه‌های اخیر هم «برهم صالح» رئیس‌جمهوری و «محمد الحلبوسی» رئیس مجلس عراق در جریان دیدار از ایران و رایزنی با مقامات جمهوری اسلامی درباره مسائل مختلف از جمله تحریم‌های آمریکا دیدار و گفت وگو کردند وعزم جدی دولتمردان عراقی را برای توسعه روابط با تهران در راستای منافع دو طرف نشان دادند. سفر نخست‌وزیر عراق به تهران در شرایطی انجام شد که طی روزهای گذشته، هیاتی عربستانی به همراه گروهی از بازرگانان و فعالان اقتصادی سعودی به بغداد سفر کردند و در این سفر افزون بر پیشنهاد کمک ۱٫۵ میلیارد دلاری پادشاه سعودی برای احداث یک ورزشگاه در عراق، طرح ۱۸۶ فرصت سرمایه‌گذاری و تاسیس منطقه آزاد تجاری از سوی عربستان به عراق ارائه شد. از این رو، سفر عبدالمهدی به تهران بلافاصله بعد از سفر هیات سعودی به بغداد می‌تواند حضور نخست‌وزیر عراق در تهران را حائز اهمیتی ویژه بدارد.

روابط ایران و عراق تقویت می شود

به نوشته تارنمای «میدل ایست انلاین»، ایران و عراق روابط تنگاتنگی دارند. ایران دارای نفوذ گسترده ای میان جریان‌های سیاسی و نظامی عراق است. این کشور خود را به عنوان یک شریک تجاری مهم برای عراق معرفی کرده است و برای برقراری روابط استوار با عراق بر پایه منافع مشترک تلاش می کند. سفر عادل عبدالمهدی نخست وزیر عراق به ایران در شرایطی صورت گرفت که آمریکا به عراق فشار وارد کرده است تا به روابط خود به ویژه در زمینه واردات انرژی از ایران پایان دهد. این فشارها در شرایطی است که محمد الحلبوسی رئیس پارلمان عراق در سفر اخیر خود به واشنگتن اعلام کرد که عراق برای تامین انرژی به ویژه برق باید دستکم به مدت سه سال به ایران تکیه کند. ایران یکی از بزرگترین صادر کنندگان به عراق است و این دو کشور افزایش سطح مبادلات تجاری از ۱۲ میلیارد دلار در سال به ۲۰ میلیارد دلار را هدف گذاری کرده اند.

به نوشته روزنامه «الشرق الاوسط» عربستان، «احسان الشمری» رئیس اندیشکده سیاسی عربستان گفته سفر عادل عبدالمهدی به ایران جدا از نشست سه جانبه اخیر وی با «عبدالفتاح السیسی» رئیس جمهوری مصر و «عبدالله دوم» پادشاه اردن در قاهره نیست. اما سفر وی به ایران نشان می دهد که هنوز برخی از تفاهمنامه‌هایی که در سفر روحانی به عراق صورت گرفت به ویژه تفاهمنامه‌های اقتصادی، موضوع تحریم‌ها و چگونگی برخورد با آنها و مبادلات تجاری، موضوع انرژی و مسائل مرزی تکمیل نشده است و ایران به عراق به عنوان پلی نگاه می‌کند که می‌تواند در حل بحران‌های منطقه به ویژه نزدیک‌سازی دیدگاه‌های ایران و کشورهای عربی به ویژه عربستان نقش آفرینی کند. نتایج سفر عبدالمهدی به ایران هنوز آشکار نیست و با سفر آینده عادل عبدالمهدی به عربستان این نتایج آشکارتر خواهد شد.

عراق بین تهران و ریاض وساطت می‌کند؟

به نوشته روزنامه «العربی الجدید» چاپ لندن، سفر عبدالمهدی به ایران درهای گفت و گو درباره وساطت عراق برای نزدیک سازی دیدگاه‌های ریاض و تهران را گشوده است؛ به ویژه این سفر در شرایطی صورت گرفت که چند روز پیش «نبیه بری» رئیس مجلس لبنان در جریان سفر خود به عراق از این میانجیگری و نقش منطقه ای عراق سخن به میان آورد. در این زمینه «علی الرفیعی» عضو جریان حکمت عراق هم به العربی الجدید گفت: عادل عبدالمهدی در سفر خود به تهران می تواند برای نزدیک سازی دیدگاه‌های ایران و عربستان و دیگر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس تلاش کند. عراق پس از شکست داعش دیگر یک کشور منزوی در منطقه نیست. وارد نشدن عراق در محوربندی‌های منطقه ای سبب شده است این کشور در روابط خود با کشورهای منطقه قدرت مانور داشته باشد. ایران و عراق دارای پرونده‌های مشترکی مانند مسائل مرزی و منافع دوجانبه اند. ایرانی‌ها در پس از اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ میلادی در تشکیل نظام سیاسی عراق نقش برجسته ای بازی کردند. به نوشته تارنمای «العهد» لبنان، بیشتر مردم عراق بر این باورند که عربستان هزاران تروریست تکفیری را به عراق اعزام کرده تا خود را در خیابان‌ها، بازارها، مدارس و بیمارستان و ایستگاه‌های مسافربری منفجر کنند و مردم عراق را به خاک و خون بکشند. این کشور از تریبون‌های تروریستی که فتواهای تکفیری صادر می کردند، حمایت کرد. اکنون که این کشور برای برقراری روابط با عراق تلاش می کند برای اینکه حسن نیت خود را نشان دهد و از اشتباهای گذشته خود چشم پوشی کند و وارد مرحله جدیدی از روابط خود با عراق شود که با گذشته متفاوت باشد، باید به اشتباهات گذشته خود در برخورد با عراق اعتراف کند و جلوی فتواهای نهادهای وهابی‌ها علیه شیعیان را بگیرد. روزنامه «رای الیوم» چاپ لندن در گزارشی چنین نگاشت: در شرایطی که عراق درباره بسیاری از مسائل منطقه‌ای سیاست بی طرفانه ای در پیش گرفته است اگر ریاض تلاش می کند بر سیاست‌های عراق تاثیر گذارد باید در روابط خود با ایران بازنگری کند. عربستان چه بخواهد و چه نخواهد روابط ایران و عراق بسیار مستحکم است. اگر عربستان بتواند روی برخی از جریان‌های عراق تاثیر گذارد این به معنای آن نیست که این کشور می تواند بغداد را به مسیری بکشاند که خود عراقی خواهان آن نیستند.

سفر عبدالمهدی به تهران، تاکیدی بر اهمیت مناسبات عراق و ایران

کارشناسان مسائل منطقه معتقدند سفر عادل عبدالمهدی نخست وزیر عراق به ایران نشانگر آن است که مقامات بغداد و تهران در مسیر گسترش بیش از پیش روابط تجاری و اقتصادی جدیت دارند.روحانی، رئیس جمهور کشورمان در نشست خبری مشترک با عبدالمهدی گفت: محورهای مذاکره با نخست وزیر عراق شامل بحث درباره توافقات به دست آمده در سفر اخیرش به بغداد، افزایش مبادلات تجاری و اقتصادی، لایروبی اروندرود، اتصال راه آهن شلمچه و بصره، است.با توجه به اهمیت سفر نخست وزیر عراق به کشورمان، پژوهشگر ایرنا با «فرزان شهیدی» کارشناس مسائل عراق به گفت وگو نشست.

توسعه مبادلات اقتصادی تهران-بغداد

شهیدی در این گفت و گو بیان داشت: هدف اصلی از سفر نخست وزیر عراق به تهران توسعه و تقویت مناسبات اقتصادی بین دو کشور است گرچه رابطه در این زمینه وجود داشته اما مطلوب نبوده است.وی اظهار داشت: این اولین سفر عادل عبدالمهدی در مقام نخست وزیر به ایران است و علاوه بر یک هیات بلندپایه اقتصادی، وزرای نفت،امور خارجه، دارایی، تجارت، برنامه ریزی، برق و منابع آبی، و نیز مشاور امنیت ملی، رییس ستاد ارتش، قائم مقام وزیر کشور، رییس گذرگاه‌های مرزی و برخی از نمایندگان پارلمان عراق، وی را همراهی می کنند و این امر نشان می‌دهد سطح سفر در سطح بالایی صورت گرفته است.این کارشناس منطقه افزود: در این سفر دو طرف مصمم به توسعه روابط تجاری و اقتصادی و افزایش حجم مبادلات از ۱۲میلیارد دلار به ۲۰میلیارد دلار هستند و تسهیل روابط بانکی و اجرای توافقات در این راستا می تواند یک فرصت بزرگ برای دو دولت، دو ملت و فعالان اقتصادی بوجود می آورد.



بازسازی عراق محور مذاکرات

شهیدی کارشناس مسائل عراق در این مورد می گوید: ایران در نظر دارد در بازسازی عراق در دوران پسا داعش نقش فعالی داشته باشد اما حضور ایران در هر سطح در عراق خوشایند آمریکا نبوده و نیست و سفر نخست وزیر عراق به کشورمان فرصت مناسبی برای شرکت‌های مهندسی و ساختمانی ایران برای حضور در عراق است.وی افزود: مقامات عراقی نیز بارها از تمایل خود برای حضور دولت‌ها و بخش خصوصی کشورهای همسایه بخصوص ایران در روند بازسازی عراق خبر داده اند .این کارشناس مسائل عراق در ادامه یادآور شد: عراق در مرحله پسا داعش قرار دارد و از جنگ سختی بیرون آمده و بسیاری از زیر ساخت‌های این کشور نابود شده است و در حوزه بازسازی ایران با توجه به تجاربی که در این زمینه دارد می تواند کمک شایانی برای ترمیم زیر ساخت‌های عراق بنماید و در خلال این سفر بحث بازسازی به صورت جدی مطرح می شود.وی همچنین گفت: رقابت برای بازسازی در عراق سنگین است و دولت‌های ترکیه و چین نیز خواهان حضور گسترده برای بازسازی در این کشور هستند و البته دولت عربستان نیز ادعاهای در این زمینه دارد اما عملا نمی تواند در این زمینه با ایران رقابت کند. وی اظهار داشت: ما باید به دنبال روزنه‌ها و ظرفیت‌ها باشیم تا بتوانیم نسبت به بقیه رقبا در بازار عراق موفق شویم و فرصت پیش آمده می تواند به سرمایه گذاری ایران در بازار عراق کمک نماید.

روابط تهران- بغداد و رفع ایران هراسی در منطقه

شهیدی همچنین اضافه کرد: ایران هراسی برنامه راهبردی ایالات متحده و هم پیمانانش در منطقه است و آنها به دنبال این سیاست هستند که ایران تهدید بزرگی برای خاورمیانه است و با ایجاد تبلیغات علیه کشورمان به دنبال تخریب و منزوی کردن جمهوری اسلامی هستند و رابطه با عراق می تواند برای خنثی نمودن سیاست ایران هراسی در منطقه تاثیر گذار باشد.وی بیان داشت: عراق سیاست خوبی را در برخورد با همسایگان خود بخصوص ایران دنبال می کند، مقامات این کشور تاکید کرده اند که سیاست متوازن را با همه همسایگان تعقیب می کنند و با توجه به اینکه مرز طولانی بین ایران و عراق وجود دارد، وجود مشترکات تاریخی ، فرهنگی و مذهبی بین دو ملت ایران و عراق نیز حائز اهمیت است.وی افزود: روابط دو کشور می تواند الگو باشد و پیام این است که ایران هراسی را که دشمن در منطقه ایجاد کرده است را تحت الشعاع قرار دهد و بر آن غلبه کند .

مخالفت آمریکا از روابط تهران- بغداد

این کارشناس منطقه بیان داشت: حضور فعال ایران در عراق می‌تواند برگ برنده برای تهران در مقابل آمریکا تلقی شود زیرا واشنگتن از دولت عراق می خواهد که روابط سیاسی و اقتصادی خود را با ایران کاهش دهد اما بغداد هرگز به خواسته دولت امریکا عمل نکرده است و این سفر دستاوردهای مهمی برای کشورمان در همه زمینه‌ها اعم از سیاسی و اقتصادی محسوب می شود.وی در ادامه اظهار داشت: دشمنان ما در منطقه تاب و تحمل روابط سیاسی تهران – بغداد را ندارند و به دنبال مانع تراشی و سنگ اندازی در این روابط هستند و دو طرف بخصوص طرف عراقی عزم جدی برای تقویت این روابط با همسایه بزرگ شرقی خود دارد.

صالحی: روز ملی خلیج فارس، روز شناسنامه هویتی مردم ایران است

سرویس شهرستانها: وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در فرودگاه بندرعباس گفت:روز ملی خلیج فارس، روز شناسنامه هویتی مردم ایران زمین است.

سید عباس صالحی افزود: مردم هرمزگان در نمادسازی هویت ملی خلیج فارس واعتلای آن در طول تاریخ و امروز نقش زیادی داشته اند.

وی گفت: در شرایط فعلی که دشمنان به گمان خود برای مردم مشکلاتی ایجاد کرده‌اند مردم استان هرمزگان حریم امنی برای امنیت ایران و خلیج فارس هستند.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی افزود: امسال به لحاظ شرایط خاص سیاسی و منطقه‌ای برنامه‌های متنوع و گسترده‌ای برای گرامیداشت روز ملی خلیج فارس تدارک دیده شده است.

سخنرانی در نهمین جشنواره فرهنگی ـ هنری خلیج فارس، دیدار با نماینده ولی فقیه در هرمزگان، رونمایی از کتاب سدید السلطنه، بازدید از مجتمع فرهنگی بوکتاب در بندرعباس، غبارروبی گلزار شهدای بندرعباس و دیدار با استاد سلیمان ایرانمنش پیشکسوت و ترانه سرای هرمزگانی از برنامه‌های سفر وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به هرمزگان بود.

پرچم جمهوری اسلامی ایران به مناسبت روز ملی خلیج فارس برفراز ناو سهند در آب‌های خلیج فارس برافراشته شد.

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی هرمزگان گفت: این مراسم با هدف گرامیداشت روز ملی خلیج فارس در آب‌های خلیج فارس در نزدیکی جزیره هرمز برگزار شد.

رضا زرکانی افزود: در این مراسم مسئولان استانی و چندهنرمند حضور داشتند.

نهمین جلسه دادگاه متهمان پرونده پتروشیمی

سرویس خبر: نهمین جلسه محاکمه مدیرعامل سابق شرکت بازرگانی پتروشیمی و ۱۳ متهم دیگر به ریاست قاضی مسعودی مقام در شعبه سوم دادگاه ویژه رسیدگی به اخلالگران نظام اقتصادی برگزار شد.

در جلسه دادگاه قاضی اتهام‌های متهم علی اشرف ریاحی را قرائت کرد و وی در جایگاه حاضر شد و گفت: در سایت‌ها اعلام کردند که بنده نسبت خویشاوندی دارم و داماد وزیر سابق صنعت هستم، اما سال ۹۵ این رابطه خویشاوندی ایجاد شده است و از آن موقع هیچ قراردادی نبسته ام.

او افزود: تخصص بنده انجام معادلات اولیه طرح‌ها، نظارت بر فرآیند خرید، راه‌اندازی نفت است، یعنی از جایی که بازرگانی پتروشیمی وارد می‌شود کار ما تمام می‌شود. سال ۸۹ بنده به عنوان مشاور فنی در امور طرح‌ها و تدارکات در شرکت بازرگانی پتروشیمی دعوت به همکاری شدم، حضور بنده در شرکت بازرگانی پتروشیمی پاره وقت بود و ساعتی سی هزار تومان دستمزد می‌گرفتم و اتاق و میزی نیز نداشتم.

متهم گفت: از آنجا که ما شرکت خصوصی بودیم توانستیم در لیست مورد تأیید شرکت بازرگانی پتروشیمی، شرکت ملی گاز، شرکت ملی نفت، پالایش و پخش قرار بگیریم و سال ۸۶ در فرآیند مناقصه از شرکت ملی پارس به عنوان مدیر نظارت انتخاب شدم که وظیفه ما در حوزه خشکی بود و ربطی به دریا نداشت.

قاضی در پاسخ به اظهارات وکیل مدافع متهم حسین شیرعلی مبنی بر اینکه موکلش به دلیل بیماری خونی در دوبی تحت درمان است، گفت: به او اخطار داده بودیم که در دادگاه حاضر شود، این بیماری ناگهان ایجاد شده است، اگر موعد مقرر یک ماهه تمام شود وثیقه ۱۳ میلیاردی وی که ویلایی در لواسان است ضبط خواهد شد.

خسارت سیل به ۳ هزار و ۱۱۴ واحد صنفی و صنعتی لرستان

سرویس شهرستانها: وزیر صنعت و معدن و تجارت با هدف بازدید از واحدهای صنعتی، تولیدی خسارت دیده از سیل درپلدختر و نیز کلنگ زنی چند طرح تولیدی وارد لرستان شد.

وزیر صنعت در بدو ورود از واحدهای صنعتی، معدنی و صنفی آسیب دیده از سیل در پلدختر دیدن کرد.

شرکت در جلسه ستاد تسهیل و رفع موانع تولید و شورای گفتگوی بخش خصوصی و دولت از برنامه‌های این سفر بود.

همچنین عملیات ساخت طرح تولید کاغذ از سنگ در الیگودرز با مشارکت ایمیدرو با حضور وزیر صنعت آغاز شد.در لرستان ۳ هزار واحد صنفی و ۱۱۴ واحد صنعتی بر اثر سیل دچار خسارت شدند.

معاون اول قوه قضائیه: نظارتی بر شرکت‌های صوری نیست

سرویس خبر: معاول اول رئیس قوه قضائیه بااشاره به ثبت شرکت‌های صوری با تخلفات فراوان به تعداد زیاد در سال‌های اخیرگفت: چه کسی بر این شرکت‌ها نظارت دارد؟ در پرونده‌های مفاسد اقتصادی با موارد عدیده‌ای از این دست مواجه هستیم. خود فرد ثبت‌کننده شرکت، هیچ چیز از تجارت نمی‌داند و اصلا اطلاع ندارد شرکتی به نام او شده است. حتماً در این ارتباط، نواقص قانونی داریم. ازرئیس سازمان ثبت اسناد و املاک می‌خواهم در این خصوص از دستگاه‌های نظارتی مثل سازمان بازرسی، وزارت اطلاعات آسیب‌شناسی لازم را بگیرند واگر نیاز به قانون است از دولت و مجلس بخواهند.

حجت‌الاسلام والمسلمین غلامحسین محسنی اژه‌ای در مراسم تودیع و معارفه رؤسای سازمان ثبت اسناد واملاک کشور به ثبت شرکت‌ها در مناطق آزاد اشاره کردو افزود: آنچه امروز در مناطق آزاد ثبت می‌شود با شرایط سازمان ثبت تفاوت دارد. قطعا مناطق آزاد شرایط خاصی دارند اما این به معنای رها کردن نیست و باید برای آن چاره‌ای اندیشید.

او گفت: سازمان ثبت، سازمانی است که اثر وجودی آن روی کل کشور تاثیر دارد و دولت و مجلس بدانند اگر این سازمان را تقویت کنند می‌تواند اعتماد مردم را به قوه قضائیه و حتی دولت و مجلس بیشتر کند.

محسنی اژه‌ای اظهارداشت: اگر روی اسنادی که سازمان ثبت در اختیار دارد رسیدگی درست شود، از تشکیل حجم زیادی از پرونده‌ها جلوگیری می‌شود.

وی با اشاره به این که وظیفه دولت این است که به مردم خدمات کم هزینه و بدون منت ارائه دهد، اضافه کرد: رئیس جدید سازمان ثبت باید ببیند آیا می‌تواند روی اجرائیات اسناد تجدید نظر کند؟ و اگر نیاز به قانون باشد اقدام کند.

او افزود: حتما نسبت به اعتباربخشی به اسناد عادی باید تجدیدنظر کنیم و اعتبار اصلی را به سند رسمی بدهیم و اگر هم لازم است با راهکارهای قانونی جلو برویم و نسبت به این مساله یک اقدام عاجل شود.

وی تأکید کرد: در رابطه بنگاه‌های معاملاتی و سازمان باید تعریف روشن انجام گیرد. بسیاری از مشکلات ما براساس قولنامه‌ها از لحاظ شکلی و محتوایی است و بسیاری از دعواها به خاطر این مساله است که مشکلات زیادی را برای مردم ایجاد کرده است.



*** استفاده از سند مجعول در ثبت اسناد به صفر رسید**

رئیس سابق سازمان ثبت اسناد و املاک کشور هم گفت: امروز زمینه فساد برای بسیاری از دلالان در سازمان از بین رفته است. البته منکر وجود فساد نیستم زیرا افراد مفسد همواره دنبال راهی برای فساد هستند ولی استفاده از سند مجعول در سازمان ثبت به صفر رسیده است.

احمد تویسرکانی در مراسم تودیع خود گفت: خوشحالم که پس از ده سال خدمت تصویر ذهنی مردم و جامعه از سازمان ثبت، سازمان مخروبه و تعدادی میز و صندلی شکسته نیست.

وی گفت: همه اذعان دارند سازمان ثبت اسناد با گذشته متفاوت شده و بسیاری از دفترنویسی‌ها و کاغذبازی‌ها حذف شده است. امروز دیگر شاهد صف‌های طولانی در مقابل ادارات ثبت نیستیم و حضور دلالان و مفسدان کاهش یافته یا حذف شده است. امروز مفسدان و متخلفان می‌دانند که دزدیدن پرونده ثبتی و آتش زدن یک دفترخانه نمی‌تواند سبب تضییع حقوق دولت و مردم شود.

رئیس جدید سازمان ثبت اسناد واملاک کشور هم گفت: امروز بسیاری از دعواها بر سر قراردادهایی معمولی است که در بنگاه‌های املاک نوشته می‌شود.بسیاری از پرونده‌ها ناشی از تداخل مرزهای زمین‌های افراد با هم است که اگر ثبت اسناد با سرعت و دقت انجام شود سبب رونق اقتصادی می‌شود.

ذبیح‌الله خدائیان گفت: از جمله اقدامات ما تکریم همکاران و مراجعه کنندگان است وما باید محیطی امن در سازمان ثبت ایجاد کنیم و اجازه ندهیم افرادی از درون یا بیرون سازمان حیثیت این سازمان را از بین ببرند.

در این مراسم ذبیح‌الله خدائیان با حکم رئیس قوه قضائیه رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور شد.

انفجار تونل درجاده کندوان ۳ کشته و ۱۱ مصدوم داشت



سرویس شهرستانها: سخنگوی سازمان اورژانس کشور از ریزش یک تونل کارگاهی در آزادراه تهران ـ شمال خبر داد وگفت:سه نفر در این حادثه جان خود را از دست دادند.

مجتبی خالدی اظهار داشت: حوالی سیاه بیشه، قبل از پل زنگوله، تونل کارگاهی در آزادراه تهران ـ شمال در عمق یکهزار و ۵۰۰ متری دچار ریزش شد و شماری از کارگران در آن محبوس شدند.

وی افزود: با اعلام حادثه به سامانه ۱۱۵ تکنیسین‌های اورژانس و یک فروند بالگرد به محل اعزام شدند.

معاون امداد و نجات جمعیت هلال احمر مازندران هم گفت: به دنبال این حادثه پنج گروه امداد و نجات با امکانات اولیه و۳ خودرو آتش نشانی به همراه ادوات راهداری در محل حادثه حضور یافتند و اقدام به خارج کردن گاز متان و مواد دودزا کردند.

شاهین فتحی افزود:در این حادثه ۱۱ نفر دچار حادثه و هشت نفر از آنها دچار مصدومیت شدند.

وی افزود:سه نفر به صورت سرپایی درمان و ۴ نفر با سوختگی ۶۰تا۱۰۰درصدی توسط بالگرد به مراکز درمانی منتقل شدند.

او با بیان این‌که یک نفر توسط آمبولانس هلال احمر به بیمارستان منتقل شده است افزود: این حادثه ۳ فوتی داشت.

*** نشت گاز متان، علت حادثه اعلام شد**

فرماندار چالوس گفت: نشت گاز متان سبب اشتعال و انفجار و منجر به ریزش تونل جاده آزادراه تهران–شمال شد.

محمد ناصر زندی در ارتباط با حادثه تونل البرز اظهار داشت : در حادثه انفجار در تونل البرز جاده چالوس، جمعی از کارگران که در آنجا مشغول به کار بودند کشته و مجروح شدند. وی با بیان این که علت انفجار نشت گاز متان در تونل بوده است، افزود: نشت گاز متان سبب اشتعال و انفجار در تونل و منجر به ریزش تونل شد، همچنین موج انفجار نیز سبب شد تا شماری از کارگران کشته و مجروح شوند.

*** جزئیات از زبان مدیر پروژه**

مدیر پروژه آزادراه تهران ـ شمال گفت: حادثه آتش‌سوزی در عمق دو هزار متری ورودی شمالی تونل منطقه ۲ آزادراه ۳ فوتی و ۱۱نفر مصدوم داشت که سه نفر به‌صورت سرپایی مورد مداوا قرار گرفتند.

سید بهلول حسینی افزود: آتش‌سوزی ساعت ۹/۳۰ دیروز و در عمق ۲هزار متری ورودی شمالی تونل منطقه ۲ آزادراه رخ داد.

مدیر پروژه آزادراه تهران ـ شمال اضافه کرد: از میان مصدومانی که به بیمارستان منتقل شدند حال یک نفر وخیم گزارش شده است.

اسماعیلی: اموال متهمان سکه ثامن با مطالبات مالباختگان برابر نیست

سرویس خبر: سخنگوی قوه قضائیه گفت: میزان اموال شناسایی شده از متهمان سکه ثامن در مقایسه با مطالبات شکات برابر نیست و کفاف بدهی‌ها را نمی‌کند.

غلامحسین اسماعیلی افزود:روی این پرونده هنوز کار تحقیقاتی انجام می‌شود و در نظر داریم تدابیری اتخاذ کنیم و جلساتی برگزار شود تا بتوانیم در نخستین فرصت و قبل از شروع مراحل رسیدگی، اموال متهمان که در توقیف است، بین ذینفعان پرونده تقسیم شود. وی درباره علت طولانی شدن روند رسیدگی به این پرونده گفت: این پرونده ابعاد گسترده‌ای دارد و از طرف دیگر میزان اموال شناسایی شده از متهمان در مقایسه با مطالبات شکات برابر نیست و کفاف بدهی‌ها را نمی‌دهد. سخنگوی قوه قضاییه اضافه کرد: ضمن این‌که بسیاری از مالباختگان به مرور شکایت خود را مطرح می‌کنند؛ یعنی برخی افراد از روز اول اقدام و شکایت کردند و بقیه مالباختگان به تازگی در حال مراجعه و شکایت هستند. اسماعیلی در رابطه با پرونده فردی که ماشین سازی تبریز را خریداری کرده و درحال حاضر به اتهام اخلال دربازار ارز به ۲۰ سال زندان محکوم شده است، اظهار داشت: پرونده اخلال ارزی این فرد ارتباطی به بحث خصوصی‌سازی ندارد و ناظر بر دادوستد ارز خارج از شبکه و فعالیت بسیار گسترده در حوزه ارزی است و بابت آن دادگاه تشکیل شد و رأی صادر کرد.

*** برخورد با مقصران سیل**

رئیس سازمان بازرسی کل کشورهم درپاسخ به سوال خبرنگار ما که آیا برای مسئولان عالی درخصوص قصور وتقصیر درحادثه سیل پرونده‌ای تشکیل شده است یانه گفت: برای هر کسی که در سیل اخیر قصور و تقصیر داشته باشد، پرونده تشکیل می‌شود. ناصر سراج در رابطه با پرونده خودروسازان گفت: خودروسازان قیمت‌ها را بسیار بالا برده اند.

دستور رئیس قوه قضائیه برای راه‌اندازی سامانه ثبت اموال مسئولان

سرویس خبر:معاون فناوری اطلاعات قوه قضائیه از دستور رئیس قوه قضائیه برای راه‌اندازی سامانه ثبت و ضبط اموال مسئولان کشور خبر داد و گفت: آیین‌نامه این سامانه به‌زودی ابلاغ می‌شود.

حجت‌الاسلام والمسلمین حمید شهریاری افزود: باابلاغ آئین‌نامه توسط رئیس قوه قضائیه همه مسئولان در راستای حفظ بیت‌المال موظف به ثبت و ضبط دارایی‌های خود در این سامانه هستند.

وی در خصوص فعالیت قاتل حجت‌الاسلام مصطفی قاسمی طلبه همدانی در شبکه اینستاگرام با انتقاد از اینکه هیچ تدبیر شایسته‌ای در حوزه اجرای فضای مجازی که بتواند جامعه را از این امور در امان بدارد مشاهده نمی‌شود، گفت: نیاز به سرمایه‌گذاری در حوزه فضای مجازی داریم و اولین سرمایه‌گذاری هم توجه مدیران ارشد اجرایی به این حوزه است تا از این رهاشدگی و بی‌انضباطی خارج شود.

او گفت: رها نکردن فضای مجازی به‌معنای کنترل اشخاص در این فضا نیست، بلکه به‌معنای داشتن انضباط اجتماعی است به‌گونه‌ای که معلوم باشد چه‌کسی به این فضا داخل و از آن خارج می‌شود.

شهریاری با بیان این‌که نباید اجازه داد فضای مجازی ابزاری برای قتل و غارت باشد، از این‌که هیچ ابزاری برای شناسایی افراد ناباب در این فضا وجود ندارد، انتقاد کرد و افزود: این مطالبه مردم از ماست که انضباط اجتماعی را برقرار کنیم و آنها از ما حاکمان و پلیس نمی‌پذیرند که یک دزدی بیاید شیشه مغازه را بشکند و کسی هم نتواند پیدایش کند. ما اگر مدیران لایقی باشیم باید بتوانیم فضای مجازی را تحت مدیریت و انضباط درآوریم و نه این‌که افراد را کنترل کنیم.

معاون رئیس قوه قضائیه درباره این‌که آیا بین مسئولان اختلافی بر سر انضباط‌بخشی به فضای مجازی وجود دارد یا خیر، گفت: در بسیاری از موضوعات اختلاف وجود دارد از جمله نوع مدیریت فضای مجازی. البته هیچ مسئولی نمی‌گوید که فضای مجازی رها باشد و همه به نوعی انضباط‌بخشی به آن قائلند،اما محل اختلاف مسئولان در تعریف این انضباط و نوع اجرایی شدن آن است؛ آقای رئیس‌جمهوری، وزیر ارتباطات و برخی از وزراء نظر خاصی دارند و برخی از افراد حقیقی عضو شورای عالی فضای مجازی نیز نظرات خاصی در این زمینه دارند.

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰
ایمیل خط ارتباطی : ertebat@ettelaat.com

چند نکته درخور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می کنیم:
- * موضوع پیام‌ها جنبه‌های خصوصی، حقوقی و یا قضایی نداشته باشد.
- * پیام‌ها مختصر و دقیق باشد و از تکرار آن‌ها خودداری شود.
- * خوانندگان محترم شهرستانی در پیام‌هایشان، نام شهرستان مربوطه را بیان فرمایند.
- * چاپ پیام‌ها براساس نوبت است.

با تشکرـ سرویس ارتباطات مردمی

متخصصان زنان به مناطق سیلزده اعزام شوند

حادثه سیل اخیر در برخی از شهرستان‌ها خسارات مالی و جانی فراوانی برجای گذاشته و بیشترین آسیب‌های روحی و جسمی به کودکان و زنان سیلزده وارد شده است... با توجه به آلودگی‌های جسمانی ناشی از گل و لای که برای زنان و دختران سیلزده به وجود آمده است، از انجمن متخصصان بیماری‌های زنان و زایمان تقاضا می‌شود با هماهنگی وزارت بهداشت و درمان اکیپی از پزشکان داوطلب را برای معاینه و مداوای بانوان به مناطق سیل‌زده اعزام کنند.

پزشک متخصص زنان و زایمان

برای زندانیان مهریه چاره اندیشی کنند

در حالی که با مساعدت مسئولان قضایی در شهرهایی مانند مشهد و یزد کمتر جوانی به دلیل عدم توانایی پرداخت مهریه در زندان است، در بازداشتگاه اوین حتی فقط برای ۵ سکه افرادی چند ماه و حتی یک سال زندانی هستند که برای آزادی آنان باید چاره‌اندیشی شود. اغلب ما زندانیان مهریه که نه کلاهبرداریم و نه جرایم اقتصادی دیگری داریم صرفاً به دلیل این که نمی‌دانستیم تعیین مهریه‌های سنگین ما را در برابر آن بدهکار می‌کند و همچنین به دلیل این که والدین ما در این مورد تذکرات لازم را نداده بودند، مدت‌ها باید زندانی باشیم که در این میان مساعدت قضات محترم دادگاه‌ها می‌تواند کارساز باشد.

مددجوی سالن ۱ اندرزگاه ۴ اوین

به وجود چنین انسانی‌هایی باید افتخار کرد

پس از مدت‌ها فرصت دیگری دست داد تا نوروزنامه امسال روزنامه اطلاعات را بخوانم که توجهم به گفتگوی آقای محمد داودبیگی با خانم دکتر یکتا پناه‌پور جلب شد. از خواندن این مصاحبه از یک طرف دلم به درد آمد که چرا در مناطق محرومی مانند سیستان و بلوچستان تا این اندازه فقر و محرومیت وجود دارد و از سوی دیگر افتخار کردم در کشورمان انسان‌های بزرگ و نیکوکاری مانند دکتر پناه‌پور وجود دارند که با تمامی وجود و توان در خدمت رفع نیازهای محرومان هستند که شاید بتوان این افراد را «فرا انسان» نامید.

خواننده روزنامه اطلاعات

گزارشگر شبکه۳ سیما حامی تیم فوتبال رقیب بود!

گزارشگر ورزشی شبکه ۳ سیما در زمان پخش مسابقه فوتبال تیم‌های پرسپولیس و الاهلی عربستان با صراحت تمام به طرفداری و حمایت از تیم رقیب می‌پرداخت! چرا باید برخی از مفسران و گزارشگران ورزشی که علاقه‌مند به تیم‌های خاص هستند و یا اطلاعات ورزشی کافی درباره برخی از رویدادهای ورزشی ندارند، برای گزارش بازی‌های مهم و حساس انتخاب شوند؟ امیدواریم حداقل مسئولان وزارت ورزش و جوانان در مورد این گونه مسائل حساسیت بیشتری داشته باشند و نکات لازم را به مسئولان برنامه‌های ورزشی صداوسیما یادآوری کنند.

بانوی علاقه‌مند به ورزش فوتبال

وضعیت استخدامی معلمان حق‌التدریسی مشخص شود

در یکی از مدارس روستاهای آذربایجان غربی حدود ۵ سال است که به صورت حق‌التدریسی با دریافت حقوق اندک و بدون مزایا و پاداش مشغول به کار هستم، متأسفانه در این مدت علیرغم وعده‌های متعدد برای استخدام معلمان حق‌التدریسی تاکنون هیچ اقدامی در زمینه تغییر وضعیت آنان صورت نگرفته است، باتوجه به کمبود معلم در تمامی مقاطع تحصیلی از وزارت آموزش و پرورش درخواست بررسی و تعیین تکلیف معلمان حق‌التدریسی را دارم.

معلم حق‌التدریسی از آذربایجان غربی

بانک مرکزی شاخص‌های خود را اعلام نکرده است

بعد از ۸ سال دوندگی و پیگیری پرونده‌ام موفق به گرفتن حکم دادگاه شدم، اما اجرای حکم منوط به اعلام شاخص‌های بانک مرکزی شده است. به گفته مسئولان اجرائیات دادگاه چند ماهی است که بانک مرکزی شاخص‌های خود را اعلام نکرده است، آیا انصاف است پس از سال‌ها تلاش و دوندگی حالا که زمان اجرای حکم فرا رسیده است، بانک مرکزی در انجام وظایف خود تعلل کند؟

تلفن به خط ارتباطی

خط ارتباطی: علیرغم تذکر متناوب به خوانندگان عزیز در مورد بیان کامل پیام‌هایشان، متأسفانه پیام دهنده بالا هیچ اطلاعاتی درباره محتوای حکم صادره درباره پرونده خود را بیان نکرده است.

درمان دردها را در کجا بجوییم؟

از خواندن یادداشت سردبیر روزنامه اطلاعات با عنوان «عدو شود سبب خیر» بسیار لذت بردم، آقای خانی با قلم روان خود مسایل و مشکلات تحریم‌های کشورمان را به درستی یادآوری و در واقع تمامی دردها را بیان کرده بودند، اما درمان این دردها را در کجا بجوییم؟ امیدواریم دولتمردان با مطالعه این گونه مقالات درصدد رفع و جبران خسارات وارده بر اقتصاد کشورمان باشند.

خواننده روزنامه اطلاعات

این مقاله‌ها برای دوستداران ادب فارسی جذاب است

از چاپ مقاله سودمند و با ارزش «شاعری بر بلندای عشق و آزادگی» در صفحه وادی ادبیات روزنامه اطلاعات به قلم خانم پوراندخت برومند، تشکر و قدردانی می‌کنم. چاپ این گونه مطالب ادبی و بررسی و تحلیل مجموعه غزلیات شاعران، برای دوستداران ادبیات و زبان فارسی بسیار خواندنی و جذاب است.

دوستدار شعر و ادبیات فارسی

قیمت کتاب‌ها را هم چاپ کنید

ضمن سپاس از معرفی کتاب‌های انتشارات موسسه اطلاعات در صفحه اول روزنامه درخواست دارم که قیمت کتاب‌ها را نیز همراه معرفی آن‌ها چاپ کنید.

پیرهادی

امکان ارتباط تلفنی با دادگاه دورود وجود ندارد

چند ماهی است که برای رسیدگی و رفع مشکلات آزادی ام از زندان اوین، پرونده‌ام را به دادسرای حقوقی شهرستان دورود فرستاده‌اند، اما متأسفانه به دلیل نبود خط تلفن در شعبه سوم حقوقی دادگاه دورود امکان برقراری ارتباط با کارشناسان حقوقی دادگاه مزبور وجود ندارد. از مسئولان محترم قوه‌قضائیه درخواست تسریع در بررسی و پیگیری مشکلات پرونده زندانیان غیربومی را داریم.

مددجوی اندرزگاه ۸ زندان اوین

چرا سهم هزینه دارو برای بیماران زیاد است؟

علیرغم پرداخت ۴۸۰ هزار تومان در ماه بابت بیمه‌های عمر، تکمیلی و خدمات درمانی، برای تهیه دارو باید هزینه گزافی را بپردازم. چرا سهم بیمار از قیمت داروها از سهم بیمه‌ها بیشتر است؟ امیدوارم مسئولان پاسخگوی اجحافی که در حق بیماران و بخصوص بیماران خاص که نیازمند مصرف روزانه داروهای گران قیمت هستند، باشند.

بیمار قلبی

پاسخ مسئولان

پاسخ شرکت مترو درباره بلندگوی ایستگاه ۱۵ خرداد

احتراماً خواهشمند است درخصوص مطلب مندرج در آن روزنامه، اطلاعات، به تاریخ ۱۳۹۸/۲/۵ با عنوان «صدای اذان در ایستگاه مترو خیلی بلند است»، پاسخ زیر به چاپ برسد:

ضمن تشکر و احترام به این مسافر گرامی، درخصوص بلند بودن صدای پخش اذان در ایستگاه پانزده خرداد، به اطلاع می‌رساند سیستم پخش رادیو در ایستگاه مورد نظر قبل از درج پیام منتشر شده در روزنامه غیرفعال بوده و نقص فنی در مورخ هفتم اردیبهشت ماه ۹۸ توسط کارشناسان فنی مربوطه رفع شده است.

درخصوص نسب آیات و روایات در واگن‌های مترو

احتراماً خواهشمند است درخصوص مطلب مندرج در آن روزنامه، اطلاعات، مورخه ۱۳۹۸/۲/۹ با عنوان «لزوم نصب آیات و روایات در واگن‌های مترو»، پاسخ زیر به چاپ برسد:

ضمن تشکر از این مسافر گرامی به اطلاع می‌رساند مترو به عنوان بزرگترین سامانه حمل و نقل عمومی درون شهری موظف است درخصوص آموزش مسافران در استفاده صحیح از مترو با تکیه بر آموزه‌های دینی اعم از رعایت حق‌الناس، احترام به سالمندان، حفظ اموال عمومی، بیت‌المال و... که برگرفته از آیات و احادیث است، اقدام نماید که این مهم در دستور کار قرار گرفته و در حال حاضر در تابلوهای تبلیغاتی ایستگاه‌ها و کتیبه‌های درون قطارها قابل رویت است، ضمن قدردانی مجدد از توجه شهروند محترم، خواهشمند است با پیشنهادات و انتقادات خود بیش از پیش معاونت امور فرهنگی و اجتماعی شرکت بهره‌برداری مترو را در بهتر شدن فعالیت‌ها یاری نمایند.

محسن محمدیان ـ مشاور مدیرعامل و مدیر ارتباطات و امور بین الملل

نفت آبادان و شهرداری گرگان به فکر پیروزی در بازی سوم فینال لیگ برتر بسکتبال



قاسم کیانی ـ فینال لیگ برتر بسکتبال به بازی سوم رسید در حالیکه ماحصل تلاش دو تیم شهرداری گرگان و نفت‌آبادان از دو بازی اول که به میزبانی گرگانی‌ها برگزار شد، یک برد و یک باخت است تا هر دو تیم برای رسیدن به قهرمانی از نقطه سرخط شروع کنند با این تفاوت که شاید آبادانی‌ها قدر دو میزبانی پی در پی در بازی سوم و چهارم را بهتر از گرگانی‌ها بدانند و با این امتیاز، کار را تمام کنند.

شاید کمتر کسی فکر می‌کرد که شهرداری گرگان از امتیاز دو میزبانی اولش، ۵۰ درصد بهره ببرد چون این تیم علاوه بر اینکه تمام تیمهای مدعی را در گرگان شکست داده بود کار شیمیدر پرمهره و قدرتمند را در دو بازی خانگی در گرگان یکسره کرد و به فینال رسید. گرگانی‌ها به پشتوانه یک پیروزی که در دو بازی اول در میزبانی شیمیدری‌ها بدست آوردند در دو بازی بعدی که میزبان بودند مثل همیشه همان تیم شکست‌ناپذیر در خانه بودند و علی‌رغم بسیاری از پیش‌بینی‌ها، نگذاشتند کار به بازی پنجم در خانه شیمیدر برسد و در گرگان غائله را ختم کردند تا شیمیدری‌ها حسرت آن تک‌بازی را بخورند که در خانه از دست دادند.

امروز اما همین شرایط دقیقاً برای گرگان تکرار شده است. تیمی که با درخشش خیره‌کننده خود در خانه در طول فصل، انتظار می‌رفت در هر دو بازی پیروز شود اما این اتفاق نیفتاد و آنها هم مثل شیمیدر در بازی اول شکست خوردند و دومی را بردند تا در دو بازی بعدی در آبادان به مصاف نفت تشنه قهرمانی بروند.

ماجرایی که کار را برای آنان بسیار سخت می‌کند چون تماشاچیان آبادانی علاوه بر آنکه به مراتب بیشتر از تماشاچیان شیمیدر هستند، نوع تشویقها و حمایتشان هم، مثل هواداران پرشور شهرداری گرگان در خانه است. در این شرایط قاعدتاً کفه ترازو را به نفع نفتی‌ها سنگینی می‌کند بخصوص که از نظر مهره هم، غنی‌تر از گرگانی‌ها هستند و بخصوص بازیکنان موقعیت یک نفت نیز بطور کلی، برتری محسوسی نسبت به همتایانشان در شهرداری گرگان دارند. بازیکنانی نظیر آرن داودی و رسول مظفری که در دفاع هم بسیار کارآمد و فکورانه عمل می‌کنند و به آنان اضافه می‌شوند سعید داورپناه کهنه‌کار و علیار نجفی در موقعیت دو که تقریباً اکثر دقایق بازی سه نفر از این بازیکنان در زمین هستند و همگی آنان علاوه بر دفاع خوب، از قدرت گلزنی بالایی برخوردارند در حالیکه این شرایط در گرگان در اختیار بابک نظافت با تجربه، عدنان دورقی، مبین شیخی و پری پتی است و بعضی اوقات به آنان نیکولای خارجی اضافه می‌شود که اما تنها امتیازآوری که می‌توان رویش حساب ویژه باز کرد، پری پتی است در مقاطعی هم نیکولا.

در دو بازی اول هم، حتی در بازی دوم که نفتی‌ها باختند این برتری آبادانی‌ها آشکار بود تا جائیکه شاید اگر بازی فقط چند ثانیه دیگر ادامه پیدا می‌کرد، نفتی‌ها که بیش از ۱۰ امتیاز را در ثانیه‌های پایانی جبران کرده بودند، می‌توانستند برنده بازی دوم هم باشند.

از طرفی شاگردان حماد سامری بر خلاف سایر حریفان گرگان در بازی‌های گذشته، به خوبی «پری پتی» را مهار کرده تا او در امتیازآوری بخصوص در بازی اول با افتی محسوس روبرو شود که چنانچه بتوانند این ماجرا را در دو بازی پیش‌رو نیز ادامه بدهند، شانس بالایی برای برد خواهند داشت چرا که شهرداری گرگان در امتیازآوری بیش از حد به «پتی» وابسته است و فقط مهار او به تنهایی می‌تواند مساوی با شکست باشد.

در بازی زیر سبد اما دو تیم شانه به شانه می‌سایند و هیچکدام برتری محسوسی نسبت به دیگری ندارند هر چند که در شهرداری گرگان امیر صدیقی امتیازآوری بیشتری دارد و در نفت‌آبادان، محمد حسن‌زاده.

با این حال حمیدرضا کلاسنگیانی که در اولین تجربه سرمربیگری خود می‌خواهد شگفتی‌آفرینی‌های گرگان را با تاریخ‌سازی همراه کند قطعاً برای این دو بازی هم با برنامه به میدان می‌آید و با آنالیز دقیق حریف، سعی خواهد کرد از وابستگی مفرط به «پتی» فاصله گرفته و سایر بازیکنانش هم از فضای بیشتری برای امتیازآوری، برخوردار شوند. فضایی که چنانچه در اختیار دورقی قرار بگیرد شاید بتواند اوج هنرنمایی‌اش را در استان خود اما در مقابل تیمی خوزستانی به نمایش بگذارد. این بازی با توجه به این شرایط باز هم نزدیک و غیرقابل پیش‌بینی، خواهد بود که اما که نحوه قضاوت داوران میدان، می‌تواند بر جذابیت‌های یک مسابقه بیفزاید یا اینکه آنرا به حداقل برساند. موضوعی که با مدیریت خوب داوران در بازی اول فینال به‌خوبی به منصه ظهور رسید اما ضعف محرز مدیریت داوران در بازی دوم، نه تنها تمام جذابیت‌های یک مسابقه بزرگ را از بین برد بلکه می‌توانست باعث بوجودآمدن حاشیه‌هایی نیز بشود. به همین سبب هم کمیته داوران فدراسیون بسکتبال و در رأس آن وزرآبکاریان قطعاً تمام هم و غم خود را صرف آن خواهد کرد. آبکاریانی که در جایگاه ریاست کمیته داوران، خودش هم به ضعف قضاوت داوران بازی دوم فینال اعتراف و تأکید کرد که در طول فصل، قضاوتی تا به این حد، ضعیف ندیده است. بنابراین طبیعی است که از تمام پتانسیل‌های داوری برای یک قضاوت منصفانه در بازیهای پیش‌رو بهره ببرد تا هیچ تیمی متضرر نشود. جعفر محمدپور، رضا جوادی، محمدرضا صالحیان، جواد مرادی و هادی سالم پنج داوری هستند که قرار شده از آنان برای این بازی‌ها استفاده شود که البته جای آذرافزا و قنبری نیز در این جمع خالی است.

در هر حال اگر تمام شرایط لازم برای برگزاری یک مسابقه مهم و حساس توسط برگزارکنندگان مهیا باشد می‌توان شاهد یک مسابقه جذاب و درخور تحسین و متناسب با پتانسیل‌های بسکتبال ایران بود و بر عکس اگر این شرایط مهیا نشود شاید روی زشت یک مسابقه مهم به منصه ظهور برسد.

بازی سوم تیمهای شهرداری گرگان و نفت آبادان امروز در آبادان برگزار می‌شود و در بازی چهارم هم فردا آبادانی‌ها از شهرداری گرگان پذیرایی می‌کنند.

چنانچه امتیازات این دو دیدار هم بین هر دو تیم تقسیم شود ۱۵ اردیبهشت ماه، بازی پنجم دو تیم در گرگان برگزار می‌شود.

تماشای المپیک برای مدیران همراه کاروان پولی می شود

ژاپن که میزبان المپیک ۲۰۲۰ است، تماشای این بازی‌ها برای تمام مدیران – به جز رؤسای کمیته المپیک – را منوط به پرداخت هزینه کرده‌است؛ این هزینه برای ایران فعلا ۵۳ هزار دلار می‌شود.

خبرگزاری مهر – گروه ورزش: معمولاً برگزاری رویدادهای ورزشی در کشورهای مختلف فرصت مناسبی را برای مدیران ورزش ایران در تمام سطوح مهیا می‌کند تا به بهانه همراهی تیم و ورزشکاران اعزامی، سفری به کشور میزبان داشته باشند و در کنار تماشای یک میدان رقابتی جدید، تجربه‌ای نو از حضور در یک کشور و بعضاً قاره دیگر را هم کسب کنند.

سفر مدیران به محل برگزاری مسابقات در هیچ سال و شرایطی محدود به یک رشته و یک رویداد خاص نبوده است. حتی بعضاً علاوه بر تمام تصمیم گیرندگان یک فدراسیون، عزم دیگر تصمیم گیرندگان ورزشی و حتی مدیران غیر ورزشی هم برای چنین سفرهایی جزم شده کما اینکه این موضوع سال گذشته و برای جام جهانی جهانی ۲۰۱۸ فوتبال سر و صدای زیادی ایجاد کرد و در نهایت هم همین واکنش‌ها باعث لغو سفر برخی از مدعیان اعزام به روسیه شد.

در این میان المپیک جزو رویدادهایی به حساب می‌آید که مدیران برای حضور در محل برگزاری آن سَر و دست زیادی می‌شکنند. در اکثر مواقع هم علاوه بر کمیته ملی المپیک که متولی اعزام کاروان به این رویداد بزرگ است، از وزارت ورزش هم وزیر و معاونانش به عنوان نماینده اعزامی به این رویداد معرفی می‌شوند. البته برای المپیک ۲۰۱۶ وزیر وقت ورزش از سفر به برزیل امتناع کرد اما معاونانش به نوبت راهی این کشور شدند و چند روزی تماشاگر ویژه این گردهمایی بزرگ ورزشی در ریودوژانیرو بودند. اکثر رؤسای فدراسیون‌هایی که در المپیک سه سال پیش نماینده داشتند هم از این حضور و تماشای از نزدیک بازی‌ها بی نصیب نماندند.قطعاً خیلی از این مدیران ورزشی و غیر ورزشی برای المپیک ۲۰۲۰ توکیو هم برنامه سفر دارند اما «آیا این بار هم شرایط سفر برای آنها به راحتی همیشه مهیا می‌شود؟»

به گزارش خبرنگار مهر، ژاپنی‌ها که تا به امروز نشان داده‌اند میزبان منظم و حرفه‌ای برای المپیک ۲۰۲۰ خواهند بود، از حالا برنامه خود را برای زوایای مختلف این میزبانی بزرگ مشخص کرده‌اند و از جمله چگونگی پذیرش نمایندگان کشورهای شرکت کننده؛ آنها در این مورد هم نشان داده‌اند که به دنبال بیشترین درآمدزایی ممکن از میزبانی المپیک هستند.برگزارکنندگان المپیک توکیو به صورت رسمی به کشورهای عضو کمیته بین المللی المپیک و از جمله ایران که قصد شرکت در المپیک پیش رو را دارند، اعلام کرده‌اند که تماشای رایگان این دوره بازی‌ها فقط برای رئیس کمیته ملی المپیک آنها مهیا است و بس؛ حضور سایر مدیران در ورزشگاه‌های ژاپن و تماشای بازی‌ها متحمل پرداخت هزینه خواهد بود.



این در حالی است که در ادوار گذشته بازی‌های المپیک حداقل رؤسای فدراسیون‌ها مشکلی برای حضور در ورزشگاه‌ها نداشتند. آنها به طور معمول بر اساس تعداد سهمیه‌های کسب شده در رشته خود، جزو تیم همراه در آن رشته قرار می‌گرفتند و حتی بعضاً در دهکده ورزشکاران اسکان داده می‌شدند. همچنین آنها با آی دی کارت ویژه المپیک خود به ورزشگاه‌ها می‌رفتند و بدون هیچ محدودیتی و حتی از جایگاه ویژه تماشاگر رقابت‌ها می‌شدند اما برای المپیک ۲۰۲۰ تماشای بازی‌ها رایگان نیست.اگرچه میزبان المپیک ۲۰۲۰ تماشای رایگان بازی‌ها را فقط ویژه رئیس کمیته ملی المپیک کشورها اعلام کرده است اما کمیته ملی المپیک ایران در این مورد حساب وزیر ورزش را هم از سایر مدیران ورزش جدا کرده است. این کمیته مسعود سلطانی فر وزیر ورزش را به عنوان مهمان ویژه کاروان ورزش ایران در المپیک توکیو معرفی کرده است. بدین ترتیب تماشای رایگان این رویداد بزرگ برای وی هم رایگان تمام می‌شود.

بر اساس برنامه مورد تاکید ژاپنی‌ها، مدیران وزارت ورزش – به جز وزیر – مسئولان سطح میانی کمیته ملی المپیک، فدراسیون‌ها و در کل هر مسئولی غیر از رئیس کمیته ملی المپیک و وزیر ورزش که قصد تماشای بازی‌های المپیک توکیو را دارند و حتی اعضای تیم‌های اعزامی به توکیو، در ازای پرداخت هزینه تعیین شده این مجوز را می‌گیرند.بر این اساس به جز تیراندازی که هنوز وضعیت سالن محل برگزاری آن مشخص نیست، مسئولان کمیته ملی المپیک برای سایر رشته‌هایی که کاروان ایران در آن نماینده اعزامی خواهد داشت، متقاضی رزرو ۱۰ تا ۲۰ جایگاه شده تا برای تماشای بازی‌ها از آنها استفاده کنند. بابت رزرو ابتدایی باید ۵۳ هزار دلار به حساب کمیته برگزاری المپیک توکیو واریز شود. البته ظاهراً این رقمی است که از برآورد اولیه به دست آمده و حکم پیش پرداخت دارد.

مبلغی که کمیته ملی المپیک باید بابت تماشای بازی‌های المپیک توکیو برای مدیران پرداخت کند، بخشی از بدهی این کمیته به برگزارکنندگان این بازی‌هاست. با تاکید ژاپنی‌ها این مبلغ باید تا پایان اردیبهشت پرداخت شود در غیر این صورت به جز رضا صالحی امیری و وزیر ورزش دیگر مدیران جایی در توکیو و میادین المپیکی آن نخواهند داشت. این در حالی است که مشکلات ارزی که سال گذشته گریبانگیر ورزش بود، کماکان ادامه دارد.

شاید نشست اخیری که رئیس کمیته ملی المپیک با سفیر ژاپن در تهران داشت هم بی ارتباط با این موضوع نباشد. به نظر می‌رسد در این نشست پیرامون نحوه انتقال ارز به مسئولان برگزاری المپیک و زمان واریز آن نیز بحث و تبادل نظر شده است. تصمیم ژاپنی‌ها از دو جهت می‌تواند به نفع یا ضرر ورزش ایران باشد. اگر رؤسای فدراسیون‌ها و مدیران دلسوز ورزش باشند و بخواهند بیت المال را پایمال نکنند به این سفر نمی‌روند و انصراف شأن را اعلام می‌کنند که امری بعید است!از نگاه دیگر و با توجه به شناختی که از مدیران ورزشی وجود دارد چون آنها این پول را از جیب خودشان نمی‌دهند و دست شأن در جیب بیت المال است حاضرند هزینه رزرو حضور در سالن‌ها را پرداخت کنند و بازهم دسته جمعی و برای یک دورهمی دیگر راهی کشور محل برگزاری المپیک شوند!

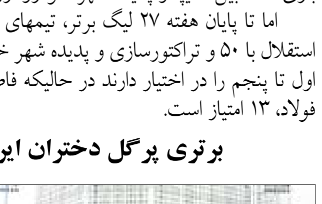
اخبار کوتاه داخلی

۲ مسابقه مهم در آغاز هفته ۲۸ لیگ برتر فوتبال

آغاز هفته ۲۸ لیگ برتر فوتبال مصادف شده است با دو بازی بسیار مهم و تعیین‌کننده. تراکتورسازی تیم چهارم جدول که طی هفته‌های گذشته هنوز هم خبرساز است و به مصاف پرسپولیس صدرنشین می‌رود. مسابقه‌ای که به بدون‌شک تراکتورسازی برای اثبات قابلیت‌های بالای خود با تمام قدرت به میدان خواهد رفت تا با کسب سه‌امتیاز خود را تا رتبه دوم جدول بالا بکشد. در طرف مقابل اما پرسپولیس است که علی‌رغم نتایج دور از انتظار در لیگ قهرمانان آسیا با ۵۶ امتیاز و فاصله ۵ امتیازی با تیم دوم یعنی سپاهان همچنان صدرنشین است و پس از اتفاقاتی که در هفته ۲۷ در جریان بازی بین این تیم و سپاهان افتاد، مصمم است تا صدرنشینی را حفظ کند. اما بازی دوم این هفته بین دو تیم همنام تهرانی و خوزستانی برگزار می‌شود، استقلال تهران رده سومی جدول که با نتایج ضعیف شفر رتبه دوم را از دست داد و استقلال خوزستان قعرنشین. این بازی بیش از هر کس برای فرهاد مجیدی مهم است که پس از وینفرد شفر، هدایت آبی‌پوشان پایتخت را به عهده گرفته و قاعدتاً با نتایجی که طی این هفته و هفته‌های آینده خواهد گرفت مورد ارزیابی قرار می‌گیرد هر چند که این ارزیابی حداقل در هفته‌های باقی‌مانده تا پایان لیگ برتر نمی‌تواند خیلی منطقی باشد و نتایج استقلال در لیگ قهرمانان آسیا محک مناسبتری خواهد بود چون مجیدی فرصت نسبتاً بیشتری برای پیاده‌کردن تفکراتش خواهد داشت. این دو بازی امروز برگزار می‌شود. اما فردا فقط یک بازی برگزار خواهد شد. تقابل فولاد با پیکان. نساجی مازندران با صنعت نفت آبادان، پارس جنوبی جم با ذوب آهن اصفهان، سپاهان با ماشین‌سازی تبریز و نفت مسجد سلیمان با سپیدرود رشت، روز جمعه به رقابت می‌پردازند و آخرین بازی هفته بین سایپا و پدیده شهر خودرو، روز شنبه برگزار خواهد شد.

اما تا پایان هفته ۲۷ لیگ برتر، تیمهای پرسپولیس با ۵۶، سپاهان با ۵۱، استقلال با ۵۰ و تراکتورسازی و پدیده شهر خودرو با امتیاز مشابه ۴۹ رتبه‌های اول تا پنجم را در اختیار دارند در حالیکه فاصله تیم پنجم تا تیم ششم یعنی فولاد، ۱۳ امتیاز است.

برتری پرگل دختران ایران مقابل لبنان



تیم ملی فوتبال دختران زیر ۱۹ سال ایران در دیدار با لبنان جشنواره گل به راه انداخت.به گزارش خبرگزاری فارس، در ادامه رقابت‌های مرحله دوم فوتبال زیر ۱۹ سال آسیا، بانوان کشورمان در آخرین مسابقه مقابل لبنان قرار گرفتند و با نتیجه ۵ بر یک پیروز شدند. در نیمه اول، در دقیقه یک لبنان موفق شد گل اول را به ثمر برساند اما دقیقه ۱۵ ویدا رعیت گل تساوی را به ثمر رساند. در دقیقه ۳۲ نگین زندی گل دوم را برای ایران وارد دروازه لبنان کرد. نیمه اول با نتیجه ۲ بر یک به سود ایران به پایان رسید.در نیمه دوم ویدا رعیت دقیقه ۴۷ گل سوم را از روی نقطه پنالتی برای ایران به ثمر رساند. نگین زندی نیز دقیقه ۵۳ چهارمین و زهرا معصومی دقیقه ۶۹ پنجمین گل را وارد دروازه حریف کردند.

قضاوت بانوی ایرانی در رقابت‌های قهرمانی آسیا



داور ایرانی قضاوت مسابقه تیم‌های فوتبال دختران میانمار و نپال در گروه اول مرحله مقدماتی رقابت‌های قهرمانی جوانان آسیا را بر عهده داشت.به گزارش خبرگزاری مهر، مرحله مقدماتی رقابت‌های قهرمانی فوتبال جوانان آسیا به میزبانی میانمار در حال برگزاری است. سلطنت نوروزی به عنوان داور وسط، قضاوت بازی تیم‌های میانمار و نپال را بر عهده داشت.کمک‌های اول و دوم این بازی از فلسطین و کره شمالی و داور چهارم از ژاپن و ناظر داوری از مالزی همراهان سلطنت نوروزی در تیم داوری این مسابقه بودند.

سقوط و صعود پینگ پنگ بازان در رنکینگ جهانی

در جدیدترین رنکینگ فدراسیون جهانی تنیس روی میز برادران عالمیان سقوط کردند و در بخش بانوان ندا شهسواری صعود چشمگیری داشت.به گزارش ایسنا، فدراسیون جهانی تنیس روی میز جدیدترین رنکینگ بازیکنان را اعلام کرد که در این ماه نیما عالمیان ۲۳ پله و نوشاد عالمیان ۴ پله سقوط داشتند.در بخش بانوان هم ندا شهسواری ۳۳ پله صعود کرد و در صدر بانوان ایران قرار گرفت اما مهشید اشتری ۴۵ پله سقوط داشت.

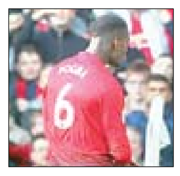
اخبار کوتاه خارجی

دنور نیمه نهایی را با برد آغاز کرد



تیم بسکتبال دنور ناگتز در نخستین بازی خود در نیمه نهایی کنفرانس غرب NBAمقابل پورتلند به‌برتری رسید.به گزارش خبرگزاری فارس، در ادامه رقابت‌های پلی‌آف لیگ بسکتبال NBAدو بازی پیگیری شد که تیم‌های فیلادلفیا و دنور مقابل حریفان خود به برتری رسیدند.فیلادلفیا که بازی اول نیمه نهایی کنفرانس شرق را به تورنتو واگذار کرده بود، در بازی دوم به برتری ۹۴ بر ۸۹ دست یافت.در این بازی جیمی باتلر با کسب ۳۰ امتیاز، ۱۱ ریباند و ۵ پاس منجر به گل بهترین بازیکن فیلادلفیا بود. دنور ناگتز و پورتلند بلیرزنیز نخستین بازی خود در نیمه نهایی کنفرانس غرب را برگزار کردند که جدال شان با برتری ۱۲۱ بر ۱۱۳ دنور همراه بود.نیکولا یوکیچ ستاره صربستانی دنور با کسب ۳۷ امتیاز، ۹ ریباند و ۶ پاس منجر به گل بهترین بازیکن میدان بود، اما ۳۷ امتیاز دامیان لیلارد نتوانست مانع شکست تیمش یعنی پورتلند شود.

کفش جام جهانی پوگبا ۳۰ هزار یورو حراج شد



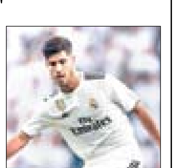
هافبک فرانسوی منچستریونایتد کفش خود را در فینال جام جهانی روسیه حراج کرد.به گزارش خبرگزاری فارس، پل پوگبا برای کمک به کودکان کشورش، حرکتی خیرخواهانه برداشت.وی جفت کفشی را که در فینال جام جهانی روسیه به پا کرد و جشن قهرمانی برپا کرد، برای حراج گذاشته است.در آن بازی فرانسه ۴ بر ۲ کرواسی را شکست داد و سرود قهرمانی سرداد.رقمی که برای این منظور اختصاص داده، ۳۰ هزار یورو است.قرار است این مبلغ بعد از فروش کفش وی به گروهی از کودکان نیازمند در فرانسه تعلق گیرد.وی همچنین دو پیراهن ورزشی خود را در پاریس به مبلغ ۷ هزار یورو برای این منظور اختصاص داده است.پوگبا که از سال ۲۰۱۶ برای منچستریونایتد بازی می کند و خود اهل منطقه لاژنی سور در حومه پاریس است، از مدت‌ها قبل در صدد کمک به کودکان زادگاهش بود.

هواداران کارلسروهه امیدوار به بازگشت وینفرد شفر



یک سایت آلمانی نوشت هواداران تیم دسته سومی کارلسروهه آلمان امیدوار هستند وینفرد شفر بار دیگر هدایت این تیم را بر عهده بگیرد.به گزارش ایسنا و به نقل از karlsruhe-insider،وینفرد شفر، سرمربی آلمانی از تیم استقلال جدا شد و بار دیگر به عنوان مربی آزاد شناخته شد. این خبر برای خیلی‌ها از جمله هواداران کارلسروهه به مانند ترکیدن یک بمب صدا کرد. شفر که ۱۲ سال در کارلسروهه کار کرده است می‌تواند بار دیگر هدایت این تیم را بر عهده بگیرد. او در این مدت هم اخبار تیم پیشین خود را دنبال می‌کرد و بازی‌های این تیم را نیز به خوبی رصد می کرد.هواداران تیم کارلسروهه بسیار امیدوار هستند که شفر بار دیگر هدایت تیم‌شان را بر عهده بگیرد. این تیم اکنون در دسته سوم فوتبال باشگاهی آلمان فعالیت می‌کند و به همین خاطر ممکن است حضور شفر در این تیم به مانند یک رؤیا برای هواداران کارلسروهه باشد.

آسنسیو در رادار لیورپول



تیم لیورپول درصدد است در صورتی که رئال مادرید آسنسیو را در لیست فروش قرار داد برای خرید او اقدام کند.به گزارش خبرگزاری مهر، مارکو آسنسیو مهاجم تیم فوتبال رئال مادرید، در لیست گزینه‌های خرید احتمالی لیورپول است. تیم لیگ برتری منتظر است تا ببیند زیدان در خانه‌تکانی پایان فصل رئال کدام بازیکنان را کنار خواهد گذاشت. لیورپول اکو مدعی شده آسنسیو به خاطر سن و کیفیتی که در این سن کم دارد می‌تواند گزینه خوبی برای آن‌ها باشد و از طرفی احتمال این که زیدان او را کنار بگذارد زیاد است.هوراسیو گاگیولی مدیر برنامه‌های این بازیکن، مدعی شده رئال مادرید برای موکلش پیشنهاد ۱۸۰ میلیون یورویی دریافت کرده است. به غیر از لیورپول، یوونتوس هم به دنبال این بازیکن است. آسنسیو در رقابت‌های این فصل برای رئال مادرید ۴۱ بازی انجام داده، ۶ گل زده و ۷ پاس گل داده است.

باند قاچاق سازمان یافته طلا و نقره از گمرکات مرزی متلاشی شد

وزارت اطلاعات از شناسایی و متلاشی شدن یک باند قاچاق سازمان یافته طلا و نقره از گمرکات مرزی در استان آذربایجان غربی خبر داد.

روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت اطلاعات در اطلاعیه ای اعلام کرد: در پی اقدامات اطلاعاتی و عملیاتی سربازان گمنام امام زمان(عج) در اداره کل اطلاعات آذربایجان غربی، یک باند قاچاق سازمان یافته طلا شناسایی و متلاشی شد. در این عملیات ۹ نفر از عناصر اصلی از جمله سرکرده این باند قاچاق و عوامل مرتبط با آن شناسایی و با هماهنگی مرجع قضایی دستگیر شدند.

این باند قاچاق سازمان یافته با استفاده از افراد ایرانی و اتباع یکی از کشورهای همسایه، از طریق تبانی با برخی مسئولان ادارات نظارتی، اقدام به قاچاق عمده طلا و نقره از مرزهای رسمی کشور کرده‌اند. در این رابطه شخص اصلی پرونده گروهی را متشکل از چندین نفر به وجود آورده که هر یک وظیفه مشخصی در دریافت، ورود و خروج طلا از کشور به صورت غیرقانونی به عهده داشته اند. ارزش طلا و نقره قاچاق شده به داخل و خارج از کشور توسط این باند، بیش از ۶۱۷ میلیارد تومان برآورد شده است.

ثبت نام وام ازدواج فرزندان بازنشستگان کشوری

مدیرعامل صندوق بازنشستگی کشوری گفت: ثبت نام وام ازدواج فرزندان بازنشستگان کشوری از دیروز آغاز شد.

سید میعاد صالحی افزود: قرار است هزار فقره وام ازدواج ۲۰ میلیون تومانی به فرزندان بازنشستگان کشوری اعطا شود. وی ادامه داد: با تلاش انجام شده از سوی همکاران صندوق بازنشستگی کشوری ضمن کاهش درصد کارمزد این وام از ۹ درصد به ۸ درصد، ثبت نام این وام از دیروز از ساعت ۱۲ در پایگاه اطلاع رسانی صندوق بازنشستگی کشوری به نشانی www.cspf.irآغاز شد. مدیرعامل صندوق بازنشستگی کشوری گفت: اولویت این وام با بازنشستگانی است که کمترین میزان حقوق را دریافت می کنند و همچنین منابع این وام از محل صرفه‌جویی در هزینه‌های جاری صندوق تامین شده است. وی اظهار داشت: این وام با مدت بازپرداخت ۶۰ ماه و کارمزد ۸ درصد با مبلغ نهایی اقساط ماهانه به میزان ۴ میلیون ریال خواهد بود.

ترحیم

هوالباقی

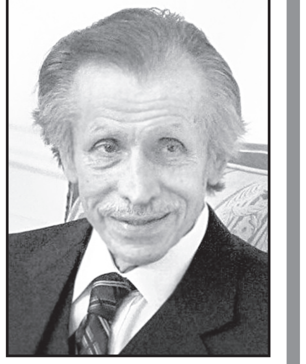
درگذشت همکار ارجمند، نویسنده توانا و معلم آداب، نماینده اسبق مردم لاهیجان و سیاهکل **جناب حجت‌الاسلام والمسلمین کامل خیرخواه رحمت‌الله علیه** را به اطلاع دوستان و آشنایان می‌رساند.

مجالس ترحیم آن عزیز روز جمعه سیزدهم اردیبهشت از ساعت ۱۶ تا ۱۸ در مسجد جامع لاهیجان و بعدازظهر روز شنبه ۹۸/۰۲/۱۴ در زادگاهشان روستای لوح آستانه اشرفیه برگزار می‌گردد.

برای خاندان معززشان صبر جمیل و اجر جزیل آرزومندم.

محمد حسن اصغرنیا

بنام خدا



با نهایت تأسف و تأثر درگذشت **جناب آقای دکتر محمدجعفر رفیع،** استاد دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران فرزند مرحوم حضرت آیت‌الله حاج آقا رفیع رفیع را به اطلاع می‌رساند. به همین مناسبت مجلس یادبودی در تاریخ یکشنبه ۹۸/۲/۱۵ از ساعت ۱۷ الی ۱۸/۳۰ در مسجدالنبی(ص) ونلجک منعقد می‌شود. حضور شما سروران گرامی موجب شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

خانواده‌های: رفیع ـ بنی صدر ـ نیکوخواه ـ طباطبایی ـ عتیقه‌چی ـ حائری

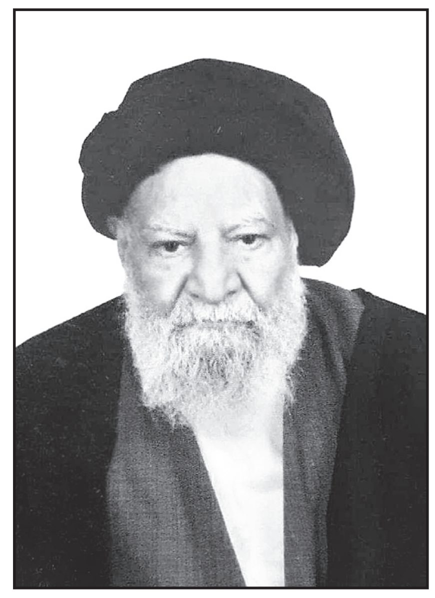
سلک جمعیت ما بی تو گسسته است ز هم
ما که جمعیم چنینیم تو تنها چونی
بی تو به‌روی زمین تنگ شده بر من جای
تو که در زیرزمین ساخته‌ای جاچونی

با غمی جانکاه درگذشت شادروان خلدآشیان
جناب آقای محمدحسن سجادی
را به اطلاع اقوام و آشنایان می‌رسانیم.
مراسم تدفین در روز پنجشنبه مورخ ۹۸/۲/۱۲ از درب منزل آن مرحوم
ضمناً مجلس گرامیداشت یاد و خاطره آن مرحوم مغفور در روز جمعه مورخ ۹۸/۲/۱۳ از ساعت ۱۱:۳۰ الی ۱۳ در مسجدالغدیر واقع در خیابان میرداماد تهران برگزار خواهد شد.

از طرف فرزندان آن مرحوم احمد، فاطمه، امیرعلی، حسین‌علی
و خانواده‌های سجادی، رحیمی و سایر خاندان وابسته

یادبود

انالله و انا الیه راجعون



بدینوسیله مراسم اولین سالگرد ارتحال ملکوتی نجل عالم بزرگ شیعه، **علامه سید نعمة‌الله جزائری،** عالم ربانی، نماینده مراجع عظام تقلید، نماینده ادوار مجلس شورای اسلامی، خادم محرومین، مرحوم

آیت الله حاج سید محمد کاظم امام موسوی (جزائری)

و سی و هفتمین سالگرد شهادت مظلومانه فرزند برومندشان، **شهید سید محمدرضا امام موسوی** را به اطلاع کلیه بستگان محترم، دوستان عزیز، همکاران گرامی، بویژه علمای اعلام، سادات جلیل القدر جزایری، سادات عظیم الشان گوشه، خاندان وابسته و خوزستانیهای بزرگوار می‌رساند:

زمان: پنجشنبه مورخ ۹۸/۲/۱۲ مطابق با ۲۶ شعبان المعظم از ساعت ۱۷ الی ۱۹

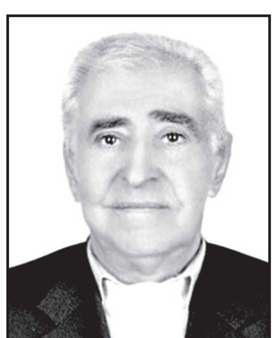
مکان: تهران، خیابان پاسداران، چهار راه پاسداران، مسجد حضرت بقیه الله الاعظم (ع)

ضمنا مراسم روح بخش دعای کمیل بعد از نماز مغرب و عشاء در مسجد حضرت صاحب الزمان (ع) واقع در خیابان شهید کلاهدوز، خیابان اختیاریه برگزار می‌گردد.

قبلاً از حضور جمیع سروران گرامی مراتب قدردانی و سپاس به عمل می آید.

بیوت علمای اعلام و آیات عظام: موسوی جزایری، فیض دزفولی، آل طیب، حکیم، ملائکه، طیب زاده، شیخ الاسلام، علم الهدی، صفوی. نمایندگان ادوار مجلس شورای اسلامی، سادات جزائری، سادات گوشه، امام موسوی، صدر، امامیان، افقه، تقی زاده، نوری مقربی، و سایر وابستگان.

آنچنان زی که چو از حادثه برباد روی
حسن معنی نگذارد که تو از یاد روی



دوازدهم اردیبهشت ماه یادآور فراقی تلخ است. یک سال از پرواز ملکوتی برادر عزیزمان **شادروان مهدی قربان** گذشت. گرچه شمع زندگیش خاموش گشت ولی همواره یاد و خاطراتش در دلهایمان باقی است. روحش شاد و یادش جاویدان باد.

از طرف: خواهران داغدار

چهار سال گذشت
مادر نوشین
پاینده باد یاد و خاطرت در کنار ما
سپیده و سیامک و سیاوش سررشته‌دار

شش سال با غم و اندوه گذشت
سراپا اگر زرد و پژمرده‌ایم
ولی دل به پاییز نسپرده‌ایم
چو گلدان خالی لب پنجره
پر از خاطرات ترک خورده‌ایم
اگر داغ دل بود ما دیده‌ایم
اگر خون دل بود ما خورده‌ایم



چه کسی گفت گذشت زمان فراموشی می‌آورد
چه کسی گفت سردی خاک داغ دل را سرد می کند
گذشت زمان دلتنگی‌ها را بیشتر می کند

۱۰ اردیبهشت شش سال از سفر بی‌بازگشت پدر عزیزمان **سیدابوالقاسم (منوچهر) نقبائی** را گرامی می‌داریم.
یادش گرامی و روحش شاد

همسر و فرزندان

تسلیت

جناب آقای مهندس ناظران

درگذشت مادر همسر گرامی‌تان را خدمت جنابعالی و خانواده محترم صمیمانه تسلیت عرض نموده، از درگاه خداوند سبحان برای آن مرحومه رحمت واسعه، برای همه بازماندگان صبر و اجر و برای جنابعالی سلامتی و توفیق روزافزون مسألت داریم.

هیئت مدیره، مدیرعامل و کارکنان
شرکت سیمان تیس چابهار

جناب آقای دکتر نمکی
مدیریت محترم کلینیک تخصصی مهرپرند

مصیبت وارده را صمیمانه تسلیت عرض نموده، بقای عمر بازماندگان را از خداوند متعال مسئلت داریم.

از طرف خانواده عطایی

جناب آقای مهندس علی ناظران
مدیرعامل محترم شرکت آسفالت طوس

با نهایت تأثر و تأسف، مصیبت وارده را به حضرتعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و صبر و شکیبایی برایتان آرزومندیم.

هیئت مدیره شرکت ساختمانی اسپندان نوآور بنا

برادر عالیقدر جناب آقای یعقوبی
و برادر گرامی جناب آقای دکتر یعقوبی

با کمال تأسف و تأثر درگذشت والده گرامی را تسلیت عرض نموده و برای آن مرحومه علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت می‌نمایم.

دکتر علیرضا زالی

خانواده محترم استاد ارجمند
جناب آقای بهمن کشاورز

در غم از دست دادن همسر و پدر بزرگوارتان دوست عزیزم **جناب آقای بهمن کشاورز** شریکتان هستم.
یاد و خاطره آن بزرگوار در قلب دوستدارانش جاودان خواهد ماند.

بیژن شیخ‌الاسلامی

آگهی تغییرات شرکت پارس آب کام طراحان سهامی خاص به شماره ثبت ۴۶۶۱۵۳ و شناسه‌ملی ۱۴۰۰۴۶۵۹۰۴۲

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۵/۱۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۹ مورد تصویب قرار گرفت. فرشید طراح با کد ملی ۰۰۶۹۱۱۳۲۲۱ به سمت رئیس هیئت‌مدیره نیلوفر طراح به شماره‌ملی ۰۰۶۸۶۳۹۸۲۱ به سمت نائب رئیس هیئت‌مدیره محمد باباقربانی به شماره‌ملی ۱۲۶۰۵۳۸۶۲۱ به سمت مدیرعامل (خارج از اعضاء هیأت مدیره) پریسا امانی به شماره‌ملی ۰۰۷۱۶۹۹۰۵۸ به سمت عضوء هیئت‌مدیره برای مدت ۲ سال انتخاب گردیدند. کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک سفته بروات و قراردادها و عقوداسلامی و اوراق عادی و اداری با امضاء مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیره متفقا همراه با مهر شرکت معتبر است. کورش قبادی به شماره‌ملی ۰۰۵۴۹۶۴۱۹۹ بسمت بازرس اصلی و سیدمحمد امیری شهری به شماره‌ملی ۰۰۵۸۲۵۹۲۰۱ بسمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران
(۴۱۱۶۴۵)

آگهی تغییرات شرکت شکیل کاژه شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۴۴۰۳۴۵ و شناسه‌ملی ۱۰۳۲۰۸۷۹۳۸۱

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۵/۰۸/۰۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: - آقایان مهدی رهنما به شماره‌ملی ۰۶۰۰۴۱۵۵۷۰ و جواد خزائی به شماره‌ملی ۳۹۶۰۳۱۴۹۶۵ و مهران اعجازی به شماره‌ملی ۱۲۱۹۴۳۰۹۶۱ به سمت اعضای هیات مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند. -آقای مهدی رهنما به سمت نائب رئیس هیئت‌مدیره وآقای جواد خزائی به سمت عضو هیئت‌مدیره و مدیر عامل و آقای مهران اعجازی به سمت رئیس هیئت‌مدیره انتخاب گردیدند. خانم سمیه ربانی دوست باکدملی ۰۰۶۷۲۵۲۵۹۱ به سمت بازرس اصلی و آقای جواد ربانی دوست باکدملی ۲۹۹۱۹۳۷۳۸۶ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب گردیدند. - کلیه اوراق تعهدآور واسناد بهادار از قبیل چک سفته بروات وقراردادها وعقود اسلامی واوراق عادی واداری و... باامضاء رئیس هیئت‌مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می باشد.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران
(۴۱۱۶۴۴)

آگهی تغییرات شرکت درساطب درمان سهامی خاص به شماره ثبت ۳۷۶۵۶۳ و شناسه‌ملی ۱۰۳۲۰۲۴۹۳۹۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۱۳۹۷/۰۹/۰۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای بهرام پورجعفر شماره‌ملی ۱۸۱۸۱۳۶۱۳۹ به سمت رئیس هیات مدیره و آقای قاسم عزت ور شماره‌ملی ۰۰۵۹۴۴۹۵۸۶ به سمت مدیر عامل و عضو هیئت‌مدیره و خانم لیلا سربال زاده شماره‌ملی ۱۸۱۷۴۲۶۵۵۹ به سمت عضو هیئت‌مدیره وخانم سمیه زنگنه شماره‌ملی ۰۰۶۳۱۸۶۶۴۰ به سمت نایب رئیس هیئت‌مدیره انتخاب گردیدند. آقای سعید درجزینی به شماره‌ملی ۰۰۶۲۳۲۹۷۴۱ به عنوان بازرس اصلی و آقای سبحان ساعدی به شماره‌ملی ۰۰۷۱۰۹۶۱۷۵ به عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردید. کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته،بروات،قراردادها و عقود اسلامی با امضاء مشترک بهرام پورجعفر و قاسم عزت ور همراه با مهر شرکت معتبر می باشد.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران (۴۱۱۶۳۷)

آگهی تغییرات شرکت نوش آذر سهامی خاص به شماره ثبت ۱۶۹ و شناسه‌ملی ۱۰۱۰۰۳۲۴۷۲

به استناد صورتجلسه هیئت‌مدیره مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۰۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: - محمد باقر قدکی به شماره‌ملی ۱۳۷۷۶۷۱۵۷۷ به سمت رئیس هیئت‌مدیره و سید محمدپرتاش به شماره‌ملی ۱۵۵۱۸۴۶۰۵۵ به سمت نایب رئیس هیئت‌مدیره و ذبیح اله فرشتیان به شماره‌ملی ۴۵۶۹۱۰۲۵۷۳ به سمت مدیر عامل وعضو هیئت‌مدیره انتخاب گردیدند. و حق امضاء اوراق و نامه‌های اداری و عادی با امضاء یکی از اعضاء هیئت‌مدیره همراه با مهر شرکت و امضاء چک و سفته و اوراق بهاداربا امضاء رئیس هیئت‌مدیره به اتفاق یکی دیگرازاعضاء هیئت‌مدیره همراه با مهرشرکت معتبر میباشد.

حجت اله قلی تبار سرپرست اداره ثبت شرکت‌ها وموسسات غیر تجاری شهرستانهای استان تهران
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران مرجع ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری قدس
(۴۱۱۶۳۲)

آگهی تغییرات شرکت نرم افزاری پویامهر سهامی خاص به شماره ثبت ۲۵۰۲۷۶ و شناسه‌ملی ۱۰۱۰۲۹۰۷۶۴۲

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۲۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه وحساب سود وزیان سال مالی ۹۶ به تصویب رسید روزنامه کثیر الانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید مؤسسه حسابرسی آذرین حساب به شناسه‌ملی ۱۰۱۰۰۶۰۲۳۷۰ به عنوان بازرس اصلی و مؤسسه حسابرسی آگاه تدبیر شناسه‌ملی ۱۰۱۰۰۵۹۲۳۸۹ به عنوان بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران (۴۱۱۶۳۶)

آگهی تغییرات شرکت کارگزاری ایران سهم سهامی خاص به شماره ثبت ۱۰۷۰۷۴ و شناسه‌ملی ۱۰۱۰۱۵۰۹۳۶۰

به استناد صورتجلسه هیئت‌مدیره مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۲۲ ومجوز شماره۱۲۲/۴۴۸۸۵ مورخ ۹۷/۱۱/۲۷ سازمان بورس واوراق بهادارتصمیمات ذیل اتخاذ شد: اعضاء هیئت‌مدیره به قرار ذیل تعیین گردیدند: آقای سید داود یسربی کد ملی ۰۰۴۳۱۴۹۰۳۰ به سمت رئیس هیئت‌مدیره آقای امیرهوشنگ ابراهیمی خاکباز کد ملی ۰۰۵۲۶۹۶۶۳۴ به سمت نایب رئیس هیئت‌مدیره خانم سیمیندخت میردامادی کد ملی ۲۰۹۱۷۶۶۸۹۵ به سمت مدیرعامل و عضو هیئت‌مدیره چکها و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت با امضای دو نفر از سه نفر اعضای هیئت‌مدیره با مهر شرکت معتبر خواهد بود.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران (۴۱۱۶۳۴)

آگهی تغییرات شرکت پرشیا خودرو سهامی خاص به شماره ثبت ۲۳۶۰۲۸ و شناسه‌ملی ۱۰۱۰۲۷۶۹۵۱۸

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۰۲ و به استناد مجوز شماره ۲۰۶/۹۷/۱۰۷۶۶ مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۱۶ وزارت ورزش و جوانان تصمیمات ذیل اتخاذ شد: انجام هرگونه فعالیت ورزشی مورد تایید وزارت ورزش جوانان و کمیته ملی المپیک وتاسیس و احداث باشگاههای ورزشی و شعب آن به موضوع فعالیت اضافه گردید و ماده ی مربوط در اساسنامه اصلاح گردید

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران (۴۱۱۶۳۵)

آگهی تغییرات شرکت لیزینگ شید سهامی خاص به شماره ثبت ۱۶۷۱۵۱ و شناسه‌ملی ۱۰۱۰۲۰۹۶۸۰۱

به استناد صورتجلسه هیئت‌مدیره مورخ ۱۳۹۷/۰۶/۱۴ و مجوز بشماره ۹۷ / ۴۴۱۷۴۳ مورخ ۹۷/۱۲/۱۱ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تصمیمات ذیل اتخاذ شد: محل شرکت به آدرس استان تهران، شهرستان تهران، بخش مرکزی، شهر تهران، کاووسیه، خیابان آفریقا، کوچه کمان، پلاک ۱۰، طبقه دوم کدپستی ۱۵۱۸۷۱۵۸۱۳ تغییر یافت.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران (۴۱۱۶۳۱)

آگهی تغییرات شرکت تدبیر سازان سرآمد شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۴۱۲۱۵۷ و شناسه‌ملی ۱۰۳۲۰۶۳۵۰۲۸

به استناد صورتجلسه هیئت‌مدیره مورخ ۱۳۹۷/۰۳/۲۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱. آقای مهدی میرمعزی با شماره‌ملی: ۰۰۴۶۱۳۸۶۹۲، به نمایندگی از شرکت مدیریت طرحهای صنعتی نفتانیر(سهامی خاص) با شناسه‌ملی: ۱۰۳۲۰۳۴۶۶۰۹ به سمت رئیس هیأت مدیره. ۲. آقای محمد ملاکی با شماره‌ملی: ۰۶۵۱۶۳۷۳۵۱، به نمایندگی از شرکت تولیدی آرین ماهتاب گستر(سهامی خاص) با شناسه‌ملی: ۱۰۱۰۲۲۶۴۱۱۲ به سمت نایب رئیس هیأت مدیره. ۳. آقای رضا حدادیان با شماره‌ملی: ۰۴۵۰۹۶۴۴۷۷، به نمایندگی از شرکت توسعه و مدیریت انرژی پارسیان (سهامی خاص) با شناسه‌ملی: ۱۰۱۰۲۷۹۱۶۹۸ به سمت عضو هیأت مدیره. ۴. آقای سیدرضا خادمی با شماره‌ملی: ۲۲۸۱۰۷۶۵۱۲، به نمایندگی از شرکت مدیریت انرژی امید تابان هور (سهامی عام) با شناسه‌ملی: ۱۰۳۲۰۶۸۸۷۸۱ به سمت عضو هیأت مدیره. ۵. آقای احمد پیامی با شماره‌ملی ۱۸۶۰۸۶۴۱۵۵، به نمایندگی از شرکت گسترش انرژی پاسارگاد (سهامی خاص) با شناسه‌ملی: ۱۰۱۰۳۵۹۷۳۵۶ به سمت عضو هیأت مدیره. ۶. آقای علیرضا صدرآبادی حقیقی با شماره‌ملی: ۰۹۳۳۸۱۳۵۷۰ (خارج از اعضای هیأت مدیره) به عنوان مدیرعامل برای مدت دوسال انتخاب گردید. - مقرر شد کلیه چکهای شرکت تا سقف سیصد میلیون ریال با امضاء مدیرعامل و آقای عباس آزادبر به شماره‌ملی ۲۷۳۹۳۲۵۱۲۶ (سرپرست امور مالی) همراه با مهر شرکت معتبر و کلیه چکهای بالاتر از سقف سیصد میلیون ریال و کلیه بروات و سفته‌ها و قراردادها و اوراق تجاری و تعهدآور شرکت با امضاء مدیرعامل و یکی از اعضای هیأت مدیره همراه با مهر شرکت و در غیاب مدیرعامل با امضای دو نفر از اعضای هیأت مدیره متفقا همراه با مهر شرکت معتبر میباشد و اوراق عادی و مکاتبات با امضاء منفرد مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر میباشد. - اختیارات مدیرعامل به شرح زیر مورد تصویب قرارگرفت: ۱. دستور پرداخت هزینه‌های جاری و سرمایه ای شرکت در چهارچوب اعتبارات مصوب. ۲. تهیه و تدوین آئین نامه‌های داخلی شرکت و پیشنهاد آن به هیأت مدیره جهت تصویب. ۳. پیشنهاد ایجاد و حذف نمایندگی و یا شعبه در هر نقطه از ایران یا خارج از کشور به هیأت مدیره. ۴. استخدام و نصب و عزل کلیه کارکنان شرکت و تعیین شغل و حقوق و دستمزد و پاداش و ترفیع و تنبیه‌ها و معافیت و خروج از خدمت آنان بر اساس چارت سازمانی و دستورالعمل‌های مربوطه. ۵. تهیه و تدوین بودجه سالیانه شرکت و پیشنهاد به هیأت مدیره. ۶. پیشنهاد تحصیل اعتبار از بانک‌ها و موسسات اعتباری معتبر به هیأت مدیره. ۷. تهیه و تدوین چارت سازمانی و شرح وظایف پرسنل و پیشنهاد آنها به هیأت مدیره جهت تصویب. ۸. دستور پرداخت تنخواه گردانها و علی الحسابها به اشخاص حقیقی و حقوقی وفق دستورالعمل مربوطه. ۹. تهیه و تنظیم صورتهای مالی شرکت پس از انقضای سال مالی و ارائه آن به هیأت مدیره جهت بررسی و تصویب. ۱۰. موافقت با پرداخت وام به پرسنل شرکت بر اساس دستورالعمل مربوطه. ۱۱. اتخاذ تصمیم در مورد مزایای رفاهی کارکنان در چارچوب اعتبارات مصوب و دستورالعمل‌های مربوطه. ۱۲. عقد کلیه قراردادها تا سقف معاملات متوسط. ۱۳. تایید مرخصی، ماموریت داخلی کارکنان و مرخصی بدون حقوق حداکثر تا سی روز در سال و همچنین تاییدکارکرد ماهیانه و اضافه کاری کارکنان. ۱۴. موافقت با اعزام پرسنل زیرمجموعه به ماموریتهای خارجی حداکثر تا سی روز در سال و هفت روز در هر مورد. ۱۵. مکاتبه با مؤسسات و شرکتها در راستای اهداف شرکت. ۱۶. تفویض قسمتی از اختیارات در صورت لزوم با قبول مسئولیت به سایر مدیران تحت سرپرستی و ارائه رونوشت آن به هیأت مدیره. ۱۷. نمایندگی شرکت در برابر اشخاص حقیقی و حقوقی. ۱۸. پیشنهاد نیازهای آموزشی به هیأت مدیره جهت بررسی و تصمیم گیری. ۱۹. اقامه هرگونه دعوی، دفاع از هرگونه دعوی، انصراف از دعوی، تعیین وکیل حقوقی و کارشناس. ۲۰. پیشنهاد دعوت مجامع عمومی و عادی و فوق العاده و دستور جلسه آنها به هیأت مدیره. ۲۱. پیشنهاد هر نوع اندوخته علاوه بر پنج درصد اندوخته قانونی مواد ۱۴۰ و ۲۳۸ قانون تجارت به هیأت مدیره. ۲۲. اجرای کلیه مصوبات هیأت مدیره.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران (۴۱۱۶۳۳)

آگهی تغییرات شرکت نوش آذر سهامی خاص به شماره ثبت ۱۶۹ و شناسه‌ملی ۱۰۱۰۰۰۳۲۴۷۲

به استناد صورتجلسه مجمع عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۰۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: - محمدباقر قدکی به شماره‌ملی ۱۳۷۷۶۷۱۵۷۷ و ذبیح اله فرشتیان به شماره‌ملی ۴۵۶۹۱۰۲۵۷۳ و سید محمد پرتاش به شماره‌ملی ۱۵۵۱۸۴۶۰۵۵ به سمت اعضا هیئت‌مدیره برای مدت دو سال انتخاب شدند.

حجت اله قلی تبار سرپرست اداره ثبت شرکت‌ها وموسسات غیر تجاری شهرستانهای استان تهران سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران مرجع ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری قدس (۴۱۱۶۳۰)

آگهی تغییرات شرکت دارو سازی بهوزان سهامی خاص به شماره ثبت ۲۳۵۳۷ و شناسه‌ملی ۱۰۱۰۰۶۹۰۰۳۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۱۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: صورتهای مالی مشتمل بر ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به۹۶/۱۲/۲۹ مورد تصویب قرار گرفت. موسسه حسابرسی پارس به شناسه‌ملی ۱۰۱۰۲۳۰۱۷۷۰ به سمت بازرس اصلی و اسماعیل کوچکی شلمانی به شماره‌ملی ۲۷۰۸۹۴۵۹۵۵ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب شدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت انتخاب گردید.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران (۴۱۱۶۲۹)

آگهی تغییرات شرکت ماشین سازی پارس سهامی خاص به شماره ثبت ۲۰۶۴۱ و شناسه‌ملی ۱۰۱۰۰۶۶۱۸۸۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: - سرمایه شرکت از مبلغ ۵۵۷۶۱۶۰۰۰۰۰ ریال به مبلغ ۱۳۰۵۹۳۸۲۰۰۰۰۰ ریال منقسم به ۱۳۰۵۹۳۸۲۰۰ سهم ۱۰۰۰ ریالی با نام از محل مازاد تجدید ارزیابی افزایش یافت و ماده مربوطه در اساسنامه به شرح فوق اصلاح و ذیل ثبت از لحاظ افزایش سرمایه در تاریخ فوق الذکر تکمیل امضاء گردیده است.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران (۴۱۱۶۲۳)

آگهی تغییرات شرکت پارس ام سی اس سهامی خاص به شماره ثبت ۱۱۸۶۵۳ و شناسه‌ملی ۱۰۱۰۱۶۲۲۳۱۷

به استناد صورتجلسه هیئت‌مدیره مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۲۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای نوید خاصه باف دارای کد ملی ۰۰۷۱۷۷۰۷۷۱ به نمایندگی از شرکت توسعه بین المللی لاله آراد دارای شناسه‌ملی ۱۰۱۰۰۴۴۵۹۴۸ به سمت رئیس هیات مدیره و مدیر عامل و آقای عبدالامیر محمدیان دارای کد ملی ۱۷۵۴۱۲۹۸۶۲ به نمایندگی ازشرکت خدمات مشاوره ای مالی مدیریتی مبین ری دارای شناسه‌ملی ۱۰۱۰۲۴۳۴۱۴۵ به سمت نایب رئیس هیأت مدیره و آقای محمد رضا نجیمی دارای کد ملی ۰۰۶۴۷۶۲۵۵۶ به نمایندگی از شرکت فواد ری دارای شناسه‌ملی ۱۰۱۰۱۴۴۶۹۳۰ به سمت عضو هیأت مدیره، برای بقیه دوره تصدی هیأت مدیره انتخاب گردیدند. کلیه اسناد و اوراق بهادار و بانکی و تعهدآور و قراردادها و عقود اسلامی با امضاء مدیر عامل به اتفاق یکی از اعضاء هیأت مدیره و در غیاب مدیر عامل با امضاء دو نفر از اعضاء هیأت مدیره همراه با مهر شرکت و سایر نامه‌های اداری و مکاتبات عادی با امضاء مدیرعامل و یا یکی از اعضاء هیأت مدیره و مهر شرکت معتبر می باشد.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران (۴۱۱۶۲۲)

آگهی تغییرات شرکت تجارت الکترونیک خودرو تابان تاخت شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۳۸۹۳۷۳ و شناسه‌ملی ۱۰۳۲۰۳۹۶۳۴۸

به استناد صورتجلسه هیئت‌مدیره مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۱۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای سید اکبر موسوی مقدم با شماره‌ملی ۰۰۵۷۸۹۸۸۳۹ به نمایندگی از شرکت ستاره سفیران آینده (سهامی خاص) به شماره ثبت ۳۳۲۲۰۱ و شناسه‌ملی ۱۰۱۰۳۷۴۸۲۴۵، به جای آقای رضا تقوی به سمت عضو هیئت‌مدیره برای بقیه مدت تصدی منصوب گردیدند. سمت اعضاء هیئت‌مدیره آقای احد میرزائی با کد ملی ۰۰۵۱۸۲۳۱۸۷ بسمت رئیس هیئت‌مدیره، آقای سید اکبر موسوی مقدم با کد ملی ۰۰۵۷۸۹۸۸۳۹ بسمت نائب رئیس هیئت‌مدیره و آقای یاشار شفیعا با شماره‌ملی ۰۰۶۸۵۷۱۸۵۲ بسمت مدیرعامل و عضو هیئت‌مدیره برای بقیه دوره تصدی هیئت‌مدیره انتخاب گردیدند. - کلیه اسناد و اوراق بهادار و بانکی با امضای مدیر عامل و یکی از اعضای هیئت‌مدیره همراه با مهر شرکت معتبر خواهد بود و در غیاب مدیرعامل با امضای متفق دو نفر از اعضای هیئت‌مدیره همراه با مهر شرکت معتبر میباشد و مکاتبات عادی و اداری با امضاء مدیرعامل و در غیاب مدیرعامل با امضاء یکی از اعضاء هیئت‌مدیره با مهر شرکت معتبر خواهد بود.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران (۴۱۱۶۲۸)

آگهی تغییرات شرکت بتن پناه پایدار سهامی خاص به شماره ثبت ۴۳۸۸۶۳ و شناسه‌ملی ۱۰۳۲۰۸۶۹۸۷۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۵/۰۴/۰۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: تعداد اعضای هیئت‌مدیره به دو نفر تغییر یافت و ماده مربوط به اساسنامه اصلا ح گردید.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران
(۴۱۱۶۲۷)

آگهی تغییرات شرکت بتن پناه پایدار سهامی خاص به شماره ثبت ۴۳۸۸۶۳ و شناسه‌ملی ۱۰۳۲۰۸۶۹۸۷۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۵/۰۴/۰۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: راضیه اسماعیل پور به کدملی ۲۲۹۶۹۱۳۲۲۹ به سمت بازرس اصلی و محمدعلی اسمعیل پور به کدملی ۲۲۸۱۴۸۸۰۹۸ به سمت بازرس علی‌البدل شرکت برای مدت یکسال مالی انتخاب شدند. علی محمودزاده به کد ملی ۲۲۹۷۹۲۰۹۰۳ بسمت مدیر عامل و نائب رئیس هیئت‌مدیره و حسام محمودزاده به کد ملی ۲۲۹۵۷۵۴۱۶۱ به سمت رئیس هیئت‌مدیره برای مدت ۲ سال انتخاب شدند. کلیه اسناد تعهدآور و اوراق بهادار از قبیل چک و سفته و بروات و قرارداهای عقود اسلامی و نامه‌های عادی و مکاتبات اداری به امضا مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر است.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران
(۴۱۱۶۲۶)

آگهی تغییرات موسسه خدمات درمانی میلاد سلامت ایلام به شماره ثبت ۲۲۷۷۰ و شناسه‌ملی ۱۰۱۰۳۶۴۹۱۵۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۶/۰۹/۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آدرس قانونی موسسه از استان تهران، شهر تهران، خیابان ازادی، شماره ۳۴۵، سازمان تأمین اجتماعی، کد پستی ۱۴۵۷۹۶۵۵۹۵ به آدرس استان ایلام، شهر ایلام، مصلی، کوچه زنبق، خیابان مصلی، پلاک ۰ طبقه اول، کدپستی ۶۹۳۱۴۶۳۹۵۴ تغییر یافت و ماده مربوطه دراساسنامه اصلاح گردید.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران (۴۱۱۶۱۷)

آگهی تغییرات موسسه اسلامی خیریه قائمیه به شماره ثبت ۳۲۸۰ و شناسه‌ملی ۱۰۱۰۰۲۱۲۱۳۶

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۵/۰۷ و مجوز شماره ۱۷۱۴/۰۲/۰۳/۰۲/۱/۵۱۶/۵۶۷۵/۹۷۶۸۵۵۶۵ مورخ ۹۷/۶/۲۵ پلیس اطلاعات و امنیت عمومی فاتب تصمیمات ذیل اتخاذ شد: محل موسسه در واحد ثبتی تهران به آدرس استان تهران، شهرستان تهران، بخش مرکزی، شهر تهران، سیدخندان، بزرگراه شهید صیاد شیرازی، خیابان شهید برادران شیخ شعبانی، پلاک ۷، طبقه دوم کد پستی ۱۶۳۱۶۱۹۱۸۱ تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه بشرح فوق اصلاح گردید. اساسنامه جدیدی مشتمل بر ۴۱ ماده و ۳۰ تبصره تصویب و جایگزین اساسنامه قبلی گردید.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران
(۴۱۱۶۲۰)

آگهی تغییرات شرکت بتن پناه پایدار سهامی خاص به شماره ثبت ۴۳۸۸۶۳ و شناسه‌ملی ۱۰۳۲۰۸۶۹۸۷۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۵/۰۴/۰۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: مرکز اصلی شرکت به نشانی: شیراز بلوار هجرت خیابان شهید فروغی پلاک ۶۲ کد پستی ۷۱۸۷۹۲۱۸۶۹ انتقال یافت و ماده مربوط در اساسنامه اصلاح گردید.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران
(۴۱۱۶۲۵)

آگهی تغییرات موسسه اسلامی خیریه قائمیه به شماره ثبت ۳۲۸۰ و شناسه‌ملی ۱۰۱۰۰۲۱۲۱۳۶

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۱۳۹۷/۰۵/۰۷ و مجوز شماره ۱۷۱۴/۰۲/۰۳/۰۲/۱/۵۱۶/۵۶۷۵/۹۷۶۸۵۵۶۵ مورخ ۹۷/۶/۲۵ پلیس اطلاعات و امنیت عمومی فاتب تصمیمات ذیل اتخاذ شد: روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات برای درج آگهی موسسه انتخاب شد. محسن کارجوی ۰۰۴۴۱۷۴۱۰۱ به سمت خزانه دار - محمد حسین وثوقی ۰۴۵۱۰۲۶۹۱۸ به سمت مدیرعامل - بهمن جاهی ۱۷۲۸۰۹۶۵۸۸ به سمت نایب رئیس هیئت‌مدیره - هما ساجدی ۲۵۲۹۵۴۷۹۰۴ به سمت رئیس هیئت‌مدیره - زهرا خرسندی نسب ۰۰۳۲۸۰۶۷۵۲ به سمت منشی - آسیه روان بخش ۰۰۴۴۲۹۴۳۶۰ - فاطمه اکبری آهنگر ۰۰۳۹۸۰۵۲۰۴ به سمت اعضای اصلی هیئت‌مدیره وهاجر قهرمانی ۰۰۶۵۸۷۲۴۲۸ - بتول اجاقی ۳۸۷۱۱۵۹۳۹۵ به سمت اعضاء علی‌البدل هیئت‌مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند. حسن مخملی ۰۰۵۳۲۱۱۰۰۶ به سمت بازرس اصلی و سعید دادپی ۰۰۴۹۴۲۹۵۲۳ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور با امضاء دون فر از اعضای اصلی هیئت‌مدیره (خزانه دار و مدیر عامل و رئیس هیئت‌مدیره) و با مهر موسسه معتبر خواهد بود.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران (۴۱۱۶۲۱)

آگهی تغییرات شرکت معدنی دماوند سهامی عام به شماره ثبت ۴۷۲۶۹ و شناسه‌ملی ۱۰۱۰۰۹۲۴۸۳۸

به استناد صورتجلسه هیئت‌مدیره مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۰۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: هیأت مدیره اختیارات ذیل را به مدیر عامل تفویض گردید. الف: - نمایندگی شرکت در برابر صاحبان سهام، کلیهٔ ادارات دولتی و غیر دولتی، مؤسسات عمومی، مراجع قضایی و سایر اشخاص حقیقی و حقوقی. - پیشنهاد آیین نامه‌های داخلی شرکت (معاملات، استخدام، فروش و...) - پیشنهاد در خصوص تأسیس و انحلال نمایندگی‌ها یا شعب در هر نقطه از ایران یا خارج از ایران جهت تصویب به مجمع عمومی. - پیشنهاد ساختار سازمانی شرکت، استخدام، عزل و نصب و تعیین حقوق کلیه کارکنان به استثناء مدیران شرکت که برمبنای مصوبه هیات مدیره خواهد بود. - پیشنهاد بودجه سالانه به هیات مدیره در چارچوب برنامه مصوب مجمع عمومی. - پیشنهاد افتتاح هر نوع حساب و استفاده از آن به‌نام شرکت نزد بانک‌ها و مؤسسات قانونی دیگر. - دریافت مطالبات و پرداخت دیون شرکت. - انعقاد هر نوع قرارداد، تغییر، تبدیل، فسخ و یا اقالهٔ آن در مورد اموال منقول و غیرمنقول و برگزاری مزایده و مناقصه که مرتبط با موضوع شرکت باشد. - اتخاذ تصمیم در مورد امور مرتبط با ثبت و معامله کلیه حقوق غیرمادی یا معنوی از جمله هرگونه حق اختراع، نام یا علائم تجاری و صنعتی، کپی‌رایت، سرقفلی و کلیهٔ امتیازات متصوره. - تحصیل تسهیلات از بانک‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات رسمی با رعایت مقررات اساسنامه حاضر. - پیشنهاد رهن‌گذاردن اموال شرکت اعم از منقول و غیرمنقول پس از تصویب در هیات مدیره و فک رهن ولو کراراً. - اقامهٔ هرگونه دعوای حقوقی و کیفری و دفاع از هر دعوای حقوقی و کیفری اقامه شده، در هریک از دادگاه‌ها، دادسراها، مراجع قضایی یا غیرقضایی اختصاصی یا عمومی و دیوان عدالت اداری، از طرف شرکت دفاع از شرکت در مقابل هر دعوای اقامه شده علیه شرکت چه کیفری و چه حقوقی در هریک از مراجع قضایی یا غیرقضایی اختصاصی یا عمومی و دیوان عدالت اداری با حق حضور و مراجعه به مقامات انتظامی و استیفای کلیهٔ اختیارات مورد نیاز در دادرسی از آغاز تا اتمام، از جمله حضور در جلسات، اعتراض به رأی، درخواست تجدیدنظر، فرجام، واخواهی و اعادهٔ دادرسی، مصالحه و سازش، استرداد اسناد یا دادخواست یا دعوا، ادعای جعل یا انکار و تردید نسبت به سند طرف و استرداد سند، تعیین جاعل، اجرای حکم نهائی و قطعی داور،درخواست صدور برگ اجرایی و تعقیب عملیات آن و اخذ محکوم به و وجوه ایداعی و تعقیب آنها، تعیین مصدق و کارشناس، انتخاب و عزل وکیل و نماینده با حق توکیل مکرر، اقرار در ماهیت دعوا، جلب ثالث و دفاع از دعوای ثالث، دعوای متقابل و دفاع در مقابل آنها، ورود شخص ثالث و دفاع از دعوای ورود ثالث، قبول یا رد سوگند، تأمین خواسته، تأمین ضرر و زیان ناشی از جرائم و امورمشابه دیگر. - تنظیم صورت‌های مالی سالانه و گزارش فعالیت هیات مدیره و ارائهٔ آن به بازرس و حسابرس. - تنظیم صورت‌های مالی میان دوره‌ای در مقاطع سه ماهه و ارائهٔ صورت‌های مالی ۶ ماهه به حسابرس و بازرس. - دعوت مجامع عمومی عادی و فوق‌العاده و تعیین دستور جلسه آنها. - پیشنهاد هر نوع اندوخته بجز اندوختهٔ قانونی. - پیشنهاد تقسیم سود بین صاحبان سهام. - پیشنهاد اصلاح اساسنامه به مجمع عمومی فوق‌العاده.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران (۴۱۱۶۱۹)

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ (مؤسسه اطلاعات)
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سر دبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان مصدق جنوبی (نفت‌جنوبی سابق)
ساختمان اطلاعات - کد پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی‌ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی‌ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com
منشور اخلاقی: http://www.ettelaat.com/ftp/manshoor.pdf

اطلاعات

سال نود و سوم

تقویم اطلاعات

چهارشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۸
۲۵ شعبان ۱۴۴۰ - یکم مه ۲۰۱۹

ظهر شرعی	۱۳ و ۰۱ دقیقه
غروب آفتاب	۱۹ و ۵۱ دقیقه
اذان مغرب	۲۰ و ۱۰ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۰۰ و ۱۵ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۴ و ۳۹ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۶ و ۱۲ دقیقه

ادعای گوایدو درباره پیوستن بخشی از ارتش ونزوئلا به مخالفان

سرویس خارجی: گروهی از نظامیان ونزوئلایی هوادار «خوان گوایدو» رهبر مخالفان این کشور که تحت حمایت آمریکا هستند روز گذشته دست به کودتا علیه دولت «نیکلاس مادورو» رئیس جمهوری قانونی و منتخب ونزوئلا زدند اما سران ارتش و وزیر دفاع این کشور با کودتا همراهی نکردند؛ اگرچه تا لحظه تنظیم خبر، ناآرامی در خیابان های پایتخت همچنان گزارش می شد.

در این راستا دولت ونزوئلا از خنثی سازی تلاش یک گروه از نظامیان برای کودتا که آنان را خائنان مرتبط با مخالفان توصیف کرد، خبر داد. دولت ونزوئلا تاکید کرد که این کودتای کوچک را ناکام گذاشت.خورخه رودریگز وزیر اطلاع رسانی ونزوئلا اعلام کرد این کشور با یک گروه از خائنان ارتش تحت حمایت آمریکا که به دنبال کودتا در ونزوئلا بودند مقابله کرد. وزیر دفاع ونزوئلا هم تلاش برای کودتای نظامی علیه «نیکلاس مادورو» رئیس جمهوری قانونی و منتخب این کشور را رد و تاکید کرد این قبیل اقدامات زمینه ساز خشونت می‌شود.

وی افزود: گروه کوچکی از نظامیان خائن به دنبال کودتا علیه قانون اساسی و صلح در کشور بودند.ولادیمیر پادرینو تأکید کرد: نیروهای مسلح به شدت در راستای دفاع از دولت مشروع مادورو به وی وفادار خواهند ماند. بر اساس اعلام وی، همه واحدهای نظامی در سراسر کشور وضعیت عادی را در پادگان‌ها و مقرهای نظامی مورد تأئید قرار دادند. این درحالی است که خوان گوایدو، رهبر مخالفان اعلام کرد برخی از عوامل ارتش ونزوئلا به وی پیوسته‌اند و خواستار آغاز عملیاتی شد که وی آن را "عملیات آزادی ونزوئلا" توصیف کرد. گوایدو ویدئویی را منتشر کرد که نشان می داد در کنار چندین سرباز ایستاده و به آنها در مورد اقدام بعدی توضیحاتی می دهد.

از طرفی به دنبال تلاش برای کودتا در ونزوئلا،موافقان و مخالفان مادورو در خیابان‌های کاراکاس تجمع کردند.به دنبال اقدام نظامیان وابسته به سرکرده شورشیان مورد حمایت آمریکا در ونزوئلا برای کودتا، طرفداران دولت قانونی و منتخب این کشور مقابل کاخ ریاست جمهوری تجمع کردند. همچنین صدای تیراندازی در محل تجمع هواداران خوان گوایدو (سرکرده شورشیان مورد حمایت آمریکا در ونزوئلا) شنیده شد.منبع این تیراندازی مشخص نشد اما شاهدان عینی اعلام کردند افرادی با لباس نظامی در حالی که به تیراندازی به حامیان مادورو پرداختند، گوایدو را همراهی می کردند.

در همین حال آسوشیتدپرس گزارش داد که به دنبال فراخوان گوایدو برای شورش نظامیان علیه دولت مادورو، «دیاسدادو کابیو» رهبر سوسیالیست ونزوئلا از حامیان دولت خواست برای دفاع از نیکلاس مادورو مقابل کاخ ریاست جمهوری تجمع کنند. کابیو ضمن کم اهمیت خواندن این شورش کوچک، اعلام کرد اوضاع کاراکاس آرام است. سفارت روسیه در کاراکاس هم اعلام کرد که اوضاع ونزوئلا در کنترل ارتش است و ارتش هم در کنار دولت مادورو ایستاده است.

حمایت آمریکا از کودتاچیان

همزمان وزیر امور خارجه آمریکا در پیامی در توئیتر اعلام کرد که واشنگتن از تلاش رهبر مخالفان ونزوئلا برای کودتا در این کشور حمایت می کند.مایک پمپئو اعلام کرد، حلقه داخلی نیکولاس مادورو، رئیس جمهوری ونزوئلا به دنبال استراتژی خروج از این حلقه و پایان دادن به حمایت خود از مادورو است؛ مساله‌ای که نشان می‌دهد روزهای دولت تحت فشار مادورو به شماره افتاده است. جان بولتون مشاور امنیت ملی آمریکا هم با نقض منشور ملل متحد در لزوم عدم مداخله در امور داخلی کشورهای مستقل در پیامی توئیتری نوشت: نیروهای مسلح باید از قانون اساسی و مردم ونزوئلا حمایت کنند! بولتون خواستار حمایت از شورشیان در ونزوئلا شد.همزمان برزیل و آمریکا بر استمرار اقدامات مشترک خصمانه در جهت تشدید فشارها علیه دولت مادورو تاکید کردند. وزیر خارجه برزیل پس از دیدار با مایک پمپئو همتای آمریکایی خود در مورد تاثیر تظاهرات گسترده امروز چهارشنبه که قرار است بدنبال فراخوان خوان گوایدو در ونزوئلا برگزار شود، ابراز امیدواری کرد.

در چنین شرایطی رویترز از تحرکات موسس «بلک واتر» و دیدارهای محرمانه او در آمریکا و اروپا برای ایجاد یک «ارتش اجاره‌ای» به منظور سرنگونی دولت «نیکلاس مادورو» رئیس‌جمهور ونزوئلا خبر داد. «اریک پرینس» موسس شرکت خصوصی بدنام امنیتی «بلک واتر» که از حامیان سرسخت «دونالد ترامپ» محسوب می‌شود، برای استفاده از یک «ارتش خصوصی» در ونزوئلا به منظور سرنگونی دولت مادورو دست به کار شده است. پرینس در ماه‌های اخیر در رایزنی با حامیان موثر رئیس‌جمهور آمریکا و ونزوئلایی‌های متمول در تبعید به دنبال پیش بردن طرحی برای استفاده از ارتش خصوصی برای سرنگون کردن دولت مادورو بوده است.

طبق این گزارش، موسس بلک واتر در دیدارهای خصوصی خود با مقامات آمریکا و اروپا طرحی را برای ایجاد «سرباز اجاره‌ای ۵۰۰۰ نفره» در ونزوئلا به منظور حمایت از «خوان گوایدو» رئیس‌جمهور خودخوانده ونزوئلا ارائه داد. به گفته یک منبع مطلع، اریک پرینس تا چند روز قبل هم در حال رایزنی‌های محرمانه برای پیش بردن طرحش به منظور ایجاد ارتش مزدور در ونزوئلا بوده است. اریک پرینس که خواهرش «بتسی دووس» وزیر علوم آمریکا است، از حامیان سرسخت ترامپ است و در کارزار انتخاباتی سال ۲۰۱۶شخصا ۱۰۰هزار دلار به ترامپ کمک مالی کرد.پرینس بعد از رسوایی بلک واتر و قتل غیرنظامیان در عراق، نام این شرکت را تغییر داد و آن را فروخت.

واکنش‌ها

سیدعباس موسوی سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان با اشاره به این که تحولات جاری در ونزوئلا را با دقت دنبال می کنیم، گفت: آشوب وهرج ومرج به هیچ وجه نمی تواند راه حل اختلافات سیاسی در ونزوئلا باشد. بهترین راه، برقراری گفتگو و ایجاد سازو کارهای لازم بین همه طرف ها برای حل مشکلات مردم توسط نیروهای وفادار به توسعه و رفاه این کشور تحت هدایت دولت قانونی ونزوئلااست.از طرفی،«مایاکوسیانسیچ» سخنگوی روابط خارجی اتحادیه اروپا در واکنش به تحولات ونزوئلا اعلام کرد: بروکسل تحولات ونزوئلا را از نزدیک پیگیری و بر حل مسالمت آمیز بحران این کشور تاکید می‌کند. در این حال پوتین رئیس‌جمهوری روسیه نیز شورای امنیت سازمان ملل متحد را جهت بررسی اوضاع ونزوئلا به تشکیل جلسه اضطراری فراخواند.وزارت امور خارجه روسیه هم طی بیانیه‌ای خواستار توقف خشونت در ونزوئلا شد و تاکید کرد که مشکلات در این کشور باید از طریق مذاکره حل شود.سخنگوی کرملین هم گفت روسیه و چین اعمال فشار خارجی بر ونزوئلا و تلاش برای تغییر رهبران سیاسی آن را غیرقابل قبول می‌دانند."دیمیتری‌پسکوف" سخنگوی دفتر ریاست جمهوری روسیه اعلام کرد که ولادیمیر پوتین و شی جین پینگ روسای جمهوری روسیه و چین در جریان مذاکرات خود تاکید کردند که اعمال فشار خارجی بر دولت ونزوئلا و تلاش برای تغییر حکومت در این کشور، اقدامی کاملا غیرقابل قبول است. پسکوف گفت: رهبران روسیه و چین در مذاکرات خود در پکن، در باره ونزوئلا مواضعی کاملاً منطبق با یکدیگر داشته و هر نوع تلاش در جهت تغییر نظام حاکم بر کشورهای ثالث و اعمال فشار غیرقانونی از خارج بر دولت‌های قانونی با هدف تغییر رهبران سیاسی آنها را کاملا غیرقابل قبول دانستند.

وزیر دفاع روسیه هم با اشاره به اقدامات آمریکا علیه ونزوئلا هشدار داد که تلاش‌ها برای سرنگون کردن دولت مشروع ونزوئلا باعث رشد تروریسم خواهد شد. «سرگئی شویگو» ضمن بیان اینکه با خروج آمریکا از معاهده موشک‌های هسته‌ای میان‌برد، خطر ایجاد مسابقه تسلیحاتی جدید وجود دارد، از خطر رشد تروریسم به دلیل تلاش‌ها برای سرنگون کردن دولت مشروع ونزوئلا و دیگر کشورها ابراز نگرانی کرد. اسپانیا هم در واکنش به تحولات ونزوئلا اعلام کرد: ونزوئلا نیاز به انتخابات دارد و مادرید از کودتا در این کشور حمایت نمی‌کند. سخنگوی دولت موقت اسپانیا با صدور بیانیه ای در این خصوص اعلام کرد: شک نداریم که اوضاع در ونزوئلا باید به سمت انتخابات پیش برود.در بیانیه صادره از سوی سخنگوی دولت موقت اسپانیا در این باره آمده است: مادرید از هیچ کودتای نظامی در این کشور حمایت نمی‌کند.

از سویی «میگوئل دیاز کانل» رئیس جمهوری کوبا تلاش برای کودتا در ونزوئلا را محکوم کرد و گفت: ما هر گونه تلاش در این راستا و به منظور ایجاد خشونت در ونزوئلا را به شدت محکوم می‌کنیم و خائنانی که خود را در رأس این حرکت قرار دادند، پلیس و سربازان را به همراه تسلیحاتشان به خدمت گرفته اند و از این طریق به ایجاد تروریسم روی آوردند.اوو مورالس رئیس جمهوری بولیوی هم تلاش‌ها برای کودتا در ونزوئلا را محکوم کرد.رئیس جمهوری بولیوی درباره حواث ونزوئلا اعلام کرد: ما تلاش برای کودتا در ونزوئلا با کمک خارجی‌ها را به شدت محکوم می‌کنیم و مطمئنیم انقلاب برادرمان مادورو پس از پشت سرگذاشتن حمله امپریالیستی جدید می‌تواند خود را به تثبیت برساند. در چنین شرایطی گزارشی که به تازگی منتشر شده نشان می‌دهد تحریم‌های آمریکا علیه ونزوئلا به مرگ ۴۰هزار نفر منجر شده است. این گزارش ۲۷صفحه‌ای که توسط دو اقتصاددادن در اندیشکده «پژوهش‌های سیاست اقتصادی» منتشر شده، تحریم‌ها را یکی از ابزارهای «تنبیه جمعی» علیه مردم ونزوئلا توصیف می‌کند. در بخشی از این گزارش آمده است: تحریم‌ها مردم ونزوئلا را از داروهای حیاتی، تجهیزات پزشکی، غذا و سایر کالاهای وارداتی اساسی محروم کرده‌است.



تجمع هواداران مادورو در کاراکاس

ارسال تسلیحات سنگین ارتش سوریه به استان «حما» برای حمله به مواضع تروریست‌ها

سرویس خارجی: ارتش سوریه تجهیزات و تسلیحات گسترده‌ای را برای آغاز عملیات نظامی علیه گروه‌های تروریستی در منطقه عاری از سلاح حومه حما به جبهه‌های درگیری در این منطقه فرستاد.

[illegible]

که نقشه راهی برای حل بحران سوریه فراهم کرد، حمایت می‌کنیم. شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه ۲۲۵۴ تحت عنوان «نقشه راه عملیات انتقال سیاسی در سوریه» را در آذر سال ۱۳۹۴ با اجماع کامل اعضاء به تصویب رساند. در این قطعنامه اعضای شورای امنیت خواستار توقف جنگ و آغاز مذاکرات صلح از اول ژانویه ۲۰۱۶ میلادی زیر نظر سازمان ملل شده بودند. جفری در ادامه مصاحبه از نشست گروه آستانه درباره سوریه نیز انتقاد کرد و مدعی شد که نشست‌های آستانه نمی‌تواند هیچگونه پیشرفت ملموسی را در سطح تشکیل کمیته قانون اساسی ایجاد کند.

مقام اطلاعاتی آمریکا: داعش در پی حمله به ایالات متحده از خاک افغانستان است

سرویس خارجی:مقام ارشد اطلاعاتی آمریکا با بیان این که داعش در حال انتقال نیروهای خود از سوریه به افغانستان است، اعلام کرد: این گروه تروریستی در پی حمله به ایالات متحده از خاک این کشور است.

مقام اطلاعاتی آمریکا اظهار داشت : داعش در حال انتقال نیروهای خود از سوریه به افغانستان برای طراحی عملیات از این کشور علیه آمریکاست. وی گفت: اطلاعاتی به ما رسیده است که برخی از اعضای داعش در حال انتقال افراد خود از سوریه و عراق به افغانستان هستند. به گفته این مقام اطلاعاتی آمریکا ،اگر واشنگتن عملیات ضدتروریسم خود علیه داعش را در افغانستان ادامه ندهد این گروه تروریستی حملات قابل توجهی را از خاک این کشور طی یکسال آینده علیه ایالات متحده انجام خواهد داد.این مقام آمریکایی تاکید کرد: برخی از اتباع فرانسه و انگلیس نیز در میان اعضای داعش در افغانستان حضور دارند.

در این حال،«سید عباس موسوی» سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان با اشاره به گشایش «لویه جرگه صلح» در کابل اعلام کرد: ایران از هر روند و گفتگویی که به نفع صلح، ثبات و امنیت پایدار در افغانستان باشد، استقبال و حمایت می‌کند.

کوتاه از سراسر جهان

وزیر خارجه لبنان: مزارع شبعا را از اسرائیل پس می گیریم



فارس: وزیر خارجه لبنان تأکید کرد که این کشور مزارع اشغال شده شبعا را از رژیم صهیونیستی پس خواهد گرفت و فراموش نمی‌کند طرفی که بیشترین تلاش را برای بازگرداندن شبعا به لبنان انجام می‌دهد، حزب‌الله است.جبران باسیل گفت: مزارع شبعا لبنانی است و از رژیم صهیونیستی پس گرفته خواهد شد زیرا این حق لبنان است و ما آن را مطالبه خواهیم کرد؛ ضمن اینکه نباید فراموش کنیم گروهی که بیشترین مطالبه را در این موضوع دارد و برای آن تلاش می‌کند حزب‌الله است.

تهدید داعش، بنگلادش را به حال آماده باش درآورد

ایرنا: نیروهای امنیتی بنگلادش درپی انتشار پیام تهدید آمیز گروه تروریستی داعش به حال آماده باش کامل درآمدند.گروه تروریستی داعش چند روز پس از پذیرفتن مسئولیت انفجارهای سریلانکا که در آن بیش از ۲۵۰ نفر کشته شدند، با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی تلگرام اعلام کرد که بزودی حمله در بنگلادش و ایالت غربی بنگال هند انجام می دهد. مقامات امنیتی و اطلاعاتی اعلام کردند، بنگلادش با بررسی دقیق این پیام، تمهیدات امنیتی را به کار گرفته است.

دبیر کل سازمان ملل: مقابله با نفرت پراکنی ضروری است



ایسنا: دبیرکل سازمان ملل اعلام کرد که دو ابتکار عمل برای مقابله با نفرت‌پراکنی و دفاع از مکان‌های مقدس در بحبوحه حملات گسترده به این مکان‌ها در دست دارد. آنتونیو گوترش گفت: من دو ابتکار عمل فوری را به مرحله اجرا درآورده‌ام: یکی برنامه‌ای برای بسیج کامل با هدف واکنش سیستماتیک سازمان ملل به منظور مقابله با نفرت پراکنی و دیگری کاوش در این مساله که چگونه این سازمان می‌تواند در تضمین امنیت عبادتگاه‌های مذهبی مشارکت داشته باشد. وی افزود: به مسلمانان در مساجد حمله و اماکن مذهبی آنها را نابود می‌کنند؛ یهودیان را در کنیسه‌ها به قتل می‌رسانند و روی اماکن آنها صلیب نازی رسم می‌کنند و مسیحیان را می‌کشند و کلیساهای آنها را آتش می‌زنند.

۵ کشته و ۳۰ مفقود در حمله بوکوحرام به نظامیان نیجریه

ایرنا: حمله تروریست های بوکوحرام به پایگاه ارتش نیجریه، سبب کشته شدن پنج نظامی این کشور و ناپدید شدن ۳۰ تن دیگر شد. گروه تروریستی بوکوحرام در این حمله توانست پایگاه ارتش را در نزدیکی شهر مایدوگوری به طور کامل به تصرف خود در آورد. هنوز از سرنوشت نظامیان ناپدید شده اطلاعی در دست نیست. سازمان ملل متحد اعلام کرد که در پی افزایش دور جدید خشونت های بوکوحرام در شمال شرق نیجریه بیش از ۳۰ هزار نفر آواره شده اند.

گورباچف: آمریکا و روسیه در خروج از پیمان منع موشک‌های هسته‌ای تامل کنند



مهر: آخرین رئیس جمهوری شوروی سابق در یادداشتی با اشاره به خطرات خروج از پیمان منع موشک های هسته ای میان برد، خواستار تامل بیشتر از سوی روسیه و آمریکا شد.«میخائیل گورباچف» در یادداشتی در روزنامه وال استریت ژورنال در خصوص پیمان منع موشک‌های هسته‌ای میان برد نوشت: باید به این نکته توجه داشت که پیمان منع موشک‌های هسته‌ای میان برد تاکنون امنیت روسیه را تضمین و مانع از نزدیکی احتمالی سلاح‌های مرگبار در نزدیکی مرزهای این کشور بوده است .

تیراندازی نزدیک سفارت آمریکا در هائیتی

فارس: منابع خبری از شنیده شدن صدای تیراندازی در نزدیکی سفارت آمریکا در هائیتی خبر دادند. حساب رسمی امور کنسولی وزارت خارجه آمریکا در توئیتر، وقوع این تیراندازی را تأیید کرد و نوشت: تیراندازی از درب پشتی سفارت به وقوع پیوست و بلافاصله دستور پناهگیری در محل برای حاضران در سفارت به اجرا درآمد. گفتنی است هائیتی یکی از فقیرترین کشورهای دنیا است و این کشور دو ماه پیش صحنه تظاهرات گسترده در اعتراض به شرایط معیشتی بود.

وکیل سابق رئیس جمهوری آمریکا: ترامپ شرور، قلب و روح ندارد

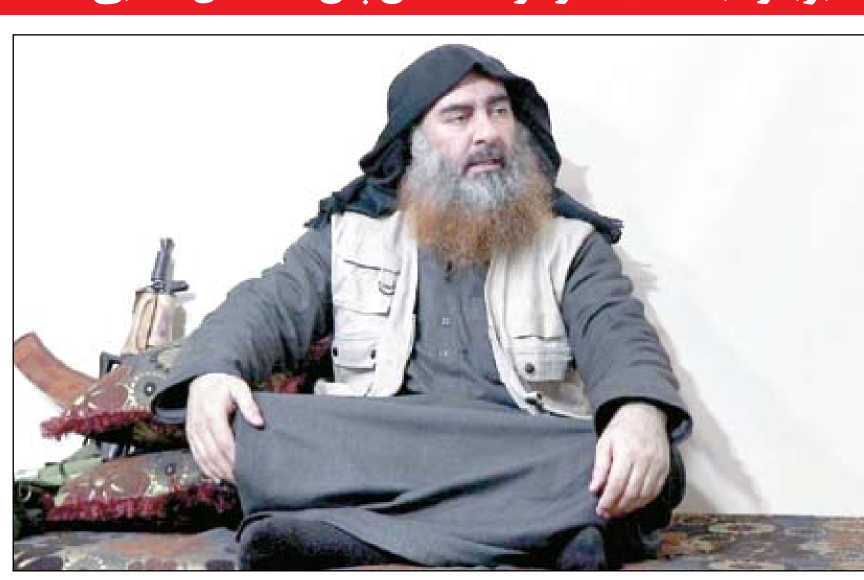


ابنا: وکیل پیشین رئیس جمهوری آمریکا در مورد روابط خود با موکل سابقش گفت که «دونالد ترامپ» وقتی شرور و بدجنس می شود، قلب و روح ندارد. «مایکل کوهن» افزود: ترامپ وقتی خوب است فردی عالی است اما وقتی وحشتناک می شود، به بدترین آدم روی کره خاکی تبدیل می شود. کوهن به اتهام ارتکاب چند فقره جرم از جمله کلاهبرداری مالی، تقلب مالیاتی و دادن حق‌السکوت به دو زن برای فاش نکردن روابط نامشروعشان با ترامپ، به سه سال زندان محکوم شده است و دوره حبس وی از ششم می (۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۸) آغاز می شود.

نهنگ جاسوس روسیه در سواحل نروژ به دام افتاد

ایرنا: نروژ اعلام کرد، یک نهنگ مجهز به ابزار جاسوسی را که احتمالا توسط نیروی دریایی روسیه آموزش دیده، در سواحل قطب شمال به دام انداخته است. اداره محیط زیست نروژ اعلام کرد یک نهنگ که بر بدنش تجهیزات دوربین GoProسوار بوده و برچسبی را که نشان می دهد مبدا آن از سن پترزبورگ است، در سواحل قطب شمال کشف و صید کرده است. در سالهای اخیر اخبار آموزش حیوانات از جمله نهنگ و دلفین برای مقاصد اطلاعاتی انتشار یافته و استفاده از این شیوه در پیشبرد مقاصد نظامی امری مسبوق به سابقه است از جمله آمریکا در جنگ عراق از دلفین های فیلمبردار برای رصد سواحل بهره برد.

«ابوبکر البغدادی» سرکرده داعش پس از ۵ سال آفتابی شد



سرویس خارجی: «ابوبکر البغدادی» سرکرده گروهک تروریستی داعش که پیشتر اخباری مبنی بر کشته شدن وی منتشر شده بود، پس از سال‌ها در یک فیلم جدید دیده شد.

این فیلم که سازمان تبلیغاتی فرقان وابسته به گروهک تروریستی داعش در تلگرام منتشر کرد، نخستین ویدئو از البغدادی از سال ۲۰۱۴ و سخنرانی اش در مسجد جامع «النوری» در موصل عراق است. در این فیلم البغدادی با ریش بلند، سفید و خضاب شده دیده می شود و یک دستار مشکی بر سر دارد و افراد همراه وی برای شناخته نشدن، صورت هایشان را با پارچه پوشانده اند. او در این فیلم کوتاه که ابتدای آن مشخص نیست، از افرادی مانند «ابوعبدالله استرالیایی»، «خلاد القحطانی»، «ابوجهاد الشیشانی»، «ابو انس فابیان فرانسوی» و «ابو رغد الدعجانی» از اعضای گروهک داعش یاد می کند که در جنگ به هلاکت رسیده اند. یک منبع اطلاعاتی عراقی گزارش داد که سرکرده داعش از هفته ها پیش تلاش می کرد وارد عراق شود و اینک در «تدمر» سوریه حضور دارد. پیش از این «مصطفی بالی» مدیر دفتر اطلاع رسانی نیروهای دموکراتیک سوریه (قسد) اعلام کرده بود که انتظار دارد درگیری با داعش و کنترل آخرین پایگاه این گروهک تروریستی در باغوز سوریه،به زودی به پایان برسد. نیروهای دموکراتیک سوریه جمعه گذشته حملات گسترده‌ای را برای کنترل باغوز، منطقه ای نزدیک به مرز عراق آغاز کرده بودند. البغدادی چهارمین سرکرده گروهک تروریستی داعش است. وی پس از ابومصعب زرقاوی که در سال ۲۰۰۶ میلادی کشته شد و «ابوحمزه مهاجر» و «ابوعمر البغدادی» که او نیز سال ۲۰۱۰ در حمله هوایی آمریکایی ها از پای در آمد، سرکرده این گروه تروریستی شد. نام واقعی ابوبکر البغدادی ۴۸ ساله که متولد شهر سامراست، «ابراهیم بن عواد الهاشمی القریشی» است. وی فعالیت خود را با عضویت در گروهک تروریستی القاعده در عراق آغاز کرد و در سال ۲۰۱۰ به دستور اسامه بن لادن سرکرده پیشین القاعده که به دست آمریکایی ها کشته شد، به عنوان سرکرده این گروه درعراق منصوب شد.در این حال وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) به انتشار تصویر ویدیویی از ظهور کم سابقه ابوبکر البغدادی برای اولین بار از سال ۲۰۱۴از سوی رسانه‌های وابسته به داعش واکنش نشان داد و متعهد شد، رهبران داعش را که آزاد هستند تحت پیگرد قرار داده و آنها را شکست دهد. شون رابرتسون، سخنگوی پنتاگون گفت: ما در جریان این ویدیو که ابوبکر البغدادی در آن ظاهر شده، قرار گرفتیم. او افزود: به حمایت از شرکایمان در ماموریت شکست دادن کامل داعش ادامه می‌دهیم. سخنگوی وزارت خارجه آمریکا نیز درباره این ویدیو گفت: کارشناسان دولت آمریکا ویدیو را بررسی خواهند کرد و آن را به مراجع اطلاعاتی می‌دهند تا درباره صحت و سقم این ویدیو تحقیق کنند. این سخنگو با اشاره به اینکه جنگ هنوز تمام نشده ادامه داد: ضربه استراتژیک و روانی قوی به تروریست‌ها در سوریه و عراق وارد شده به طوریکه خلافت آنها سقوط کرد و رهبرانشان یا کشته شدند یا فرار کرده‌اند. یک روزنامه انگلیسی هم گزارش داد که به احتمال زیاد سرکرده داعش در یک منطقه صحرایی در عراق واقع در نزدیکی مرزهای سوریه پنهان شده است. «دیلی تلگراف» در خصوص فیلم منتشر شده از ابوبکر البغدادی نوشت: اکثریت غربی‌ها معتقدند که البغدادی در یک منطقه در صحرای عراق واقع در نزدیکی مرزهای مشترک با سوریه پنهان شده است و سرویس‌های اطلاعاتی غربی تلاش می‌کنند از هر ثانیه از این فیلم ویدئویی بفهمند که البغدادی کجا پنهان شده است. در این گزارش آمده است: این فیلم ویدئویی با تکنیک‌های پیچیده و دوربین‌های بسیار با کیفیت گرفته شده و نور پردازی آن بسیار حرفه‌ای بوده است. در ادامه این گزارش آمده است: البغدادی که گفته می‌شد در جریان حملات هوایی آمریکا مجروح شده در این فیلم کاملاً سرحال دیده می‌شود.

جنبش «نجبا» عراق: در کنار ایران خواهیم ماند

سرویس خارجی:رئیس شورای اجرایی جنبش مقاومت اسلامی «نُجَبا» عراق در سخنانی تاکید کرد: همانطور که جمهوری اسلامی ایران در همه مشکلات کنار عراق بود، ما نیز همواره در تمامی سختی‌ها کنار ایران خواهیم بود زیرا معتقدیم که سرنوشتی مشترک و هدفی یکسان داریم.

«نصر الشمری»، رئیس شورای اجرایی مقاومت اسلامی «نُجَبا» در سخنانی خاطر نشان کرد: ما اتحادمان را با ملت و نظام جمهوری اسلامی تقویت و با تصمیمات ظالمانه و تحریم های آمریکا علیه ملت مسلمان ایران مقابله می کنیم. معاون دبیرکل «نُجَبا» تصریح کرد: به همه جهان و مستکبران و مزدوران کوچک آنان مثل «آل‌سعود» و «آل‌زاید» اعلام می‌کنیم که شیعیان آل محمد (علیهم‌السلام) و کسانی که در راه اسلام ناب محمدی قدم برمی‌دارند، به‌وسیله مرزها از هم جدا نمی‌شوند و توطئه‌ها عزم‌شان را تضعیف نمی‌کند زیرا آنان ید واحده و خون واحد و سرنوشت مشترکی دارند. هرکس می‌خواهد برای آمریکا و اسرائیل سجده کند، ولی ما جز برای خدا سجده نخواهیم کرد. همزمان، ائتلاف بزرگ «الفتح» عراق نیز با تأکید بر لزوم عدم همراهی عراق با تحریم‌های واشنگتن علیه تهران اعلام کرد : بغداد حاضر نیست با ترک تعامل اقتصادی و تجاری با تهران، خود را به مخاطره بیاندازد.این ائتلاف افزود: هرگونه همراهی احتمالی پارلمان عراق با تحریم‌های ضد ایرانی دولت آمریکا، به منزله «خودکشی اقتصادی» کشور عراق است.

در خبر دیگری، حزب‌الله لبنان در بیانیه‌ای به اظهارات اخیر وزیر خارجه بحرین علیه سید «مقتدا صدر» واکنش تند نشان داد و آن را «غیر اخلاقی» خواند.

جدیدترین نظرسنجی‌ها: ۵۵ درصد آمریکایی‌ها در انتخابات ۲۰۲۰ به ترامپ رای نمی‌دهند

سرویس خارجی: نتایج تازه ترین نظرسنجی واشنگتن پست و شبکه خبری «ای بی سی نیوز» نشان می دهد ۵۵ درصد از مردم آمریکا در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ این کشور به «دونالد ترامپ» رای نمی دهند.

نتایج نظرسنجی مشترک شبکه «ای بی سی نیوز» و روزنامه «واشنگتن پست» حاکی از این است که ۵۵ درصد مردم آمریکا موافق انتخاب مجدد ترامپ در انتخابات ۲۰۲۰ نیستند و تنها ۳۹ درصد از آنها عملکرد وی را از زمان به قدرت رسیدن مورد تأیید قرار می‌دهند.همچنین در این نظر سنجی،۱۴ درصد از مردم آمریکا درپاسخ به سوالی مربوط به انتخاب ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ گفتند که این مساله را بررسی می کنند و ۲۸ درصد نیز اعلام کردند که قطعاً به وی رأی می‌دهند.

بر اساس این نظر سنجی،از میان افرادی که با انتخاب ترامپ مخالف بودند، تنها ۲۹ درصد گفتند که مطمئناً به یک نامزد دموکرات در این انتخابات رأی می دهند. در همین حال،«دونالد ترامپ» رئیس جمهوری آمریکا از «جو بایدن» نامزد دموکرات‌ها در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ انتقاد کرد و در توئیتی نوشت: رسانه‌های جعلی، برای جو خواب آلود سخت تبلیغات می‌کنند،خنده دار است من به خاطر بایدن و اوباما اینجا هستم. آنها کاری نکردند و حال شما ترامپ را دارید؛ کسی که کارها را تمام می‌کند. این در حالی است که«جوبایدن» در نخستین گردهمایی انتخاباتی خود،دونالد ترامپ رابه تضعیف عامدانه نظام‌سیاسی آمریکا متهم کرد وگفت:ترامپ به سوءاستفاده از قدرت خود ادامه می دهد.

پاکستان نیروهای خود را برای تأمین امنیت مرزهای مشترک با ایران افزایش داد

سرویس خارجی: سخنگوی ارتش پاکستان ازافزایش نیروهای نظامی این کشور برای تامین امنیت مرزهای مشترک با ایران خبر داد.«آصف غفور» با بیان این که اسلام آباد شمار نیروهای خود را برای مراقبت از مرزهای مشترک با جمهوری اسلامی ایران افزایش داده است،گفت: ما نه تنها حضور نیروهایمان را در منطقه بیشتر کردیم، بلکه نقاطی که احتمال سوء استفاده اشرار و تروریست ها در آنجا وجود دارد را به شدت تحت نظر داریم. سخنگوی ارتش پاکستان ادامه داد: نیروهای سپاه مرزی پاکستان مسؤلیت تأمین امنیت ایالت بلوچستان را برعهده دارند و این روزها برای مراقبت از نوار مشترک مرزی با ایران نیز در منطقه حضور دارند.وی اظهارداشت: ارتش پاکستان برای نخستین بار گردان نیروهای سپاه مرزی را به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم کرده و نیروهای جنوبی سپاه مرزی مأمور مراقبت از مرزهای مشترک این کشور با ایران هستند.

کره شمالی: آمریکا رویکرد خود را تغییر دهد

سرویس خارجی:معاون وزیر امور خارجه کره شمالی خواستار تغییر رویکرد آمریکا درباره مذاکرات هسته ای شد و به واشنگتن هشدار داد چنانچه دیدگاه خود را در گفتگو با پیونگ یانگ تغییر ندهد این مذاکرات به نتیجه نخواهد رسید.

«چو سون خویی» اظهارداشت: وعده رهبر کره شمالی برای خلع سلاح هسته ای همچنان تغییری نکرده است اما این مساله ابدی نیست و به تغییر محاسبات آمریکا بستگی دارد.وی با اشاره به این که رویکرد فعلی آمریکا نسبت به مذاکرات نتایج ناخوشایندی به بار خواهد آورد از این کشور خواست رویکرد خود را تغییر دهد.

تلاش قطر برای توسعه روابط با مغرب پس از تنش میان ابوظبی و «رباط»

سرویس خارجی: امیر قطر در بحبوحه تشدید تنش میان «ابوظبی» و «رباط» و فراخوانده شدن سفیر امارات از این کشور، با هدف تقویت روابط «دوحه» با «رباط»، «نماینده ویژه» به مغرب فرستاد.

امیر قطر در اقدامی که نشان از تلاش برای توسعه روابط با مغرب دارد، «سفیر فوق‌العاده» به این کشور فرستاد. به گفته منابع خبری، «تمیم بن حمد آل ثانی» امیر قطر ، در دستوری در خصوص توسعه روابط با مغرب، «فهد ابراهیم الحمد المانع» را به عنوان «سفیر فوق‌العاده» در این کشور تعیین کرد. سفیر فوق العاده بالاترین درجه یک سفیر از لحاظ دیپلماتیک است که به آن «فرستاده ویژه » نیز می گویند.

به نوشته پایگاه خبری اسپوتنیک، این تصمیم پس از بروز تنش میان ابوظبی و«رباط» و همچنین سفر اخیر «ناصر بوریطه» وزیر خارجه مغرب به «دوحه» در دهم آوریل گذشته که حامل نامه پادشاه این کشور به امیر قطر بود، گرفته شده است.

کناره‌گیری بی‌سابقه امپراتور ژاپن از قدرت و جلوس پسرش بر تخت سلطنت



سرویس خارجی: آکی هیتو، امپراتور ژاپن در اقدامی بی سابقه در تاریخ این کشور دیروز سه‌شنبه با حضور در معبد شینتو، با امید به شروع دوره‌ای جدید برای کشورش از سلطنت کناره‌گیری کرد.

شبکه‌های تلویزیونی ورود امپراتور آکی هیتو با لباس سنتی را به معبد اصلی کاشیکودوکورو در توکیو پخش کردند. در مراسم کاخ سلطنتی، آکی هیتو مقابل اعضای خاندان سلطنتی و مقام‌های ارشد دولتی بازنشستگی خود را اعلام کرد و همزمان با پایان دوران او، ولیعهد ناروهیتو به عنوان صد و بیست و ششمین امپراتور جایگزین شد. ناروهیتو امروز چهارشنبه بر تخت طلایی می‌نشیند و طی مراسمی یک شمشیر، یک قطعه جواهر و مهرهای سلطنتی را که تاییدی بر جانشینی اوست، تحویل می‌گیرد. مراسم کناره‌گیری آکی هیتو با حضور شینزو آبه نخست‌وزیر ژاپن، میچیکو همسر امپراتور، ناروهیتو ولیعهد و همسرش و روسای مجالس پارلمان و قضات دادگاه عالی این کشور برگزار شد و در پایان آن، نخست‌وزیر رسما کناره‌گیری امپراتور آکی هیتو را اعلام کرد.آکی هیتوی سالخورده در سخنانی حین کناره‌گیری از مقامش تاکید کرد: "امروز، وظیفه‌ام را به عنوان امپراتور به اتمام می‌رسانم. از صمیم قلبم از اظهارات نخست‌وزیر آبه که به نمایندگی از مردم ژاپن ایراد شد، قدردانی می‌کنم. مایه خوشبختی و مباهات است که توانستم از زمان آغاز سلطنت به مدت ۳۰سال با اعتماد عمیق و احترام مردم ژاپن وظایفم را انجام دهم. از مردم که مرا به عنوان یک سمبل پذیرفته و مورد حمایت خودشان قرار دادند، عمیقا سپاسگزارم. من و همسرم با تمام وجود امیدواریم دوره جدید امپراتوری که از فردا آغاز می‌شود، صلح‌آمیز و مثمرثمر باشد. من برای صلح و شادی کشورم و مردم جهان دعا می‌کنم."

ساعاتی پیش از آغاز مراسم مذکور، مردم با وجود هوای سرد و نمناک بیرون از ساختمان کاخ تجمع کردند. هزاران تن از مردم ژاپن و بازدیدکنندگان از این کشور در میان تدابیر امنیتی شدید برای مشاهده مراسم در برابر کاخ سلطنتی ازدحام کرده بودند.آکی هیتو ۸۵ ساله، اولین امپراتور ژاپن در ۲۰۰ سال اخیر است که از سلطنت کناره‌گیری می‌کند. سایر امپراتوران تا زمان مرگ، مقام خود را حفظ می کردند.آکی هیتو در سال ۱۹۹۰ با درگذشت امپراتور هیروهیتو به سلطنت رسید. او در سال ۲۰۱۶ تلویحا نسبت به استعفا از مقام سلطنت ابراز تمایل کرده بود. براساس گزارش‌ها، او در سال‌های اخیر به دلیل ابتلا به بیماری‌های مختلف تحت درمان بوده است. در پی اعلام تمایل امپراتور به کناره‌گیری، دولت لایحه مربوط به مجوز این اقدام را به تصویب پارلمان رساند و زمینه قانونی برای اجرای خواست امپراتور را فراهم آورد.امپراتور ژاپن علاوه بر موقعیتی که طبق قانون اساسی در ساختار سیاسی آن کشور داراست، وظایف متعددی را هم در آیین شینتو، مذهب سنتی مردم ژاپن، ایفا می‌کند.برای دوره امپراتوری هر یک از امپراتوران ژاپن نامی خاص انتخاب می‌شود و دوره سلطنت آکی هیتو "عصر هیسه‌آی" نام دارد که به معنی "دستیابی به صلح" است. برای دوره امپراتور بعدی عنوان "عصر ریوا" انتخاب شده که به معنی "همسازی دلنشین" است. این عناوین با تشریفات خاص و پس از مشورت با کارشناسان تاریخ و ادبیات ژاپن برگزیده و به نخست‌وزیر پیشنهاد می‌شود.از سویی رهبران جهان به این رویداد واکنش نشان دادند. «مون جائه این» رئیس‌جمهوری کره‌جنوبی در نامه‌ای به آکی هیتو بر تاکید او بر صلح و گسترش روابط میان سئول و توکیو قدردانی کرد. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا از مشارکت او در روابط دوستانه دو کشور تشکر کرد.

شورای امنیت: اسرائیل اقدامات سرکوبگرانه علیه فلسطینیان را پایان دهد

سرویس خارجی: شورای امنیت ضمن محکومیت اقدامات مستمر رژیم صهیونیستی علیه مساله فلسطین، خواستار توقف تمامی اقدامات سرکوبگرانه این رژیم علیه فلسطینی‌ها و اتخاذ موضعگیری‌هایی بین‌المللی برای پایبندی اسرائیل به توافقنامه‌های بین‌المللی شد.

شورای امنیت در جلسه‌ای به ریاست آلمان به بررسی تمامی اقدامات انجام شده درباره مساله فلسطین و اقدامات رژیم صهیونیستی در طول چهار ماه گذشته علیه فلسطینی‌ها پرداخت.رزماری دیکارلو، معاون دبیرکل سازمان ملل در امور سیاسی نسبت به افزایش درگیری‌های اسرائیلی و فلسطینی که منجر به تغییر وضعیت سیاسی شده، هشدار داد و گفت: تلاش‌های سازمان ملل مدام مورد مانع‌تراشی قرار می‌گیرند .دیکارلو به شورای امنیت گفت: امیدها درباره تشکیل راه حل دو کشوری با نگرانی‌های روزافزون درباره آینده مبهم فلسطین جایگزین شده و امکان تشکیل کشور فلسطین که قابل حیات بوده در حال نابودی است.

ریاض منصور، نماینده دائم فلسطین در سازمان ملل نیز در سخنرانی که در این جلسه داشت، نسبت به شرایط حال حاضر فلسطین و وخامت آن در پی ادامه شهرکسازی‌ها، بازداشت‌ها، یورش سربازان اسرائیلی به خانه‌های فلسطینی‌ها و نیز قتل کودکان هشدار داد.ریاض منصور گفت: ما طرح صلح آمریکا را نمی‌پذیریم و بارها تاکید کرده‌ایم که هر گونه طرحی برای فلسطین که در آن به قوانین بین‌المللی و قطعنامه‌های سازمان ملل متکی نباشد و در آن حقوق فلسطینی‌ها رعایت نشود، هرگز عادلانه نبوده و موفق نخواهد شد .نماینده دائم فلسطین در سازمان ملل در بخش دیگری از صحبت‌های خود، تاکید کرد، به رسمیت شناختن حاکمیت رژیم صهیونیستی بر اراضی اشغالی به منزله نقض قوانین بین‌المللی بوده و اینکه آمریکا قدس را به عنوان "پایتخت اسرائیل" به رسمیت شناخته، به منزله نادیده گرفتن تمامی اقدامات بین‌المللی برای برقراری صلح و نیز راه‌حل تشکیل دو کشور است .در این حال وزیر خارجه سوئد ضمن حمایت از اقدام کشورش در به رسمیت شناخته شدن فلسطین، بر تداوم پشتیبانی از فلسطینی‌ها تاکید کرد. وزیر خارجه سوئد از تصمیم کشورش برای به‌رسمیت شناختن فلسطین به عنوان کشور مستقل قدردانی کرد. «مارگوت والستروم» گفت: به تصمیم دولت سوئد در سال ۲۰۱۴ که فلسطین را به عنوان یک کشور مستقل به رسمیت شناخت، افتخار می‌کنم. والستروم گفت که بسیاری از کشورها موضع سوئد را در به رسمیت شناختن فلسطین دنبال کردند و این امر نشان می‌دهد که فلسطین را در زمان مناسب به رسمیت شناختیم؛ ما همچنان از فلسطین حمایت خواهیم کرد. در چنین شرایطی یک رسانه عربی پیشنهاد رشوه ۱۰میلیارد دلاری ولیعهد سعودی به رئیس تشکیلات خودگردان فلسطینی برای موافقت با طرح موسوم به «معامله قرن» را فاش کرد. روزنامه الاخبار به نسخه‌ای از گزارش‌های ارسالی نماینده اردن در رام‌الله به وزارت خارجه در امان دسترسی پیدا کرده است که این گزارش ها، حجم نگرانی اردن را از تبعات «معامله قرن» نشان می‌دهد که رئیس‌جمهوری آمریکا درصدد است مفاد این طرح را در ماه ژوئن آینده اعلام کند.بر اساس گزارش‌های اردن، بعد از تصمیم «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهوری آمریکا برای به‌رسمیت شناختن قدس اشغالی به‌عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی در دسامبر ۲۰۱۷، «محمود عباس» رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین از رهبران فلسطینی خواسته است تحت هیچ بهانه‌ای با ایالات متحده آمریکا رودررو نشوند و به‌دنبال ناظری جدید برای روند صلح معلق‌شده باشند.

«سندرز»: تیم ترامپ، آمریکایی‌ها را درباره جنگ یمن فریب می‌دهد

سرویس خارجی: سناتور برجسته دموکرات آمریکا و نامزد انتخابات ۲۰۲۰ ریاست‌جمهوری این کشور در سخنانی اعلام کرد : تیم ترامپ به ویژه «مایک پمپئو» وزیر خارجه وی، مردم آمریکا را درباره جنگ یمن فریب می‌دهد.

«برنی سندرز» نامزد دموکرات انتخابات ۲۰۲۰ ریاست‌جمهوری آمریکا و سناتور ارشد این کشور در صفحه توییتر خود ضمن انتقاد از اظهارات اخیر وزیر خارجه آمریکا تأکید کرد :«مایک پمپئو» در قضیه جنگ یمن در حال فریب دادن مردم آمریکا است.این سناتور منتقد سیاست‌های دولت ترامپ ضمن تأکید بر نقش واشنگتن در جنایات سعودی‌ها در یمن، نوشت: « پمپئو باید گمراه کردن مردم آمریکا درباره جنگ یمن را متوقف کند » . وی ادامه داد: «حقیقت این است که نقش ایران در جنگ یمن اندک است و تداوم حمایت آمریکا از این فاجعه تحت رهبری عربستان سعودی، امنیت ملی ما را تضعیف می‌کند.»توییت جدید سندرز در واکنش به حرف‌های دو روز گذشته پمپئو بود که از اقدام واشنگتن در حمایت از ائتلاف عربستان در جنگ یمن دفاع کرد.همزمان،«ایلهان عمر» عضو مسلمان مجلس نمایندگان آمریکا نیز با انتشار پیامی در توئیتر و اشاره به اظهارات اخیر «دونالد ترامپ» که گفته است ، عربستان پول زیادی دارد پس ما به آنها سلاح می‌دهیم، نوشت: حکومت عربستان سعودی مرتب حقوق بشر را نقض می‌کند و ما باید سریعاً تسلیح آنها را متوقف کنیم.وزیر خارجه آمریکا اما بار دیگر از ائتلاف متجاوز عربستان در یمن و حمایت کشورش از عربستانی‌ها در این جنگ دفاع کرد.«مایک پمپئو» در توجیه ادامه حمایت‌های کشورش از تجاوزات ائتلاف سعودی علیه یمن در سخنانی مضحک مدعی شد: موشک‌هایی که انصارالله از یمن به سمت عربستان شلیک می‌کنند ، تهدیدی برای مردم آمریکاست (!) و ما ملزم به حمایت از شهروندانمان هستیم.

«نیویورک تایمز»: آمریکا «اخوان المسلمین» مصر را سازمانی تروریستی اعلام می کند

سرویس خارجی:طبق گفته مقام‌های آمریکایی، بعد از سفر اخیر «عبدالفتاح السیسی»، رئیس‌جمهوری مصر به واشنگتن، تحرکات دولت ترامپ برای افزودن «اخوان‌المسلمین» مصر به فهرست گروه‌های تروریستی تشدید شده است.روزنامه «نیویورک تایمز» به نقل از مقام‌های مطلع آمریکایی نوشت:دولت ترامپ درصدد افزودن نام گروه «اخوان‌المسلمین» مصر به فهرست سازمان‌های تروریستی است.به گزارش این روزنامه، ترامپ درصدد است تا با صدور فرمانی، اخوان‌المسلمین مصر به عنوان یک سازمان تروریستی خارجی شناخته شود. منابع مطلع به این روزنامه آمریکایی گفتند: بعد از سفر ۹آوریل (۲۰فروردین) «عبدالفتاح السیسی» رئیس‌جمهوری مصر به واشنگتن و دیدار او با دونالد ترامپ، کاخ سفید به مقام‌های وزارت خارجه و شورای امنیت ملی دستور داد که راهی برای اعمال تحریم‌ها علیه اخوان‌المسلمین پیدا کنند.بنا بر این گزارش، «سیسی» در دیدار خصوصی با ترامپ، از وی خواست که مانند دولت مصر، گروه اخوان‌المسلمین را به عنوان سازمانی تروریستی به رسمیت بشناسد.

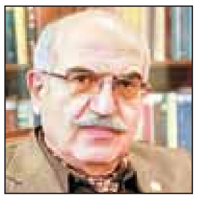
فرهنگ

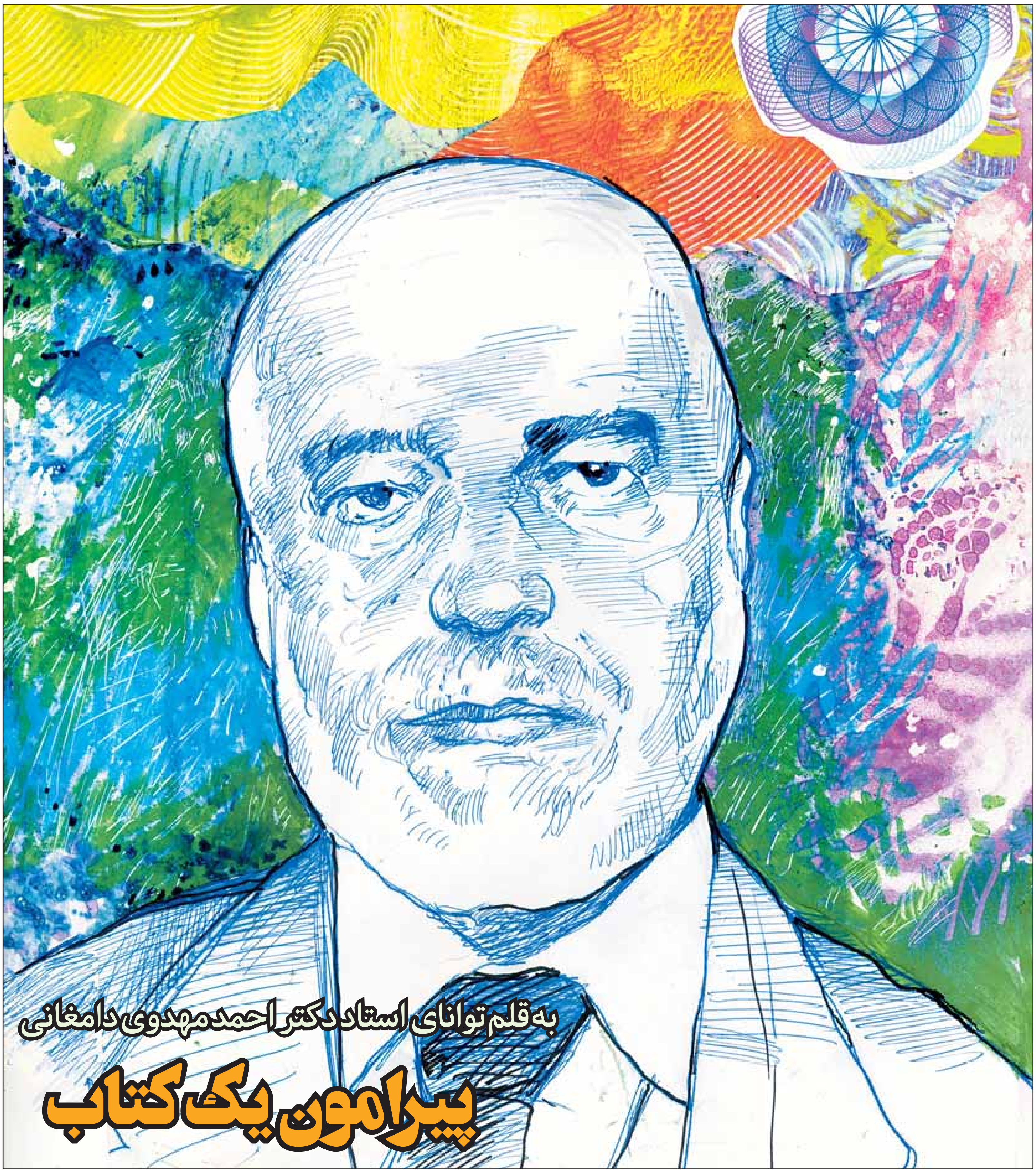
۳۹۶

ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات
چهارشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۸- سال نودوسوم - شماره ۲۷۲۷۰









طرح از: حبیب‌الله صادقی

ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات
چهارشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۸- سال نودوسوم - شماره ۲۷۲۷۰

قلم‌انداز

انقلاب دیجیتالیسم

... بـه همین مقیـاس، هر اتفاقی که در عرصه‌های دیگر روی داده و هر جا که پای ابزار و ادوات جدید رسـیده اسـت، حالت پیشـین را منعزل کرده و خود به جای آن نشسـته اسـت و هرگز شـرایط قبلی احیاء نخواهد شـد. این سرنوشت محتوم سـیطرهٔ دیجیتالیسـم اسـت که در آن امکان رجوع به حالت و شرایط گذشته وجود ندارد.

بـه عنـوان مثـال، تصور اینکه دیگر بار روزی برسـد که انسان برای جابجایی خود و ابزار و وسایل خود به جای ماشین از چارپایان و حیوانات و احشام استفاده کند، مطلقاً امکان تحقق ندارد و تحت هیچ شـرایطی نمی‌توان انسـان را از ماشین جدا کـرد، حتـی اگر ده‌ها و صدها و هزارها آفت و آسـیب از همین ماشین وارد انسان و زندگی بشود که می‌شود.

از همیـن جـا می‌تـوان ایـن نتیجه کلـی را گرفت که: پیشـرفت‌ها، هرگز جای خود را به شـرایطی ضعیف‌تر از خود نخواهند داد و آنچه بعد از یک حد معین از پیشرفت رخ خواهد نمود، پیشرفت‌های بزرگتر و گسترده‌تر است.

حال، اگر این سـخن را به آسـتان تکنولوژیهای دیجیتال بیاوریـم، حاصـل این خواهد بود که: آنچـه از این به بعد روی خواهد داد، در محدودهٔ دیجیتال خواهد بود و نه غیر آن. بنابراین، به صورت طبیعی، چیزی که از امروز تا فردا و تا پایان حرکت و حیات بشـری شـاهد آن خواهیم بود، از دیجیتال به دیجیتال‌تر خواهد بود.

ظواهر و شواهدی بی‌شمار این موضوع را تأیید می کند که انقلاب دیجیتالیسم با شرایط و ویژگی‌ها و مختصات خودش، در حال گستردن سیطرهٔ خویش است و با گذشت زمان، پیوسته شئون حضوری خویش را افزایش می‌دهد.

اگـر تا چند سـال پیـش، تنها در برخی زمینه‌ها شـاهد درخشش آلات و ابزارهای دیجیتال بودیم، امروز، کمتر جایی را می‌توان یافت که پای دیجیتالیته به آنجا نرسـیده باشـد: از گیرنده‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای بگیرید تا دوربین عکاسی یا گوشی‌های همراه که زیر گوش ما به کار گرفته می‌شود.

***

قـدرت تصویـر و تصور، این توان و بـه عبارت بهتر این امـکان را بـه مـا می‌دهد که بتوانیم آنچـه را که می‌خواهیم و حتی نمی‌خواهیم تصور کنیم و پیش خود حاضر سازیم. داشتن سابقه‌ای ذهنی ـ حتی اگر واقعی نباشد ـ کافی است تا بتوانیم از عهده تصور هر چیزی برآییم.

اگر نمایی از دریا را دیده باشید، چه در عالم واقع و از کناره سـاحل، چه در عالم خواب و چه در عالم تصویر (= تلویزیون، عکـس، نقاشـی، صـدا و ....) بـه راحتی می‌توانیـد دریا را در قواره‌های مختلف و اشـکال و هندسـه‌های گوناگون به تصور درآورید و در ذهن خودتان به جنب و جوش و حرکت در بیاورید، با غرشی کوتاه و بلند و همراه با نسیم تند و کوتاه و موج‌هایی ریز و درشت که آرام آرام از دوردست‌های دریا می‌خزند و به تدریج و با نظم جلو می‌آیند و در کناره ساحل می‌شکنند و آنگاه امواجی دیگر که با انحنا و سیری مدور از پی هم می‌آیند و می‌خزند و در سـاحل دفن می‌شـوند. بماند که چه برداشت‌های شاعرانه و هنری و غیرشاعرانه‌ای می‌توان در این باب داشت.

دکتر حسـابی ـ اگر روایت درسـت باشد ـ نقل کرده است که: روزی در سـاحل دریای لبنان با اسـتادی که به متافیزیک اعتقاد نداشت، قدم می‌زدیم. خواست موج و زیبایی آن را تحلیل فیزیکی بکنم و من جوابی نداشتم که بدهم و دست آخر نتیجه این شـد که زیبایی‌های طبیعی از نوع موج ـ با آن قوس‌های محاسـبه‌ناپذیر و معادله‌ناپذیر ـ اساسـاً قابـل تحلیل فیزیکی نیسـتند و با زبان فیزیک و ریاضی و حتی زبان علم، نمی‌توان از عهده تشریح آنها برآمد، هر چند که ممکن است زبان هنر و شعر ـ و اخیراً سینما ـ قادر به چنین توصیف‌هایی باشد.

بعد از این مقدمه، حالا کاهی را تصور کنید، در بحبوحه و متن موج‌های پرکشاکش و لرزان و لغزان و غرنده. دریا و موج متلازمند و شاید هم همزاد. نه دریا بدون موج قابل تصور است. نـه مـوج بدون دریا پدید می‌آید. در نتیجه هر کاهی که به دریا بیفتد، خواه ناخواه در مصاف امواج قرار می‌گیرد و ...

ملك الشعراء بهار به قلم دکتر مهرداد بهار/۲

خاندان و خانواده



بهار در جوانی

از وجود دیوان اشعارش نیز سخن گفته اند. نویسنده «مجمع‌الفصحا» می‌گوید دیوان صبور را در نزد پسـرش محمد دیده اسـت و از نتایج طبعش پیداسـت که قدرتی کامل داشـته. صاحب «نگارسـتان دارا» اشعار او را پنج هزار بیت می‌داند. ظاهرا آخرین کسی که از دیوان صبور سخن گفته است، خود بهار اسـت که در مقدمه «گلشـن صبا» می‌نویسـد: «دیوان شعر میرزا احمد صبور به نظر حقیر رسـید، قریب چهارهزار شـعر بود.» متأسفانه دیوان او در دسـت خانواده بهار نیسـت و از سرنوشـت آن بی‌خبریم. محتملا این دسـت‌نویس، در کنار دیگر کتاب‌های صبوری، در آتش گرفتن خانه پدری بهار در مشهد، سوخت و از میان رفت، اما در تذکره‌ها اشعاری از او نقل شده است که بیشتر قصیده است؛ از جمله:

باز از دم جان‌بخش صبا صفحه غبـرا
شد تازه‌تر از ساحت این گلشن خضرا

***

شکنـــج دام بلا گیسـوی معنبـر اوسـت
که جان زنده دلان پای بست چنبر اوست
کشیده نرگس مستش زعشـوه خنجـر ناز
کجا روم که جهانی شهید خنجـر اوسـت

از پسـر و خاندان پسـری صبور، تا جایی که خبر داریم، شاعری نام‌آور برنخاست، اما ذوق و استعدادی که در وجود او بود گویا به خاندان دختری‌اش رسـید. این اسـتعداد در محیط کسـب و کار بازار کاشـان و مشهد چندی از شکفتن فروماند. نوه، یا به احتمال بعید داماد صبور، محمدباقر، جذب کار و حرفه پدرش، عبدالقدیر خاراباف، گشت، و چون از کاشان به خراسان رخت کشید، پارچه‌های ابریشین نیکو روانه بازارهای داخلی و خارجی کرد و ریاست صنف حریربافان مشهد را یافت. اما محمدکاظم، سومین پسر او، به شعر روی آورد، تا سـرانجام به مقام شـامخ ملک‌الشعرایی آستان قدس رضوی رسید و سرآمد شاعران زمان خود شد. پس از درگذشت محمودخان ملک‌الشعرا صبا، از محمد کاظم صبوری خواستند تا سمت ملک‌الشعرایی دربار ناصرالدین‌شاه را بپذیرد، ولی صبوری روی برتافت و افتخار ملک‌الشعرایی آستان رضوی را بر ملک‌الشعرایی دربار ناصری ترجیح داد.

صبوری در ساختن قصیده و غزل استادی بسیار از خود نشان داد، و در قصیده سرایی بیشتر پیرو سبک امیر معزی بود... غزلی از او:

سوی ما دیگر به نـاز آن دلنـواز آیـد؟ نیایـد
عمر بود و رفت، عمـر رفتـه باز آیـد؟ نیایـد
در عراق آمد دلم، کامی نجست از وصل جانان
ماه عالم تاب من جـز از حجـاز آیـد؟ نیایـد
نشکفـد دل تا نبینـد از دهانـش یک تبسـم
یـارب از باغ مراد این غنچـه باز آیـد؟ نیایـد

صبوری همسر او از خاندانی گرجی بود، از معاریف خاندان‌های مسیحی گرجسـتان، که دو تن از ایشـان در طی جنگهای ایران و روسیه، از سرزمین خـود جـدا مانده، به ایران افتاده و اسـلام پذیرفته بودند. این دو سـهراب و افراسیاب نام داشتند.

سهراب که برادر بزرگتر بود، در دربار فتحعلی شاه ترقی کرد. نقدینه شاه و صرف جیب او به وی محول بود و بدین روی، سهراب خان نقدی خوانده می‌شـد و خاندان «نقدی» از نسـل اویند. برادر کوچکتر، افراسـیاب‌خان، نه تنها اسلام پذیرفت، بلکه تعصبی سخت در کار دین آشکار کرد، و از خدمات دولتی روی برتافت و به کار تجارت پرداخت و پسرش، عباسقعلی، نیز تاجر شد. مادر بهار دختر این عباسقلی تاجر بود ک در تهران متولد شده، و بعدها با خانواده‌اش به مشهد آمده بود: «پدرم و مادرم از هر جهت به یکدیگر شبیه بودند. از حیث تعصب و بسـتگی به دیانت، ایمان و تقوا اختلاف سـلیقه در میان آنان نبود. هر دو از حیثت خانواده و معیشـت خانوادگی در یک ردیف بودند و یکی را مزیتی بر دیگری نبود هرگز از یکدیگر ناراضی دیده نشدند. نصایحی که مادرم و پدرم درکودکی، هر یک جدا جدا، به من کرده‌اند، همه در یک ردیف و شـبیه به هم و در معنی از یک سـنخ بوده اسـت؛ و از این قسـمت هم می‌توان پی برد که اخلاق آن دو تن کاملا به هم شـبیه بوده و تفاوت فکری و مغایرت عقیدتی نداشته‌اند.»

از ایـن ازدواج چهـار فرزنـد برجای ماند که بزرگترین ایشـان، محمد تقی‌بهار بود. محمدتقی در تهران با معتصم‌السلطنه فرخ دوستی داشت. فرخ همسـری از خاندان دولتشاهی‌های کرمانشاه گرفته بود: منیژه فرزند صفدر میرزا قاجار. او بهار را از وجود دختری دیگر در این خانواده به نام سودابه خبر کرد، خود گفتگو را به انجام رسانید و سودابه به همسری بهار درآمد.

از این ازدواج شش فرزند برجای ماند که به ترتیب هوشنگ، ماه‌ملک، ملک‌دخت، پروانه، مهرداد و چهرزاد نام گرفتند. از پیوند فرزندان بهار شانزده نوه نیز بازمانده است، اما دریغ که از این خیل فرزندان و نوگان هیچ شاعری بلندپایه برنخاسته است، گویی که بخوشید سرچشمه‌های قدیم!

بهار، از کودکی تا پایان عمر

بهار در دوازدهم ربیع‌الاول سـال ۱۳۰۴ قمری، برابر با بیسـتم آذرماه ۱۲۶۵ شمسی، در مشهد زاده شد: «از کودکی به گل و نقاشی میل مفرطی داشتم، پدرم گلباز بود و من گلچین. یک بار به جرم چیدن یک بوته کوچک از زمیـن، در همـان ایـام بچگی، از پدرم کتک خوردم و بعد از آن دسـت به گل نمی‌دزم.»

بهترین تعارفی که مرا در اوان صباوت خشـنود و شـاد می‌نمود، گل بود. خاله‌ای داشـتم که در خانه آنها گل یاس و زنبق بسـیار بود. او گاهی از آنهـا چیـده، بـرای من می‌آورد و گاهی که من (به خانه آنان) می‌رفتم، از آن گلها به من می‌داد. من آن زن را خاله گلدار نام نهاده بودم. در نقاشـی ذوق مفرطی داشـتم. کتاب‌هایی که دارای تصاویر بودند، یگانه مونس من بودند و غالـب اوقـات آنهـا را، بدون فهم عبارت، ورق زده، از دیدن تصاویرشـان خوشوقت می‌شدم. رفته رفته این مطالعات پی در پی باعث شد که خود قلم برگرفته، در پشت کتب و روی صفحات کاغذ، حتی روی اوراق قیمتی پدرم و هرچه به دست می‌افتاد، نقاشی می‌کردم.

بـه یـاد دارم روی سـر محبره پدرم رفتم. خانـه خالی بود. قلم و دوات را برداشـته، صفحه کاغذ بزرگی را که طومار وار لوله شـده بود، باز کردم. مهـر بزرگـی بـه کاغذ خورده بود. مدتـی روی خطوط آن مهر را قلم بردم و کپیه آن را برداشـتم. سـپس در حواشـی آن چند شکل اسب و آدم کشیدم، و خلاصه آن صفحه بزرگ را به کلی خراب کردم. ناگاه مادرم درآمد، فریادی بـه مـن زد، آن را از مـن گرفت و با عجله تمام لوله کرده، در صندوق نهاد و در آن قفل زد. بعدها که بزرگتر شـدم، مادرم گفت: می‌دانی که آن روز چه کـردی؟ آن کاغـذ فرمان منصـب و مواجب پدرت بود و آن مهر ناصرالدین شاه بود که تو روی آن را سیاه کردی! بعدها جوهرهای رنگارنگ خریداری کرده، تصاویر شـاهنامه و نظامی و غیره را رنگ می‌کردم. این وقت هفت ساله بودم و شاهنامه را به خوبی می‌خواندم و می‌فهمیدم و تصاویر مزبور را از روی تناسب اشعار رنگ می‌کردم.

از چهار سـالگی مرا به مکتب سـپردند. معلم من زن عمویم بود که در محله خود ما منزل داشت و در آن مکتب یک دختر همسن من بود و با من درس می‌خواند. من قرآن را نزد زن‌عمویم خواندم و وقتی که در شش سالگی به مکتب مردانه رفتم، فارسی و قرآن را به خوبی می‌خواندم.

در هفت سـالگی شـاهنامه را نـزد پدرم در ایام تعطیـل می‌خواندم و معانی مشکله آن را پدرم به من می‌فهمانید و این کتاب به طبع و ذوق من در فارسـی و لغـت و تاریخ ایران کمـک بی‌نظیری کرد که هیچ وقت فواید آن را از خاطـر نمی‌توانـم برد؛ من جمله بعد از یک دوره خواندن شـاهنامه، توانستم در همان کودکی به همان بحر شاهنامه شعر بگویم و مورد تمجید پدرم واقع شوم.

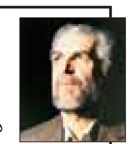
شروع شاعری

من از هفت سالگی به شعر گفتن مشغول شدم. یکی خواندن شاهنامه، دیگـر خوانـدن کتاب «صد کلمه» از آثار نظمی رشـید و طواط، در مکتب، تحریک قریحه شعری مرا باعث آمد.

ادامه دارد

قلم‌انداز استاد دکتر حکمت‌الله ملاصالحی، استاد دانشگاه تهران/۲

قصه پر غصه ما





وقتی پای پایبندی به ارزش‌هایی و دست تعهدی به پیمانی و وفاداری به عهدی در میان نیست، وقتی فروغ عقیده و آرمانی در خانه جانت فروزان نیست؛ وقتی هیچ خط و حد و مرز قرمزی را نمی‌شناسی و نمی پذیری؛ هنرپیشه‌ای و بازیگر هرنقشی در هر پرده نمایشی. معیار منفعت و مصلحت توست نه منفعت و مصلحت مُلک و ملت و میهنت.

سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی وگردشگری یکی از میان صدها سازمان و تشکیلات به ظاهرنوبنیادیست که پس از انقلاب بهمن پنجاه و هفت با برنامه های متفاوت از مرکزباستان شناسی پیشین برصحنه می‌آید. سرگذشتش علی رغم عمرکوتاهش ازبسیاری از نهادها و سازمان‌ها و تشکیلات نوپدید و نوبنیاد غم انگیزتر و پرحاشیه‌تر و پرحدیث‌تر و حادثه‌خیزتربوده است؛ پرحدیث و پرحادثه و حادثه‌خیز با خسارات و تلفات مدنی و معنوی سخت و سنگین و جبران ناپذیر برای کشور.

در اینکه این سازمان نخست یک سازمان و تشکیلات فرهنگی است محل مناقشه نیست. دردیگرکشورهای جامعه وجهان روزگارما نیز چنین است و چنین می شناسندش و البته که به غایت فرهنگی و به غایت مهم از همین منظر و با چنین ماهیتی. درمیان معاونت های این سازمان و تشکیلات مصدوم و مقهور میهن ما پژوهشگاه سازمان در قیاس با دیگرمعاونت‌ها و زیرمجموعه‌ها دستش همیشه هم از نان تهی‌تر بوده است هم از نام کوتاه‌تر وهم از جاه بسته‌تر.

سنگرش سنگر جان ارتشیان و سپاهیان و سربازان ثغور و سرحدات هم نیست. در یک کلام سنگر سربازانش سنگرتیغ و تیر و شمشیر و تفنگ و توپ و تانک نیست. سپاهیان و سربازانش سربازان سنگر تاریخ و فرهنگ و مآثری تاریخی و مواریث فرهنگی مُلک و ملت و میهن‌اند. سنگری به غایت مهم. مسئولیتی بس عظیم و امانتی بس خطیر و شریف برشانه سربازان مُلک وملت و میهن.

سنگری که سربازانش دیدبانان و حافظان و پرچمداران وامانتداران تاریخ و فرهنگ و مواریث مدنی ومعنوی نه تنها یک ملت که تاریخ و فرهنگ و مواریث مدنی معنوی یک سیاره و تاریخ در مقیاسی جهانی‌تر و انسان‌شمول‌تر هستند. پژوهشکده باستان‌شناسی زیر خیمه همین معاونت سکنی دارد و بیشترین سربازان و سنگربانانش را اعضای علمی و پژوهشی‌ای تشکیل می‌دهند که دانش آموختگان و فارغ التحصیلان رشته باستان شناسی و دیگر رشته‌ها و تخصص‌های خویشاوند و مرتبط با علوم باستان‌شناسی هستند. قطار طرح‌ها و برنامه‌های آن نیز علی القاعده می باید روی ریل‌های مطالعات میدانی باستان شناسان و هیات‌های باستان‌شناسی اعم از انواع و اطوار بررسی‌ها و کاوش‌ها و حفاظت محوطه‌ها و ارائه گزارش‌های باستان شناختی به مقصد شناختن و شناساندن هرچه اصولی تر و عالمانه‌تر تاریخ فرهنگ و مآثر تاریخی و مواریث فرهنگی کشور به ایرانیان و در مقیاسی فراخ تر و انسان‌شمول تر به جامعه جهانی و دیگر جوامع سیاره ما حرکت کند.

درسال‌های پرهزینه و خسارتبار دولتیان نامحمود نهم و دهم علی الخصوص درسال‌های مدیریت نامیمون ناحمید بقایی، زخم‌های التیام ناپذیر سخت و سنگینی بر پیکرسازمان و میراث و میراثیان وارد آمد. زخم‌های عمیقی که هیچگاه التیام نپذیرفت و بهبود نیافت و خساراتی که هیچ جبرانی برآن مترتب نیست.

باری و بهر روی آن سال های شوم و نامحمود و نامیمون، به ظاهر بسرآمد و دولتیانی دیگر با شعارتدبیر و امید برلب و کلید قفل‌های ناگشوده برکف از دردولتی دیگر درآمدند. جامعه باستان شناسان و میراثیان مصدوم و مجروح و مقهور و مرعوب و مغضوب دولتیان سلف چونان دیگر اقشار اجتماعی چشم در انتظار بهبود اوضاع و احوال دوخته بودند و امید و اشتیاق سال‌های خوش‌تری را در خیال می چشیدند و در سر می‌پختند. انتظارمی‌رفت پس از آن همه قهر و بی‌مهری و جفایی که بر مآثر تاریخی و مواریث فرهنگی کشور رفته بود و تجاوزها و تخریب‌های وسیع محوطه های باستانی و تاراج اشیاء و اموال و اسناد فرهنگی از پیکر بناها و از زیر سقف و پشت ویترین و انبار و آرشیو موزه‌های کشور، مدیران دولتیان جدید گام برگام مدیران دولتیان نامحمود و ناحمید پیشین نگذارند و از کارنامه مردود و سیاه آن تیره بختان تیره‌روز درس‌عبرت بیاموزند و طرحی نو درسازمان در اندازند و جان تازه ای به پیکر مجروح و مصدوم و مقهور ومغضوب سازمان بدمند و بدهند. امّا دریغ و صد دریغ که چنین نشد و حال میراث و میراثیان وخیم تر و بحرانی‌تر نیز شد و عرصه بر سربازان و سنگربانان مواریث فرهنگی کشور تنگ‌تر و تنگ‌تر هم شد و بازار مکاره سود و سودا بر سرناموس میراث مُلک و ملت رونق و رمق بیشتر و شتاب بیشتر و وسعت بیشترگرفت و ویروس‌های مزمن خیانت به امانت وامانتداری در درون مراکز سازمان نیز رخنه کرد و شیوع یافت و دست و دامن کثیری را آلوده کرد و قلیلی را نیز نگران کرد و ایمن و آسوده خاطر نگذاشت.

اخبار فاجعه بار و گوش خراش دستگیری مدیران و معاونان و کارکنان مراکز استانی سازمان را هر روز در رسانه‌های جمعی کشور و در فضای مجازی بیش از پیش می‌شنویم و قصه غم انگیز و پرغصه میراث و میراثیان برجانمان زخم می زند و از قهقرای مدنی و معنوی که دچارش شده‌ایم خون دل می‌خوریم و خون در دل می گرییم.

اخباری که ازدستگیری رئیس مرکزسازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی وگردشگری استان قزوین وبرخی دیگراز همکاران ایشان به گوش می رسد یک فاجعه غم انگیزملی است! فاجعه غم‌انگیز ملی خیانت در امانت و شکستن حرمت امانتداری و تجاوز به حریم میراثداری و تحقیر و تخریب رسم میهن داری و میهن دوستی. غم‌انگیزتر آن که چنین فاجعه‌ای در شهری اتفاق می‌افتد که مردمش به اخلاق و امانتداری شهره‌اند و تاریخش نیزبس درخشان است و فرهنگش بس پرمایه و غنی.

احاله حق انتصاب و صدور حکم مدیریت مراکزاستانی سازمان به استانداری‌ها یک اشتباه بزرگ ملی بوده است که مدیریت‌های سازمان میراث فرهنگی ، صنایع دستی و گردشگری جامعه بعدانقلابی ما مرتکبش شده اند و اثرات و تبعاتش برای کشور نیز بسیارمنفی و خسارتبار بوده است.

انتصاب وگماشتن افراد نامتخصص و مهره‌های سیاسی و جناحی ناباستان شناس و فرهنگ ناشناس در رأس مراکزی که ماهیتی فرهنگی دارند و علی‌القاعده سربازان و سنگربانانش می‌بایست سربازان و سنگربانان بیدار و هشیار و هوشمند صیانت از تاریخ و فرهنگ و مآثر تاریخی و مواریث فرهنگی و پا سداران اقتدار و انسجام و اقتدار و اعتبارفرهنگی و وحدت ملی مُلک و ملت و میهن باشند سراز شریکان دزد و رفیقان قافله برکشیده اند و در امانت خیانت روا می دارند و بذرهای فاسد تفرقه برزمین وحدت ملی پاشند.

کشوری که با توجه به دیرینگی و تراکم و حجم و تنوع عظیم مآثرتاریخی و بافت‌های فرهنگی و محوطه ها و آثار باستانی و ظرفیت‌ها و امکانات عظیم فرهنگی و مدنی و معنوی اش انتظار می‌رفت سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی وگردشگری‌اش پس از انقلاب به یکی از کانون‌های مهم و فعال معرفی و صیانت از مآثرتاریخی و مواریث فرهنگی درقلب خاورمیانه نبوی مبدل شود، اینک یکی از مراکز اصلی قاچاق و نقل و انتقال آثار و اشیاء باستانی شده است وچنین می شناسندش!

کمترکشوری را شما در جهان می شناسید درکمتر از چند دهه این چنین گسترده و شتابناک مشاهیرتاریخی و مفاخر ملی‌اش را درسکوت سیاه دولتیان‌ومجلسیان‌وقضائیان‌وبی‌تفاوتی‌مدیران‌تاریخ ناخوانده و تاریخ نادان سازمان‌های فرهنگی و مواریث فرهنگی‌اش، کشورخوانده‌های ساخته دست‌های متجاوز قدرت‌های استعماری فرامنطقه‌ای وطراحان ومهندسان مرز بندی‌های سیاسی جدید به نام خود ثبت وجعل وسرقت کرده‌باشند.

ادامه دارد

درگذشت آقای وکیل

ایران یکی از چهره های اصیل و با شرافت جامعه وکالت را از دست داد. صنفی که بیش از هرزمان محتاج چنین پیشکسوتان شرافتمند و آزادیخواه و عدالت جوست که با استغنای علمی، وارستگی اخلاقی و پرنسیب حرفه ای این شغل شریف را از میان مایگی، دلالی و کاسبکاری... برهانند. مرحوم کشاورز نمونه عیارمند یک وکیل دانش ورز ، اخلاق مدار و آرمان خواه کانون وکلای دادگستری بود و در جهت تبین مفهوم وکالت و بایسته های آن، قریب نیم قرن تجربه حرفه ای موفقی را برای کارآموزان این حرفه بدست داد.

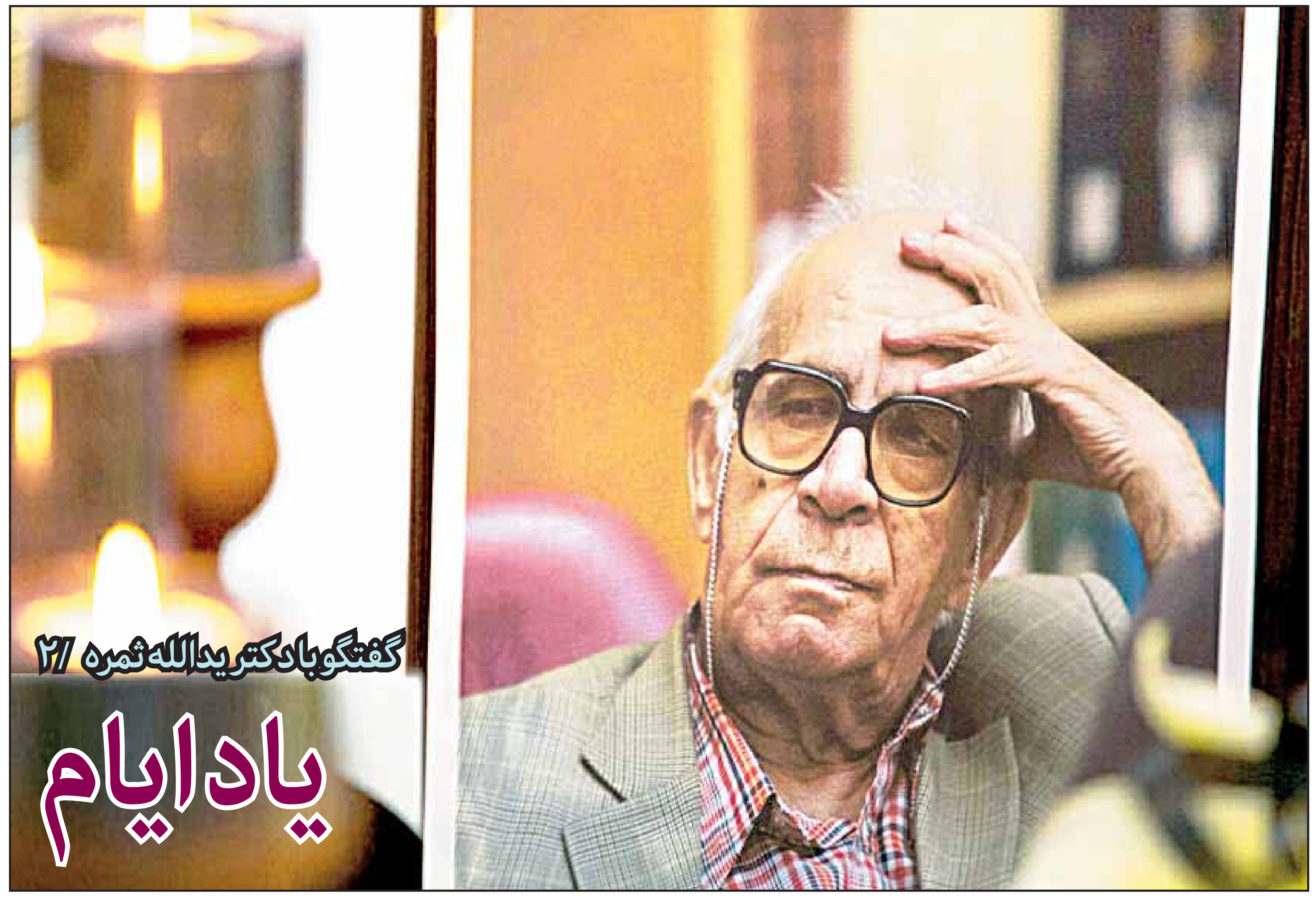
دربرهه‌ای که به وکالت از شهردارتهران در دادگاه علنی و تلویزیونی پرهیاهویی حاضر شده بود، سواد و بلاغت و طمانینه و وقار حرفه ای اش ، حُسن شهرت فراوانی برایش به ارمغان آورد اما وی هرگز این خوش آوازگی اجتماعی ارزشمند را صرف مطامع شخصی نکرد، بلکه با حضور گاه و بیگاه در محافل و جراید علمی و اجتماعی به دفاع از حقوق و آزادی های عامه پرداخت و نشان داد بر خلاف بسیاری از سلبریتی‌های این روزگار قدر و منزلت سرمایه اجتماعی خود را می‌داند. در هر رو نام بهمن کشاورز بعنوان یکی از برجسته‌ترین و مشهورترین وکلای دادگستری در تاریخ ایران بر جای می ماند. او سه سال ریاست کانون وکلای دادگستری مرکز و ۱۰ سال ریاست اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران (اسکودا) را نیز بعهده داشت که تلاش فراوانی در صیانت از جایگاه این نهاد مدنی مصروف داشت.

از حیث علمی نیز وی که فارغ‌التحصیل مقطع کارشناسی‌ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی از دانشگاه ملی سابق (دانشگاه شهید بهشتی) و همین‌طور کارشناسی‌ارشد حقوق خصوصی از همان دانشگاه بود آثار مکتوب حقوقی متعددی هم تألیف کرد. از آثار او می‌توان به کتاب‌های «آیین تنظیم قراردادها»، «آیین نگارش حقوقی و کلیات عملی علم حقوق (دوره دوجلدی)»، «سرقفلی و حق کسب و پیشه و تجارت در حقوق ایران و فقه اسلام»، «متن محشای قانون و آیین‌نامه اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب»، «هنر دفاع در دادگاه‌ها (دوره دوجلدی)»، «مجموعه محشای قانون تعزیرات حکومتی»، «یادداشت‌های محکمه»، «بررسی تحلیلی و روابط اقتصادی مؤجر و مستأجر»، «بررسی تحلیلی قانون جدید روابط مؤجر و مستأجر»، «فرهنگ حقوقی»، «اعتراض شخص ثالث در دادرسی‌های مدنی»، «تحلیل حقوقی قتل عمد» و ده‌ها مقاله و یادداشت در نشریات عمومی و علمی اشاره کرد. دوسال پیش



در همایش حقوقی راجع به حقوق کسب و کار و حق سرقفلی کسبه پلاسکو توفیق هم صحبتی گوارایی یافتیم و پس از آن نیز به وعده ای با هم به گعده دلنشین حقوقی گذراندیم. همواره از فضل و کمال علمی و اخلاقی‌اش متنعم مان می ساخت و با مطایبه‌های حکمت آموز دلشادمان می کرد. روانش شاد.

علی اکبرجعفری ندوشن



اشاره: آن چه می خوانید ادامه خاطرهٔ جذابی است که زنده یـاد دکتــر ثمره از نــوع برخورد یکی از اســتادان خارجی با خود بیان می کند.

... استاد به من گفت: شما باید مقاله‌ای تحقیقی بنویسید. من منابعی به شــما دادم تا ببینید با نظریاتی که من در همان زمینه داده‌ام متفاوت است. شما باید اینها را بخوانید و آن چیزی را کــه خوانده‌ایــد با آنچه من گفته‌ام مقایســه کنید و فکر کنید و ســرانجام یک چیز را خودتان قبول کنید و با یک دلیل آن را به من بدهید. شــما اگر به من می‌گفتید که به فلان دلیل تمام نظرهای تو غلط است، من به شما + A می‌دادم. ولی می‌بینم آنچه را گفته‌ام، برای خودم نقل کرده‌اید. اینکه ارزش ندارد. این کار را هر کسی می‌تواند بکند.» من تازه فهمیدم که دید استاد نسبت به علم با آن چیزی که من به آن عادت کرده بودم چقدر فرق دارد. البته من نمی‌خواهم اســتادانی را که در ایران داشــتم تخطئه بکنم و بگویم که این سیستم درست یا غلط است. خدا آنها را رحمت کند که هر چه دارم از آنها دارم.

ولی رفتار آن زمان طوری بود که ما به قدری خودمان را در مقابل اســتادمان کوچک و حقیر فرض می کردیم که جرئت نداشــتیم مثــلاً بــه او بگوییــم که آیا به غیر از آرای شــما چیز دیگری هم وجود دارد؟ فکر می کردیم آنچه استاد گفت همان اســت و بس، و باید همان را یاد بگیریم. البته آنان هم اســتادان دانشــمندی بودنــد. خدا رحمت کند کــه مرحوم فروزانفر را که یکی از شــخصیت‌های بســیار درخشان دانشگاهی بود، مرحوم معیــن همین‌طــور؛ و همان‌طور که عرض کردم، بعضی از آنها تحصیل کردهٔ خارج بودند و نســبت به مســائل دانشــگاهی دید علمیِ غربی داشتند. ولی این وضع عمومی نبود.

این چیزها برای من کاملا تازگی داشــت و تا تقریباً شــش ماه به هر چه نگاه می کردم، برایم تازگی داشت و سعی می کردم خــودم را عــادت بدهم و به اصطلاح خودم را توجیه کنم. یکی از درس‌هایی که من از اقامتم در دانشگاه لندن گرفتم این بود که وقتی خودم به ایران بازگشــتم و جای اســتادان قبلی خودم نشســتم، ســعی کردم آن نوع رفتار ســنتی را با دانشجو نداشته باشم و دانشجو چنان دیدی را نسبت به من نداشته باشد.

چون حقیقتاً روش استادان خارجی را پسندیده بودم و فواید این موضوع را درک کرده بودم که بین اســتاد و دانشــجو نباید هیچ حایلی وجود داشــته باشــد و آنها باید در حکم دو دوســت یا پدر و فرزند باشــند. من خودم ســعی کرده‌ام با دانشــجویانم این‌طور باشــم و فکر می کنم از نظر آموزشــی مؤثرتر اســت و جریان آموزش را سریع‌تر، مطمئن‌تر و عمیق‌تر می کند.

*** لطفاً دربارهٔ وضعیت آموزشــی زمان خودتان صحبت کنید.**

دکتر ثمره: در زمانی که من تحصیل می کردم، ســه دورهٔ تحصیلی وجود داشــت: ابتدایی، متوســطه و دانشگاهی. دورهٔ ابتدایی شــش ســال بود و تصدیق ششــم ابتدایی می‌دادند و با گذراندن یک امتحان نهایی به پایان می‌رسید. در دورهٔمتوسطه دو دوره با عناوین سیکل اول و سیکل دوم وجود داشت.

ســیکل اول با پایان‌یافتن کلاس‌های هفت، هشــت و نه داده می‌شــد و ســیکل دوم پس از گذراندن کلاس ده و یازده و دوازده. بعد دانشســراهایی برای تربیت معلم وجود داشــت که از کلاس نه، یعنی آغاز ســیکل دوم وارد دانشســرای مقدماتی می‌شدیم و بعد از آن به دانشسرای عالی می‌رسیدیم. البته من به دانشسرای عالی نرفتم. من فقط دانشسرای مقدماتی را طی کردم و بعد به سراغ تحصیلات آزاد در دانشگاه تهران آمدم.

بنابراین، تحصیلات متوسطه شامل دو دوره بود. دورهٔ اول ســیکل اول بود و دورهٔ دوم ســیکل دوم. بعد از آن هم دانشگاه بود. در دانشگاه دورهٔ لیسانس و بعد دورهٔ دکتری وجود داشت. در آن زمــان چیــزی به اســم دورهٔ فوق‌لیســانس نبود. یعنی از دورهٔ لیسانس، شاگردان اول یکسره وارد دورهٔ دکتری می‌شدند و کســانی کــه شــاگرد اول نبودند باید کنکــور دورهٔ دکتری را می‌گذراندند. البته کســانی هم که شــاگرد اول می‌شدند کنکور داشتند، منتها مواد کنکور آنها کمتر بود.

ما فقط باید زبان را امتحان می‌دادیم، اما دیگران درس‌های ادبی را هم داشتند و این دوره، آخرین مرحلهٔ تحصیلات عالی بود که مدت خاصی نداشــت. مثلاً وقتی من وارد دورهٔ دکتری شدم، دانشجویانی سر کلاس مرحوم فروزانفر بودند که پانزده ســال قبل از من وارد این دوره شــده بودند و هنوز درس او را نگذرانده بودند. حداقل این دوره چهار ســال بود و از آن طرف ممکن بود کسی تا آخر عمر دانشجوی دکتر بماند.

*** آقــای دکتــر، در حال حاضر به چــه زمینه‌هایی علاقه دارید؟**

دکتــر ثمره: مدت‌هاســت که توجه مــن به آموزش زبان به خارجیان جلب شده است. در این زمینه هم خیلی کار کرده‌ام. قبل از انقلاب کتاب A Course in Colloquial Farsi (آموزش زبان محاوره‌ای به خارجیان) را تألیف کردم. بعد هم پنج جلد آزفا را برای وزارت ارشــاد نوشــتم و چاپ سوم آن را انتشارات الهدی منتشر کرده است.

ایــن کتــاب خیلی موفــق بوده و یک روش و متدلوژی تازه در آموزش زبان فارســی به خارجیان به‌وجود آورد که به متد آزفا معروف شده است. الان مؤسسهٔ لغت‌نامهٔ دهخدا کلاس‌هایی دایر کــرده بــرای آموزش روش آزفا به کســانی که می‌خواهند آزفا را درس بدهند. این کتاب در سراسر دنیا تدریس می‌شود و تاکنون به بیســت زبان ترجمه و چاپ شــده اســت. در داخل ایران هم در دانشــگاه بین‌المللی امام خمینــی و نیز مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی در تهران تدریس می‌شود.

دو جلــد کتــاب دیگــر هم بــرای دانشــجویان قزاقی‌زبان دانشــگاه‌های قزاقستان نوشــته‌ام. عنوان یک جلد آن دریچه‌ای به زبان فارســی و دیگری راهنمای زبان فارســی اســت. اینها را من و مرحوم پروفســور رســتموف نوشــتیم که انتشارات الهدی چاپ کرده است.

خیــال دارم کتاب‌های دیگری بــرای گویندگان زبان‌های دیگــر بنویســم، مثلاً برای زبان اردو. عــلاوه بر این، اگر عمری باقــی باشــد ـ که شــک دارم ـ خیــال دارم کاری را که در زمینه آواشناسی کرده‌ام و یک جلد آن درآمده است و در مقدمه آن هم وعده جلدهای دیگر را داده‌ام، به پایان برسانم.

مــن می‌خواســتم یک دوره کامل آواشناســی بــرای زبان فارســی بنویســم که جلد اول آن همان آواشناســی زبان فارسی چاپ مرکز نشــر دانشــگاهی است. جلد دوم آن فرآیندهای آوایی در زبان فارسی است. جلد سوم این کتاب ویژگی‌های آکوستیکی صداهای زبان فارسی و مطالعات آزمایشگاهی است.

*** دربــاره ورود خودتــان به گروه زبان‌شناســی و تاریخچه این گروه بفرمایید.**

دکتر ثمره: من در سال ۱۳۴۷ وارد گروه زبان شناسی شدم. در آن موقع، آقای دکتر مقدم رئیس گروه بود. گروه زبان‌شناسی در سال ۱۳۴۲ پایه‌ریزی شد و از مهر ۱۳۴۲ رسماً با عنوان گروه زبان شناســی در دانشــکده ادبیات دانشــگاه تهران تأسیس شد. مؤسس گروه دکتر محمد مقدم بود.

وقتی که من وارد گروه زبان‌شناســی شــدم، این گروه هنوز مســتقل نبود، یعنی یک گروه بود با عنوان «گروه زبان‌شناســی همگانی و زبان‌های باستانی ایران». این گروه دو گرایش داشت، یکی گرایش زبان‌شناســی همگانی یا عمومی و دیگری گرایش فرهنگ و زبان‌های باســتانی یا زبان‌شناســی باســتانی. این دو گرایش وجود داشت و البته مدرک تحصیلی آنها هم جدا بود.

فوق لیسانس هر دو رشته و دکترای هر دو رشته هم وجود داشت، اما مدیر و استادهای گروه باهم بودند و یک گروه را تشکیل می‌دادند. در آن زمان که من وارد شــدم، در قســمت زبان‌شناسی همگانــی، آقــای دکتر باطنی و آقای دکتــر میلانیان بودند. من در ســال ۱۳۴۷ آمدم و بلافاصله بعد از من در همان ســال دکتر صادقی آمد و ســه چهار ســال پس از من، آقای دکتر حق‌شناس وارد گروه شد.

ضمنــاً مرحــوم دکتــر خانلری هم به طــور نیمه وقت برای گــروه زبان‌شناســی درس‌هایی می‌داد مثل تاریــخ زبان و امثال اینهــا. اعضــای ثابت گروه دکتر مقدم، دکتــر ماهیار نوابی، دکتر جمــال رضایــی، دکتر نجم‌آبادی، دکتر صادق کیا و مرحوم دکتر بهرام فره‌وشی بودند.

کم‌کم گروه زبان‌شــناس نضج گرفت. من از همان ابتدا که وارد گروه شدم، در همان تخصص خودم کار کردم و آواشناسی و واج‌شناسی را درس دادم. البته بعدها دو سه درس دیگر هم دادم، مثل سبک‌شناسی زبان و ادبیات از دیدگاه زبان‌شناسی. منتها کار اصلی من از ابتدا تا امروز آواشناسی و واج‌شناسی بوده است.

*** آقای دکتر، در حالی که افرادی مثل دکتر مقدم و دکتر خانلری به مطالعات زبانی و به خصوص مطالعات تاریخی زبان فارســی آشــنایی داشتند و در این زمینه هــم کار می کردنــد، دیگر چه نیازی به تأســیس گروه زبان‌شناســی بــود؟ مگر همین مطالعات پاســخگوی مسائل زبانی ما نبود؟**

دکتــر ثمــره: به احتمال زیاد، مرحوم خانلری و مرحوم مقدم و شــاید هم دکتر کیا احســاس کرده بودند که برای توصیف زبان فارسی، دانش سنتی زبان‌شناسی کافی نیست. به خصوص مرحوم دکتر خانلری به این نتیجه رســیده بود که دســتورهای ســنتی از لحاظ توصیفی خیلی کارآیی ندارند. این دستورها خیلی تقلیدی و کلیشه‌ای هستند. خیلی چیزها را از دستور زبان عربی وارد فارسی کرده‌اند و از الگوی زبان عربی استفاده می کنند.

اولا، این الگوها خیلی دقیق نیســتند و ثانیاً، اصولاً بر زبان فارسی تطابق ندارند، بلکه تحمیل بر زبان فارسی هستند. از طرف دیگر، زبان فارسی از دوره مشروطه به بعد، دچار تحولات اساسی شد که ما آثار آن را در شعر و نثر می‌بینیم. آثار کامل این تحول را در شعر و نثر نو می‌بینیم و انواع مختلف آن در نثر رمان و نثر علمی و غیره قابل مشاهده است. مطمئناً کسانی مثل دکتر خانلری که اهل شــعر و نثر و نویســندگی بودند، به لزوم دانش و چارچوبی نظری، که براساس آن بتوان این زبان جدید را چه در شعر و چه در نثر تحلیل کرد، پی برده بودند و می‌دانستند که دستور سنتی قادر نیست نثر امروز فارسی را توصیف کند و مشکلاتش را حل کند. از این نظر، این بزرگان احســاس کردند که دانش جدیدی برای این کار لازم است. همچنین دستور زبان فارسی از نظر آموزشی اشــکالاتی داشــت. کما اینکه هنوز هم به رغم تحولی که ایجاد شده، باز می‌بینیم مسائل آن کاملاً رفع نشده است.

در تدوین دستور زبان‌های جدید، تا اندازه‌ای دید زبان‌شناسانه را می‌توان مشــاهده کرد، ولی هنوز کامل نیســت... خوب، این مســائل را ایــن بزرگان حس کرده بودنــد و فکر می کردند به هر حال باید دانش جدیدی به این مســائل رســیدگی کند و باید در نحوه توصیف زبان تحولی به وجود بیاید، زیرا توصیف‌های سنتی دیگر کارآیی نداشت. اینها از این نظر، در واقع، مبلغین زبان‌شناسی جدید در زبان فارســی بودند و پیدایش زبان‌شناســی از همین جا نشئت گرفت و همین استادان به ما می‌گفتند به خارج که رفتید، زبان‌شناســی جدید را بخوانید. خودشــان هم اطلاعاتی داشتند و کارهایی کرده بودند. مثلاً دستوری که خود مرحوم خانلری نوشته، حتی برای امروز هم دستور خوبی است.

دســتور زبان دکتر خانلری با دســتور زبان‌هایی که قبل از او نوشــته شــده خیلی فرق دارد. این مسائل بود که احساس نیاز به زبان‌شناســی را ایجاد کرد و به دنبال این تقاضاها بود که ما هم رفتیم و زبان‌شناســی خواندیــم و فکر کردیم آیندهٔ خوبی خواهد داشت و خوشبختانه هم همین‌طور بود.

*** آمــوزش زبان‌شناســی در طــول این مدت چه تفاوت‌هایی کرده است؟**

دکتر ثمره: من تفاوت‌هایی را در مورد زبان‌شناســی در قبل و بعد از انقلاب احســاس می کنم. به نظر من، دانشــجویان بعد از انقلاب علاقه‌مندتر و شــائق‌تر از دانشــجویان قبل از انقلاب هســتند. اما کادر آموزشــی ما نســبت به قبل از انقلاب ضعیف‌تر اســت. مثــلاً مــا الان به لحــاظ کتاب و منابع خیلــی در مضیقه هســتیم. بــه لحاظ ســفرهای خارج خیلــی در مضیقه‌ایم. قبل از انقلاب خیلی راحت می‌توانستیم با هزینه خودمان به خارج برویم. من هر ســال می‌توانســتم به خارج بروم و با منابع و پیشرفت‌های جدید آشنا شوم. با خودم تعدادی کتاب می‌آوردم و وقتی به ایران برمی‌گشتم، درس‌هایم واقعاً با قبل از رفتن به خارج فرق داشت. اما بعد از انقلاب، رفتن به خارج هم از جهت اداری و هم از جهت مالی مشــکلات خیلی زیادی دارد. یک معلم کجا می‌تواند با این قیمت‌ها به خارج برود و از طرف دیگر، مگر گرفتن ویزا به راحتی میسر می‌شود.

من الان سالهاســت که به انگلیس نرفته‌ام. اگر هم رفته‌ام، به علت کمبود پول آن‌قدر ســفرم کوتاه بوده اســت که نتوانستم بروم یک ســخنرانی علمی بشــنوم، در سمیناری شرکت کنم، به چند کتابخانه ســر بزنم، به دانشــگاهی که در آن تحصیل کرده‌ام سری بزنم و با استادان قدیمم صحبت بکنم. وقتی می‌روی باید خیلی ســریع برگردی. مجموعهٔ اینها باعث می‌شــود که ما خیلی ضعیف بشــویم. ســه چهال ســال پیش که من به انگلیس رفتم، چنان یأسی وجودم را فرا گرفت که تصمیم گرفتم وقتی برگشتم تقاضای بازنشســتگی کنم و بروم در خانه بنشــینم و دیگر اســم خودم را اســتاد دانشــگاه نگذارم. چون دیدم دست کم ۲۰۰ کتاب درآمده که من حتی از اسم آنها باخبر نشده‌ام، چه برسد به محتوا و متن آنها. با خودم فکر کردم آخر من چه اســتادی هســتم و به دانشــجو چه باید بگویم. دانشگاه‌های دیگر چه دارند می کنند و ما کجای کاریم.

*** آیا فکر می کنید پس از گذشــت این ســی چهل ســال بــه آن نیازهایی که دکتر مقــدم و دکتر خانلری احساس کرده بودند جواب داده شده است؟**

دکتر ثمره: برای علمی که تازه پیدا شــده باشــد و مفاهیم آن در جامعه تازگی داشــته باشــد، ســی چهل ســال دورهٔ خیلی طولانی‌ای نیســت. شــاید بهتر باشد این سؤال را این‌طور مطرح کنیم که آیا در این دوره زبان‌شناسی در مسیر تکامل و رشد بوده اســت و آیا رشــد آن تا اینجا قانع کننده بوده اســت یا نه؟ در این مورد می‌توانم بگویم بله.

زبان‌شناســی از ابتدای پیدایش تا امروز در مســیر رشد بوده است. زبان‌شناسی فارسی در مسیر تکامل بوده است. به طور کلی، اولین هدف زبان‌شناســی در ایران این بود که به زبان فارســی و زبان‌شناســی زبان فارسی خدمت کند. در این راه کارهای زیادی صورت گرفته و مقالات و کتاب‌های نســبتاً قابل توجهی نوشــته شده است. کارهای دکتر باطنی و دکتر میلانیان کتاب‌ها و مقالات خوبــی هســتند. بعدها هم ما آمدیــم و در زمینه‌های تخصصی‌تر کار کردیم. من در حیطهٔ آواشناســی و آواشناســی زبان فارســی کار کردم. دربارهٔ واج‌شناســی و ســاختمان هجایی زبان فارســی مقالاتی دارم.

آواشناســی و واج‌شناسی گویش‌ها مورد توجهم بوده است. مثــلاً مــن دربارهٔ گویــش دری زین‌آبادی و گویش گیلکی و چند گویش دیگر کار کرده‌ام. همچنین دکتر حق‌شناس و دکتر صادقی کار کرده‌انــد. البتــه نمی‌توانم ادعــا کنم که این کارها کافی بوده و بیش از این نمی‌شــد کار کرد. ولی توجه داشــته باشید که گروه زبان‌شناسی از ابتدا تا امروز یک هدف اساسی دیگر هم داشته و آن تربیت کادر زبان‌شناس بوده است، یعنی بیشتر وقت ما صرف تدریس و تربیت زبان‌شناس شد تا تحقیق.

بنابرایــن، مقــدار وقتــی که بــرای تألیــف و ترجمه صرف کردیم شــاید کم بوده اســت. ای بســا اگر تدریس نمی کردیم، بیشتر می‌توانستیم کار بکنیم. با این حال باید در نظر بگیریم که ما برای دانشــگاه‌ها کادر خوبــی تربیت کرده‌ایم. الان ۹۰درصد افرادی که در دانشگاه‌های مختلف زبان‌شناسی درس می‌دهند، یا پرورش یافتگان داخل هستند یا لااقل فوق‌لیسانس خود را در اینجا گرفته‌اند و برای گرفتن دکترا به خارج رفته‌اند.

ادامه دارد

در کوچه باغ اندیشه / ۱۲۱

کریم فیضی

زندگی در حوالی زیبایی پرسه می زند

سخن در باب بدایت و نهایت انسان زیاد است. عده‌ای از بدایتش می‌گوینــد و عــده‌ای دیگر از نهایتش. در این میان خود انســان و حال کنونی او به فراموشی سپرده شده است که در میان انبوهی از مشکلات و پرســش‌ها و ابهام‌ها و نیازها و خواســت‌ها به گونه ای دردناک دست و پا می‌زند.

انســان محتاج اســت. آنکه انسان را آفریده، او را محتاج و نیازمند آفریــده اســت، نیازمند بــه خود. چه بپذیریم و چه نپذیریم، بیشــترین احتیاج انســان به خداســت. این نیاز ازلی و ابدی در پیش و پس هر نیازی جلوه‌گری می کند.

بدون تردید انسان خدا نمی‌شود، اما خداوند از اول تا امروز هزاران مرتبــه در کســوت انســان تجلی کرده و نــوری در تاریکی‌های حیات برافروخته است.

بشــر در جســتجوی آرامش و ابدیت هــر روز جغرافیای بی‌پایان زمین و زندگی را طی می کند، بدون اینکه بداند راه آرامش از آسمان می‌گذرد نه از زمین.

قابلیت زمین کشــت و زرع اســت، نه تکامل. کســانی که وعده تکامل در زمین را داده‌اند، کشــت و زرع را نابوده‌اند، بدون اینکه چیزی به دست انسان بدهند.

جهــان از معبر ذهن می‌گذرد. جهان هیچ گذرگاهی جز ذهن ندارد.

در غلبــه سیاســت، فلســفه محکوم به مرگ اســت و در غلبــه اقتصاد، عرفان محکوم به زوال است.

در جامعه‌ای که دریچه‌های سیاست و اقتصاد به شکلی افراطی روی کوچک و بزرگ گشوده شود، دروازه‌های معنویت و انسانیت بسته می‌شود و بسته می‌ماند.

موضوع این است که خدا از زندگی انسان غایب است. کسی که خدا در زندگی‌اش حاضر باشد، هیچ رنجی قلبش را نشانه نمی‌رود.

خدا باوران قطره‌هایی هستند که خداوند در رود خروشان آرامشش به حرکت‌شان در می‌آورد و از ازل به سوی ابد سوق‌شان می‌دهد.

در جامعــه معکــوس، مرگ تصفیه کننــده و تعدیل کننده زندگی نیســت بلکه جزو هزینه‌هاست. در جامعه معکوس مرگ، دلالتی بیش از ارث و میراث ندارد!

آســیبی که نیم واحد سیاســت بازی وارد زندگی می کند، با هزار واحد عرفان هم قابل جبران نیست!

ضعــف و نقــص آدمی با چیزی جز عشــق قابل جبران نیســت. تنهــا عشــق اســت که قادر به پــر کردن حفره‌هــای کوچک و بزرگ انسان است.

حفره‌های کوچک و بزرگ انسان تنها و تنها با عشق پر می‌شود. اگر عشــق نباشــد، زندگی در خلاهای بی‌پایان غوطه‌ور می‌شــود و غوطه‌ور می‌ماند.

بازگشت به عشق بازگشت به زیبایی و بازگشت به زیبایی بازگشت به عشــق اســت. به عشــق برگردیم تا زیبایی زندگی شــود و زندگی زیبایی.

زیبایی در انحصار عشــق اســت و بس. اگر در طلب زندگی زیبا هســتیم، راهش عشق اســت. حتی اگر مرگ زیبا بخواهیم، راهی جز عشق ندارد.

زیبایی موجودی زنده است. به همین جهت اگر زیبایی را فراموش نکنیم، زیبایی هرگز ما را فراموش نمی کند.

زیبایی که زیبایی زندگی است، نصیب هر کس نمی‌شود. زیبایی نصیب کسانی است که زیبا فکر می کنند.

یکی از زیبایی‌های عالم این است که هر کس به زیبایی بیاندیشد، زیبا می‌شود. زیبایی، اندیشه به زیبایی است و اندیشه به زیبا، به صورت کامل زیباست.



قفلــی وجــود نــدارد کــه با ذهــن باز نشــود. ذهن کلید همه قفل‌هایی اســت که می‌شناســیم و نمی‌شناسیم. این هم هست کــه خود ذهن قفل نمی‌شــود مگر با ذهن. هیچ کلیدی قادر به قفل کردن ذهن نیست، مگر ذهن.

به میــزان بهره‌تان از زیبایی از زندگی بهــره دارید. به این جهت، زندگی در حوالی زیبایی پرســه می‌زند: ذهــن زیبا، نگاه زیبا، زبان زیبا، ذهن زیبا و درون زیبا.

درون زیبا کافی است. آری، کافی است درونی زیبا داشــته باشــیم. با داشتن درونی زیبا، جهان نرم و ملایم می‌شــود، درســت مثــل آهنــی که در اثر حرارت ســرخ و نرم شده باشد.

اگر درونمان را زیبا کنیم، زشت‌ها از ما خواهند گریخت. زشت‌ها و زشتی‌ها در درونی لانه می کنند که زیبایی از آن گریخته است.

پســرها پدر آفریده نمی‌شــوند، اما خداوند دختران را بالفطره مادر آفریده است.

انسان از ازل تا ابد بین دو پرانتز قرار دارد: پرانتز زندگی و پرانتز مرگ.

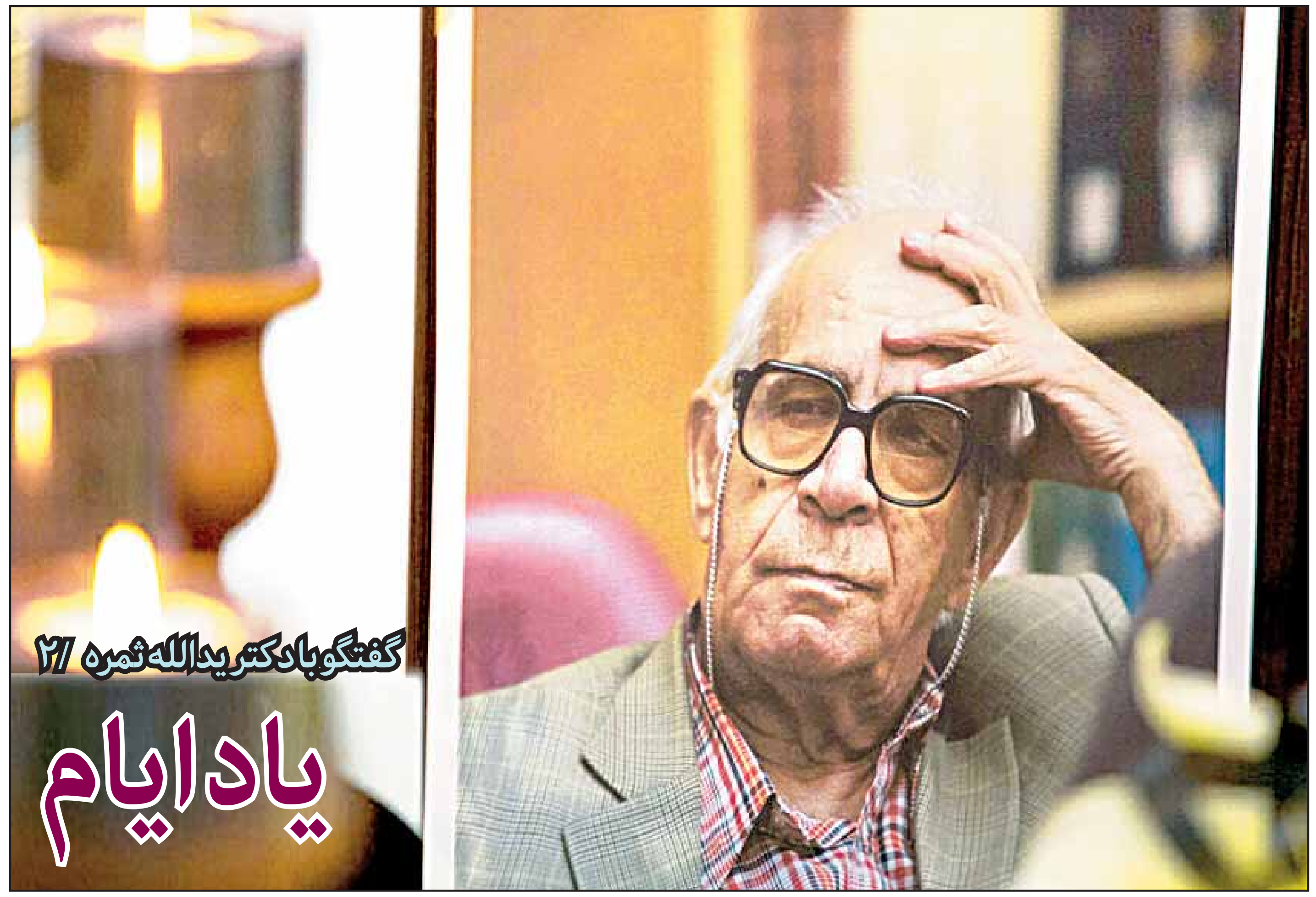
در جامعه ناســالم، اندیشــه به گروگان گرفته می‌شود و متفکران سرنوشتی بهتر از اسارت نمی‌یابند.

در جامعه‌ای که مدیریت نباشــد، انســان‌ها به تدریج از عقلانیت و اخلاق خارج شده، وارد صف بندی‌هایی خواهند شد که هیچ اسمی جز بلاهت و حماقت نمی‌توان رویش گذاشــت. بلاهتی ناخواســته و حماقتی انتخابی.

در جســتجوی آزادی، اندیشــه‌ها در ذهن‌هــا مــوج می‌زننــد و احساس‌ها در قلب‌ها. آزادی تنها ضامن جریان اندیشه است. در نبود آزادی، اندیشه در حصار ذهن تن به مرگ می‌دهد.

کســانی آزادی را به رســمیت می‌شناســند که آن را تجربه کرده باشــند. آزادی تنها چیزی اســت که بدون تجربه آزادی، قابل درک نیست.

عده ای از ســر اســتیصال معتقد شده اند: سنگ و سگ بودن در جامعه آزاد بهتر از طلا و پادشاه بودن در جامعه استبدادی است!



اشاره: آن چه می خوانید ادامه خاطرهٔ جذابی است که زنده یاد دکتر ثمره از نوع برخورد یکی از استادان خارجی با خود بیان می کند.

... استاد به من گفت: شما باید مقاله‌ای تحقیقی بنویسید. من منابعی به شما دادم تا ببینید با نظریاتی که من در همان زمینه داده‌ام متفاوت است. شما باید اینها را بخوانید و آن چیزی را که خوانده‌اید با آنچه من گفته‌ام مقایسه کنید و فکر کنید و سرانجام یک چیز را خودتان قبول کنید و با یک دلیل آن را به من بدهید. شما اگر به من می گفتید که به فلان دلیل تمام نظرهای تو غلط است، من به شما + A می‌دادم. ولی می‌بینم آنچه را گفته‌ام، برای خودم نقل کرده‌اید. اینکه ارزش ندارد. این کار را هر کسی می‌تواند بکند.» من تازه فهمیدم که دید استاد نسبت به علم با آن چیزی که من به آن عادت کرده بودم چقدر فرق دارد. البته من نمی‌خواهم استادانی را که در ایران داشتم تخطئه بکنم و بگویم که این سیستم درست یا غلط است. خدا آنها را رحمت کند که هر چه دارم از آنها دارم.

ولی رفتار آن زمان طوری بود که ما به قدری خودمان را در مقابل استادمان کوچک و حقیر فرض می کردیم که جرئت نداشتیم مثلاً به او بگوییم که آیا به غیر از آرای شما چیز دیگری هم وجود دارد؟ فکر می کردیم آنچه استاد گفت همان است و بس، و باید همان را یاد بگیریم. البته آنان هم استادان دانشمندی بودند. خدا رحمت کند که مرحوم فروزانفر را که یکی از شخصیت‌های بسیار درخشان دانشگاهی بود، مرحوم معین همین‌طور؛ و همان‌طور که عرض کردم، بعضی از آنها تحصیل کردهٔ خارج بودند و نسبت به مسائل دانشگاهی دید علمیِ غربی داشتند. ولی این وضع عمومی نبود.

این چیزها برای من کاملاً تازگی داشت و تا تقریباً شش ماه به هر چه نگاه می کردم، برایم تازگی داشت و سعی می کردم خودم را عادت بدهم و به اصطلاح خودم را توجیه کنم. یکی از درس‌هایی که من از اقامتم در دانشگاه لندن گرفتم این بود که وقتی خودم به ایران بازگشتم و جای استادان قبلی خودم نشستم، سعی کردم آن نوع رفتار سنتی را با دانشجو نداشته باشم و دانشجو چنان دیدی را نسبت به من نداشته باشد.

چون حقیقتاً روش استادان خارجی را پسندیده بودم و فواید این موضوع را درک کرده بودم که بین استاد و دانشجو نباید هیچ حایلی وجود داشته باشد و آنها باید در حکم دو دوست یا پدر و فرزند باشند. من خودم سعی کرده‌ام با دانشجویانم این‌طور باشم و فکر می کنم از نظر آموزشی مؤثرتر است و جریان آموزشِ را سریع‌تر، مطمئن‌تر و عمیق‌تر می کند.

*** لطفاً دربارهٔ وضعیت آموزشی زمان خودتان صحبت کنید.**

دکتر ثمره: در زمانی که من تحصیل می کردم، سه دورهٔ تحصیلی وجود داشت: ابتدایی، متوسطه و دانشگاهی. دورهٔ ابتدایی شش سال بود و تصدیق ششم ابتدایی می‌دادند و با گذراندن یک امتحان نهایی به پایان می‌رسید. در دورهٔمتوسطه دو دوره با عناوین سیکل اول و سیکل دوم وجود داشت.

سیکل اول با پایان‌یافتن کلاس‌های هفت، هشت و نه داده می‌شد و سیکل دوم پس از گذراندن کلاس ده و یازده و دوازده. بعد دانشسراهایی برای تربیت معلم وجود داشت که از کلاس نه، یعنی آغاز سیکل دوم وارد دانشسرای مقدماتی می‌شدیم و بعد از آن به دانشسرای عالی می‌رسیدیم. البته من به دانشسرای عالی نرفتم. من فقط دانشسرای مقدماتی را طی کردم و بعد به سراغ تحصیلات آزاد در دانشگاه تهران آمدم.

بنابراین، تحصیلات متوسطه شامل دو دوره بود. دورهٔ اول سیکل اول بود و دورهٔ دوم سیکل دوم. بعد از آن هم دانشگاه بود. در دانشگاه دورهٔ لیسانس و بعد دورهٔ دکتری وجود داشت. در آن زمان چیزی به اسم دورهٔ فوق‌لیسانس نبود. یعنی از دورهٔ لیسانس، شاگردان اول یکسره وارد دورهٔ دکتری می شدند و کسانی که شاگرد اول نبودند باید کنکور دورهٔ دکتری را می گذراندند. البته کسانی هم که شاگرد اول می‌شدند کنکور داشتند، منتها مواد کنکور آنها کمتر بود.

ما فقط باید زبان را امتحان می‌دادیم، اما دیگران درس‌های ادبی را هم داشتند و این دوره، آخرِین مرحلهٔ تحصیلات عالی بود که مدت خاصی نداشت. مثلاً وقتی من وارد دورهٔ دکتری شدم، دانشجویانی سر کلاس مرحوم فروزانفر بودند که پانزده سال قبل از من وارد این دوره شده بودند و هنوز درس او را نگذرانده بودند. حداقل این دوره چهار سال بود و از آن طرف ممکن بود کسی تا آخر عمر دانشجوی دکتر بماند.

*** آقای دکتر، در حال حاضر به چه زمینه‌هایی علاقه دارید؟**

دکتر ثمره: مدت‌هاست که توجه من به آموزش زبان به خارجیان جلب شده است. در این زمینه هم خیلی کار کرده‌ام. قبل از انقلاب کتاب A Course in Colloquial Farsi (آموزش زبان محاوره‌ای به خارجیان) را تألیف کردم. بعد هم پنج جلد آزفا را برای وزارت ارشاد نوشتم و چاپ سوم آن را انتشارات الهدی منتشر کرده است.

این کتاب خیلی موفق بوده و یک روش و متدلوژی تازه در آموزش زبان فارسی به خارجیان به‌وجود آورد که به متد آزفا معروف شده است. الان مؤسسهٔ لغت‌نامهٔ دهخدا کلاس‌هایی دایر کرده برای آموزش روش آزفا به کسانی که می‌خواهند آزفا را درس بدهند. این کتاب در سراسر دنیا تدریس می‌شود و تاکنون به بیست زبان ترجمه و چاپ شده است. در داخل ایران هم در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی و نیز مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی در تهران تدریس می‌شود.

دو جلد کتاب دیگر هم برای دانشجویان قزاقی‌زبان دانشگاه‌های قزاقستان نوشته‌ام. عنوان یک جلد آن دریچه‌ای به زبان فارسی و دیگری راهنمای زبان فارسی است. اینها را من و مرحوم پروفسور رستموف نوشتیم که انتشارات الهدی چاپ کرده است.

خیال دارم کتاب‌های دیگری برای گویندگان زبان‌های دیگر بنویسم، مثلاً برای زبان اردو. علاوه بر این، اگر عمری باقی باشد ـ که شک دارم ـ خیال دارم کاری را که در زمینه آواشناسی کرده‌ام و یک جلد آن درآمده است و در مقدمه آن هم وعده جلدهای دیگر را داده‌ام، به پایان برسانم.

من می‌خواستم یک دوره کامل آواشناسی برای زبان فارسی بنویسم که جلد اول آن همان آواشناسی زبان فارسی چاپ مرکز نشر دانشگاهی است. جلد دوم آن فرآیندهای آوایی در زبان فارسی است. جلد سوم این کتاب ویژگی‌های آکوستیکی صداهای زبان فارسی و مطالعات آزمایشگاهی است.

*** درباره ورود خودتان به گروه زبان‌شناسی و تاریخچه این گروه بفرمایید.**

دکتر ثمره: من در سال ۱۳۴۷ وارد گروه زبان شناسی شدم. در آن موقع، آقای دکتر مقدم رئیس گروه بود. گروه زبان‌شناسی در سال ۱۳۴۲ پایه‌ریزی شد و از مهر ۱۳۴۲ رسماً با عنوان گروه زبان شناسی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران تأسیس شد. مؤسس گروه دکتر محمد مقدم بود.

وقتی که من وارد گروه زبان‌شناسی شدم، این گروه هنوز مستقل نبود، یعنی یک گروه بود با عنوان «گروه زبان‌شناسی همگانی و زبان‌های باستانی ایران». این گروه دو گرایش داشت، یکی گرایش زبان‌شناسی همگانی یا عمومی و دیگری گرایش فرهنگ و زبان‌های باستانی یا زبان‌شناسی باستانی. این دو گرایش وجود داشت و البته مدرک تحصیلی آنها هم جدا بود.

فوق لیسانس هر دو رشته و دکترای هر دو رشته هم وجود داشت، اما مدیر و استادهای گروه باهم بودند و یک گروه را تشکیل می‌دادند. در آن زمان که من وارد شدم، در قسمت زبان‌شناسی همگانی، آقای دکتر باطنی و آقای دکتر میلانیان بودند. من در سال ۱۳۴۷ آمدم و بلافاصله بعد از من در همان سال دکتر صادقی آمد و سه چهار سال پس از من، آقای دکتر حق‌شناس وارد گروه شد.

ضمناً مرحوم دکتر خانلری هم به طور نیمه وقت برای گروه زبان‌شناسی درس‌هایی می‌داد مثل تاریخ زبان و امثال اینها. اعضای ثابت گروه دکتر مقدم، دکتر ماهیار نوابی، دکتر جمال رضایی، دکتر نجم‌آبادی، دکتر صادق کیا و مرحوم دکتر بهرام فره‌وشی بودند.

کم‌کم گروه زبان‌شناس نضج گرفت. من از همان ابتدا که وارد گروه شدم، در همان تخصص خودم کار کردم و آواشناسی و واج‌شناسی را درس دادم. البته بعدها دو سه درس دیگر هم دادم، مثل سبک‌شناسی زبان و ادبیات از دیدگاه زبان‌شناسی. منتها کار اصلی من از ابتدا تا امروز آواشناسی و واج‌شناسی بوده است.

*** آقای دکتر، در حالی که افرادی مثل دکتر مقدم و دکتر خانلری به مطالعات زبانی و به خصوص مطالعات تاریخی زبان فارسی آشنایی داشتند و در این زمینه هم کار می کردند، دیگر چه نیازی به تأسیس گروه زبان‌شناسی بود؟ مگر همین مطالعات پاسخگوی مسائل زبانی ما نبود؟**

دکتر ثمره: به احتمال زیاد، مرحوم خانلری و مرحوم مقدم و شاید هم دکتر کیا احساس کرده بودند که برای توصیف زبان فارسی، دانش سنتی زبان‌شناسی کافی نیست. به خصوص مرحوم دکتر خانلری به این نتیجه رسیده بود که دستورهای سنتی از لحاظ توصیفی خیلی کارآیی ندارند. این دستورها خیلی تقلیدی و کلیشه‌ای هستند. خیلی چیزها را از دستور زبان عربی وارد فارسی کرده‌اند و از الگوی زبان عربی استفاده می کنند.

اولاً، این الگوها خیلی دقیق نیستند و ثانیاً، اصولاً بر زبان فارسی تطابق ندارند، بلکه تحمیل بر زبان فارسی هستند. از طرف دیگر، زبان فارسی از دوره مشروطه به بعد، دچار تحولات اساسی شد که ما آثار آن را در شعر و نثر می‌بینیم. آثار کامل این تحول را در شعر و نثر نو می‌بینیم و انواع مختلف آن در نثر رمان و نثر علمی و غیره قابل مشاهده است. مطمئناً کسانی مثل دکتر خانلری که اهل شعر و نثر و نویسندگی بودند، به لزوم دانش و چارچوبی نظری، که براساس آن بتوان این زبان جدید را چه در شعر و چه در نثر تحلیل کرد، پی برده بودند و می‌دانستند که دستور سنتی قادر نیست نثر امروز فارسی را توصیف کند و مشکلاتش را حل کند. از این نظر، این بزرگان احساس کردند که دانش جدیدی برای این کار لازم است. همچنین دستور زبان فارسی از نظر آموزشی اشکالاتی داشت. کما اینکه هنوز هم به رغم تحولی که ایجاد شده، باز می‌بینیم مسائل آن کاملاً رفع نشده است.

در تدوین دستور زبان‌های جدید، تا اندازه‌ای دید زبان‌شناسانه را می‌توان مشاهده کرد، ولی هنوز کامل نیست... خوب، این مسائل را این بزرگان حس کرده بودند و فکر می کردند به هر حال باید دانش جدیدی به این مسائل رسیدگی کند و باید در نحوه توصیف زبان تحولی به وجود بیاید، زیرا توصیف‌های سنتی دیگر کارآیی نداشت. اینها از این نظر، در واقع، مبلغین زبان‌شناسی جدید در زبان فارسی بودند و پیدایش زبان‌شناسی از همین جا نشئت گرفت و همین استادان به ما می‌گفتند به خارج که رفتید، زبان‌شناسی جدید را بخوانید. خودشان هم اطلاعاتی داشتند و کارهایی کرده بودند. مثلاً دستوری که خود مرحوم خانلری نوشته، حتی برای امروز هم دستور خوبی است.

دستور زبان دکتر خانلری با دستور زبان‌هایی که قبل از او نوشته شده خیلی فرق دارد. این مسائل بود که احساس نیاز به زبان‌شناسی را ایجاد کرد و به دنبال این تقاضاها بود که ما هم رفتیم و زبان‌شناسی خواندیم و فکر کردیم آیندهٔ خوبی خواهد داشت و خوشبختانه هم همین‌طور بود.

*** آموزش زبان‌شناسی در طول این مدت چه تفاوت‌هایی کرده است؟**

دکتر ثمره: من تفاوت‌هایی را در مورد زبان‌شناسی در قبل و بعد از انقلاب احساس می کنم. به نظر من، دانشجویان بعد از انقلاب علاقه‌مندتر و شائق‌تر از دانشجویان قبل از انقلاب هستند. اما کادر آموزشی ما نسبت به قبل از انقلاب ضعیف‌تر است. مثلاً ما الان به لحاظ کتاب و منابع خیلی در مضیقه هستیم. به لحاظ سفرهای خارج خیلی در مضیقه‌ایم. قبل از انقلاب خیلی راحت می‌توانستیم با هزینه خودمان به خارج برویم. من هر سال می‌توانستم به خارج بروم و با منابع و پیشرفت‌های جدید آشنا شوم. با خودم تعدادی کتاب می‌آوردم و وقتی به ایران برمی‌گشتم، درس‌هایم واقعاً با قبل از رفتن به خارج فرق داشت. اما بعد از انقلاب، رفتن به خارج هم از جهت اداری و هم از جهت مالی مشکلات خیلی زیادی دارد. یک معلم کجا می‌تواند با این قیمت‌ها به خارج برود و از طرف دیگر، مگر گرفتن ویزا به راحتی میسر می‌شود.

من الان سالهاست که به انگلیس نرفته‌ام. اگر هم رفته‌ام، به علت کمبود پول آن‌قدر سفرم کوتاه بوده است که نتوانستم بروم یک سخنرانی علمی بشنوم، در سمیناری شرکت کنم، به چند کتابخانه سر بزنم، به دانشگاهی که در آن تحصیل کرده‌ام سری بزنم و با استادان قدیمم صحبت بکنم. وقتی می‌روی باید خیلی سریع برگردی. مجموعهٔ اینها باعث می‌شود که ما خیلی ضعیف بشویم. سه چهال سال پیش که من به انگلیس رفتم، چنان یأسی وجودم را فرا گرفت که تصمیم گرفتم وقتی برگشتم تقاضای بازنشستگی کنم و بروم در خانه بنشینم و دیگر اسم خودم را استاد دانشگاه نگذارم. چون دیدم دست‌کم ۲۰۰ کتاب درآمده که من حتی از اسم آنها باخبر نشده‌ام، چه برسد به محتوا و متن آنها. با خودم فکر کردم آخر من چه استادی هستم و به دانشجو چه باید بگویم. دانشگاه‌های دیگر چه دارند می کنند و ما کجای کاریم.

*** آیا فکر می کنید پس از گذشت این سی چهل سال به آن نیازهایی که دکتر مقدم و دکتر خانلری احساس کرده بودند جواب داده شده است؟**

دکتر ثمره: برای علمی که تازه پیدا شده باشد و مفاهیم آن در جامعه تازگی داشته باشد، سی چهل سال دورهٔ خیلی طولانی‌ای نیست. شاید بهتر باشد این سؤال را این‌طور مطرح کنیم که آیا در این دوره زبان‌شناسی در مسیر تکامل و رشد بوده است و آیا رشد آن تا اینجا قانع کننده بوده است یا نه؟ در این مورد می‌توانم بگویم بله.

زبان‌شناسی از ابتدای پیدایش تا امروز در مسیر رشد بوده است. زبان‌شناسی فارسی در مسیر تکامل بوده است. به طور کلی، اولین هدف زبان‌شناسی در ایران این بود که به زبان فارسی و زبان‌شناسی زبان فارسی خدمت کند. در اِین راه کارهای زیادی صورت گرفته و مقالات و کتاب‌های نسبتاً قابل توجهی نوشته شده است. کارهای دکتر باطنی و دکتر میلانیان کتاب‌ها و مقالات خوبی هستند. بعدها هم ما آمدیم و در زمینه‌های تخصصی‌تر کار کردیم. من در حیطهٔ آواشناسی و آواشناسی زبان فارسی کار کردم. دربارهٔ واج‌شناسی و ساختمان هجایی زبان فارسی مقالاتی دارم.

آواشناسی و واج‌شناسی گویش‌ها مورد توجهم بوده است. مثلاً من دربارهٔ گویش دری زین‌آبادی و گویش گیلکی و چند گویش دیگر کار کرده‌ام. همچنین دکتر حق‌شناس و دکتر صادقی کار کرده‌اند. البته نمی‌توانم ادعا کنم که این کارها کافی بوده و بیش از این نمی‌شد کار کرد. ولی توجه داشته باشید که گروه زبان‌شناسی از ابتدا تا امروز یک هدف اساسی دیگر هم داشته و آن تربیت کادر زبان‌شناس بوده است، یعنی بیشتر وقت ما صرف تدریس و تربیت زبان‌شناس شد تا تحقیق.

بنابراین، مقدار وقتی که برای تألیف و ترجمه صرف کردیم شاید کم بوده است. ای بسا اگر تدریس نمی کردیم، بیشتر می‌توانستیم کار بکنیم. با این حال باید در نظر بگیریم که ما برای دانشگاه‌ها کادر خوبی تربیت کرده‌ایم. الان ۹۰درصد افرادی که در دانشگاه‌های مختلف زبان‌شناسی درس می‌دهند، یا پرورش یافتگان داخل هستند یا لااقل فوق‌لیسانس خود را در اینجا گرفته‌اند و برای گرفتن دکترا به خارج رفته‌اند.

ادامه دارد

در کوچه باغ اندیشه / ۱۲۱

کریم فیضی

زندگی در حوالی زیبایی پرسه می زند

سخن در باب بدایت و نهایت انسان زیاد است. عده‌ای از بدایتش می‌گویند و عده‌ای دیگر از نهایتش. در این میان خود انسان و حال کنونی او به فراموشی سپرده شده است که در میان انبوهی از مشکلات و پرسش‌ها و ابهام‌ها و نیازها و خواست‌ها به گونه ای دردناک دست و پا می‌زند.

انسان محتاج است. آنکه انسان را آفریده، او را محتاج و نیازمند آفریده است، نیازمند به خود. چه بپذیریم و چه نپذیریم، بیشترین احتیاج انسان به خداست. این نیاز ازلی و ابدی در پیش و پس هر نیازی جلوه‌گری می کند.

بدون تردید انسان خدا نمی‌شود، اما خداوند از اول تا امروز هزاران مرتبه در کسوت انسان تجلی کرده و نوری در تاریکی‌های حیات برافروخته است.

بشر در جستجوی آرامش و ابدیت هر روز جغرافیای بی‌پایان زمین و زندگی را طی می کند، بدون اینکه بداند راه آرامش از آسمان می‌گذرد نه از زمین.

قابلیت زمین کشت و زرع است، نه تکامل. کسانی که وعده تکامل در زمین را داده‌اند، کشت و زرع را نابوده‌اند، بدون اینکه چیزی به دست انسان بدهند.

جهان از معبر ذهن می‌گذرد. جهان هیچ گذرگاهی جز ذهن ندارد.

در غلبه سیاست، فلسفه محکوم به مرگ است و در غلبه اقتصاد، عرفان محکوم به زوال است.

در جامعه‌ای که دریچه‌های سیاست و اقتصاد به شکلی افراطی روی کوچک و بزرگ گشوده شود، دروازه‌های معنویت و انسانیت بسته می‌شود و بسته می‌ماند.

موضوع این است که خدا از زندگی انسان غایب است. کسی که خدا در زندگی‌اش حاضر باشد، هیچ رنجی قلبش را نشانه نمی‌رود.

خداباوران قطره‌هایی هستند که خداوند در رود خروشان آرامشش به حرکت‌شان در می‌آورد و از ازل به سوی ابد سوق‌شان می‌دهد.

در جامعه معکوس، مرگ تصفیه کننده و تعدیل کننده زندگی نیست بلکه جزو هزینه‌هاست. در جامعه معکوس مرگ، دلالتی بیش از ارث و میراث ندارد!

آسیبی که نیم واحد سیاست بازی وارد زندگی می کند، با هزار واحد عرفان هم قابل جبران نیست!

ضعف و نقص آدمی با چیزی جز عشق قابل جبران نیست. تنها عشق است که قادر به پر کردن حفره‌های کوچک و بزرگ انسان است.

حفره‌های کوچک و بزرگ انسان تنها و تنها با عشق پر می‌شود. اگر عشق نباشد، زندگی در خلاهای بی‌پایان غوطه‌ور می‌شود و غوطه‌ور می‌ماند.

بازگشت به عشق بازگشت به زیبایی و بازگشت به زیبایی بازگشت به عشق است. به عشق برگردیم تا زیبایی زندگی شود و زندگی زیبایی.

زیبایی در انحصار عشق است و بس. اگر در طلب زندگی زیبا هستیم، راهش عشق است. حتی اگر مرگ زیبا بخواهیم، راهی جز عشق ندارد.

زیبایی موجودی زنده است. به همین جهت اگر زیبایی را فراموش نکنیم، زیبایی هرگز ما را فراموش نمی کند.

زیبایی که زیبایی زندگی است، نصیب هرکس نمی‌شود. زیبایی نصیب کسانی است که زیبا فکر می کنند.

یکی از زیبایی‌های عالم این است که هرکس به زیبایی بیاندیشد، زیبا می‌شود. زیبایی، اندیشه به زیبایی است و اندیشه به زیبا، به صورت کامل زیباست.



قفلی وجود ندارد که با ذهن باز نشود. ذهن کلید همه قفل‌هایی است که می‌شناسیم و نمی‌شناسیم. این هم هست که خود ذهن قفل نمی‌شود مگر با ذهن. هیچ کلیدی قادر به قفل کردن ذهن نیست، مگر ذهن.

به میزان بهره‌تان از زیبایی از زندگی بهره دارید. به این جهت، زندگی در حوالی زیبایی پرسه می‌زند: ذهن زیبا، نگاه زیبا، زبان زیبا، ذهن زیبا و درون زیبا.

درون زیبا کافی است. آری، کافی است درونی زیبا داشته باشیم. با داشتن درونی زیبا، جهان نرم و ملایم می‌شود، درست مثل آهنی که در اثر حرارت سرخ و نرم شده باشد.

اگر درونمان را زیبا کنیم، زشت‌ها از ما خواهند گریخت. زشت‌ها و زشتی‌ها در درونی لانه می کنند که زیبایی از آن گریخته است.

پسرها پدر آفریده نمی‌شوند، اما خداوند دختران را بالفطره مادر آفریده است.

انسان از ازل تا ابد بین دو پرانتز قرار دارد: پرانتز زندگی و پرانتز مرگ.

در جامعه ناسالم، اندیشه به گروگان گرفته می‌شود و متفکران سرنوشتی بهتر از اسارت نمی‌یابند.

در جامعه‌ای که مدیریت نباشد، انسان‌ها به تدریج از عقلانیت و اخلاق خارج شده، وارد صف بندی‌هایی خواهند شد که هیچ اسمی جز بلاهت و حماقت نمی‌توان رویش گذاشت. بلاهتی ناخواسته و حماقتی انتخابی.

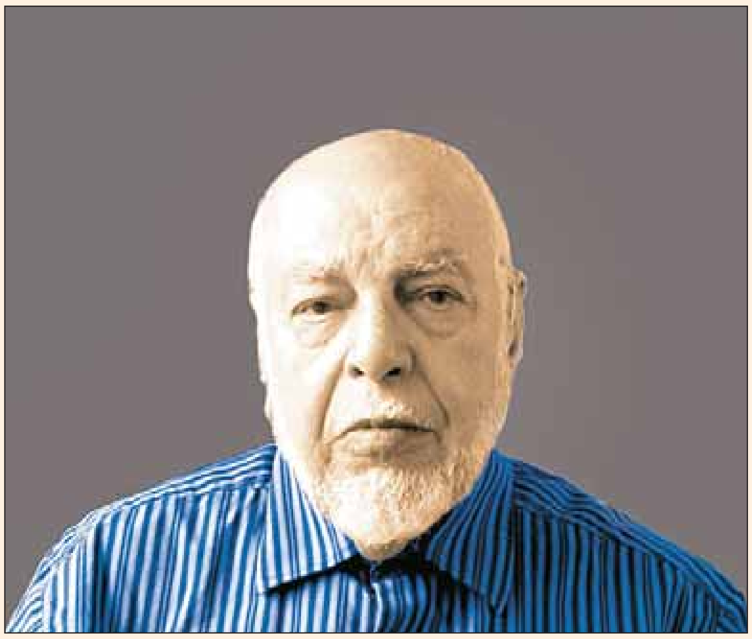
در جستجوی آزادی، اندیشه‌ها در ذهن‌ها موج می‌زنند و احساس‌ها در قلب‌ها. آزادی تنها ضامن جریان اندیشه است. در نبود آزادی، اندیشه در حصار ذهن تن به مرگ می‌دهد.

کسانی آزادی را به رسمیت می‌شناسند که آن را تجربه کرده باشند. آزادی تنها چیزی است که بدون تجربه آزادی، قابل درک نیست.

عده ای از سر استیصال معتقد شده اند: سنگ و سگ بودن در جامعه آزاد بهتر از طلا و پادشاه بودن در جامعه استبدادی است!

به قلم توانای استاد دکتر احمد مهدوی‌دامغانی

پیرامون يك كتاب



■ استاد دکتر مهدوی دامغانی

اصل تعلیم و تعلّم و یا به تعبیر محقّق ارجمند و استاد دانشمند فاضل کامل و قاضی عادل جناب دکتر محمدحسین ساکت که همواره زبان و قلمش بر حقّ و عدالت گویا و نویسا باد: «فرهنگ فرادهی و فراگیری» از أصول و مبانی أولیّه دین مبین اسلام است که با کریمهٔ شریفهٔ «إقرأ» آغاز و با دهها آیهٔ مبارکـهٔ دیگـر به تصریح یا بـه تلویح ادامه یافته و تأکید شـده اسـت و مقام مقـدّس حضرت ختمی مرتبـت و عامّـهٔ أئمّهٔ اسـلام و رحمة‌الله علیهم و الإکرام، مستمرّاً دربارهٔ آن اصل و نیز درباره مبادی و آداب آن، فراوان سخن گفته‌اند و چگونگی مطلوب آن را معیّن و مرتّب فرموده‌اند.

در ارجمندتریـن و مهمتریـن کتـاب معجم حدیثـی نزد شـیعیان امامی که کتاب مسـتطاب «کافـی» حضرت ثقةالاسـلام کلینی رضوان‌الله تعالی علیه اسـت و ارجمندترین و مهمترین معجم کتـاب حدیث نزد برادران سُـنّی ما که «صحیح» جنـاب أبوعبـدالله محمدبـن اسـمعیل بخـاری رحمة‌الله علیه است، به ترتیب در کافی در «کتاب فضـل العلـم» که دومین باب آن کتاب اسـت که پـس از «کتـاب العقل و الجهل» آمده اسـت و در صحیح بخاری نیز سـوّمین کتاب اسـت که پس از کتاب «بَدءُ الوحی» آمده اسـت، در کافی یکصد و هفتـاد و پنج حدیـث از پیغمبر اکرم(ص) و از ائمّه طاهرین(ع) و در کتاب صحیح بخاری هفتاد و سه حدیث نبوی(ص) مسـنداً ثبت شـده اسـت و این معنی که چنین مسأله‌ای از چنان اهمیّتی برخوردار اسـت که در آغاز دو کتاب مسـتطاب مذکور به آن اهتمام شده و احادیث مربوط به آن در صدر آن دو کتاب قرار گرفته اسـت. عظمت أمر و نیز علاقه و توجه رسول اکرم(ص) را به آن مبرهن می‌سازد.

در بسـیاری از ایـن احادیث عـلاوه بر بیان فضیلـت تعلیـم و تعلّم به اصول و آداب و آئین‌های لازم‌العمل به آن بسـیار توجّه شـده اسـت. اعتلا و عظمت روزافزون دین اسـلام و اهتمام شـدید مسـلمانان به حفظ و فهـم احادیث نبوی که پس از قـرآن مجیـد مهم‌ترین راهنما و دسـتورالعمل آنان اسـت، از یک سـو و رواج بازار «وضع و جعل حدیث» در زمان بنی‌أمیّه از دیگر سـو، موجب شد کـه محدّثان و فقهای نامداری که مراجع اعتقادی و عملی مسلمانان شناخته می‌شدند، خود را مکلّف سـاختند که براساس راهنمائی‌هائـی که پیغمبر اکرم دربارهٔ شـناخت درسـتی و نادرسـتی آنچه به آن بزرگوار نسبت داده می‌شود، بیان فرموده است، برای معرفت «حدیث» در ملاحظهٔ لفظ آن و روایت کننده، یا روایت کنندگانش و چگونگی حال و مقال آن روایت‌کننـدگان که بعداً بـه عنوان «محدّث» شـناخته شـدند و فاصلهٔ زمانی آنان با راوی ماقبل خود و درباره خبر واحد یا متواتر و انواعی که بعدها برای حدیث وضع شده (مانند متواتر و حسن و ضعیف و امثال آن)، قواعد و ضوابطی را پایه‌گذاری کنند. و از جملهٔ موضوعات مهمّ این مسائل یکی هم آداب و سنن حدیث گفتن و حدیث شنیدن و حدیث نوشتن اسـت» که بالخصوص پیغمبر اکرم و نیز ائمه(ع) و محدّثـان و فقهـاء نامدار رحمة‌الله علیهم در آن باره ارشادات و توصیه‌هایی فرموده‌اند.

فی‌المثـل در همـان کتـاب دوم از کتـاب مسـتطاب «کافـی» بـاب هفدهـم آن به همین موضـوع اختصـاص یافته و در تحـت عنوان آنکه «بـابُ روایـهٔ الکتب و الحدیـث و فضل الکتابة و التمسّـک بالکتب» اسـت پانزده روایت نقل شده است و نیز در باب هشتاد و دوم کتاب العلم صحیح بخـاری هم اجمـالاً راهنمائی‌هائی دربارهٔ تعلیم و تعلّم حدیث موجود اسـت ولـی از آنجا که صحابهٔ سـعادتمند و گرامی رسـول اکرم(ص) و تابعین و تابعین تابعین رضوان‌الله علیهم اجمعین که از آنان همواره به درستی به «سلف صالح» تعبیر می‌شود، و سـپس محدّثیـن و فقها تـا اوائل قرن چهارم در ابتـدا و در درجـه اوّل بر حفظ دقیقِ الفاظ احادیث و سند روایت آنکه در آن قرون صرفاً به قول مُصطلح معروف «سینه به سینه» بود همّت گماشته بودند، از طرفـی عـزّت و کمیابی وسـائل تحریر از قلم و کاغذ و مداد (یعنی مُرکَّب) بر اینکه مجالس إملاء و اسـتملاء حدیـث به صورتی کـه بعدها در قرون دوم و سـوم رواج یافـت و سـپس در قرون بعدی به کمال خود رسـید، تشـکیل شـود مانع می‌شد و حتی از همان اواسط قرن دوم و نیز شاید تا اواسط قرن سـوم، مرکّب یا مداد، همان چیزی که رسول اکرم(ص) آن را از خون شهیدان برتر دانسته است (ر.ک: کشف‌الخفا و مُزیل الإلباس، ص ۲۰۰) خیلی به آسانی در دسترس نبوده است سمعانی رحمهٔ‌الله علیه در «أدب الإملاء و الاسـتملاء» پنج شـش حکایـت لطیفی در این باره نقـل می‌فرماید که از آن دو سه تائی را اینک من‌بنده برای شما خواننده عزیز از آن کتاب نقل می‌کنم:

الف) محمد بن طارق گفت پهلوی جناب احمد بن حنبل رحمهٔ‌الله علیه نشسته بودم و گفتم اجازه می‌فرمائید از مرکّب دوات شما استفاده کنم؟ احمد گفت گمان ندارم تو و من تا این اندازه پرهیزکار و خداترس باشـیم!! (یعنی این حرف‌ها چیست، البته کـه می‌توانی) و در همیـن باره به مرد دیگری که چنیـن اجـازه‌ای از آن جناب می‌خواسـت، فرمود: «این دیگر خر مقدّسی است» و نیز:

ب) ... در بغداد مردی خواست از مرکّب رفیق پهلو دستش استفاده کند، از او اجازه گرفت. صاحب دوات به او فرمود: رفیق از این شربت‌هائی که برای گوارش و دفع سـوء هضم هست بنوش، می‌ترسم این خر مقدّسـی‌ات مایهٔ سـر دل کردنت شـود!!! (ص۱۵۷)

مضاف برآنکه همراه داشـتن مِحْبَرهٔ (دوات) نیز بسـیار به دقّت و مواظبت نیاز داشـته است؛ چرا که ممکن می‌شـد که گاه «مداد = مرکب» از آن تراوش کند یا بر زمین بلغزد و واژگون گردد زمین یا لباس نویسـنده و رفیق همسـایه‌اش را سیاه کند و در ایـن باب نیز داسـتان‌های فراوان نقل شـده اسـت! امام احمد بن حنبـل «محابر» (دوات‌ها) را چراغ‌های مسـلمانی شـمرده است (ص ۱۵۲) و از این دو مهمتر این است که آنچه را که می‌خواسته‌اند بنویسـند (حدیث یا غیرِ آن) بر چه ورق یا مادّه‌ای می‌نوشتند.

خداونـد این جناب دکتر ایرانی فاضل محقق را به‌سـلامت بداراد. بیش از یک سـال اسـت که بـه بنده مـژده داده که دربارهٔ کاغـذ (= قرطاس) تحقیق جامعی فرموده اسـت که آن را منتشر کند، نمی‌دانم منتشـر نکرده یا منتشـر فرموده و برای من‌بنده مرحمت نکرده است.

بـاری، در اینکـه در قرون اولیـه کاغذ اصلاً بدین‌صورتـی کـه لااقـل از قرن سـوّم بـه بعد وجود داشـته، موجود بوده اسـت، این بنده اطلاع دقیقـی نـدارم؛ امّا اینکه به فرض آنکه کاغذ وجود هم داشـته، ولی به فراوانی و آسـانی در دسـترس «مسـتملیان» (حدیث‌نویسان) نبوده است، شکی نیسـت. سـمعانی رحمهٔ‌الله علیـه در همان کتاب سابق‌الذکر می‌فرماید:

«گروهی از پیشـینیان که خدای ما و آنان را بیامرزاد، به مناسـبت نبودن کاغذ یا یافت نشدن و کمبود آن بر پوسـت‌ها (تیماج‌ها) و الواح (چوبی و سنگی و آجُری) و سِفال و سَنگ‌های صاف کوچک و کفش‌های پارچه‌ای یا چرمی (النّعل) و گاه بر کف دست خود حدیث می‌نوشته‌اند و من انواع بسیاری از آن را با إسناد و أسنادش در کتابِ «أدبُ الطَّلب» ذکـر کرده‌ام.» (نمی‌دانم این کتاب «أدب الطَّلب» موجود است یا نه؟)

و ادامه می‌دهد: شـگفت‌انگیزترین چیزی که در ایـن باب یعنی در موضوع نوشـتن بر غیرکاغذ به خاطرم می‌آید، همان است که از ابوجعفر حَنبل بن علی صوفی شنیدم که او از ... و او از... و او از... و او از عُبید بن عبدالواحد بن شـریک حکایت کرد کـه گفـت: در مجلس املاء و کتابتِ حدیث حاضر شـدم که بسـیار شـلوغ بود، همچنان که نشسته بودم، احسـاس کردم پشـتم می‌خارد و گاه تکان می‌خورد، چون خواسـتم برخیـزم و پی کارم روم، دیـدم مردی نمی‌گذارد برخیـزم، بدو گفتم: «چرا همچـه می کنی؟» گفت: «بنشـین کـه من، این مجلس حدیث را بر پشـت تو (قفاک) نوشـته‌ام. اندکـی تأمُّـل کن (یا به پیروی از اُسـتاد سـاکت: بشـکیب!!) تا من آنچه را نوشـته‌ام، با نوشته یکی دیگر از مُستملیان مقابله و برابری کنم!!»

رامهرمزی(ره) می‌گوید که «سعید بن جبیر» (مقتول شهید به امر حَجّاج ملعون) می‌فرمود هرگاه صحیفه‌ای بر آن می‌نوشـتم تمام می‌شد، نعلینم را می‌گرفتم و بر آن می‌نوشـتم تا آن نیز پر از نوشـته (حدیث)گردد» (ص ۳۷۱، لمحدّث الکامِل)

* * *

دربارهٔ «حدیث» و در آنچه مربوط به آن است، از لفظ و معنی و راوی و تصحیفات و تحریفات کلمات آتی با نام راویان و تشابه اسمی راویان و صلاحیت املاءِ کننده حدیث و مسـتملی آن و نویسندهٔ آن و چگونگی املاء و اجازه برای نقل حدیث از محدّث پیشـین و سپس أنواع و اقسـامی که برای حدیث قائل شـده و شـمرده‌اند کتاب‌های بسیاری از قرن سـوّم به بعد تألیف شـده که کتب اولیّه بیشـتر بر معرّفـی، ثقـاهٔ از محدثین یا ضِعاف و مجاهیل آنان (گمنامان و به درسـتی شناخته‌نشدگان) در دورانی کـه هنـوز اصطلاحات خاصّی بـرای انواع حدیث از متواتر و حَسَـن و صحیح و سـقیم و ضعیف و مُرسـل و بقیه اصطلاحات وضع نشده بود، مقصور بـوده اسـت و پیـش از آنکه به علـم درایه نامیده شـود» (بنا بر اصطلاح دیگری) و رواج یابد، کتب بسیاری از محدثان بنام و مشهور مانند ابن عبدالبّر و خطیب بغدادی و حاکم نیشـابوری و ابن کثیر و قاضی عیاض و ابن فُورک و ابن جوزی و سیوطی رحمهم‌الله تألیف شده و موجود است و شاید پیش از همه باید از کتاب «اختلاف‌الحدیث» امام شافعی (متوفی ۲۰۴) رضوان‌الله علیه یاد شود.

ولی شاید جامعترین کتاب دربارهٔ نقل و استماع و کتابت و یادگیری حدیث کتاب مسـتطاب عظیم «المحـدّث الفاصل بین الـرّاوی و الواعی» تألیف شـریف قاضی أَبومحمد حسن بن عبدالرّحمن بن خلّاد رامهرمُزی شـیعی ایرانی قدّس سرّه مشهور به «ابن خلّاد» (متوفی در ۳۶۰) که از اعاظم رجال قـرن چهارم اسـت و با عضدالدّولـه دیلمی و ابن العمید

و صاحـب بـن عبّـاد و وزیر مهلّبـی، وزرای دانشـمند شـیعی‌مذهب معاصرِ خود بسیار مربوط بـوده و شـرح احوال او درِ کتبِ معـروف تراجم از جمله در «الفهرست» و اللُّباب نَوَوِی و یتیمة‌الدّهر و اعیان‌الشـیعه آمده و اشـعار شیوایی نیز از او نقل شـده اسـت و کتاب شریف او از مستندات و مراجع همـهٔ کتاب‌هایـی اسـت که در آن بـاب پس از او تألیف شده است.

و مهمتریـن این کتابها کتـاب «مقدمةُ ابن الصّلاح و محاسنُ الاصطلاح» مشهور به «مقدّمه» تألیـف أبـو عمـرو تقیّ‌الدین عثمان بـن الصّلاح (متوفی به سال ۶۴۳) رحمه‌الله است که چاپ اخیر و منقّـح و مصحّـح آن را آن بزرگترین و فاضلترین بانوان مسـلمان در قـرن چهاردهم علی‌الاطلاق یعنی سـیّده بانو دکتر عائشـه عبدالرحمن معروف به لیلی بنت الشـاطئ رحمهاالله تعالی به اهل علم هدیه فرموده است.

امّا در مورد آئین‌ها و آدابی که راوی یا محدّث یا معلّم از سوئی و مستمع یا مستملی و یا دانشجو از دیگر سـو می‌بایسـت آن را رعایت کند، شـاید غیر از آنچه در «احادیث» شـریف ذکر شده است، کتاب «أدب الطّلب» و «ادب الإملاء و الاستملاء» ابوسـعد سـمعانی (مؤلّف الأنساب، متوفی ۵۶۲) و سـپس همین کتاب «تذکرهٔ السّامع و المتکلّم فی آداب العالم و المتعلّم» است که این فقیر ناچیز این مقدمـه نـه چندان مختصـر را در معرّفی آن کتاب شـریف و تحسین و تمجیدی واقعی و بی‌مبالغه‌ای از ترجمهٔ آنکه با کمال دقّت و امانت توسّـط اسـتاد دانشمند و محقق ارجمند جناب دکتر ساکت دامت افاضاته صورت گرفته است، می‌نگارد.

ادامه دارد

معرفی کتاب «علم و دین»

علم و دین در گذر زمان



● شهرام تقی‌زاده انصاری

«علم و دین» تألیف: دکتر مهدی گلشنی
انتشارات: دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی

راقم این سطور بر خود لازم می‌داند برای اهمیت موضوع کتاب نکاتی از رابطه علم و دین از نظر بزرگان را درج کند: جرج سارتن می‌گوید: در تمام ادوار تاریخ، علم و دین در یکدیگر تأثیر متقابل داشته و دارند. رنه دکارت: نه علم، دین را در تنگنا قرار می‌دهد و نه دین، علم را؛ استقلال هر دو مقوله قابل پذیرش یکدیگرند. ویلهلم هگل: علم و دین، دو حقیقت مستقل نیستند، بلکه هر دو از حالات ضروری عقل محسوب می‌شوند و برای رشد عقل دنبال یکدیگرند. هربرت اسپنر: غالباً دیده می‌شود که دین و علم با یکدیگر تضاد دارند، اما عده زیادی معتقدند که اصول علم و دین ناسازگاری اساسی با هم ندارند.

ماکس پلانک و اینشتین معتقدند: هرگز تضاد واقعی میان علم و دین پیدا نخواهد شد چون هر یک مکمل دیگری است.(نقل از کتاب اینشتین و مذهب، ماکس یامر). وایتهد: علم و دین، هر یک قسمتی از جهان را توصیف می‌کند، ولی هر دو با هم می‌توانند تصویر کاملی از جهان را ارایه دهند.

کتاب «علم و دین» شامل یک پیشگفتار از آیت‌الله سبحانی و یک مقدمه از آقای دکتر گلشنی و ۱۴ فصل در ۳۶۰ صفحه است. از آنجایی که کتاب حجیم است، راقم این سطور سعی کرده بیشتر به مباحث علم و دین و شرح آنها بپردازد. لذا برای فصول دیگر باید به کتاب رجوع شود.

استاد محترم آقای دکتر مهدی گلشنی برای نوشتن این کتاب سال‌ها کار کرده‌اند و در آن حدود ۴۰۰ ارجاع داده‌اند(انگلیسی و فارسی) که نشان‌دهنده دقت، وسعت، فعالیت و دید ایشان می‌باشد. لذا از ایشان کمال تشکر را داریم.

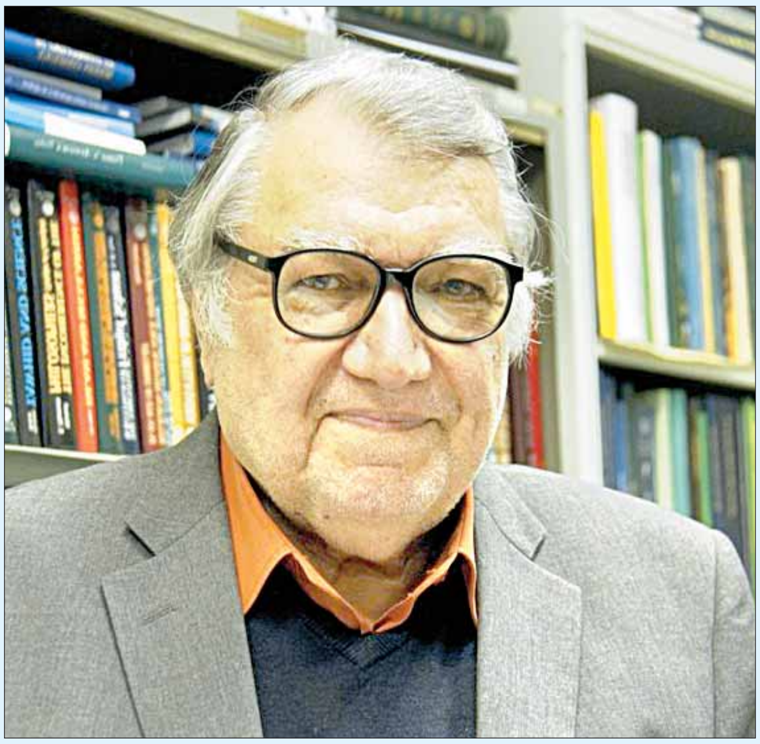
پنج فصل کتاب که موضوع اصلی کتاب است، به طور تفصیل در معرفی کتاب خلاصه شده و دیگر فصول عبارتند از: کیهان‌شناسی و خلقت؛ استدلال بر وجود خداوند بر اساس شواهد علمی؛ معجزه؛ مسئله شرور در جهان؛ هدفداری جهان؛ معاد، ارزش‌ها و مسایل اخلاقی در علم و فناوری؛ چرا علم دینی؟؛ علم آینده چارچوبی جامع لازم دارد.

آقای دکتر گلشنی در مقدمه خود بعد از مروری در دیدگاه‌های گوناگون درباره علم و دین در تاریخ، می‌نویسند: «کتاب حاضر کوششی در جهت تبیین چالش‌های عرضه شده توسط علم معاصر در برابر ادیان الهی است. اکثر کتاب مبتنی بر درسی است که اینجانب در سال ۱۳۷۴ در گروه فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف ارایه کردم و در همان سال موفق به اخذ جایزه درسی «علم و دین» بنیاد تمپلتون شد. اینجانب در نیمسال دوم سال تحصیلی ۷ـ۱۳۹۶ نیز این درس را با اضافاتی بسیار ارایه کردم و این کتاب حاصل درس جدید است.

در این کتاب با ارجاع به افکار بعضی از متفکران برجسته غربی نشان داده شده که در بسیاری از مسایل مطرح بین علم و دین؛ مشترکات بسیاری بین متفکران متدین غربی معاصر و فلاسفه و دانشمندان مسلمان وجود دارد، و اینکه با تبعیت از جهان‌بینی اسلامی، مسلمانان می‌توانند به یک پیشرفت مطلوب پایدار دست یابند.»

فصل اول: علم و دین در جهان اسلام

۱ـ مفهوم اسلامی علم: به طور کلی برداشت ما از روایاتی مانند: طلب علم بر هر مسلمانی واجب است؛ علم را بجویید گرچه در چین باشد؛ علم گمشده مومن است، پس آن را کسب کنید، گرچه از دست مشرکان باشد، این است که اولاً بعضی علم را معارف خاص اسلامی گرفته‌اند، ولی ما معتقدیم که علم اسلامی، دانش‌های گوناگونی را دربر دارد و هر علمی که ما را به خدا نزدیک کند، علم مورد نظر اسلام است و الا مفید نیست. در واقع علم اسلامی فقط معارف خاص اسلامی نیست. دلیل دیگر برداشت علمای بزرگ قرون اول اسلامی از علم است که باعث شد که با ترجمه علوم، ملل دیگر آنها را بررسی کنند.



دکتر مهدی گلشنی

۲ـ علل شکوفایی علم در قرون اول: با استناد به اقوال جرج سارتن و نلینو در مورد تاریخ علم در اسلام و شکوفایی آن، استدلال شده که آنها منشأ پرعظمت عصر شکوفایی علم در اسلام را در نقش محوری قرآن در جامعه اسلامی و تاریخ می‌دانند.

مولف محترم در ادامه، عوامل تکوّن تمدن درخشان اسلامی را توضیح می‌دهند که عبارتند از: الف ـ تشویق قرآن و سنت به کاوش طبیعت و فراگیری علم ب ـ تشویق به کسب علم از هر منبع ج ـ بزرگداشت علما د ـ حاکمیت روح تسامح هـ پیروی از برهان و ـ حقیقت‌جویی دانش‌پژوهان مسلمان ز ـ سخت‌کوشی دانشمندان مسلمان در کسب معرفت ح ـ جامعیت علم اسلامی و وحدت علوم اسلامی

۳ـ علل انحطاط علم در دیار مسلمانان: بعضی علل زیر را در این مورد برشمرده‌اند: هجوم مغول و نصاری بردیار مسلمانان؛ اعتقاد به تعارض علوم دینی و علوم عقلی؛ رواج تصوف؛ جنگ‌های صلیبی.

آقای دکتر گلشنی عقیده دارند که عامل اصلی و عمده، نضج گرفتن مکتب اشعری بود که زمینه را برای ایجاد عوامل دیگر فراهم کرده است چون جلوی بحث آزاد بین دانشمندان را گرفت و اصحاب عقل را تحت فشار قرار داد که باعث رشد جریان‌های ضد عقلی شد، او در ادامه پس از نقل عقاید آنها به نقد آنها پرداخته است. موضوع بحث بعدی، علت عدم شروع علم جدید در جهان اسلام از نظر عربی‌ها مطرح شده که مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و آقای دکتر گلشنی جواب اشکالات آنها را توضیح می‌دهند. به طور خلاصه این علل عبارتند از: ۱ـ نسبت دادن همه چیز به طور مستقیم به خداوند ۲ـ فقدان بعضی از پیش‌فرض‌های علم در جهان اسلام ۳ـ تعصب مسلمانان نسبت به میراث گذشتگان ۴ـ فقدان ظرفیت عقلانی برای نوآوری چون مسلمانان فقط نقش انتقال‌دهنده علوم یونانیان به اروپا بودند.

فصل دوم ـ علم و دین در اروپای پس از قرون وسطی

جهان بینی ارسطویی: ارسطو جهان را یک دنیای منظم دارای مراتب می‌دانست که در رأس آن، محرک اول قرار دارد. وی عدم تغییر ظاهری در آسمان‌ها را حاکی از ازلیت آنها می‌دانست. فیلو پونس می‌گفت: جهان ساخته یک ماده و محکوم یک قانون است و خدا پس از خلقت، تولد عناصر از یکدیگر و تولید، اشیاء از عناصر را به طبیعت سپرد.

قرون وسطی: در این قرون، توجه معطوف به علت غایی بود. اما جستجوی غایات نتیجه این برداشت بود که هر چیزی در سلسله مراتب هستی، جایی برای خود دارد زیرا آفریده خداوند است که قصد و غایت دارد.

در تفکر قرون وسطی، محرک غیر متحرک ارسطو با آفریننده دانا و توانای مسیحیت تطبیق داده شد و معمار آن توماس آکوئیناس بود که عقیده داشت، الهیات و فلسفه نمی‌توانند تعارض داشته باشند ... عقل راهگشای ایمان است و می‌تواند به بعضی از حقایق الهیات پی ببرد...

او برهان وجوب و امکان را ارایه کرد که از حدوث جهان وجود، علت العلل را نتیجه گرفت .... او خداوند را مدبر همیشگی طبیعت می‌دانست و نه آفریدگار آن.

شروع علم جدید: قرن هفدهم، قرن تحول سریع در جهان بینی بشر بود و می‌توان از تولید علم جدید سخن گفت. شاخص علم جدید، ترکیب استدلال ریاضی و مشاهده تجربی بود. در علم جدید، تبیین غایت شناختی جهان جای خود را به تبیین توصیفی داد. گالیله نمی‌گفت، چرا اشیاء سقوط می‌کنند، بلکه می‌پرسید چگونه؟ در واقع دانشمندان متدین نیمه دوم قرن ۱۷ منکر غایت در طبیعت نبودند، اما نمی‌گفتند، غایات نباید در توصیف علم نقش داشته باشد.

دو نقطه عطف مهم در پیشرفت علم جدید، کتاب «گفتگوهای» گالیله و کتاب «اصول ریاضی فلسفه طبیعی» نیوتن بود.

گالیله دانشمندی متدین بود و بین عقاید دینی و علمی خود تعارض نمی‌دید. او عقیده داشت که برای مطالعه طبیعت باید از حواس و عقل‌مان استفاده کنیم. محاکمه گالیله که به علت تبعیت او از نظریه خورشید مرکزی کپرنیک صورت گرفت، زمینه را برای دور شدن دانشمندان از کلیسا فراهم کرد.

نیوتن عقیده داشت که جهان شبیه یک ماشین پیچیده است که از قوانینی تغییر ناپذیر تبعیت می‌کند و هر جزءاش دقیقاً پیش بینی‌پذیر است.

نظم موجود در طبیعت: این که نظم و قانونمندی طبیعت نشانه وجود خداوند است، چیزی بود که همه بزرگان فیزیک کلاسیک قبول داشتند.

نیوتن می‌گفت: «این سیستم زیبایی خورشید، سیارات، ستاره‌های دنباله‌دار تنها می‌تواند از قلمرو یک موجود دانا و توانا نشئت گرفته باشد»، «آیا از آثار و آیات طبیعت بر نمی‌آید که موجودی غیرجسمانی ، حی و حکیم وجود دارد»

هدف فیزیک دانان کلاسیک از مطالعه طبیعت چه بود؟: اکثر آنها می‌گفتند که انگیزه‌شان در پژوهش‌هایشان در علوم طبیعت، دست‌یابی به اسرار خداوند در عالم خلقت و کشف عظمت خداوندی است.

لایب نیتس می‌گوید: «این خصوصاً در علم است... که ما عجایب خداوند را می‌بینیم ـ قدرت، حکمت و نیکی او را... به این علت من از ابتدای جوانیم خود را به علومی که دوست دارم سپرده‌ام»

بویل: «رسالت علم، آشکار کردن صُنع شگفت‌انگیزی است که خداوند در جهان آورده است»

فارادی: توجیه نیروهای نقلی، الکتریکی و مکانیکی را حاکی از حکمت و قدرت خداوند در جهان مخلوق می‌دانست. ماکسول هم در «دعای یک عالم» همین نکات را گفت.

تاثیر ملاحظات کلامی روی فیزیک: بعضی فلاسفه و فیزیک دانان میل داشتند، برخی از قوانین فیزیکی را با حکمت خداوندی مربوط کنند. لایب نیتس باورداشت که وجود هر چیزی در فیزیک را باید این طور توجیه کرد که خداوند اعلی از روی حکمت عمل می‌کند.

دلایل رشد علم در اروپا: استدلال شده که مجموعه‌ای از عقاید لازم است تا انگیزه برای کاوش‌های علمی شود. علم بدون مفروضات قبلی پیشرفت نمی‌کند و این پیش فرض‌ها بستگی به شرایط فرهنگی حاکم بر محیط دانشمندان دارد.

یکی از علت‌های رشد علم، «قابل فهم بودن طبیعت است». در واقع حکمای قرون وسطی با الهام از آموزش‌های مسیحیت اعتقاد داشتند که:

۱ـ جهان خیر است، چون مخلوق خداوند است. ۲ـ جهان مخلوقی معقول است، زیرا با خداوند عاقل خلق شده است. ۳ـ جهان قانونمند است، چون در کتاب «کتاب حکمت» آمده که خداوند هر چیزی را به اندازه آفرید. ۴ـ جهان برای ذهن انسان قابل فهم است، زیرا خداوند دستور داد که بشر زمین را تحت سیطره تسخیر خود قرار دهد.

با نظر به این آموزش‌ها، وایتهد، تکون علم جدید را ناشی از الهیات قرون وسطی می‌داند. در حالی که تکون علم جدید توسط مسیحیان متدین بود، در ظرف یکی دو قرن بعد با پیدایش مکاتب تجربه‌گرا، دانشمندان و فلاسفه کوشیدند، مذهب را نادیده بگیرند، از جمله آنها هیوم، آگوست کنت، داروین، فروید و ... بودند.

رشد دین زدایی و عوامل موثر آن: توفیق اندیشه‌های نیوتن در توضیح رفتار سیستم‌های فیزیکی تکلیه بر عقل را تقویت کرد به طوری که بسیاری از دانشمندان به توانایی و کمال انسان اطمینان بیش از حد پیدا کردند و این مسئله روی الهیات اثر گذاشت و نقش دین بیشتر به اخلاقیات محدود شد. در قرون ۱۸ و ۱۹ این دیدگاه‌ها بیشتر تقویت شد به‌طوری که ۰۰۰

ادامه دارد

چند روش مقابله با سیل

سیل یکی از بلاهای طبیعی محسوب می‌شود و در برخی کشورهای جهان وقوع سیل بیش از دیگر نقاط جهان است. این کشورها روش‌های خاصی برای کاهش خسارت‌های ناشی از سیل و همچنین مدیریت آن به عنوان منابع آبی آینده دارند.

به گزارش ایسنا به نقل از ایندیپندنت، در ادامه ۱۰ روش پیشگیری از خسارت‌های سیل و راهکارهای مقابله با سیل در آینده معرفی می‌شود:

۱–معرفی سیستم‌های هشداردهنده سیل

سیستم‌های هشداردهنده سیل می‌توانند زمان بیشتری برای انجام اقدامات در هنگام سیل ایجاد کنند و هشدار پیشگیرانه و از پیش برنامه‌ریزی شده می‌تواند تاثیرات ناشی از وقوع سیل را به‌طور قابل توجهی کاهش دهد. یکی از کشورهایی که در این زمینه اقدامات جدی انجام داده بریتانیا است که سیستم‌های هشداردهنده سیل خود را به مرور زمان تقویت کرده است.

۲– تغییر ساختار منازل و محل کار

لورنس واتراهوس، مهندس عمران و مدیر شرکت«Pell Frischmann» اظهار کرد: باید بر روی «انعطاف‌پذیری در مقابل سیل» تمرکز شود نه طرح‌های دفاع در برابر سیل. او بتن‌سازی کف و جایگزینی موادی مانندMDF و گچ تخته با مواردی قدرتمندتر را توصیه می‌کند. به نظر وی ما باید با سیل زندگی کنیم پس باید آمادگی رویارویی با سیل را داشته باشیم. پیشنهاد وی در این زمینه، ساخت خانه‌های ضد آب و انتقال سوکت‌های الکتریکی به مکان‌های بالاتر بر روی دیوارها است.

۳– ساخت سازه‌ها با ارتفاع بالاتر از سطح سیل

پروفسور دیوید بالمفورت، متخصص در مدیریت خطرات سیل در بریتانیا اظهار کرد: باید تمامیساختمان‌های جدید، یک متر بالاتر از سطح زمین برای جلوگیری از آسیب‌های سیل ساخته شوند. وی در ادامه افزود: مقابله در برابر سیل نیز باید با روش‌های نوآورانه‌ای برای کاهش خطر بلایای طبیعی باشد.

۴–مقابله با تغییرات اقلیمی

دانشمندان بر این باورند که تغییرات اقلیمی باعث افزایش بلاهای طبیعی شده است. پس تمامی کشورها باید به توافق نامه آب و هوایی پاریس وفادار باشند.

۵–افزایش هزینه‌های مقابله در برابر سیل

در برخی کشورها هزینه‌های خاصی برای مقابله با سیل اختصاص داده می‌شود. برای بهبود عملکرد در برابر وقوع سیل باید این ارقام تغییر کنند.

۶– حفاظت از تالاب‌ها و معرفی گیاهان و درختان در مهار سیل

ایجاد تالاب‌های بیشتر می‌تواند سرعت جاری شدن سیلاب را کاهش دهد و مانند اسفنج، رطوبت را در خود نگه دارد، اما اغلب این مناطق به دلیل توسعه کشاورزی و ساخت و ساز تخریب می‌شوند. پس توقف جنگل زدایی و تخلیه تالاب‌ها روشی مهم در کاهش سیل محسوب می‌شوند.

۷–بازگرداندن رودخانه‌ها به حالت طبیعی خود

بسیاری از کانال‌های رودخانه در گذر زمان به منظور بهبود قابلیت حمل و نقل مناسب تغییر کرده‌اند. برگرداندن این کانال‌ها به صورت طبیعی خود جریان سیلاب را کاهش خواهد داد.

۸– مناطق ذخیره‌سازی آب

در برخی کشورها برای استفاده از سیل‌ها و افزایش منابع آبی، مخازنی برای جمع‌آوری سیلاب ایجاد شده است. یکی از این مناطق بریتانیا است که مخازن خاصی در خیابان‌ها ایجاد کرده است.

۹–بهبود شرایط خاک

مدیریت نامناسب خاک، ماشین‌آلات و سم حیوانات بر روی زمین می‌تواند سبب فشرده شدن خاک شده و در نتیجه به جای جذب آب و نگهداری از آن، آب بلافاصله خارج شده و در واقع مانعی در جذب سیلاب محسوب می‌شود.

۱۰–ایجاد موانع در مسیر سیلاب ها

آژانس محیط زیست بریتانیا برای کاهش ورود سیلاب، موانع متحرکی در مسیر خطر سیل ایجاد کرده است. این موانع موقت می‌تواند به روش دفاعی دائم در برابر سیلاب نیز تبدیل شود. فرانک کلی، مدیرعامل شرکتUK Flood Barriers ساختاری هوشمند در این موانع ایجاد کرده که به طور خودکار در زمان لازم، عملکرد مورد نیاز را اجرا می‌کند.

قاب امروز



در حاشیه نمایشگاه بین المللی کتاب تهران/عکس از: امین جلالی

سرایه

نه یار نوازد به کرم یک روزم
نه بخت که بر وصل کند پیروزم
چون شمع برابر رخش گه گاهی
از دور نگه می‌کنم و می‌سوزم

عبیدزاکانی

پند بزرگان

اگر زیبایی را آواز سر دهی، حتی در تنهایی بیابان، گوش شنوا خواهی یافت

خلیل جبران

اگر زمانی دراز به اعماق نگاه کنی، آنگاه اعماق هم به درون تو نظر می‌اندازند

فردریش نیچه

امروز در تاریخ

روز جهانی«آزادی مطبوعات»

یکم ماه می، پیش از آن که به عنوان «روز جهانی کارگر» تعیین شود «روز آزادی مطبوعات» اعلام شده بود. این تصمیم در سال ۱۸۱۹ در فرانسه اتخاذ گردید که به تدریج جهانی شده است و در این روز از سوی اتحادیه ها، سندیکاها و انجمن های روزنامه نگاران جشن و جلسات سخنرانی برگزار می شده است.

مجمع عمومی سازمان ملل در دسامبر ۱۹۹۳ به خواست روزنامه نگاران قاره آفریقا و با توجه به قطعنامه ای که این روزنامه نگاران در نشست خود در سال ۱۹۹۱ در پایتخت نامیبیا تصویب کرده بودند و نیز استناد به سابقه تاریخی «روز آزادی مطبوعات» که در سال ۱۸۱۹ در فرانسه اعلام شده بود؛ روز سوم ماه می هر سال راWorld Press Freedom Day اعلام کرد.

علت تغییر این روز از اول به سوم ماه می این بود که مراسم این روز با روزجهانی کارگر با هم تداخل نکنند.

بازنشسته‌شدن‌داوطلبانه‌امپراتور

دیو کلتیانوس امپراتور روم که شهرت ضدیت شدید با مسیحیت داشت اول ماه می سال ۳۰۵ میلادی بدون داشتن دشواری اعلام داشت که از همین هفته خود را بازنشسته می کند و به زندگانی معمولی و همانند یک تبعه ساده بازخواهد گشت و بقیه عمر را به دور از صحنه سیاست خواهد گذرانید.

روز جهانی کارگر

یکم ماه می، روزجهانی کارگران است. ده ها سال است که به این مناسبت در این روز، در کشورهای مختلف مراسم ویژه برگزار می شود. ایالات متحده و کانادا نخستین دوشنبه هر سپتامبر را به عنوان «روزکارگر» برگزار می کنند.

مناسبت اول مه به عنوان روز کارگر به این لحاظ بوده است که در چهارم ماه می سال ۱۸۸۶ و در چهارمین روز اعتصاب و تجمع کارگران آمریکایی در شهر شیکاگو، پلیس به روی آنان آتش گشود که شماری کشته، عده ای مجروح و بعدا چهارتن نیز اعدام شدند. کارگران اعتصابی خواستار تعدیل شرایط کار و کاهش ساعات روزانه کار از ده ساعت به ۸ ساعت بودند.

ترور رئیس جمهوری فرانسه

پل دومه رئیس جمهوری وقت فرانسه اول ماه مه سال ۱۹۳۲ به دست یک روس به نام «پل گارگالوف» کشته شد. دومه که هنگام مرگ ۷۵ ساله بود در سال ۱۹۳۱ به ریاست جمهوری فرانسه انتخاب شده بود. گارگالوف از آنارشیست ها بود و معتقد به اصلاح جامعه از طریق از میان برداشتن افراد بد نیت و فاسد از هر طریق، ولو ترور بود.

www.iranianshistoryonthisday.com

جدول شرح در متن ۴۹۶۵

غلامحسین باغبان

زاویه ۹۰ درجه
پیری نزدیک به مرگ
مرطوب
از جزایر خلیج فارس
میوه هسته درشت
سنگواره
مکمل شلوار
امر رفتن
زمستان
ورزش زمستانی
نام مردانه
اصنام
پرنده‌ای شب پرواز
زیرکی و فرصت‌طلبی
سالار ملی
باختر
ا
جوهر گل
ستایش
ر
کارتن باز نشده
رشک‌بری، حسد
قله زاگرس
گریز آهو
مساوی
خاک
مردن از غصه
داستانی از امیل زولا
د
کرسی واعظ
نوعی کاغذ
نمره عالی
جواب پشتک
صوت درد
رسوم
آراسته و منظم
صدای بلند
جوهر مازو
ت

حل ۴۹۶۴

سودوکو ۲۴۵۲

۳			۴	۷			۶	
							۷	۵
		۵				۳	۸	۱
				۹	۴	۷		
۷			۱					۸
		۶	۸	۲				
۶	۱	۳				۹		
۸	۲							
	۵			۴	۲			۳

۸	۵	۲	۳	۹	۷	۴	۶	۱
۴	۶	۱	۸	۵	۲	۳	۹	۷
۳	۹	۷	۴	۶	۱	۸	۵	۲
۲	۸	۵	۷	۱	۳	۹	۴	۶
۹	۳	۴	۲	۸	۶	۷	۱	۵
۷	۱	۶	۵	۴	۹	۲	۸	۳
۶	۲	۸	۹	۷	۵	۱	۳	۴
۵	۴	۳	۱	۲	۸	۶	۷	۹
۱	۷	۹	۶	۳	۴	۵	۲	۸

حل ۲۴۵۱